

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

17 Subat 2017

11024

Hafizi Sinagi
080152

HAJIYAN, Khadijeh & KHODAYAR, Ebrahim.
Hafiz and *Morabete* (stationing): an analysis of
Mahdaviyyat in Hafiz poetry based on the couplet
235/2. *International Journal of Humanities of the*
Islamic Republic of Iran, 22 i (2015) pp. 87-108.
Abstract(s): Persian.

18 Subat 2017

- 11015 BROOKSHAW, Dominic Parviz. Mytho-political remakings of Ferdowsi's Jamshid in the lyric poetry of Injuid and Mozaffarid Shiraz. *Iranian Studies*, 48 iii (2015) pp. 463-487. Examines the Jamshid of Shahnameh and its Islamic refashioning in fourteenth-century Shiraz, as evidenced in the ghazals of Hāfez, and the lyric poetry of Khvāju-ye Kermānī, and 'Obeyd-e Zākānī (d. 1371). *Ferdowsi* 060414
Hafiz-i Shirazi 080132
Hafiz-i Shirazi 080106
Obeyd-i Zakeni 200018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA CELEN DOKÜMAN

HĀFİZ-İ ŞĪRĀZĪ

[Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad]

101 poemas / Hafez Shirazī .-- Eds del Oriente y del Mediterráneo, Guadarrama, 2002 :

Edit. Janés, Clara Editor: Taheri, Ahmad

Persian literature: classical

Bobzin, H. ; Rückert, F. ; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

70 östliche Rosen. Unveröffentlichte Hafis-übertragungen Rückerts .-- Lang, Bern, 1994 : Gott ist schön und Er liebt die Schönheit. God is beautiful and He loves beauty. Festschrift für Annemarie Schimmel zum 7. April 1992 . . . Festschrift in honour of Annemarie Schimmel presented . . . on April 7, 1992. Hrsg. /ed. A. Giese & J. C. Bürgel , pp. 53-70,

Skalmowski, W. ; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

A bewildering ghazal of Hafez .-- Cornelius, Kraków, 1996 : Iranica cracoviensia: Cracow Iranian studies in memory of Władysław Dulęba. (Ed. A. Krasnowolska) , pp. 265-271,

Blois, F. de; De Blois, F. ; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

A bilingual poem by Hāfiz .-- 1997 ISSN: 0030-5472 : Oriente Moderno, vol. 15 / 76 / 1996 ii pp. 379-384, (1997)

Hockey, S. M.

A concordance to the poems of Hafiz with output in Persian characters .-- 1973 : The Computer and literary studies, vol. Edited by A. J. Aitken R. W. Bailey And N. Hamilton-smith. Edinburgh. pp. 291-306, (1973)

Shams, Zahra; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

A la recherche de Hāfez: étude sur les traductions françaises de l'œuvre de Hāfez, 1800-1852 .-- 1997
ISSN: 0078-6578 : Orientalia Suecana, vol. 45-46, 1996- pp. 123-135, (1997)

; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

Meisami, Julie Scott

A life in poetry: Hāfiz's first ghazal .-- Rozenberg; West Lafayette: Purdue University Press, Amsterdam, 2007 : The necklace of the Pleiades: studies in Persian literature presented to Heshmat Moayyad on his 80th birthday. Franklin Lewis & Sunil Sharma (eds) , pp. 163-181,

Persian literature: classical; Hāfiz, Shams al-Dīn Muhammad

Ghani, Ghassem

A comparison of the translation into English of a selection of the poems of Hafiz by Gertrude Bell with the original text .-- Ghani, London, 1981 :

Persian literature: classical

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

11 Ocak 2019

Fahri el-Huevi

6063003

Hafız-ı Shirazi

080192

54168



پیوندهای بینامتنی دیوان فخری هروی و حافظ شیرازی

دکتر مهدی فیروزیان*

چکیده

فخری هروی، شاعر، تذکره‌نویس و مترجم سده دهم شبه قاره است که سال‌های بسیاری از عمر خود را در سند و هند گذرانده است. در این جستار برای یافتن چند و چون اثرپذیری فخری از حافظ، نخست غزل‌هایی از او را که در وزن و قافیه و ردیف با غزل‌هایی از حافظ همسان هستند از دیوان او به‌درکشیده‌ایم. سپس در این غزل‌های هماهنگ همانندی‌های لفظی و معنوی میان شعر دو شاعر را یافته‌ایم تا درباره هر یک از نمونه‌ها درصد سستی یا درستی این گمان که فخری به‌راستی غزل حافظ را پیش چشم داشته است روشن شود. در بخشی دیگر نیز تضمین‌های فخری از شعر حافظ را آورده‌ایم که در آن بخش تأثیرپذیری بی‌چون و چرای او از غزل‌سرای شیرازی آشکار است.

کلیدواژه‌ها: حافظ، فخری هروی، استقبال، تضمین، همانندی.

*. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

۳۵۱-۳۷۰

شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

دبیر: محمدرضا نصیری

مدیر داخلی: نسیم عظیمی‌پور

ویراستار: نسیم عظیمی‌پور

شورای مشاوران: چندر شیکهر (دانشگاه دهلی)، حسن رضایی باغبیدی (دانشگاه تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، فتح‌الله مجتبائی (دانشگاه تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، محمدرضا نصیری (دانشگاه پیام نور، فرهنگستان زبان و ادب فارسی).

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: نرگس عباسپور

طراح جلد و ناظر چاپ: حسین میرزاحسینی

بهای تک‌شماره: ۱۵۰۰۰۰ ریال



وب‌سایت
نامه فرهنگستان

کد پستی: ۱۵۳۵۶۳۳۲۱۱

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰

پیام‌نگار: farnameh@persianacademy.ir

وبگاه: www.persianacademy.ir

این نشریه در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی www.SID.ir نمایه شده است.

شماره حساب مجله: ۷۸۰۳۱۹۰۰۱۵ بانک تجارت،

شعبه نوآوران، کد ۴۰۰

دارای درجه علمی - پژوهشی

مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نمایه‌شده در

پایگاه اسنادی علوم جهان اسلام (ISC) و ایران ژورنال

نامه فرهنگستان

مدیر مسئول: غلامعلی حدّادعادل

هیئت تحریریه: محمدرضا ترکی، غلامعلی حدّادعادل،

محمد دبیرمقدم، حسن رضایی باغبیدی، احمد

سمیعی (گیلانی)، علی‌اشرف صادقی، کامران فانی،

ابوالحسن نجفی، محمدرضا نصیری

سرمدبیر: احمد سمیعی (گیلانی)

مدیر داخلی: زهرا دامیار

نشانی: تهران، بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو،

مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی

MADDE YAYIMLANDIKTAN 25 Temmuz 2018
SONRA GELEN DOKÜMAN

1907 RODRÍGUEZ VARGAS, Joaquín. Bibliomancias
con el Diván de Háfiz. *Mundo Iranio*, 3 (2013)
pp. 88-90.
Hafiz-i Shirazi
080132

03 Mart 2019

Hafiz-1 Sirazî
080192

D825

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



REINTRODUCING HAFEZ TO READERS IN RUM: SUDİ'S
INTRODUCTION TO HIS COMMENTARY ON HAFEZ'S POETRY
COLLECTION*

Selim S. KURU* - Murat U. İNAN**

Studies on the 'influence' of Persian classics on individual Ottoman Turkish literary genres and works generally evade presenting a historical frame and the dynamics behind this so-called 'influence'. One result of this situation is that the conspicuous relationships between Persian and Ottoman Turkish poetry and prose remain an uncharted territory in modern scholarship.¹ One of the reasons behind the failure to go beyond a story of influence is a lack of sensitivity on the intertwined nature of two literary traditions that are shaped by dialogue rather than one-sided influence. Stories of influence abound in each scholarly field devoted to the study of each tradition, and scholars are generally reluctant to pass across the linguistic and disciplinary boundaries in order to understand the literary interaction between the two traditions. However, there is enough evidence that in the Persianate literary traditions there has been a constant activity of evaluation and transformation of models that refreshed and reshaped the classical canons for a wider literary sphere throughout centuries. For example, intellectuals of Rum, or today's Anatolia, were careful readers of particular Persian canonical texts that were available, and they were reevaluating and transforming those texts in relation with the available local models and in

* Murat Umut İnan is working on a historical and analytical study of Sudi's commentary on Hafez's *Divan* under the supervision of Selim S. Kuru and with the inspirational and never-ending support of Walter G. Andrews. Since the time İnan chose Sudi's work as his dissertation project, both him and Kuru have had the opportunity to benefit from Andrews' illuminating mind which has been playing an important role in their approaches to Ottoman Turkish literature. In a way, Sudi and his texts have become a candle for this scholarly *meclis* of friendship. We wanted this small article to be a souvenir for Prof. Walter G. Andrews in the form of an expression of gratitude and friendship.

* Associate Professor, University of Washington, Seattle, WA, USA.

** Ph.D. Candidate, University of Washington, Seattle, WA, USA.

1 Towards a general historical and historiographical understanding of mechanisms behind the relations between Persian and Ottoman Turkish literatures, Ahmet Kartal's works provide an illuminating exception, e.g. see: "Osmanlı Medeniyetini Besleyen Kültür Merkezleri -Edebî Açıdan- : XI. Asırdan XVI. Asrın Sonuna Kadar Türk Edebiyatı ve Fars Edebiyatının Münasebetleri" (PhD diss., Gazi University, 1999), pp. 1-69.

علی تقریزی، کتاب الخط المقریزی، لبنان [۱۹۵۹]؛ نجده خماش،
الإدارة فی العصر الاموی، دمشق ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛

EP, s.v. "Dīwān. I: the Caliphate" (by A. A. Duri), "ibid.
III: Muslim West" (by G. S. Colin).

/ علی غفرانی /

دیوان حافظ، مجموعه اشعار شمس الدین محمد

حافظ شیرازی، شاعر قرن هشتم.

شمس الدین محمد گل اندام، گردآورنده دیوان حافظ پس از درگذشت او، در مقدمه این اثر گفته است حافظ با هرگونه تدوین اشعارش مخالفت می کرد و «ناپروایسی روزگار» و «غدر اهل عصر» را عذر می آورد (حافظ، چاپ نیساری، ص ۲۷). حافظ به خوبی می دانست که برخی از عبارتها در غزلهایش به منزله مدارکی هستند که ممکن است برای او ناگواریهایی ایجاد کنند. از این رو، نمی خواست هیچ نوشته ای به خط خودش در دسترس باشد. به موجب قرائتی در چگونگی املاي بعضی از کلمات در نسخه های خطی، که متضمن اشتباههای شنیداری است، گمان می رود حافظ متن اشعارش را به جای اینکه به خط خود در اختیار علاقه مندان قرار دهد، برای آنان قرائت می کرد و خواستاران متن هر غزل، آن را خود کتابت می کردند. برای نمونه، املاي کلمه «خان» در مصرع «بیا که ترک فلک خان روزه غارت کرد» در نه نسخه خطی متفاوت است (حافظ، ص ۴۶۷).

اقدام احتیاطی دیگر حافظ این بود که برای مصرع یا بیتی که انتقادی گزنده از افرادی چون امیرمبارزالدین یا شاید امیر تیمور دربرداشت، قرائتی متفاوت می سرود و آن را در مواقع ضروری عرضه می کرد. برای مثال، برای مصرع «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد» (حافظ، ص ۱، ص ۶۱۹)، مصرع «خرقه پوشان دگر مست گذشتند و گذشت» را سروده است (حافظ، همان چاپ، ص ۱۸۹). همچنین برای بیت به خویان دل مده حافظ ببین آن بیوفاییها / که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی، این بیت را سروده است: به شعر حافظ شیراز می رقصند و می نازند / سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی (حافظ، همان، ص ۴۱۸).

دیوان حافظ چند قرن پیش از رواج صنعت چاپ، که کتابها با دست نویسی تکثیر می شدند، بیش از هر دیوان دیگر استنساخ شده است. در دوره رواج چاپ نیز، به ویژه در سالهای اخیر، افزونی شمارگان چاپ دیوان حافظ بیانگر علاقه مندی و استقبال مردم از این اثر جاودانه شعر فارسی است. در نسخه های دیوان حافظ، دگرسانیها در ضبط کلمات و

شهود از دیگر کارکنان دیوان در این دوره بودند که همگی تحت امر ناظرالجیش فعالیت می کردند (حافظشندی، همانجا).

در میان خاندانهای حکومتگر در شمال افریقا و اندلس نیز از دیوان جند، دیوان جیش، دیوان العساكر یا دیوان اهل الثغور سخن رفته که متولی ارزاق و اعطیات سپاهیان بوده و فردی به نام «صاحب» بر آن ریاست می کرده است (حافظشندی، ص ۲۶۴؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۱۳؛ مقرئ، ج ۶، ص ۲۵۸؛ د. اسلام، ذیل "Dīwān.III").

منابع: ابن ابی الریع، سلوک المالك فی تدبیر الممالك، چاپ عارف احمد عبدالغنی، دمشق ۱۹۹۶؛ ابن اثیر؛ ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنة فی اعیان المائة الثامنة، ج ۱، حیدرآباد، دکن ۱۹۷۲/۱۳۹۲؛ ابن شاهین، کتاب زیادة كشف الممالك، چاپ پل راوس، پاریس ۱۸۹۴، در الجغرافیا الاسلامیة، چاپ فؤاد سرگین، ج ۷۹، فرانکفورت ۱۹۹۳/۱۴۱۳؛ ابن قزّاء، الاحكام السلطانیة، چاپ محمد حامد فقی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ ابن قاضی شهید، تاریخ ابن قاضی شهید، چاپ عدنان درویش، دمشق ۱۹۹۴-۱۹۷۷؛ ابن وهب کاتب، البرهان فی وجوه البیان، چاپ احمد مطلوب و خدیجه حلیش، بغداد ۱۹۶۷/۱۳۸۷؛ ابوشجاع وودراوری، ذیل کتاب تجارب الامم، چاپ آمدروز، مصر ۱۹۱۶/۱۳۳۴، چاپ افت بغداد [بی تا]؛ عبداللّه بن محمد بطلیوسی، الاقتضاب فی شرح ادب الکتاب، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، کتاب جمّل من انساب الاشراف، چاپ سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷؛ محمد بن عبدوس جهشیاری، کتاب الوزراء و الکتاب، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلی، قاهره ۱۹۳۸/۱۳۵۷؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، چاپ مصطفی نجیب فوّاز و حکمت کشلی فوّاز، بیروت ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛ محمد بن احمد خوارزمی، مفاتیح العلوم، مصر ۱۳۴۲؛ حسام سامرائی، المؤسسات الاداریة فی الدولة العباسیة، دمشق ۱۹۷۱/۱۳۹۱؛ عبدالوهاب بن علی سبکی، معید النعم و مبدل النعم: الاصلاح السیاسی و الاداری فی الدولة العربیة الاسلامیة، بیروت ۱۹۸۳؛ عبدالعزیز سلّومی، دیوان الجند: نشأته و تطوره فی الدولة الاسلامیة حتّی عصر المأمون، مکه ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ هلال بن فتح صابی، کتاب تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء، چاپ آمدروز، لیدن ۱۹۰۴؛ محمد بن یحیی صولی، اخبار الراضی بالله و المتقی لله من کتاب الاوراق، چاپ میورت دن، بیروت ۱۹۷۹/۱۳۹۹؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ قدامة بن جعفر، الخراج و صناعة الکتاب، چاپ محمد حسین زبیدی، بغداد ۱۹۸۱؛ قلقشندی؛ حسین فلاح کسایه، المؤسسات الاداریة فی مرکز الخلافة العباسیة (الدواوین)، [مؤته] ۱۹۹۲/۱۴۱۳؛ محمد بن یوسف کندی، کتاب الولاة و کتاب القضاة، چاپ رفن گست، بیروت ۱۹۰۸، چاپ افت بغداد [بی تا]؛ علی بن محمد ماوردي، الاحكام السلطانیة و الولايات الدینیة، چاپ خالد السبع العلمی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰؛ عبدالواحد بن علی مراکش، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، چاپ محمد سعید عریان، قاهره ۱۹۴۹/۱۳۶۸؛ مسکویه؛ احمد بن محمد مقرئ، نفح الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۶۸/۱۳۸۸؛ احمد بن

روزگار کودکی او به تنگدستی گذشت. در نوجوانی، در دکان نانوائی به خمیرگیری مشغول شد، تا آنکه عشق به تحصیل دانش او را به مکتب‌خانه کشاند و در اثنای کسب معاش، به آموختن علم پرداخت. با جدیت خود را به جرگه طالبان علم رساند و در مجالس درس علما و ادبای زمان، در شیراز، شرکت جست. در جوانی، به آموختن قرآن و ادب عربی و اسلامی توجه کرد و در تفسیر، کلام، حکمت، و ادب متبحر شد (صفا، همان‌جا؛ عبدالنسی فخرالزمانی، همان‌جا).

به نوشته محمد گلندام، حافظ در دو رشته از دانش‌های زمان، یعنی علوم شرعی و ادبی، تبحر یافت. چون استاد او، قوام‌الدین، عالم قرائات سبع بود، طبعاً شاگرد هوشمندش نیز به این درس اشتغال داشت و در حفظ قرآن، با توجه به قرائات چهارده‌گانه، ممارست می‌کرد و از اینجاست که در اشعار خویش چندین‌بار بدین اشتغال اشاره کرده است. بنا به تصریح صاحبان تذکره‌ها، تخلص «حافظ» نیز به همین سبب است. پیوند حافظ با قرآن پیوندی ژرف و عمیق است. حافظ هم قرآن‌شناس بود و هم بلاغت‌شناس. او قائل به اعجاز قرآن بود. اشاره به قرآن در شعر حافظ بسیار است. او آیات یا عباراتی از قرآن را عیناً یا با اندکی تصرف، تضمین و درج کرده یا نقل به معنی و ترجمه کرده و در شعر خود آورده است. از وجوه دیگر پیوند عمیق حافظ با قرآن، همانا تأثیر ساخت و صورت سوره‌های قرآن در ساخت و صورت غزل‌های اوست (نفیسی، ص ۲۰۸۵؛ حافظ، چاپ قزوینی، ص قو، ص ۱۶۴-۱۸۳).

در دوران زندگی حافظ، شیراز وضع سیاسی آرام و باثباتی نداشت. عهد جوانی او مصادف بود با حکومت

شمس‌الدین محمدبن محمدبن محمد حافظ شیرازی، معروف به «لسان‌الغیب» و «ترجمان‌الاسرار»، شاعر غزل‌سرای قرن هشتم هجری قمری است.

در نسخه‌ای از اسکندرنامه، هشت بهشت، و خسرو و شیرین امیرخسرو دهلوی که به ترتیب در ۲۴ صفر و ششم ربیع‌الآخر و سیزدهم جمادی‌الاول ۷۵۶ ق به خط پخته این استاد بزرگ استنساخ شده است، کاتب خود را «محمدبن محمدبن محمد الملقب بشمس‌الحافظ الشیرازی» معرفی کرده است (صفا، ج ۳، بخش ۲، ص ۱۰۶۴-۱۰۶۵؛ اثر آفرینان، ذیل مدخل).

محمد گلندام، نخستین گردآورنده دیوان حافظ و دوست و هم‌درس او، نام و عناوین وی را چنین آورده است: «مولانا الاعظم، المرحوم الشهید، مفخرالعلماء، شمس‌الملة و الدین محمد الحافظ الشیرازی» (حافظ، چاپ قزوینی، س قح - قی). در بیشتر منابع، نام پدر او را بهاء‌الدین ذکر کرده‌اند که ممکن است لقب او بوده باشد. در شیراز متولد شد، اما درباره تاریخ ولادت و مدت عمر و خانواده او اطلاع موثقی در دست نیست. تاریخ دقیق ولادت او مشخص نیست، برخی آن را حدود ۷۲۷ ق ذکر کرده‌اند. جای تعجب است که از زندگی شاعری با این همه شهرت اطلاع چندانی در منابع نیامده است. ظاهراً، در کودکی یتیم شده و پس از مرگ پدر، همراه مادر در شیراز مانده است و دیگر برادرانش پراکنده شده‌اند (دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل؛ صفا، همان‌جا) به گفته عبدالنسی فخرالزمانی (ص ۸۵) پدر حافظ اصالتاً از مردم اصفهان بوده و به تجارت اشتغال داشته است و جد او در زمان اتابکان فارس به شیراز آمده و ساکن آن شهر شده است. مادرش از کازرون بوده و در شیراز سکونت داشته است.

علی اکبر ولایتی ve dğr.; , تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ISAM DN. 260935

H

01 Haziran 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Hāfiz

Shams al-Dīn Muḥammad **Hāfiz** was a Persian lyric poet who lived in Shiraz from about 715/1315 to 792/1390. He is widely known for his *Dīvān*, a collection of five hundred poems. His work crowns four centuries of Persian poetry. Lyric poetry, far removed from any sort of literalism, allowed him to convey his exceptional experience of love: "It was love that taught me to speak" (*Dīvān*, 53, 4; all references in this article are to vol. 1 of the 1983 Khānlarī edition; the *ghazal* number is followed by the couplet number). This resulted from his seduction by a beloved one who "pillaged (from me) forty years of knowledge and virtue" (*Dīvān*, 124, 6).

1. LIFE

Hāfiz reveals nothing that satisfies his biographers. We do not know his date of birth, but he died in 792/1390. His poems were composed in his maturity, as shown by dedications of some of them to particular princes or viziers. He was a citizen bound to his city, a Sunnī Muslim, Ash'arī in theology and Shāfi'ī in law, like his fellow citizens. He was, above all, steeped

in Sūfism. Persian literature nurtured his poetry, allowing him to express best what his spiritual quest inspired in him.

During the otherwise devastating conquests of the Mongols, the province of Fārs remained unaffected. The famous Moroccan scholar and traveller Ibn Baṭṭūṭa (d. c.770/1369) visited Shiraz in 728/1328, when Hāfiz was a young boy (Ibn Baṭṭūṭa, 554–68). The religious fervour of the inhabitants of the capital impressed Ibn Baṭṭūṭa. There were many public readers of the Qur'ān around the mausoleums: a *ḥāfiz* was a person who could recite the Qur'ān by heart. Hāfiz took that word as his pen name and signed all his poems with it, thus indicating that his poems were his own recitation of the Qur'ān. Iranians have always understood it that way. Hāfiz was not claiming a knowledge of the Qur'ān but asserting that he had "a Qur'ān in his heart" (*Dīvān*, 438, 7). Did he have a trade, a position? People have invented them for him. Some thought he was a calligrapher, confusing him with a namesake, a calligrapher from Shiraz. He frequented a Sūfī community and left it without remorse, because "one should not hobble the feet of free men" (*Dīvān*, 83, 7).

3228 GHANI, Ghassem. A comparison of the translation into English of a selection of the poems of Hafiz by Gertrude Bell with the original text. London: Ghani, 1981 (Memoirs of Ghassem Ghani, 6). 101+101pp.

22 HAZIRAN 1993

Tabāṭabā'i, Muḥammad Muḥiṭ. 89-930666
Anchih dar bārah-i Ḥafiz bāyad dānist /
majmū'ah-i az guftār'hā va nivīstah'hā-yi
Muḥammad Muḥiṭ Ṭabāṭabā'i. -- Chāp-i 1. --
[Tehran] : Mu'assasah-i Intishārāt-i Bi'gat,
1367 [1988 or 1989]
286 p. : facsim. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
600.00IR (\$6.24 U.S.)
For requesting libraries only.
(On the life and works of Ḥafiz, 14th
century Persian poet; addresses and articles)

10 ARALIK 1992

75790 DABASHI, H. "Hafiz: Interpreting the interpretations." (In Farsi). Iran Nameh 6, no. 4 (1988) 574-96.

10 7 TEMMUZ 1992

1918. Hurramshāhī, Bahā'ad-Dīn. Ḥafiz-nāma : sharh-i al-fāz, a'lām, mafāhīm-i kilidī wa adabiyāt-i duwār-i Ḥafiz / niwīstā-i Bahā'ad-Dīn Hurramshāhī. - Tih-rān : Sirkat-i Intishārāt-i 'Ilmī wa Farhangī [u. a.]
Parallelsacht.: Ḥafiz-nāmah : (a selective commentary on Ḥafiz' Ghazals). - Pers., in pers. Schr. 29 A 1854
1. - Čāp 1. - 1987. - 654 S. 29 A 1854-1
2. - Čāp 1. - 1987. - S. 655 - 1340 29 A 1854-2

10 7 TEMMUZ 1992

1915. Ḥafiz: [Dīwān-i kāmīl] Dīwān-i kāmīl-i Lisān al-Galb Ḥwāga Sams-ad-Dīn Muḥammad Ḥafiz Sirāzi. - Čāp 1. - Tih-rān, [1987] = 1366 h.s. - 584, 16 S. : ill.
Inhaltsangabe: Gedichtsammlung. - Pers. in pers. Schr. 28 B 997

1372. Maḡd-zāda Ṣahbā, Ḡawād. Suḥanī čand dar bāb-i aḡ-yal wa as'ār-i Ḥafiz / nigāris: Ḡawād Maḡd-zāda (Ṣahbā). - Čāp 2. - Tih-rān : Pūzang, [1988] = 1367 h.s. - 167 S. - (Magmū'a-i Ḥafiz-shināsi)
Inhaltsang.: Hafiz-Studien. - Pers., in pers. Schr. 8 E 2410

25 SUBAT 1992

HAFIZ-I SIRAZI 90-930211
Ḥafiz, 14th cent.
Ḥafiz-i mushā'irah / bih kūshish-i Mihr'angiz Maḡdshīrīyān. -- Čāp-i 1. -- [Tehran] : Silsilah-i Nashriyāt-i Mā, 1368 [1989]
7, [1], 235 p. : 25 cm.
Poems.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references
(p. [8] 1st group)
2800.00IR (\$26.21 U.S.)
For requesting libraries only.
(Selected poems, arranged in alphabetical order)

25 SUBAT 1992

HAFIZ-I SIRAZI 89-931763
Micro- Ni'mat Allāhī, Riqā Nūr.
fiche Ḥafiz-i mushā'irah / bih kūshish-i Mihr'angiz Maḡdshīrīyān. -- Čāp-i 1. -- [Tehran] : R.N. Ni'mat Allāhī, [1988?]
89/ 917, 5 p., [6] p. of plates : ill. (some col.) ; 25 cm.
59925 In Persian; romanized record.
4H, 121"
Errata: [2] leaves tipped in at end.
(Critical evaluation of the works of Ḥafiz, 14th century Persian poet; includes excerpts from his Dīwān)

25 SUBAT 1992

2864. Ḥafiz: Ghaselen / Muhammed Schemseddin Hafis. Aus d. Pers. übertr. von Friedrich Rückert. - Zürich : Manesse-Verl., 1988. - 163 S. - (Manesse-Bücherei ; 13)
ISBN 3-7175-8134-1 28 A 17606

24 ARALIK 1991

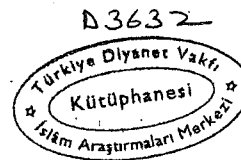
75806 JAHANPOUR, F. "Hafiz and Emerson." (In Farsi). Iran Nameh 6, no. 4 (1988) 559-64.

24 ARALIK 1991

75816 MATINI, J. "Editing Hafiz." (In Farsi). Iran Nameh 6, no. 4 (1988) 597-641.

24 ARALIK 1991

75820 MOTLAGH, D. "Hafiz and the Iranian national epic." (In Farsi). Iran Nameh 6, no. 4 (1988) 565-73.
75821 NODUSHAN, M. "Hafiz's poetic method." (In Farsi). Iran Nameh 6, no. 4 (1988) 521-58.



فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون
دوره دوم، سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۱

صاحب امتیاز: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول و سردبیر: رسول جعفریان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: کاظم آل‌رضا امیری

مدیر هنری: رضا سفیدکوهی

ویراستار: مرضیه راغبیان

حروفچینی: آذر سرخانی

لیتوگرافی: نقره‌آبی

چاپ جلد و متن: نقره‌آبی

ناظر چاپ: نیکو ایوبی‌زاده

مقالات مندرج در پیام بهارستان، مبتنی بر آرای نویسندگان آنهاست

پیام بهارستان در ویرایش مطالب آزاد است

استفاده از مطالب پیام بهارستان با ذکر منبع آزاد است

نشانی: تهران - میدان بهارستان - کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کد پستی: ۱۱۵۷۶۱۳۴۱۱

تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۱۳۷۸۰۳

دورنگار: ۰۲۱ - ۳۳۱۲۹۳۸۵

سایت: www.ical.ir

ایمیل: Payam@ical.ir

Gevgan
030838
Haf.2-i Sitrati

۵۸۵۱۳۲ نمود چوگان در غزلیات حافظ

یوسف کرمی چمه^۱

مقدمه

در شتاب دنیای امروز و حرکت آن به سمت دهکده جهانی، پیگیری و بازشناخت مؤلفه‌های هویت ملی، لازم است. یکی از عناصر هویت ساز، ادبیات است که در ایران زمین، پیشینه و سابقه درخشانی دارد. در ادبیات فارسی، لایه‌هایی از فرهنگ اسلامی - ایرانی نمود یافته است. از جمله می‌توان اشارات شاعران و نویسندگان را به بازی‌های مردمی ذکر کرد. به عبارت دیگر، ادبیات فارسی آینه تمام نمای فرهنگ و آداب و رسوم مردم این سرزمین است. شاعران و نویسندگان از تمام ظرفیت‌های فرهنگ و زبان و آداب و رسوم ایران، استفاده کرده، بخشی از ماده کار خود را از این مجموعه‌ها گرفته‌اند.

یکی از مواردی که توجه خواننده جدی آثار ادبی فارسی را به خود جلب می‌کند، اشاره به بازی‌هایی همچون چوگان، شطرنج و نرد است. این اشارات به حدی است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های بسیاری قرار گیرد. شاید بتوان گفت شاعری نیست که اشعارش خالی از این اشارات باشد؛ البته این مسئله به دو دلیل می‌تواند باشد؛ یکی آنکه این بازی‌ها به تدریج جزء بازی‌های عمومی درآمدند - اگر چه در ابتدا مخصوص اشراف و برگزیدگان بودند - و همگان کمابیش با آنها آشنا شدند، خاصه شاعرانی که به علت انتساب به دربارها، بیش‌تر و پیش‌تر مجال آشنایی با این گونه بازی‌ها برایشان فراهم می‌شد. دلیل دیگر را باید در سنت‌های ادبی جست؛ از آغاز شعر فارسی، رفته رفته تشبیهات، استعارات و تعابیر مربوط به این بازی‌ها و قواعد آنها در ذهن و زبان شاعران جا باز کرد و شاعران بعدی، حتی اگر خود این بازی‌ها را انجام نداده

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان و عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان.

1807 [KHAYYĀM, 'Umar & HĀFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *Quatrains / Omar Khayyām; Ballades / Hāfez. Tr. Monteil, V.-M. Arles: Actes Sud; Paris: Sindbad, 1996. 171pp. [Ballades = ghazals.]*

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

2152 MEISAMI, J.S. Hāfiz in English: translation and authority. *Edebiyât*, 6 i (1995) pp.55-79

25 KASIM 1998
MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1009. BORUMAND SA'ID, Javad. *Hafez o jām-e Jam*. Tehran, Pazhang, 1367/1988, 207 p. [Hafez et la coupe de Jamshid]

جواد برومند سعید : حافظ و جام جم

Etude sur la "coupe de Jamshid" chez Hafez, avec recueil de tous les témoignages sur jam-e Jam dans la littérature persane. C. F.

31 MART 1996

1257 RADIAIE, Ali. Hāfis und das polyfunktionale Wort. *Spektrum Iran*, 10 (1997) pp.59-129

19 NISAN 2000

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

2830. Šawāribī, Ibrāhīm aš-. Hāfiz aš-Širāzī: šā'ir al-ġinā' wa'l-gazal fi Īrān / Ibrāhīm aš- Šawāribī. - Bairūt: Dār ar-Rauḍa, 1989 - 1410 š.š. - 432 S. : Ill, graph. Darst. In arab. Schr., arab. 30 A 8727

4 KASIM 1999

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1356 BURKE, Ata Karim. The contribution of Hāfiz of Shiraz to secular aspects of humanism. *Indo-Iranica*, 45 / 1992 (1993) pp.132-142

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

4 KASIM 1999

1818 SMITH, Paul. *Hafiz: Tongue of the Hidden Poems from the Divan*. London: Deep Books, 1995. 96pp.

31 EKIM 1996

1251 BLOIS, F.de. A bilingual poem by Hāfiz. *Oriente Moderno*, N.S.15 (76) ii / 1996 (1997) pp.379-384 (Poem with alternating periods in Persian & Arabic.)

19 NISAN 2000

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

10917 [HĀFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *Fifty poems of Hāfiz: texts & translations collected & made, introd. & annot. A.J.Arberry*. Cambridge 1947, rp. Richmond (Surrey): Curzon, 1993. 187pp.

10918 HĀFIZ, [Shams al-Dīn Muḥammad]. *In search of Hāfiz: 109 poems from the Dīwān of Hāfiz tr. with a historical introduction by A.J.Alston*. London: Shanti Sadan, 1996. 249pp.

10919 [HĀFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *The poems of Hafez. Tr. Saberi, Reza*. Lanham: University Press of America, 1995. 387pp.

03 MAYIS 2001
MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- SA'ADĪ-i ŠIRĀZĪ
- HĀFIZ-i ŠIRĀZĪ

تحقیق در آثار سعدی و حافظ و وجوه اختلاف میان آندو از نقطه نظر : مذهب - جبر و اختیار - عرفان :

ترابی ، اکبر

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

ش : ۴ ، س : ۶ ، اسفند ۱۳۳۳ ، ص : ۴۷۹ - ۴۸۷

2011 PHALIPPOU, Éric. Ha, ha! Ou Hafez et ses bouffons: l'art du faux chez les modernes. *Annales de l'Autre Islam*, 9 / 2002 (2004) pp.215-222. [Modern Persian literature.]

۲۷ دیوان حافظ ، بر اساس سه نسخه کامل کهن مودخ به سالهای ۸۱۳ و ۸۲۲ و ۸۲۵ هجری قمری . به تصحیح آقایان دکتر رشید عیوضی و دکتر اکبر بهروز . در ۲۳ + ۳۴ + ۵۷۲ صفحه . فروردین ماه ۲۵۳۶ ، بها ۱۰۰۰ ریال

15 EKIM 1996

Hâfiz şirazi,
Les Penseurs de l'Islam,
C. IV, s. 277, vol.

181.2
V.H.P.

0191 Hâfiz, Şams al-Dīn Muḥammad.
[Dīvān. Inglés. Selección]
Hafiz of Shiraz : thirty poems : an introduction to
the Sufi master / translated by Peter Avery and
John Heath-Stubbs. - New York : Handsel Books,
cop. 2003. - XV, 81 p. ; 20 cm
Incluye (p. 75-78) glosario numismático
ISBN 1-59051-070-4
I. Avery, Peter II. Heath-Stubbs, John III. Título.
821.222.1-1"13"
ICMA 4-47946 R. 49039

MADDE YATIRILANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

15 HAZ 2007

SA'DI ŞIRAZI
HAFİZ-İ ŞIRAZİ
CELÂLEDDİN RÜMÎ
[Sa'di, Muḥibb-ad-Dīn; Hâfiz; Celâli-ad-Dīn Rûmî]
Muḥibb-ad-Dīn Sa'di Şirazi; Şams-ad-Dīn Muḥammad
Hâfiz Şirazi; Muḥammad Celâli-ad-Dīn Muḥammad Maulavi
Rûmî; Bâkharâ-i-gul. Gulî'nî az ğazaliyyât.
[Tahrîr:] Intişârât-i-Şavâhid. (1365 h.É. = 1946).
192 s. ; Pers.
[Gheselen.]

Hafiz-i Shirazi

21 ARALIK 1991

HAFİZ-İ ŞIRAZİ
86-930952
Hâfiz/shinâsi / farûham âvardah-i Sa'di Niyâz
Kirmânî. -- Châp-i 1. -- [Tehran] : Ganj-i
Kitâb, 1364- [1985-
v. 1- ; 24 cm.
Vol. 11 rec'd this month; v. 1-10 acquired
earlier.
In Persian; romanized record.
Vols. 2-3, 5-10- published by: Shirkat-i
Sihâni-i Intishârât-i Pâzhang, Tehran.
Includes bibliographical references.
450.00IR (\$4.85 U.S.) (v. 1 : varies for each
vol.)
(Critical evaluation of the works of Persian
poet Hâfiz, 14th cent.; collection of articles
by noted Persian litterateurs)

25 SUBAT 1992
HAFİZ-İ ŞIRAZİ
90-930486
Zibâ'i, Muḥammad 'Alî.
Sharh-i şad ghazal az Hâfiz / Muḥammad 'Alî
Zibâ'i. -- Châp-i 1. -- Tehran, Iran : Shirkat-i
Intishârât-i Pâzhang, 1367 [1988 or 1989]
607 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
3300.00IR (\$30.28 U.S.)
(Commentary on selected ghazals of Hâfiz,
14th century Sufi poet from Iran)

HAFİZ-İ ŞIRAZİ
90-930810
Micro- Dârâbî, Muḥammad ibn Muḥammad.
fiṣṣe Laṭîfah-i ghaybî : hâvî-i tavzîh-i asfâr-i
90/ mushkilah-i Hazrat Khvâjah Shams al-Dīn Muḥammad
58914 Hâfiz Şirâzî : Ma-gamimah-i bayân-i iṭtilâhât-i
ahl-i 'arîfân / ta'lîf-i Muḥammad ibn Muḥammad al-
Dârâbî. -- Shîrâz : Intishârât-i Kitâbkhânah-i
Ahmadî, 1357 [1979]
8, 153 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references (p. 153)
(Commentary on obscure verses of Dīvân
(collected works) of Hâfiz, 14th century Persian
poet)

HAFİZ-İ ŞIRAZİ
89-931548
Farzâd, M. (Mas'ûd).
Maqâlat-i taḥqîqî dar bârah-i Hâfiz : mush-
temal bar 21 maqâlah / Mas'ûd Farzâd ; bi-
ihtimâm, Mangûr Rastgâr Fasîlî. -- Châp-i 1. --
Shîrâz : Intishârât-i Navîd, 1988.
629 p. : ill., facsim., ports. ; 25 cm.
In Persian; introductory matter in English;
romanized record.
Title on added t.p. : Articles on the life
and poetry of Hâfiz.
Includes bibliographical references.
3500.00IR (\$35.30 U.S.)
For requesting libraries only.
(Includes an introduction (33 p.) by Mangûr
Rastgâr Fasîlî)

HAFİZ-İ ŞIRAZİ
89-931779
Kungrah-i Jahânî-i Sa'dî va Hâfiz (1971 : Shiraz,
Iran)
Maqâlât-i darbârah-i shîr va zindagî-i Hâfiz
/ bih kûshish-i Mangûr Rastgâr Fasîlî. -- Châp-
i 1. -- [Shirâz] : Nashr-i Jânî, 1367 [1988 or
1989]
528 p. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
2250.00IR (\$21.66 U.S.)
For requesting libraries only.
(Collected articles on Hâfiz, 14th century
Persian poet; presented at the World Congress
on Sa'di and Hâfiz)

HAFİZ-İ ŞIRAZİ
89-931780
Dast'ghayb, 'Abd al-'Alî.
Hâfiz shinâkht / ta'lîf-i 'Abd al-'Alî
Dast'ghayb. -- Châp-i 1. -- [Tehran] : Nashr-i
'Ilm, [1983?]
2 v. (1046 p.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 1041-1046.
5500.00IR (\$54.91 U.S.) per set.
For requesting libraries only.
(Critical evaluation of the works of Hâfiz,
14th century Persian poet)

امینی، حسین. "سبک و افکار حافظ". هوشیار، سال ۷، شماره ۲۵ (آذر ۱۳۶۵): ۴ ص

6 OCAK 1996

۲۲۶۹
HAFİZ-İ ŞIRAZİ

Or. 10911 : Divân-i Hâfiz, Sult'Anali Meşhedî yazması ve
minyatürü, 872 tarihli.

Britanya Müzesi (TY)

9 TEMMUZ 1991

659. 'Abdallhusain Hîdîr: *Hâfîz teshîh*. 230 S. Tehran: Kit. Tehran (1929).
Zusammenstellung von Hafizversen nach inhaltlichen Gesichtspunkten in großen Kapiteln mit Unterabschnitten, die etwas originell als *manşab, perde, dees* bezeichnet werden, dazu eine interessante Einleitung über Hafiz' Stellung in der persischen Literatur. Im ganzen ist eine nützliche Arbeit geleistet, im einzelnen finden sich allerdings Versehen, sowohl in den Zahlen, die auf die Ausgaben von BROCKHAUS und Tehran 1306 (s. Nr. 727) verweisen: S. 71 u. lies 531 statt 431; S. 119 Mitte Nr. 185 ist nicht zu finden —, als auch in der Anordnung: S. 112 Nr. 1 und S. 123 Nr. 8 passen nicht zu ihren Abschnitten, und im Wortlaut selbst: S. 60 Nr. 772 *ber cînem*, S. 68 Nr. 190 *înâjet*, S. 69 Nr. 485.1 *hâb âlâde*, S. 117 Nr. 121 streiche *kun*. S. 115 Nr. 328 *mej-i şâfiat*, Nr. 125 *tarfe*; S. 199 oben *şud* (im Sa'dîvers), S. 200 Nr. 222.3 *ez şu'le*. N. H.

HÂFİZ-İ SİRÂZÎ

297. MENEGHINI CORREALE, Daniela. *Hâfez*. Venise, Poligrafo, 438 p. (Lirica persica, 2)

Première étude de la série *Lirica persica*, sur un corpus de 1000 vers, à savoir 119 ghazals de Hafez. Le travail suit le schéma présenté par Zipoli dans *Handbook of lirica persica*: translittération des textes, tables de concordance et de fréquence et catalogues Ch. B.

Abstracts Iranica, 13/1990. Leuven: 585

12 NISAN 1991

MADDE YATIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- R115 Hâfiz, master of Persian poetry: a critical bibliography; English translations since the eighteenth century / Loloi, Parvin. London, 2003
Seyyed-Gohrab, Ali Asghar. *Bibliotheca Orientalis*, 62 v-vi (2005), pp.617-619 (E)

06 TEM 2009

080192 - Hafiz-1 Sirazi

"Hâfiz Divanı'nın Türkçe Tercüme ve Şerhleri." Abdulkadir Gürer. Yüksek Lisans Tezi. Ankara Üniversitesi, 1987.

179 NISAN 1993

MADDE YATIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- MENEGHINI, Daniela & TOMASI, Franco. *Hâfez e Petrarca. Due ricerche poetiche. Oltre la soglia: Iran. Cultura, arte, storia*. A cura di Mario Nordio. Venice: Marsilio, 2005, pp.160-167.

08 TEM 2009

Hâmid, Mahdî Akbarî. 89-930356
Hâfizânâh 'hâ-yi 'Arabî : 'ibârathâ, mişra'ha va abyât-i 'Arabî dar ash'âr-i Hâfiz bat asâs-i nuskhah-'i Qazvîni-Ghanî / padîşavârândah, Mahdî Akbarî Hâmid. — Çâp-i 1. — Tihân : Hâmid, 1366 [1987 or 1988]
90 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. (89)-90.
600.001R (\$6.30 U.S.)
For requesting libraries only.
(Explanatory notes on Arabic verses and expressions in the Dîvân (poetical work) of Hâfiz, 14th cent., Persian poet)

Micro- Haravî, Husayn 'Alî. 89-931354
fiçe
89/
59571
Naçd va naçar dar bârâh-i Hâfiz va chand maqâlah-'i digar : majmû'ah-'i maqâlât / Husayn 'Alî Haravî ; bih ihtimâm-i Inşayât Allâh Majîdî. — Çâp-i 1. — Tihân : Mu'assasah-'i Intishârât-i Amîr Kabîr, 1363 (1984 or 1985)
311 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
(Critical appreciation of the works of eminent Persian poet Hâfiz, 14th cent.; scholarly articles)

10 ARALIK 1992

MADDE YATIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

کرباسیان، ملیحه

۶۷۴-«درد سخن و گرگ خشن»

در سخن حافظ و خاقانی»، آینه میراث،

پیاپی ۲۵، ص ۴۴-۴۹، فارسی، کتابنامه: ۴۸-۴۹.

کد پارسا: AA۷۹۵۹

شرح اصطلاحات دیوان حافظ

کاربردشناسی برخی از واژگان دیوان حافظ و

اشعار خاقانی است که بر مبنای اصول زبانشناسی

صورت گرفته است. کاربرد واژگان کهن ایرانی در

ادبیات فارسی، تاریخی طولانی دارد اما این موضوع

در پژوهش‌های ادبی و تصحیح متون کمتر مورد توجه

واقع شده است. این مقاله با بهره‌گیری از دستاوردهای

زبان‌شناختی و با استناد به متن‌های کهن اوستایی و

پهلوی می‌کوشد به معنای اصلی ترکیب‌های 'درد

سخن' و 'گرگ خشن' در ابیاتی از اشعار حافظ و

خاقانی، بپردازد. در طرح این موضوع واژه‌شناختی،

نظریات و توضیحات شارحان دیوان حافظ با مستندات

این ترکیب‌ها تطبیق شده است.

22 TEM 2008

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

ذکاوتی قراگزولو، علیرضا (۱۳۲۲ -)

۶۴۲-حافظیات، ویراسته رضا بابایی (۱۳۳۳-)

تهران: هستی‌نما، چاپ اول، ۱۳۸۳ / ۲۲۰۰ نسخه.

۲۳۲۴ص، فارسی، رقمی (شمیز)، بهاء: ۲۰۰۰۰۰ریال،

فهارس: کتب، اماکن، اعلام، مجامع، گروهها، مجلات.

شابک: ۹۶۴-۸۲۱۴-۰۳-۴

کد پارسا: B۴۶۶۷۷

❏ دیوان حافظ - شرح‌های دیوان حافظ

حافظ - اندیشه‌های حافظ

❏ به بررسی و رمزگشایی بعضی از گرہ‌هایی دیوان

حافظ پرداخته است. نویسنده با استناد به قرا‌هایی از

تاریخ و موشکافی‌های خود خواننده را بالایه‌های عمیق‌تری

از فرهنگ حافظ آشنا می‌سازد. وی در چندین فصل

مطالبی را با این عنوانها: درباره حافظ، ابن‌عربی شاعر،

و حافظ عارف، حافظ در میان هفتاد و دو ملت، دیدگاه

مکتبهای تصوف عامیانه، و مراحل سیر سلوک در شعر

حافظ، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

22 TEM 2008

060480 - Fuzuli
080192 - Hafiz-i

"Fuzûlî-Hâfız (İki Şair Arasında Bir Karşılaştırma)." Hasibe
Mazıoğlu. Doktora Tezi. Ankara Üniversitesi, 1956.

27 MAYIS 1993

525

2 - AĞU 2007

30 ERKINOV, Aftandil. Manuscripts of the works by
classical Persian authors (Hâfiz, Jâmî, Bidil):
quantitative analysis of 17th-19th c. Central Asian
copies. Iran: questions et connaissances. Actes du
IVe Congrès Européen des Études Iraniennes ... Paris
... 1999. Vol. II: Périodes médiévale et moderne. Textes
réunis par Maria Szuppe. Paris: Association pour
l'Avancement des Études Iraniennes, 2002, (Studia
Iranica Cahier, 26), pp.213-228.

Hafiz-i Sirazi
- Rumi's
- B. 1-1

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

14570. o. 61
al-RUMÎ (Jalâl al-Dîn Muhammad ibn Muhammad)
روائع من الشعر الفارسی

Mevlana Celaleddin-i Rumi

Said-i Sirazi
Hafiz-i Sirazi

Rawa'i' min al-shi'r al-fârisî. [Selections
from the poetry of Jalâl al-Dîn al-Rûmî,
Sa'dî al-Shîrâzî and Hâfiz al-Shîrâzî,
translated into Arabic by Muhammad al-
Furâtî.]
pp. x, 322.

Wizârat al-Thakâfah wa'l-İrshâd al-Kaumî:
Damascus, 1963. 8°.

Silsilat Rawa'i' al-Adab al-Sharîf, 2.

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN
23 EKIM 1999

07 HAZ 2009

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

10 NISAN 2006

R40 Dardedel: Rumi, Hafez & love in New York / a
novel-in-verse / Parvin, Manoucher. Sag Harbor, 2003
Gorji, Minoo. Journal of Iranian Research and
Analysis, 19 ii - 20 i (2003-2004), pp.53-56 (E)

Mevlana Cel. Rumi
Hafiz Sirazi

463. XORRAMSAHI, B. Zehn-o zabân-e Hâfez, éd. Našr-e Now. Téhéran, 1982/1361š.
210 p.

Le livre comprend 7 parties (chapitres?) dont cinq traitent de la forme poétique hafézienne
par rapport au contenu de ses qazals dans le cadre de sa vision du monde. Quoique ces cinq
premiers chapitres ensemble ressemblent plutôt à un recueil d'articles, chacun avec un titre
différent, on peut y déceler trois buts essentiels recherchés par l'auteur :

- 1) Expliquer, quoique d'une façon très schématique, ce qu'on peut appeler l'«unité dans la
diversité» chez Hâfez et faire, de ce point de vue, une comparaison, à mon avis peu convain-
cante, avec le style du Coran;
- 2) Présenter Hâfez, en ce qui concerne sa vision, comme un libre penseur par excellence qui
ne nie ni ne contredit pour autant, comme l'ont cru certains de ses admirateurs, les principes
fondementaux de la religion islamique (ou de la religion tout court);
- 3) Démontrer, à l'aide de nombreux exemples, l'énorme profit que tire Hâfez en jouant
magistralement sur les homonymies, les synonymies, les polysémies et les ambiguïtés (lexicales
et syntaxiques) voulues, tout cela condensé par l'auteur dans le terme générique *ihâm*. En
recherchant ces trois buts, l'auteur offre, par endroits, des analyses brillantes et inspirées
comme celle qu'il avance sur la vision du péché chez Hâfez.

Les deux dernières parties qui forment, à vrai dire, un appendice à ce livre, sont deux
articles critiques dont l'un concerne le livre de Š. Meskub sur Hâfez, à savoir *Dar ku-ye dust*
où B. Xorramšahi condamne la tendance de certains critiques, dont Meskub, à abuser d'une
prose poétique et stylisée au service d'une critique littéraire mais qui, selon l'auteur, l'occulte

Abst. Ir. 6

2638 INGENITO, Domenico. Tradurre Hafez: quattro divân
attuali. Oriente Moderno: Rivista d'Informazione e di
Studi per la Diffusione della Conoscenza della Cultura
dell'Oriente soprattutto Musulmano, 89 i (2009)
pp.149-169. [Incl. bibliography on Hafiz.]

Hafiz-i Sirazi

MADDE YAYIMLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

امیر ضیائی، ایرج (ناقد و توصیف کننده)

۵۳۸-«گمشده لب دریا»، کتاب‌ماه

ادبیات و فلسفه، پیاپی ۸۷ و ۸۸ ص ۶۲-۷۹، فارسی،

کتابنامه: ۷۹.

Hafiz-i Sirazi

کد پارسا: A۹-۸۰۱

عنوان متن نقد شده:

گمشده لب دریا، پورنامداریان، تقی

❏ حافظ - حافظ پژوهی

❏ گزارشی تحلیلی از مباحث کتابی با همین عنوان در

شناخت مفاهیم، موضوعات و سبک شعر حافظ

است. این کتاب عالمانه و محققانه را دکتر تقی‌پور

نامداریان در پنج بخش و با سبکی تحلیلی و هرمنوتیکی

که روشی مناسب در تحلیل غزلیات عارفانه حافظ

است، نگاشته و طی آن کوشیده است تا ظرایف هنری

حافظ را همراه بدایع اندیشه‌های ناب عرفانی او و نیز

پیوند معنایی بین ساختار غزلیاتش را شناسایی و تفسیر

کند. در این مقاله، خلاصه‌ای از تحقیق و نتایج

بخش‌های مختلف کتاب گزارش شده است.

22 TEM 2008

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

0141 Hâfiz, Šams al-Dīn Muḥammad.
[Dīvān. Español. Selección]
Ghazels / Hafiz ; traducción de A.
Brunet. - Barcelona : M. Arimany, cop.
1943. - 177 p. ; 17 cm. - (Colección
ventana abierta ; 6-7)
I. Título.
821.411.21-1"14"
ICMA 4-34267 R. 68039

02 AĞU 2010

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

بازگیر، مهناز (۱۳۳۷ -)
۵۵۶۶- «رندانه‌های حافظ». کیهان
فرهنگی، پیاپی ۲۰۸ و ۲۰۹، ص ۵۵-۵۷، فارسی،
کتابنامه: ۵۷. *Hafiz-e Shirazi*
کد پارسا: ۴۶۵۵۸۲
❏ رندی؛ اندیشه‌های عرفانی حافظ (ادبیات)

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

سعیدی فر، لطف‌الله
۵۵۷۱- «ساحت رند در دیوان حافظ»
کیهان فرهنگی، پیاپی ۱۹۸، ص ۳۹-۴۱، فارسی.
کد پارسا: ۴۶۳۸۱۶ *Hafiz-e Shirazi*
❏ رندی؛ بررسی‌های موضوعی دیوان حافظ (ادبیات)

ابراهیم محمد امین
« حافظ الشیرازی وترجمة ديوانه الى اللغة العربية »
كلية الاداب جامعة القاهرة ١٩٤٣ (دكتوراه)
Hafiz Shirazi
ve
Diyani

25 HAZIRAN 1996

24693 IRANI, Dinshaw Jijibhoy. Hafiz
and his Zoroastrian Murshed. J.K.R.
Cama Or. Inst. 7 (1926), pp. 125-137

Hafiz

30 UCAK 1993

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

2432 MRASHI, Afshin. Imagining Hāfez: Rabindranath
Tagore in Iran, 1932. *Journal of Persianate Studies*, 3
i (2010) pp.46-77. (Tagore's visit played an important
part in promoting the new official nationalism of the
Pahlavi State.)
2433 SACCONE, Carlo. Malinconia e "fantasma dell'amato"
nel canzoniere di Hāfez di Shiraz. *Quaderni di Studi
Indo-Mediterranei*, 3 (2010) pp.213-236.

15 ARA 2007

0269 Loloi, Parvin *Hafiz-e Shirazi*
Hâfiz, master of Persian poetry English
translations since the eighteenth century / Parvin
Loloi. - London : I.B. Tauris, 2004. - VIII, 392 p. ;
24 cm
Bibliografía: p. 381-387. - Índice
ISBN 1-86064-923-8
1. Hâfiz, Šams al-Dīn Muḥammad - Bibliografías I.
Título.
012 Hâfiz, Šams al-Dīn Muḥammad
ICMA 4-46080 R. 46529

0270 López Méndez, Irene
Integrando el análisis de género en el desarrollo :
manual para técnicos de la cooperación / Irene
López Méndez, Beatriz Sierra Leguina. - Madrid :
Instituto Universitario de Desarrollo y
Cooperación, cop. 2000. - X, 170 p. ; 14 cm
Bibliografía: p. 157-165
ISBN 84-600-9636-X

1. Mujeres - Países en desarrollo - Situación
social 2. Cooperación al desarrollo I. Sierra
Leguina, Beatriz II. Título.
308-055.2(100-773)
341.232
ICMA 4-46023 R. 46509

0271 Lozoya, Marqués de
La morería de Segovia / Marqués de Lozoya. -
Madrid : Consejo Superior de Investigaciones
Científicas, Instituto de Estudios Africanos, 1967.
- 15 p. ; 24 cm. - (Colección monográfica africana
; 7)
Conferencia pronunciada en el Salón de Actos
del Consejo Superior de Investigaciones
Científicas el día 12 de diciembre de 1966
1. Mudéjares - Segovia - Historia social I. Título.
II. Serie.
308(=411.21:460.188)
ICMA ARR-753 R. 46855
Ex-libris de Mariano Arribas Palau
Legado de Mariano Arribas Palau (2002)

21 HAZ 2007

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

26 KASIM 1993

شعر
شہیدی، جعفر. " هنرآفرینی در شعر حافظ ". کیهان فرهنگی، سال ۳، ش ۷
۲۲۲۸ *HAFIZ-e SHIRAZI*
(مهر ۱۳۶۵): ص ۲۲-۲۴

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 2584 KHAN, Gulfishan. Muslim-Western cultural encounter in the eighteenth century: the impact of Hâfiz Shīrāzī's poetry on Europe. *Islamic Studies*, 48 i (2009) pp.35-87. [Britain, especially.]

29 HAZ 2009

ذوالریاستین، محمد (۱۳۱۶ -)
۴۹۸- فرهنگ واژه‌های ایهامی در اشعار
حافظ، تهران: فرزانه، چاپ اول / ۳۳۰۰ نسخه، ۵۷۸
ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بها: ۳۵۰۰۰ ریال، منابع:
۵۷۸-۵۷۵
مقدمه: [ترجمه و آثار مؤلف]، سید احمد حسینی، ص ۲
-۱۶؛ ضمیمه: فی فوائد علمیه و نکات ادبیه، سید
احمد حسینی، ص ۳۷۱-۳۹۸.
فروست: آثار مرجع فرزانه
شایک: ۸-۴۴-۳۲۱-۹۶۴
کنگره: PIR ۵۴۲۲/Z ۹
کد پارسا: B ۳۰۲۴۶
شرح‌ها - شرح اصطلاحات: حافظ -
دیدگاه‌ها
در این کتاب واژه‌های دارای ایهام و بدون
ایهام و نیز اصطلاحات عرفانی اشعار حافظ معرفی
و تبیین شده است. نویسنده در مقدمه، اندیشه حافظ،
تصوف اسلامی و برخی نکات ادبی اشعار حافظ را
مورد بحث قرار می‌دهد.

- 10941 FOLTZ, R. Love and wine in Khayyam and Hafez. *Persian studies in North America: studies in honor of Mohammad Ali Jazayeri. Tahqīqāt-i Irānshīnāsi dar Amrikā*. Ed. Mehdi Marashi. Bethesda (USA): Iranbooks, 1994, pp.417-421

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 2911 SHARMA, Sunil. The Sufi-poet-lover as martyr: 'Attār and Hâfiz in Persian poetic traditions. *Martyrdom in literature: visions of death and meaningful suffering in Europe and the Middle East from antiquity to modernity*. Friederike Pannewick (ed.). Wiesbaden: Reichert, 2004, (Literaturen im Kontext: Arabisch - Persisch - Turkish, 17), pp.237-243.

09 NISAN 2009

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 3012 HURÉ, Jacques. 'Umar Khayyām au miroir de quelques interprétations modernes, de Fitzgerald à Hedāyat. *Luqmān*, 17 i / 33 (2000-2001) pp.7-15
- 3016 [KHURRAMSHĀHĪ, Bahā' al-Dīn]. Goethe and Hāfez: common hearts are better than common tongues / Bahā' oddin Khorramshāhi. Tr. Alexand[iran, Mānāvāz]. *Anthology of Iranian Studies / Majmū'ah-i Maqālāt-i Muṭāla'āt-i Irānī*, 5 (2001) pp.1-28
- 3014 PHILONENKO, S.B. Les Robai d'Omar Khayyam et leurs traductions russes. *Luqmān*, 18 i / 35 (2001-2002) pp.39-46
- 3015 PHUKAN, Shantanu. 'Through throats where many rivers meet': the ecology of Hindi in the world of Persian. *Indian Economic and Social History Review*, 38 i (2001) pp.33-58 (Co-presence of Hindi & Persian in Mughal literature.)
- 3016 SHARIĀT KĀSHĀNĪ, 'Alī. La prééternité et la pérennité de l'amour et de la beauté en littérature mystique persane de Rūzbehān à Hāfez. *Luqmān*, 17 ii / 34 (2001) pp.25-54

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 2683 SCHMIDT, J. Hāfiz and other Persian authors in Ottoman bibliomancy; the extraordinary case Kefevi Hüseyin Efendi's *Rāznāme* (late sixteenth century). *Persica*, 21 (2006-2007) pp.63-74.

23 OCAK 2009

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

13 EYLÜL 2008

- 1023 THIESEN, Finn. Pseudo-Hāfez: a reading of Wilberforce Clarke's rendering of *Divān-e Hāfez*. *Orientalia Suecana*, 51-52 / 2002-2003 (2003) pp.437-459.

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- R174 Dardedel: Rumi, Hafez & love in New York / a novel-in-verse / Parvin, Manoucher. Sag Harbor, 2003. Minuchehr, Pardis. *Iranian Studies*, 38 iv (2005), pp.697-699 (E)
Gorji, Minoo. *Journal of Iranian Research and Analysis*, 19 ii - 20 i (2003-2004), pp.53-56 (E)

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

۱ معرفی نسخه‌های خطی دیوان حافظ در کتابخانه‌های سلطنتی سابق، ملی تبریز، آستان قدس رضوی، وزیری یزد و کتابخانه ملی است. راقم این سطور فراوانی و تنوع نسخ خطی فارسی دیوان حافظ را نشانه ارادت و شیفتگی کاتبان و دوستداران این شاعر فرزانه می‌داند و معتقد است بعد از وفات خواجه حافظ شاعران و متفکران، کاتبان و مصوران و مذهبیان زیادی در شرح و تفسیر، کتابت و استنساخ نسخه‌های دیوان حافظ، تصویرسازی و تذهیب کاری نسخه‌های دیوان حافظ نقش داشته‌اند. نسخ موجود در این کتابخانه‌ها در خصوصیات و ویژگیهای شکلی، حذف و افتادگی، افزود و کاست، نام کاتب و تاریخ کتابت، ترتیب قالبهای شعری، نوع خطوط، ابعاد و اندازه، تعداد صفحات، مشخصات آغاز و انجام نسخه و تزئینات حواشی صفحات و بین سطور، نوع جلد و کاغذ، شمار، ردیف و شماره دفتر که نسخه در آن ثبت و ضبط شده به تفکیک معرفی و توضیح داده شده است.

بهشتی شیرازی، سید احمد (۱۳۲۳-) (به کوشش)

۴۶۲- دیوان منصور حافظ (قرن نهم)،

تهران: روزنه، چاپ اول / ۱۵۰۰ نسخه، ۵۳۹ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بهاء: ۲۴۹۵۰ ریال، قهارس: اعلام، آیات، احادیث، القاب، اشعار.

شابک: ۹۶۴-۳۳۴-۰۰۷-۴

کنگره: PIR۵۸۲۵/V/D۹

کد پارسا: B۲۱۳۸۹

دیوان‌ها و مجموعه‌های شعر - فارسی -

دیوان‌ها و مجموعه‌های سده هفتم-نهم

حافظ، شمس الدین محمد (۷۹۲- ق)

۴۷۶- حافظ، راز سر به مهر، شرح‌وحاشیه

مؤید شریف محلاتی، جلد اول، تهران: استاد، چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه، ۲۲۲ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بهاء: ۱۴۵۰۰ ریال.

شابک: ۹۶۴-۶۸۸۰-۳۲-۰

کنگره: PIR۵۴۳۵/SH۳۷/H۷

کد پارسا: B۱۶۰۵۸

عنوان متن شرح شده:

دیوان حافظ

دیوان حافظ - شرح‌ها

۱ تفسیر عرفانی پنجاه و پنج غزل خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی است که با قلم ادبی و روان نوشته شده است. نویسنده در تفسیر غزلها به منابع حافظ‌پژوهی رجوع نکرده و به هیچ اثری ارجاع نداده است و صرفا نظر خویش، بلکه استحضانات خود را، بیان کرده است. بسیاری از مطالب کتاب خارج از مباحث عرفانی و ادبیات است.

بدرالدین، حسین (۱۳۱۷-)

۴۵۹- راز موفقیت حافظ: مقدمه‌ای بر

شرح موضوعی دیوان حافظ، تهران: مهتاب، چاپ اول / ۲۲۰۰ نسخه، ۳۶۸ ص، فارسی، وزیری (گالینگور)، بهاء: ۲۴۵۰۰ ریال، قهارس: آیات، احادیث، اماکن، طوائف، ادیان، طیور، منابع: ۳۵۵-۳۶۸.

شابک: ۹۶۴-۶۱۶۲-۹۹-۱

کنگره: PIR۵۴۳۵/B۳۷R۲

کد پارسا: B۴۰۳۹۰

دیوان حافظ - شرح‌ها: حافظ - دیدگاه‌ها:

حافظ - زندگی‌نامه

۱ مقدمه‌ای بر شرح موضوعی دیوان حافظ و شناخت کلی زندگانی و افکار و عقاید وی است. نویسنده، دانستن جزئیات زندگی حافظ و حوادث آن را برای فهم بهتر اشعار وی لازم می‌شمارد و از کسانی که حافظ را بی دین و یا بی‌توجه به دین معرفی کرده‌اند، انتقاد می‌کند. هدف مؤلف، اثبات اعتقاد عمیق حافظ به اسلام و قرآن و پیامبر اکرم (ص) و شیعه بودن اوست، در عین حال که او را منتقد اوضاع نابسامان فرهنگی و اجتماعی و سیاسی روزگار خود می‌داند.

خاقانی، بدیل بن علی (۵۲۰-۵۹۵ ق)

۴۹۱- مرثیه‌خوان مدائن: گزیده و شرح

قصایدی از خاقانی، شرح‌وحاشیه محمد رضا بزرگر

خالقی، محمد حسین محمدی، تهران: زوار، چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، ۲۲۴ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بهاء: ۱۴۰۰۰ ریال، قهارس: آیات، احادیث، اعلام، منابع:

۲۲۴-۲۲۲.

شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۸۷-۶

کنگره: PIR۴۸۷۹/M۴

کد پارسا: B۱۶۰۵۹

دیوان خاقانی - گزیده‌ها: دیوان خاقانی -

شرح‌ها

۱ در کتاب حاضر چهارده قصیده از قصاید خاقانی گزینش شده و لغات، مفاهیم و استعارات پیچیده و دشوار آن شرح گردیده است. این کتاب با هدف رفع نیاز دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی و همچنین علاقه‌مندان به شرکت در آزمون دوره کارشناسی ارشد ادبیات فارسی فراهم گردیده است. از ویژگی‌های کتاب این است که هیچ یک از ابیات قصاید حذف نشده است.

مزینانی، محمد کاظم (۱۳۴۲-)

۴۱۳- شاعر راز و شیراز حافظ، تهران:

پیدایش، چاپ اول / ۵۰۰۰ نسخه، ۱۴۸ + ۷۶ ص، فارسی، رقی (شمیز)، بهاء: ۱۰۰۰۰ ریال.

ضمیمه: شاعر راز و شیراز حافظ (غزل نامه)، محمد کاظم مزینانی، ص ۱-۷۶.

فروست: تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان

شابک: ۹۶۴-۳۴۹-۰۰۱-۷

کنگره: PIR۵۴۳۴/M۴H۷

کد پارسا: B۱۹۶۲۸

این کتاب قبل از ادبیات کهن برای نوجوانان

حافظ (زندگینامه) و (غزل‌نامه)، به صورت دو جلد مجزا توسط نشر پیدایش در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.

حافظ - زندگی‌نامه: شرح‌ها - شرح

اصطلاحات

۱ این کتاب در دو بخش، زندگی و عصر حافظ و برخی از اشعار او را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در بخش اول با ارائه شواهدی از اشعار حافظ به شیوه‌ای داستانی و رمانتیک برخی از حوادث سیاسی و اجتماعی عصر او را شرح داده و مواضع وی در برابر آنها را معلوم نموده است. در بخش دوم غزلهای اول تا بیستم دیوان حافظ آمده و برخی از اصطلاحات و واژه‌های آنها شرح و تبیین شده است.

حافظ، شمس الدین محمد (۷۹۲- ق)

۴۷۹- شرح جلالی بر حافظ، شرح‌وحاشیه

عبدالحسین جلالیان (۱۳۰۷-)، ۴ جلد / جلد دوم، تهران: یزدان، چاپ اول / ۲۳۰۰ نسخه، ۶۵۳-۱۳۷۸ ص، فارسی، وزیری (گالینگور)، بهاء: ۳۵۰۰۰ ریال.

شابک: ۹۶۴-۶۵۴۵-۰۶-۸

کنگره: PIR۵۴۳۵/JASH۴

کد پارسا: B۴۰۴۰۴

عنوان متن شرح شده:

دیوان حافظ

دیوان حافظ - شرح‌ها

اسلامی نژاد آرائی، عباس (۱۳۳۵-)

۳۵۸- اثر پذیرى حافظ از قرآن و

احادیث، کاشان: مرسل، چاپ دوم / ۲۰۰۰ نسخه، ۱۳۶ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بهاء: ۵۵۰۰ ریال، قهارس: آیات، احادیث، اشعار، منابع: ۱۳۶.

شابک: ۹۶۴-۹۰۴۷۷-۶-X

کنگره: PIR۵۴۳۷/GH۴A۵

کد پارسا: B۲۱۶۹۵

حافظ - تاثیر پذیری‌ها - از قرآن و

حدیث: اخلاق - قرآن و علوم قرآنی - اوصاف و اسامی - تاثیر - در ادبیات فارسی (قرآن و علوم قرآنی)

۱ برداشت‌های ادبی حافظ از قرآن و احادیث را مطرح می‌کند. نویسنده به منظور پویایی فعالیتهای فرهنگی و ادبی و علاقه خاص خود به شعر حافظ، این کتاب را فراهم آورده است. این مجموعه در شش بخش تنظیم شده است: ۱- گونه‌های اثرپذیری شعر فارسی از قرآن و حدیث؛ ۲- اثرپذیری واژگانی و لئوی (شامل کلیه واژگان و ترکیبات قرآنی و حدیثی به صورت الفبایی)؛ ۳- اثرپذیری مضمونی؛ ۴- اشعار یافت نشده در دیوان مصحح قزوینی - غنی که متضمن اشارات و اقتباس از آیات و احادیث است؛ ۵- حافظ و ادب عربی؛ ۶- حافظ و ارسال المثل عربی.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۲۲-)

۳۷۸- «پرتو ذات و تجلی صفات».

عرفانیات (مجموعه مقالات عرفانی) (شماره

۴۷۰۴، ص ۱۸۱-۱۹۲.

کد پارسا: G13184 Hafiz-i Shirazi

پیشینه

این مقاله در آینه پژوهش شماره ۵۲، تحت عنوان «در

حاشیه دیوان حافظ» به چاپ رسیده است.

حافظ - دیدگاه‌ها

MADE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۲۲-)

۳۷۹- «حافظ عارف و ابن عربی شاعر».

عرفانیات (مجموعه مقالات عرفانی) (شماره

۴۷۰۴، ص ۱۶۵-۱۷۹.

کد پارسا: G13190 Hafiz-i Shirazi

پیشینه

این مقاله در مجله نشر دانش، آذر و دی ۱۳۶۷ چاپ شده است.

حافظ - مبانی فکری - بررسی تطبیقی با

ابن عربی؛ ابن عربی، محیی الدین -

دیدگاه‌ها (عرفان و تصوف)

شریفی گلپایگانی، فرج الله

۳۹۴- آزاد اندیشی خیام و حافظ، تهران:

رهام، چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، ۲۰۳ ص، فارسی، رقی

(گالینگور)، به: ۱۲۰۰۰ ریال.

شابک: ۹۶۴-۵۶۹۶-۰۸-۹

کنگره: PIR5435/SH4A4

کد پارسا: B40432 Hafiz-i Shirazi

حافظ - مبانی فکری: فلسفه سیاسی - آزاد

اندیشی (علوم سیاسی): خیام، عمر بن ابراهیم -

دیدگاه‌ها (فلسفه و منطق)

موضوع خرافه زدایی در شعر حافظ و خیام

را بررسی می‌کند. نویسنده با تأکید بر این مطلب که

عارفانی همچون حافظ و خیام توحید و دیگر ارکان

اسلام را قبول داشته‌اند، شهرت آنها به بی‌دینی را

مطلوب آزاد اندیشی آنان می‌داند. افکار و زندگی خیام،

جهان‌بینی حافظ، اعتقاد حافظ به قضا و قدر و

زیباشناسی حافظ از مطالب مهم کتاب است.

MADE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

۳۶۹- «نگرشی تطبیقی به شعر حافظ

شیرازی و ابن فارض مصری»، فرهنگ دانشجو،

پیاپی ۲، ص ۳۴-۳۷، فارسی، کتابنامه: ۳۷.

کد پارسا: A26183 Hafiz-i Shirazi

حافظ - مبانی فکری - بررسی تطبیقی با

ابن فارض

آشوری، داریوش

۳۵۵- عرفان و رندی در شعر حافظ:

بازنگریسته‌ی هستی‌شناسی حافظ، تهران:

نشر مرکز، چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه، هفت + ۴۰۲ ص،

فارسی، رقی (شمیز)، به: ۲۴۵۰۰ ریال.

مقدمه: دیباچه، داریوش آشوری، ص ۱-۸.

شابک: ۹۶۴-۵۵۰-۷-۳۰۵

کنگره: PIR5435/A5H5

کد پارسا: B21689 Hafiz-i Shirazi

عنوان به لاتین:

Mysticism and Rindi in Poetry of Hafiz

عنوان متن نقد شده:

دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ

حافظ - مبانی فکری

گفتاری است در شناخت عرفان و نوع فلسفه

حافظ و ویژگیهای شعر و عرفان او. مؤلف،

اندیشه‌های فلسفی و عرفانی حافظ را از میان اشعار

وی استخراج می‌کند و با ایجاد رابطه‌ای منطقی میان

آنها، جهان‌بینی حافظ و بویژه دیدگاه انسان‌شناسانه او

را به دست می‌دهد. منابع آن بیشتر متون و اشعار

عرفانی و بخصوص اشعار حافظ است. از مطالب مهم

آن، یکی بررسی بخشی از کشف الاسرار و نیز قسمتی

از مرصاد العباد برای آشنایی با تفکر صوفیانه در شعر

حافظ است و دیگری بحثی در باره رابطه شعر و

عرفان و نیز هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در شعر

حافظ. نویسنده به تفاوت میان عرفان ذوقی و عاشقانه

با زهد و تصوف نیز پرداخته است.

MADE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

فتوحی، محمود

۷۵۶- «حافظ و گوته»، کتاب ماه ادبیات

و فلسفه، پیاپی ۷۵ و ۷۶، ص ۱۵۶-۱۵۹، فارسی،

کتابنامه: ۱۵۹.

کد پارسا: A66960 Hafiz-i Shirazi

حافظ - تأثیر و تأثر حافظ

Goethe

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۲۲-)

۳۸۰- «حافظ و ابن فارض». عرفانیات

(مجموعه مقالات عرفانی) (شماره ۴۷۰۴)، ص

۲۵۳-۲۶۷.

کد پارسا: G13191 Hafiz-i Shirazi

پیشینه

این مقاله در مجله نشر دانش، مرداد و شهریور ۱۳۶۷

چاپ شده است.

حافظ - مبانی فکری - بررسی تطبیقی با

ابن فارض: ابن فارض - دیدگاه‌ها (عرفان و تصوف)

کی منش، عباس (۱۳۰۴-)

۷۶۵- مثلث عشق (در احوال، افکار

و آثار مولوی، سعدی و حافظ)، تهران:

شلی، چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۳۳۰ نسخه، ۳۳۱ ص، فارسی،

وزیری (شمیز)، به: ۱۶۵۰۰ ریال، فهرس: آیات،

احادیث، رجال، اماکن، منابع: ۲۰۴-۲۱۰.

شابک: X-۹۵۱۵۵-۰۰-۹۶۴ Hafiz-i Shirazi

کنگره: PIR4053/A5K9

کد پارسا: B70415

زندگی‌نامه حافظ: زندگی‌نامه مولوی (عرفان و تصوف)

به بررسی انسان آرمانی در اشعار و افکار و

آثار ارکان ادب فارسی یعنی مولانا، سعدی و حافظ

شیرازی پرداخته است. وی نخست، شرح حال هر یک

از آنها را می‌آورد. سپس عشق و مقام فنا و بقا و

انسان از دیدگاه مولانا و عرفان و عشق از دیدگاه سعدی

را بررسی می‌کند و آنگاه به بحث راجع به رندی، سفر

روحانی، مرگ و پیر از دیدگاه حافظ رامی‌پردازد. او

در ضمن مباحث، اسرار و ویژگیهای اشعار هر یک از

ارکان ادب فارسی و ارتباط شبه قاره و تأثیرپذیری

شاعران دیگر و ستایش آنها را بیان کرده است.

۷۵۸- «دو دیدی و چند آوایی:

حافظ و افقهای فرهنگی گوته و

بایرون»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه فردوسی، پیاپی ۱۴۱، ص ۷۵-۱۰۴، فارسی،

کتابنامه: ۱۰۰-۱۰۴. Hafiz-i Shirazi

کد پارسا: A۶۲۱۴۷

بررسی تطبیقی شعر و اندیشه حافظ

قادر، بهزاد

۷۵۹- «دو دیدی و چند آوایی:

حافظ و افقهای فرهنگی گوته و

بایرون»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه فردوسی، پیاپی ۱۴۱، ص ۷۵-۱۰۳، فارسی،

کتابنامه: ۱۰۰-۱۰۳.

کد پارسا: A۶۴۹۹۰

بررسی تطبیقی شعر و اندیشه حافظ

زمانی، حجت‌الله (ناقد و توصیف‌کننده)

۷۴۷- «معرفی کتاب «درآمدی بر

دین‌شناسی حافظ»»، آینه پژوهش، پیاپی ۸۱

ص ۹۸-۱۰۱، فارسی. Hafiz-i Shirazi

کد پارسا: A۶۲۰۷۵

عنوان متن نقد شده:

درآمدی بر دین‌شناسی حافظ، بابایی، رضا

اندیشه‌های حافظ

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

استعلامی، محمد (۱۳۱۵-)

۷۹۴- درس حافظ (نقد و شرح غزل‌های

حافظ)، ۲ جلد / جلد ۱، تهران: سخن، چاپ اول،

۱۳۸۲ / ۲۲۰۰ نسخه، ۶۶۰، فارسی، وزیر (کالینگور).

شابک: ۴-۵۹-۳۷۲-۹۶۴ Hafiz-i Shirazi

کنگره: PIR۵۴۳۵/A۴۶D۴

کد پارسا: BV۰۷۵۲

ویژگی مجلدات

جلد ۱: شابک ۴-۵۹-۳۷۲-۹۶۴، ۶۶۰

جلد ۲: شابک ۶۱-۵۷-۳۷۲-۹۶۴، ۵۲

شرح غزلیات دیوان حافظ

پژوهشی در شرح و بررسی ادبی، عرفانی و

لنوی غزلیات لسان الغیب حافظ شیرازی است.

نویسنده پس از ذکر ابیات هر غزل، به طور خلاصه

مراد و مقصود و زمان سرایش آن را بیان می‌کند. وی

آنگاه به شرح کلام حافظ و بیان معانی واژه‌ها و

تعبیرها، با شکافتن ساختار دستوری کلام، و با بیان

غزلهایی که به آیات و احادیث و اخبار اشاره دارند،

سابقه مضمونهای سخن حافظ در آثار گذشتگان، بیان

و حال و هوای هر غزل و از همه مهم‌تر به بیان زیربنای

فکری و شخصیت حافظ، پرداخته است. در این اثر

بعضی از ابیات مشکل اعراب گذاری شده است.

میرافضلی، سید علی

۷۸۱- «دو شاعر هم‌عصر حافظ و حیدر

شیرازی»، نشر دانش، پیاپی ۱۰۶، ص ۱۰-۱۷، فارسی،

کد پارسا: A۶۲۷۳۴ Hafiz-i Shirazi

روابط حافظ با دیگران

تحلیلی در زمینه اشعار و سروده‌های حیدر بقال

شیرازی (قرن ۸) و مقایسه برخی اشعار او با اشعار

حافظ است. نویسنده ابتدا دیوان و اشعار باقی مانده از

این شاعر گمنام و منزوی ایرانی را معرفی کرده است

که بر اساس آن از اشعار بازمانده حیدر نیمی به

قصاید و نیمی به غزلیات اختصاص دارد. البته وی در

سرایش غزلیات توقیف بیشتری دارد ولی در عین حال

نمونه‌های متعددی از ضعف تألیف و سستی و عبارات

حشو و تکرار در شعر او دیده می‌شود. در غزل‌های او

ویژگی‌های زبانی غزل‌های سبک عراقی مشهود است.

با توجه به هم‌عصر بودن حافظ با حیدر، برخی از

اشعار این دو به یکدیگر نسبت داده شده است.

نویسنده در ادامه اشعار هم‌وزن و قافیه را که از نظر

مفاد و محتوا به هم نزدیک هستند، گردآوری کرده و

نحوه تأثیر و تأثر آنها از همدیگر را بیان داشته است.

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

ختمی لاهوری، عبدالرحمان بن

سلیمان (سده ۱۱)

۸۳۱- «شرح عرفانی غزلیات

حافظ»، گنجینه، پیاپی ۲۹، ص ۴۴-۴۷، فارسی،

کد پارسا: A۶۷۱۲۵ Hafiz-i Shirazi

عنوان متن شرح شده:

دیوان حافظ

شرح غزلیات دیوان حافظ

خطیبی، ابوالفضل

«بیت‌های زن‌ستیزانه در «شاهنامه»».

(شماره ۳۴۹۷)

بررسی‌های موضوعی شاهنامه

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

21 SUBAT 2008

بابایی، رضا (۱۳۴۳-)

دین‌شناسی حافظ. (شماره ۸۶۷۸)

اندیشه‌های حافظ Hafiz-i Shirazi

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

21 SUBAT 2008

خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۲۴-)

۷۳۸- حافظ، حافظه ماست، تهران:

قطره، چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۲۲۰۰ نسخه، ۲۸۴، ص،

فارسی، رقمی (شمیز)، بها: ۲۵۰۰۰ ریال.

شابک: ۲-۲۰۳-۳۴۱-۹۶۴ Hafiz-i Shirazi

کنگره: PIR۵۴۳۵/KH۴H۱۸۳

کد پارسا: B۶۶۹۴۸

مبانی فکری حافظ

پژوهشی درباره افکار و اندیشه حافظ است.

نویسنده در این اثر که متشکل از چهارده مقاله است و

همه آنها به نوعی به هم پیوسته هستند، عناوین زیر را

با استناد به اشعار حافظ مورد شرح و بررسی قرار

می‌دهد: قرآن پژوهی، حافظ و علوم قرآنی، قرآن

کریم و دیوان حافظ، شیعه بودن حافظ، عرفان حافظ،

عشق در شعر و شناخت و شخصیت حافظ، حکمت و

فلسفه در شعر حافظ.

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

21 SUBAT 2009

بازگیر، مهناز (۱۳۳۷-)

«رندانه‌های حافظ». (شماره ۵۵۶۶)

اندیشه‌های عرفانی حافظ

Hafiz-i Shirazi

بشردوست، مجتبی

۷۳۱- «تأثیرپذیری ذهن و زبان

حافظ از قرآن»، گلستان قرآن، پیاپی ۱۶۰،

ص ۱۱-۱۲، فارسی.

کد پارسا: A۶۳۷۵۳

تأثیر و تأثر حافظ: تأثیر قرآن در ادبیات

فارسی (قرآن و علوم قرآنی)

MADDE YATIRILMIŞTIR
SONRA GELEN BÖLÜME

10 NISAN 2006

زمانی، حجت‌الله (ناقد و توصیف‌کننده)

۵۵۷۰- «حافظ و الهیات رندی»

آینه پژوهش، پیاپی ۸۲ ص ۱۲۰-۱۲۲، فارسی.

کد پارسا: ۸۶۴۳۸۸ - *Hafiz-i Shirazi*

عنوان متن نقد شده: *- Kind*

حافظ و الهیات رندی، درگاهی، محمود

رندی؛ اندیشه‌های عرفانی حافظ (ادبیات)

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GÖLEK DOKÜMAN

ستاری، رضا (ناقد و توصیف‌کننده)

۸۳۹- «حافظ نامه و بعضی

نکته‌های ناگفته»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه،

پیاپی ۷۱، ص ۸۲-۸۷، فارسی، کتابنامه: ۸۷

کد پارسا: ۸۶۱۰۱۳ - *Hafiz-i Shirazi*

عنوان متن نقد شده:

حافظ نامه، خرمشاهی، بهاءالدین

شرح‌های دیوان حافظ

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GÖLEK DOKÜMAN

جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۸-۱۳۰۴)

۳۶۶- «حکمت، عرفان و اخلاق در شعر

نظامی گنجوی». سه شاعر (سعدی، حافظ،

نظامی) (شماره ۳۶۸)، ص ۹۱-۹۶، فارسی، کتابنامه: ۸۷

کد پارسا: ۸۱۳۸۲۷ - *Nigam-i*

نظامی گنجوی - دیدگاه‌ها - اخلاقی: دعا

- فلسفه (کلام)

مؤلف به جایگاه شعر در متون مذهبی پرداخته

و شعر را به ۲ نوع ارزشمند و مخرب تقسیم می‌کند و

شرایطی را برای شعر ارزشمند بیان می‌نماید. رابطه

دعا و تلاش برای رزق، افراط در عبادت و انحراف

از راه راست و کیفیت مناجاتیایی که در دیوان نظامی

وجود دارد، از دیگر عناوین اثر است. مؤلف در ادامه به

مفهوم نیایش پرداخته و چگونگی ارتقا و تکامل

انسان به واسطه دعا را بررسی می‌کند.

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GÖLEK DOKÜMAN

20 MAYIS 2006

علیزاده خیاط، ناصر

۶۶۲- «تنوع نسبتها در تناسبات

حافظ»، نامه پارسی، پیاپی ۳۳، ص ۷۹-۸۸، فارسی.

کد پارسا: ۸۸۹۳۸۵

تناسبات دیوان حافظ

Hafiz-i Shirazi

22 TEM 2008

467. HAFEZ. *Divân*, à partir de trois manuscrits intégraux et anciens datés de 813, 822 et 825 de l'Hégire, édité par R. 'Eyvazi et A. Behruz. Tabriz, 1356/1977, xxii-xxvi-574 p., facsim. Faculté des Lettres et Sciences Humaines de Tabriz, Institut d'Histoire et de Civilisation Iraniennes, Publication de l'Université n° 221, Publication 27, Série Textes Persans 8.

Il s'agit de la meilleure édition actuellement réalisée du *Divân* de Hâfez. Le maître de Chiraz est mort vers 792/1390; les manuscrits les plus anciens que l'on possède de son *Divân* s'échelonnent entre les années 805/1402 et 827/1424, au total quinze manuscrits, dont l'un d'eux (Musée de Qonya, n° 107/4, daté de 819) n'a pu encore être décrit et utilisé. On sait par l'un de ces mss. que *Hâfez* n'a pas rassemblé lui-même ses poèmes dans un «divân»; ce travail a été fait après sa mort, en particulier par Moḥammad Golangām; mais les différences sont telles, entre les mss. les plus anciens, qu'il semble que ce personnage n'a pas été le seul à s'occuper de cette collecte. De plus, Hâfez a certainement dû retoucher à ses compositions au gré des circonstances et de son inspiration, changeant des mots ou des expressions, supprimant ou ajoutant des vers, retouchant aussi à leur ordre dans le poème. Dans ces conditions, il faut renoncer à parvenir un jour à un texte unique que l'on puisse considérer comme l'original, tout porte à croire que celui-ci n'a pas existé. Dans ces conditions encore, on peut bien penser que certains transmetteurs et copistes ont dû se sentir assez libres pour retoucher aussi le texte dont ils disposaient. Les éditeurs, MM. 'Eyvazi et Behruz, ont alors choisi de publier les trois manuscrits complets les plus anciens; ceux-ci n'ont jamais été publiés ensemble. Aucun des trois n'est une copie de l'autre, alors que, dans le

HAFIZ-I SIRAZI

HAFIZ-I SIRAZI
FARHANGI
SISTANI

975. ZIPOLI, Riccardo. *Â'ine dar šer-e Farroxi, Sa'di va Hâfez*. Tehrân, Ferdowsi, 1366/1987, 71 p.

[Le miroir dans la poésie de Farroxi, Sa'di et Hâfez]

Ce essai devait paraître intégralement dans les Actes du congrès Sa'di (v. *Zekr-e jamil-e Seyx Sa'di*, vol. 2./Unesco). Malheureusement, par décision du comité d'édition, tous les index et les statistiques ont été supprimés dans cette publication. R. Zipoli réédite donc l'ensemble de son travail, argumentation + tableaux et index, ce qui permettra au lecteur des Actes et à tous ceux qui ne les ont pas en leur possession, d'avoir accès à cette recherche originale : étude quantitative et comparative sur l'occurrence du mot *â'ine* dans les divans de Farroxi (11 vers), Sa'di (38 vers) et Hâfez (40 vers). Après les index statistiques de ces trois corpus, l'A. esquisse une méthode analytique très suggestive, qui montre bien dans quel sens pourraient progresser non seulement la connaissance de l'œuvre de ces poètes, particulièrement celle de Hâfez, mais aussi la qualité des traductions. En effet, en partant de telles recherches sur les occurrences, on pourrait établir de façon plus rigoureuse les critères sélectifs de la traduction du lexique hafézien.

Ch. B.

— Voir également dans les chapitres *Bibliographie* : Afšâr n° 1 — *Recueils d'articles* : Afšâr n° 26, MOHAMMAD 'ALI n° 44 — *Ouvrages généraux* : SKJAERVØ n° 72, ZARRINKUB n° 74 — *Langues vivantes* : AHMAD n° 115, TAKMIL-HOMÂYUN &

31 MART 1994

577. X'ÂNSÂRI, Ahmad Soheyli. «Yusof-e gomgašte, 'aziz-e Hâfez». *Âyande*, 10, 2-3 (1363/1984), pp. 147-149. [Joseph perdu, cher à Hâfez]

En regroupant cinq ghazals (n° 378, 250, 485, 55 et 130 de l'édition Xânlari). l'auteur peut montrer que Hâfez avait un fils nommé Yusof/Joseph, que ce fils est resté longtemps

HAFIZ-I SIRAZI

952. Meneghini Corraale, Daniela: The ghazals of Hafez : concordance and vocabulary / Daniela Meneghini Corraale. - Roma : Cultural Institute of the Islamic Republic of Iran in Italy, 1988. - 887 S. Inl. engl., Text pers. in lat. Schrift

HAFIZ-I SIRAZI

31 B 1426

09 MART 1994

26 MAYIS 1993

HAFIZ-I SIRAZI

86-930952

Hâfiz'shinâsi / farâham âvardah-i Sa'id Niyâz Kirmânî. -- Châp-i 1. -- [Tehran] : Ganj-i Kitâb, 1364- [1985- v. <1-10- > ; 24 cm. Vol. 10 rec'd this month; v. 1-9 acquired earlier. In Persian; romanized record. Vols. 2-3, 5-10- published by: Shirkat-i Sîhâmî-1 Intishârât-i Pâzhang, Tehran. Includes bibliographical references. 450.00IR (\$4.85 U.S.) (v. 1. : varies for each vol.) (Critical evaluation of the works of Hâfiz, 14th cent., Persian poet; collection of articles by noted Persian litterateurs)

Hâfiz Shirâzi

459. BASHIRI, I. «Hâfiz' Shirâzi Turk: a structuralist's point of view». Part I, The *Muslim World*, 69, 3 (1979), pp. 178-197. Part II, *M.W.*, 69, 4 (1979), pp. 248-268.

Cet article est écrit dans le même dessein que celui de l'auteur (Bashiri, I. in *Studies in Islam*, 16, 1 (1979), pp. 34-67) présenté dans le présent volume d'*Abst. Ir.* Ici, ce sont les qazals n° 331 et 3 (de l'édition Qazvini) qui sont paraphrasés et interprétés; l'auteur veut montrer l'unité interne de ces poèmes centrés sur le thème de l'Amour envisagé dans les degrés par lesquels le soufi doit passer pour l'atteindre. Les deux qazals seraient le reflet de deux périodes de la vie intérieure de Hâfez. Appendice, pp. 266-8, sur la prétendue rencontre de Hâfez et de Tamerlan.

C. F.

891.551

SHA.H

Shamlu, Ahmad

(Hafiz Shirazi)

حافظ شیرازی / تألیف احمد شاملو

ط ه - تهران : انتشارات مروارید ،

۱۳۳۲ هـ

[xix], 659 p.; 24 cm.

1. Literature, Persian - Poetry I. Author (Arabic) II. Title III. Title (Arabic)

8192

HÂFIZ-1 SHIRÂZI

Ahvar, Parvîz.

Kilk-i khayâl angîz, yâ, Farhang-i jâmi'-i Divân-i Hâfiz; shâmil-i ma'ânî va sharh-i yak hazâr va shish sad harf, vâzhah, tarkîb, tâbîr-i istilâhî-yi 'irfânî va ismî-hâ-yi khâq va bâz-i âbyât-i dushvâr / Parvîz Ahvar. — Châp-i 1. — [Tehran]: Kitâbfurûshî-i Zavvâr, 1363 [1984 or 1985]

2 v. (104, 962 p.): facsims.; 24 cm. In Persian; romanized record. Errata [4 p.] tipped in at end of v. 2. Includes index. For requesting libraries only. (Dictionary of Sufic names and terminology used in the Divân, collection of poems by Hâfiz, 14th cent., Iranian poet)

86-931777

HÂFIZ-1 SHIRÂZI

Majmû'ah-i maqâlât dar bârah-i Hâfiz / girdâvari va tanzîm-i Akbar Khudâparast. — Châp-i 1. — Tihân: Intishârât-i Hunar va Farhang, 1363 [1984 or 1985] 253 p.: facsims.; 24 cm. In Persian; romanized record. Includes bibliographical references. (On the life and works of Hâfiz, 14th cent., Iranian Sufi poet; collection of articles)

86-931986

589. ESLÂMI-NADUSÂN, M.-A. «Mâjerâ-ye pâyân nâpazir-e Hâfez» (L'interminable aventure de Hâfez), *Našr-e Dâneš*, II, 2, 1360 š, pp. 42-51.

La publication par P.N. Xânlari d'une nouvelle édition du *Divân-e Hâfez* (voir *Abstracta Iranica* vol. 5, n° 616) relance le débat sur les divers manuscrits existants. L'article s'interroge sur le pourquoi des différences ainsi que sur le fait que Hâfez lui-même n'a pas rassemblé et fixé définitivement de son vivant ses propres poèmes. La personnalité politico-spirituelle de Hâfez est analysée, notamment dans le processus de production littéraire. Son œuvre est présentée comme le véhicule et l'instrument d'un sens à la recherche d'autres sens plus élevés et plus précis. L'auteur émet l'hypothèse que les différences entre les divers manuscrits

Abst. Ir. 7

148

LITTÉRATURE

569. SKALMOWSKI, W., «Old Iranian motifs in the Divan of Hafiz». *Acta Iranica* 23 (1984), pp. 473-478.

S'appuyant sur l'édition du *Divân* de Hâfez par Pažmân-e Baxtyârî (Téhéran 1342), l'auteur répertorie les mots et noms propres évocateurs, dans cette œuvre, de l'Iran pré-islamique. Il les range selon trois catégories: références au Zoroastrisme; à l'histoire ancienne, mythique ou réelle; aux héros du *Šah-nâmeh*. Au-delà de ce classement adopté par commodité, l'intérêt de l'étude réside dans l'observation de la fonction de ces termes dans les poèmes de Hâfez. Au moyen de divers exemples, l'auteur fait comprendre les concepts que recouvrent ces mots ou les notions qu'ils sous-entendent. C'est pour leur valeur de symbole que le poète les a utilisés, non pour leur sens premier (certains, tels *div* et *pari*, ne relèvent même simplement que de la tradition populaire). En empruntant ainsi au passé, Hâfez a puisé dans une réserve de métaphores, et l'on peut conclure avec l'auteur que c'est bien la réthorique, et non l'histoire, qu'intéresse une telle étude.

M. Gd.

HOCKEY, S.M. A concordance to the poems of Hafiz with output in Persian characters. *The Computer and literary studies*, ed. A.J.Aitken, R.W.Bailey and N.Hamilton-Smith, Edinburgh, 1973, pp. 291-306.

Hafiz Shirazi poster
bi endeks (dizin)

REHDER, R.M. The unity of the ghazals of Hâfiz. *Islam* 51 (1974), pp. 55-96.

Hafiz gazellaris bi-irp.

9156 ABDUL-KADIR-E-SARFARAZ, Khan Bahadur Prof. Shaikh. Divination by the Diwan of Hafiz. *MP. Khareghat Memorial* Vol. 1, 1953, pp. 276-294

Hafiz in Divaninda ilahilik

556. MOJTAHHARI, M. *Tamâšgâh-e râz, mabâheši pirânun-e šenâxt-e vâqe'i-ye xâje Hâfez* (L'Observatoire du secret, discussion à propos d'une véritable connaissance de Hâfez), Tehrân, Šadrâ, 1359 š/1981, 197 p.

Ce petit livre qui rassemble les conférences données par l'âyatollah Mojtahhari à la faculté de théologie de Téhéran dans les années 1353-54š, le fait apparaître comme un fin littéraire et surtout un gnostique (*âref*). Quant au sujet traité il présente un double intérêt: — Il permet une meilleure connaissance de l'œuvre de Hâfez notamment dans sa dimension gnostique sans laquelle la dimension poétique et esthétique risque de nous échapper. — Il rend compte des tendances idéologiques des divers courants littéraires de l'Iran avant la révolution et montre l'importance de ce grand poète dont l'œuvre se trouve encore au centre des débats littéraires.

L'enjeu de cette «bataille» littéraire (née de diverses interprétations du *Divân-e Hâfez*) dont l'âyatollah Mojtahhari nous révèle la dimension idéologique, semble renvoyer à la recherche d'une légitimité historique à travers la récupération de Hâfez. A défaut de pouvoir légitimement interpréter le Coran, les laïcs iraniens, toutes tendances idéologiques confondues, ne chercheraient-ils pas à accaparer le sens d'une œuvre essentiellement gnostique? L'enjeu est important étant donné l'impact du *Divân-e Hâfez* sur la mentalité iranienne, qui le sacralise et le place en ordre d'importance spirituelle tout de suite après le Coran.

N. Y.-H.

623. XORRAMŠÂHI, B. «*Oslub-e honari-ye Hâfez va Qor'ân*» (Le Coran et l'esthétique de l'œuvre de Hâfez), *Našr-e Dâneš*, II, 4, 1361š, pp. 6-14.

L'auteur compare le style, la forme poétique et la démarche spirituelle du Coran avec celle du *Divân-e Hâfez* pour conclure à une grande ressemblance. Outre les emprunts textuels et conceptuels, toute l'œuvre est aussi marquée du verbe, du sens et même de la structure syntaxique du Coran. De nombreuses précisions sont apportées pour éclairer le pourquoi du désordre apparent dans lequel ont été placés les vers d'un même qazal. L'article compare la structure interne des sourates du Coran à celle des qazals de Hâfez en se référant aux travaux de recherche en islamologie entrepris par les musulmans et les occidentaux. Il conclut que c'est la communauté formelle, stylistique et sémantique entre les versets coraniques et les poèmes de Hâfez qui est à l'origine de l'impact extraordinaire du *Divân-e Hâfez* sur la nation iranienne. Hâfez représente selon l'auteur, non seulement le «gardien du Coran» (comme la désignation même l'indique *Hâfez ol-Qor'ân*: celui qui préserve le Coran en le mémorisant) mais aussi et surtout la mémoire collective d'une culture, d'un peuple. Entre le *Divân-e Hâfez* et le Coran, il y a une telle communion, que chacun constitue une clef et un moyen de comprendre l'autre. Ce commentaire suppose chez le lecteur une connaissance poussée de l'œuvre de Hâfez et du Coran.

N. Y.-H.

— Voir aussi les n° 60, 77, 93, 94, 98, 108, 556, 560 et 649.

172

LITTÉRATURE

Ghazna), le caractère populaire du héros, sa fuite sans gloire, les conseils terre à terre du narrateur ... M. Gd.

593. KHADIV-JAM, Sayyed Husain, *Vâze-Nâme, qazal-hâ-ye Hâfez* («Glossaire des Ghazals de Hâfez») Édité. Nâsher, Bd Enqelâb, 1092. Tehran, 1983. Tirage: 10.000.

Les 23 pages d'introduction contiennent des données très intéressantes: les éditions du *Divân* de Hâfez, études importantes publiées sur le grand poète, et aussi la liste des glossaires et commentaires du *Divân* datant des siècles passés et qui sont utilisés par l'auteur du présent glossaire. Celui-ci est alphabétique et comporte des signes diacritiques de vocalisation. Les explications sont suivies de citations des *hairs*.

R. F.

SADIQ, Muhammad

Hafiz the Lyrist.

Iqbal 161 (1967), pp. 30-53

84 Lirist Hafiz

HAFIZ

SLOMP, J. The triangle: Hafiz, Goethe and Iqbal. *Main currents of contemporary thought in Pakistan*, ed. Hakim Mohammed Said, Karachi, 1973, vol. II, pp. 388-414.

Üçlû: Hafiz, Goethe ve İkbâl

HAFIZ
İKBAL

HILLMANN, M.C. Sound and sense in a ghazal of Hâfiz. *MW* 61 (1971), pp. 111-121.

Hafiz'in Gazelinde
Ses ve Düzgü

HAFIZ

HAFIZ
HAFIZ-I ŞIRAZI

Hâfiz, 14th cent.
(Divân-i Khavâjah Hâfiz Shirâzi)

دیوان خواجه حافظ شیرازی / با تصحیح و
سه مقدمه و حواشی و تكملة و كشف الابيات و
كشف اللغات / به اهتمام ابو القاسم انجوى
شیرازی. — چاپ 4. — [Tehran] : سازمان

انتشارات جاویدان، 1361 [1982], 162, 306, 83, 229 p. ; 25 cm.
Poems.
In Persian.
Includes bibliographical references and index.
1750.00IR
For requesting libraries only.
(Includes a 162-p. introduction by the editor)

85-930248

HAFIZ

13424 YOUSOFI, Gholam Hosein. The image of the rind in the poetry of Hâfiz. *Bull. BAO N.S.* 9 (1977) pp. 22-29.

Hafiz'in şiirinde rind imajı

13396 BASHIRI, Iraj. Hâfiz and the Sufic ghazal. *Studies in Islam* 16 (1979) pp. 34-67.

Hafiz ve Tasavvufî gazel

HAFIZ

13419 SCHIMMEL, A. Hâfiz and his critics. *Studies in Islam* 16 (1979) pp. 1-13

Hafiz ve Kritik

HAFIZ

HAFIZ

7413 AHMAD, Nazir. A very old source of Hafiz's Ghazals. *Indo-Iranica* 18 i (1965), pp. 35-47

Hafiz'in Güzellerini çok eski
bir kaynaktan

HAFIZ

ZAKHIR, Sadzhad. Geniy Khafiza. (The genius of Hafiz.) *NAA* 1976 (5), pp. 96-102.

Hafiz'in Dehan

13423 YOUSOFI, Gholam Hosein. Colors in the poetry of Hafez. *Edebiyat* 2 (1977) pp. 15-28.

Hafiz'in şiirinde renkler

HAFIZ

07607a HILLMANN, Michael C. *Unity in the ghazals of Hefez*. Minneapolis: Bibliotheca Islamica, 1976.

Hafiz. Şirazi

HAFIZ

SHOMUHAMEDOV, Sh. M. Hafiz and his humanism. *Yadnyame-ye Jan Rypka* 1967, pp. 133-140.

Hafiz ve Beşeriyetsiliği

393 GALIMOVA, G. Stareyshaya rukopis stikhov Khafiza. (Oldest manuscript of poems by Hafiz.) *Probl. vost.* 1959 (4), pp. 105-112

Hafiz'in şiirlerinin
En eski el yazması

HAFIZ

Nirü, Sîrûs.
Ganj-i murâd : sharh-i shîr'hâ-yi pîchîdah
... me'nî-i kalimât-i mushkil va 'ibârât-i 'Arabî
dar ghazaliyât-i Khvâjah Shams al-Dîn Muḥammad
Ḥāfiẓ Shirāzi / nivishtah va ta'lîf, Sîrûs
Nirû. — Châp-i 1. — [Tehran?] : Intishārât
va Tahqîqât-i Sarzamîn, 1362 [1983]
23, 567 p. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. [566]-567.
Includes index.
1300.00IR (pbk.)
For requesting libraries only.
(Commentary on the Sufi poetry of Ḥāfiẓ,
14th cent., Persian poet)

87-931767

777. PURJAVADI, N., «Hosn-o malâhat: bahşi dar zibâ'i-šenâsi-e Ḥāfeẓ», *Naṣr-e Dâneš*, 6, 3 (1365), pp. 2-9.

«Beauté et charme», deux termes dont le deuxième seul implique, en plus de la beauté, une attirance exercée. C'est ce que désigne le premier *beyt* du ghazal n° 174 de Ḥāfeẓ (éd. Xānlari, 1362, p. 364), dans ses deux parties complémentaires, objet du commentaire de l'article. L'auteur s'attache à montrer que Ḥāfeẓ s'inspire ici d'Ahmad Qazālî (*Savāneh*), et que donc la visée du *beyt* est soufie, inspirée, comme toute la poésie de Ḥāfeẓ, selon l'auteur, par «le soufisme de la poésie persane».

C. F.

609. Omar Khayyâm: *Quatrains, Ḥāfeẓ: Ballades*. Introd. et choix de poèmes traduits par Vincent Monteil, Sindbad, Paris, 1983, 171 p. Coll. «La Bibliothèque Persane», calligraphies de Blandine Furet, éd. bilingue.

Une traduction de 172 quatrains de Xayyâm et de 9 ghazal de Ḥāfeẓ qui a l'avantage d'offrir, en regard du texte français, une belle calligraphie de l'original persan. La forme rimée, et le choix de l'alexandrin destiné à rendre le rythme des hémistiches dans les quatrains, sont d'une lecture attrayante. Le traducteur rappelle les adaptations qui ont fait la popularité de ces poètes en Europe au siècle dernier, les difficultés rencontrées dans le choix des poèmes, leurs qualités d'écriture et les discussions relatives à leur interprétation. Bien que probablement agnostique, Xayyâm, dans son approche philosophique, ne saurait être compris indépendamment du contexte musulman dans lequel il évolue. S'il fut préoccupé des affaires de son époque, il n'en reste pas moins que les questions qu'il crie vers Dieu, sans ménagement, sont de celles qui préoccupent les êtres de tous temps.

La lecture des ghazal de Ḥāfeẓ proposée ici laisse au second plan la question des rivalités et des influences indissociables du statut du poète à la cour pour retenir son art à nous entraîner dans l'universelle complexité des sentiments, réconciliant les partisans du «mystique» et ceux du «matérialiste» sur une écriture qui laisse à chacun le libre choix de son interprétation et renvoie au lecteur l'écho de sa propre recherche.

M. Gd.

834. RIVĀZ, Moḥammad. "Ta'sîr-e x'âje Ḥāfeẓ dar honar va andîše-ye 'allāme Eqbāl". *Dâneš* 15 (pâyiz 1367/1988) pp. 121-161.
[L'influence de Hafez sur l'art et la pensée de Iqbal]

L'A. établit une série de comparaisons entre des passages de l'œuvre de Hafez et de l'œuvre de Iqbal. L'influence de Hafez se manifeste chez Iqbal aussi bien dans sa production poétique en persan que dans celle en ourdou: citations poétiques, emploi de mots composés, d'expressions et d'images haféziens. L'A. intentionnellement n'aborde pas le problème des études et de la pensée de Iqbal au sujet de Hafez.

P. O.

14 KASIM 1380

49708 SCHIMMEL, A. "Ḥāfiẓ and his critics." *Stud. in Islam* 16, no. 1 (Ja '79) 1-33.

- Hafiz-i Shirazi
- Ahmed el-Gozzali

458. BASHIRI, I. «Ḥāfiẓ and the Sufi Ghazal». *Studies in Islam*, 16, 1 (1979), pp. 34-67.

L'idée poursuivie par l'A. est que les ghazals du *Divân* de Ḥāfeẓ relèvent de la tradition soufie, marquée par le souci d'unité. Cette unité, qui se fait, par le dépassement de la raison cosmique, dans l'union à l'Amé, marque structurellement les ghazals: ceux-ci ne sont pas des juxtapositions de *beyt* indépendants. Mais, selon l'A., on peut distinguer deux stades dans la composition de Ḥāfeẓ, celui de ses débuts et celui de sa maturité. C'est ce qu'il montre en analysant et en comparant les ghazals n° 406 et n° 407 (de l'édition Qazvini): il s'attache à mettre en valeur leur unité intrinsèque et le parallélisme de structure entre les deux ghazals; sa lecture «soufie» lui permet de dire que le n° 406 a été composé par et pour un débutant en soufisme, le n° 407 par un Ḥāfeẓ soufi proche du terme de son cheminement spirituel.

C. F.

783. SKALMOWSKI, W., «Remarks on dāulat in Hafiz». *Folia Orientalia*, XXII (1981-1984), pp. 131-137.

Une question délicate: celle du sens exact à donner au terme *dowlat* (et à ses dérivés)

dans la traduction des vers de Ḥāfeẓ. L'A. ne se contente pas du sens habituel de «bonne fortune» et tient, à juste titre, à prendre en compte la connexion établie par le poète entre les termes à l'intérieur d'un même hémistiche ou d'un hémistiche à l'autre, ainsi que dans le contexte plus général du *qazal*. Ayant exposé la variété des sens possibles, l'A. en cerne différents sens apparaissent distinctement:

- fortune, bien matériel;
- puissance, souveraineté (d'où: état, gouvernement, avec la connotation de «service»);
- heureuse issue, bonheur, chance, bonne fortune;
- hasard, sort, destin.

Plus souvent, les divers sens coexistent et se chevauchent l'un l'autre. L'A. évoque en conclusion la valeur poétique de ce terme ambigu dont la signification fuyante est un défi au traducteur et un plaisir pour le lecteur occasionnel. Son allusion à l'irritation que peut en concevoir le commentateur n'est pas sans rappeler le débat autour de la lecture de Ḥāfeẓ et de l'interprétation de son œuvre.

M. Gd.

EDEBIYAT

HAFIZ

7429 REYCHMAN, J. Nowe przyczynki do dziejów zainteresowań Hafizem w Polsce na początku XIX wieku. (Nouvelles contributions à la connaissance des poèmes de Hafiz en Pologne au commencement du XIXe siècle.) *Przegl. or.* 42 (1962), pp. 153-157

19. dsmm basında Polonya'da
Hafiz'in şiirlerini bilmesinin
alâkâdan yârı katkıları.

07606 HAFIZ. *Teachings of Hafiz*. Transl. by Gertrude Lowthian Bell, with a preface by E. Denison Ross and an introduction by Idries Shah. London: Octagon Press, for the Sufi Trust, 1979.

Hafizden bilgiler.

- Hafiz-i Shirazi
- Emir Hüsrev-i Dihlevi

771. MOSTABĀ'Ī, Fathollāh. «Ḥāfeẓ va Xosrow», *Āyande* 11, 1-3 (1364), pp. 50-69.

Ḥāfeẓ connaissait très bien les autres poètes, contemporains de son époque ou antérieurs, et mainte fois déjà on a relevé dans son *Divân* la trace d'influences poétiques diverses. Amir Xosrow Dehlavi était l'un des poètes les plus appréciés de Ḥāfeẓ et l'A. propose, après avoir discuté un point d'histoire littéraire, une quinzaine de pages d'exemples où les *beyt* des deux poètes se ressemblent par le fond ou par la forme.

R.

HAFIZ

(INDIANMED)
IRBAZ

13422 VAHIDUDDIN, S. Goethe, Ḥāfiẓ and Iqbāl: a comparative study in their creative life-styles. *Indo-Iranian studies*, ed. Fathullah Mujtabai, New Delhi, 1977, pp. 175-186.

Hafiz ve Iqbal: yarıktan hayet stil
lahitinde mukayeseli bir çalışma

Hafiz-i Shirazi

462. [BÜRGEL, J. C. «Der schöne Türke, immer noch missverstanden. Zu neuer Hafis-Literatur». *Orientalistische Literaturzeitung*, 75 (1980), cols. 106-111.]

EDEBIYAT

HAFIZ

EDEBIYAT

HAFIZ

EDEBIYAT

HAFIZ

1167 J.M.M. A note on "an old manuscript of the Divan-i-Hafiz," recently presented to the library of the K.R. Cama Oriental Institute. *J.K.R. Cama Or.*

Inst. 3 (1923), pp. 91-92
See also 1091A, 4664, 7447, 10967, 18427, 18430, 20265, 20574, 20576, 20587, 21025, 21937, 23528, 23923, 23958, 24922, 24931, 24943, 25810

Don zamanlarda K.R. Cama
Park Enstitüsüne kütüphanesine
sunulmuş bulunan Divan-ı
Hafiz'in eski bir elyazması
ciranesi bu not

13408 MEISAMI, J.S. Allegorical techniques in the Ghazals of Hafez. *Edebiyat* 4 i (1979) pp. 1-40.

Hafiz'in Gazellerinde alegorik
teknik

7427 REHDER, R. M. New material for the text of Hafez. *Iran* 3 (1965), pp. 109-119

Hafiz'in metnindeki
yeni mükemmeler

818. [DABBÂŞI, Hamid. "In hame naqş dar â'ine-ye owhâm: ta'biri bar ta'birât-e Hafez". *Iran Nameh* 6, 4 (1367) pp. 574-596.]

819. [ESLÂMI NODUŞAN, Md 'Ali. "Şive-ye şâ'eri-e Hafez". *Iran Nameh* 6, 4 (1367) pp. 521-558.]

830. NOWŞÂHI, Âref. "Naxostin şarh-e fârsi-e divân-e Hafez dar şebh-e qârre: 'Maraj al-bahreyn' ta'lif-e Xatmi-e Lâhûri be sâl-e 1026 hejri-e qamari". *Dâneş* 15 (pâyiz 1367/1988) pp. 45-80.
[Le premier commentaire au *divân* de Hafez dans le subcontinent indien, 1617]

Après une longue introduction sur la connaissance de Hafez en Inde, commencée déjà du vivant du poète (l'A. s'applique surtout à identifier Soltân Qiyâs al-Din, mentionné dans le *qazal* 218, éd. Xânlari), l'A. décrit le *Maraj* (ainsi vocalisé) *al-bahreyn* de Xatmi de Lahore, composé en 1026 q./1617. Cet ouvrage, encore inédit, dont on connaît jusqu'à présent 24 manuscrits, semble être le plus ancien commentaire au *divân* de Hafez composé en Inde. Cette intéressante étude fait apparaître la fortune extraordinaire de Hafez dans le subcontinent indien: l'A. rappelle que les seules bibliothèques du Pakistan conservent au moins 325 manuscrits du *divân*; et dans le subcontinent il y aurait eu 132 éditions de cet ouvrage. P. O.

810. 'ALAVI MOQADDAM, "Qor'ân va Hafez". *Dâneş* 15 (pâyiz 1367/1988) pp. 7-44. [Hafez et le Coran]

L'A. considère les renvois au Coran qu'on peut découvrir dans le *divân* de Hafez (édition Xânlari). Il s'agit tantôt de citations coraniques, tantôt le plus souvent d'allusions relatives au contenu. Cette étude rassemble utilement les données qu'on pourrait trouver égarées dans les commentaires au *divân* ou à chaque poème. Elle a cependant un caractère fragmentaire: on a ici une série de rapprochements quelquefois un peu mécaniques entre les versets du Coran et les vers de Hafez. P. O.

14 KASIM 1991 - Hafiz-ı Şirazi

14 KASIM 1991

- Hafiz-ı Şirazi

14 KASIM 1991

- Hafiz-ı Şirazi

02 MART 1994

1004. ASHURI, Dariush. "Chand nokteh dar sharh-e Divan-e Hafez". *Iran Nameh* 7, 4 (1368/1989) pp. 679-683.
[Quelques observations sur le commentaire du *Divan* de Hafez]

داریوش آشوری: چند نکته در شرح دیوان حافظ

A l'occasion de la réédition du *Hafez-Nameh* de Baha al-Din Khorramshahi, dont il fait l'éloge comme étant le meilleur commentaire qu'il connaisse du *Divan*, l'A. apporte des précisions sur quelques points du commentaire, à savoir: — 1. *Kolah gusheh shekastan*; — 2. *Bazar cheh gahgahi bar sar nahad kolahi, morghan qaf danand a'in-e padeshahi*; — 3. *Golbang*; — 4. *Bolbol ze shakh-e sarv beh golbang-e pahlavi, mikhwanad dush dars-e maqamat-e ma'navi*; — 5. *Sharh-e in qesseh... sokhan-e parva'i*; — 6. *Ya rabb az abr-e hedayat beresan barani*. C. F.

476. SKALMOWSKI, W. «Notes on the ghazals of Sa'di and Hafez». *Orientalia Lovaniensia Periodica*, 10 (1979), pp. 255-273.

Cet article judicieux est fondé sur deux idées: au temps de Sa'di, et avec Sa'di lui-même, le ghazal a atteint le sommet de son développement original, dans sa forme hautement conventionnelle et dans ses motifs, sources d'images connues de tous. Deuxièmement, c'est d'abord en référence à cette forme et à ces images qu'il faut lire les ghazals de Hafez, pour en éclairer les expressions allusives: pour comprendre Hafez, il est essentiel d'être bien familiarisé avec les ghazals du temps de Sa'di. L'auteur développe ces idées à l'aide d'exemples puisés dans les *Tayyebât* et dans les *Bad'iye* de Sa'di, rapprochés de beys de Hafez restés jusqu'ici obscurs. Il s'agit d'images, explicites chez Sa'di et allusives chez Hafez, ayant trait à l'amour: la souffrance qu'il cause, son exigence absolue, sa douceur, l'éclat de la beauté de l'aimé. L'auteur montre comment et jusqu'où Hafez a su pousser le «joke-like structure» typique du beyt du ghazal. C. F.

— Voir aussi le n° 34 (Bibliographie).

11.1.2. LITTÉRATURE PERSANE MODERNE

HAFIZ-ı ŞIRAZI 87-931609
Alavi, Partaw.
'Aqâ'id va afkâr-i Khvâjah: rahnâmâ-yi mushkilât-i Divân-i Hafez / nivishtah-i Partaw 'Alavi. — Châp-i 1. — Tihân: Nashr-i Andîshah, 1358 [1979]
212 p.; 22 cm. — (Majmû'ah-i qisṣah va naqd-i mu'âsir-i Irân; 2)
In Persian; romanized record.
Errata: [1] leaf tipped in at end.
Includes bibliographical references.
250.00IR (pbk.)
(Commentary on obscure portions of the *divân* (collected poems) of classical Persian poet Hafez, 14th cent.)

HAFIZ-ı ŞIRAZI

87-932466
Siddiqiyân, Mahîndukht.
Farhang-i vâzhah'namâ-yi Hafez: bih inẓimâm-i farhang-i basâmadî / farâham âvarandah, Mahîndukht Siddiqiyân; bâ hamkâri, Abû Tâlib Mîr 'Abidînî. — Châp-i 1. — Tihân: Mu'assasah-i Intishârât-i Amîr Kabîr, 1366 [1987]
25, 1600 p.; 23 cm.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: Concordance et fréquence de la Hafez.
3600.00IR
For requesting libraries only.
(Concordance to the *Divân* of Hafez, 14th cent., classical Persian poet)

02 MART 1994

972. ZAKÂ', Sirus & Hoseyn-'Ali HARAVI, Siyâvoş PARVÂZ, Jalil HAQIR, Md ŞAFI', Parviz AHVAR, Ebrâhîm QEYSARI, Masîh BAHRÂMIÂN. "Âyande' va paẓuheş dar bâre-ye Hafez". *Âyande* 13, 8-12 (1366) pp. 584-611.
[Âyande et la recherche sur Hafez]

Chronique hâfezienne, interprétations de détail.

R.

02 MART 1994

921. [JAMÂLZÂDE, Md 'Ali. *Resâle-ye yâzdah bâb, yâ andak âsenâ'i bâ Hafez*. Genève, Anjoman-e Dustdârân-e Adabiyât-e Irân, 1366, 172 p. [Essai en onze chapitres pour mieux connaître Hafez]]

23 EKIM 1996

612. RA'NA-HOSEYNI, K. «Bent al-'enab» va «talxvaš» dar še'r-e Hâfez». *Âyande*, 8, 12 (1361/1982), pp. 909-918.

Discussion de la préférence donnée par P.N. Xânlari, dans sa récente édition du *Divân* de Hâfez, à la version fournie par deux manuscrits anciens pour le *beyt* 8 du ghazal 5 (éd. Qazvini-Qani). L'auteur préfère et tente de justifier «talx-vaš» pour désigner le vin. Quoi qu'il en soit, ce qu'il a recueilli sur cette métaphore est intéressant. C. F.

HAFIZ

SHOMUHAMEDOV, S.

Hafiz and his humanism.
Yâdnâme-ye Jan Rypka (1967), pp. 133-140

Hafiz ve hismanizm

07682 HILLMANN, Michael C. *Unity in the ghazals of Hafez*. Minneapolis and Chicago: Bibliotheca Islamica, 1976. (Studies in Middle Eastern literatures, 6.)

HAFIZ SIRAZI

02 MART 1994

1048. [MOHAMMADI, Abbasqoli. "Nezam-e bi-nezami, nokteh'i dar sakht-e ghazal-e Hafez". *MDAD Mashhad* 21, 2 (1367/1988) pp. 223-240. [L'ordre du non-ordre, sur la structure du ghazal de Hafez]]

عباسقی محمدی : نظام بن نظامی در ساخت غزل حافظ

1030. HERAVI, Hoseyn Ali. *Sharh-e ghazalha-ye Hafez*. Tehran, Nashr-e Now, 1367/1988, xlv-2211 p., 4 vol.

حسین علی هروی : شرح غزلای حافظ

02 MART 1994

Compte rendu dans *Nashr-e Danesh* 9, 1 (1367) pp. 41-47 par Seyyed Mohammad Rastgu. L'ouvrage lui semble profitable mais manque parfois de s'arrêter à ce qu'il conviendrait d'expliquer encore, ou ne donne pas de raisons pour ses préférences pour telle ou telle version. L'auteur du compte rendu livre quelques critiques et remarques qui ne montrent pas toujours une grande maîtrise de Heravi dans ses interprétations. C. F.

1033. [KAPPLER, Claude-Claire. "De la forme au sens: la lecture de Hafez comme méditation". *Luqman* 6, 1 (1368/1989-90) pp. 39-48:]

1034. KHORRAMSHAHI, Baha al-Din. *Hafez-nameh. Sharh-e al-faz, a'lam, mafahim-e kelidi-e abiyat-e doshvar-e Hafez*. Tehran, Soroush & Sherekat-e Entesharat-e Elmi va Farhangi, 1366/1987, 1468 p., en 2 vol. (Scientific and Cultural Publications Compagny and Soroush Press, 205-206)

بهاء الدین خرمشاهی : حافظ نامه. شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی ادبیات دشوار حافظ

Abondant commentaire d'un bon choix de ghazals de Hafez. Ce travail, où l'auteur a bien utilisé l'oeuvre de commentateurs qui l'ont précédé, est surtout précieux par les réminiscences qu'il offre en exemple de beyts dont ceux de Hafez peuvent être l'écho. Mais sur bien des difficultés, le commentaire de Khorramshahi est muet. Travail utile à l'étude, mais usant d'un système de renvois trop lourd. Voir aussi le point de vue de N. Purjavadi, ci-dessous n° 1055. C. F.

593. KHADIV-JAM, Sayyed Husain, *Vâze-Nâme, qazal-hâ-ye Hâfez* («Glossaire des Ghazals de Hâfez») Édit. Nâsher, Bd Enqelâb, 1092. Tehran, 1983. Tirage : 10.000.

Les 23 pages d'introduction contiennent des données très intéressantes : les éditions du *Divân* de Hâfez, études importantes publiées sur le grand poète, et aussi la liste des glossaires et commentaires du *Divân* datant des siècles passés et qui sont utilisés par l'auteur du présent glossaire. Celui-ci est alphabétique et comporte des signes diacritiques de vocalisation. Les explications sont suivies de citations des *bais*. *Abst. Ir.*, VII, 193, 1984 Leiden R. F.

23 EKIM 1996

02 MART 1994

957. [ŠADIQIYÂN, Mahindoxt. *Farhang-e vâzenâme-ye Hâfez, be enzemâm-e farhang basâmadî*. Tehrân, Amir Kabir, 1366, 25-1600 p. [Vocabulaire et concordance de Hafez]]

1063. RAZZAZ, Ali Akbar. *Jam'-e parishan. Tabaqeh-bandi-e mowzu'i-e ash'ar-e Hafez*, composition de Baha al-Din Khorramshahi. Tehran, 'Elmi, 1369/1989, 2^e éd., 938 p., 2 vol.

[Les poèmes de Hafez regroupés par sujet]

علی اکبر رزآز : جمع پریشان. طبقه بندی موضوعی اشعار حافظ

Regroupement des poèmes de Hafez sous 300 sujets, sur la base de l'édition de Qazvini R. Ghani du *Divân*.

1064. [RIYAH, Mohammad Amin. *Golgasht. Dar she'r va andisheh-ye Hafez*. Tehran, 'Elmi, 1358/1989, 532 p. [Sur la poésie et la pensée de Hafez]]

محمد امین ریاحی : گلگشت. در شعر و اندیشه حافظ

1081. [TAJDINI, Mohammad Reza. *A'ineh-ye Hafez va hafez-e a'ineh*. Tehran, Pazhang, 1368/1989, 202 p. (Majmu'eh-ye Hafez-shenasi) [La miroir de Hafez et le gardien du miroir]]

محمد رضا تاجدینی : آئینه حافظ و حافظ آئینه

931. PURJAVADI, Nasrollah. "Rendi-e Hafez". *Nashr-e Danesh* 8, 6 (1367/1988) pp. 11-26 (1^e partie) et 9, 1 (1367/1988) pp. 14-31 (2^e partie).

نصرالله پورجوادی : رندی حافظ

L'auteur se réfère à la phénoménologie pour justifier la démarche de sa recherche. Celle-ci tient pour fondement de la pensée de Hafez la notion de *rend*, laquelle définit la conception que Hafez a de l'amour, de l'entreprise amoureuse (*asheqi*). La série d'articles de l'A. est une exploration de la notion paradoxale, chez Hafez, de *rend/rendi*. Contrairement au philosophe, le poète n'use pas d'un langage technique, mais naturel. Le déchiffrement du sens externe et commun s'impose donc d'abord. Le sens premier de *rend*, donné par les dictionnaires, est non seulement "libertin", mais "négateur" (*monker*). C'est justement en usant de ce sens que Hafez pourra signifier en négatif une expérience religieuse dépassant toute expression humaine. Opposée à l'ascèse (*zohd*), la notion de *rend* désigne une démarche intérieure où l'homme se décentre de lui-même. L'A. recourt aux travaux bien connus de P. Nwya sur Shaiq-e Balkhi pour décrire l'évolution historique qui a conduit à l'usage de *rend* par Hafez. C. F.

02 MART 1994

1008. *Bibliographie Hafez. Ouvrages et articles en langues européennes*. Paris, Unesco, Délégation Permanente de la République Islamique d'Iran, 1988, 24 p., dactylographié.

Travail rapide mais soigné, qui montrait, à l'occasion de la Table Ronde organisée par l'UNESCO à Paris sur Hafez, que les études haféziennes présentaient des signes de réveil. R.

02 MART 1994

1057. [RADFAR, Abu'l-Qasem. *Hafez pazhuhan va Hafez pazhuhi*. Tehran, Gostareh, 1989/1368, 19-429 p., index, 55 p. de bibliographie en langues occidentales, 2 pl. coul. (Majmu'eh-ye zaban va adabiyat-e farsî, 3) [Hafez, chercheurs et travaux]]

ابو القاسم رادفر : حافظ پژوهان و حافظ پژوهی

895. AHMAD, NAZIR. "Mâjârâ-ye čegunegi-e kašf-e yek nosxe-ye xaṭṭi-e qadimi-e divân-e Hâfeẓ dar Gurakhpur va taḥṣiye va čâp-e ân". *Iran Nameh* 5, 3 (1366/1987) pp. 489-500.
[Les circonstances de la découverte d'un manuscrit ancien du *divân* de Hâfeẓ à Gorakhpur : le travail d'édition et la publication de celui-ci]

L'A. donne des renseignements sur le manuscrit qui a été utilisé comme base pour l'édition, préparée par le même auteur, du *divân* de Hâfiez (Téhéran, 1971, 1975², 1976³). Ce manuscrit, qui appartenait à la famille Sabzpuş de Gorakhpur (Uttar Pradesh), date de 834 q./1421, et est donc de trois ans plus ancien que le manuscrit utilisé pour l'édition Qazvini - Qani (Téhéran, 1941-42). L'A. illustre l'importance de ce manuscrit, qui comporte une préface qu'on ne trouve pas dans d'autres manuscrits contemporains, et des morceaux que Qazvini n'a pas recueillis dans son édition. Mais surtout N. A. raconte les vicissitudes qui jalonnent pendant près de trente ans l'histoire de la découverte et de la publication du manuscrit. Une histoire qui mérite réflexion.

P. O.

896. ANVARI, Hasan. "Taṣṭiḥ-e enteḡādi-e Divān-e Ḥāfeẓ". *Āyande* 13, 8-12 (1366) pp. 612-627.
[Edition critique du *Divān* de Ḥāfeẓ]

Sur les différences de critères pour éditer de manière critique le texte de Hâfêz; l'A. ajoute un tableau récapitulatif des Mss les plus anciens et des éditions modernes qui les ont utilisés. R.

6626 ABID, S. Abid Ali. Hafiz of
Sheeraz. *Iqbal* 41 (1955), pp. 53-85

Sirazi Hafiz

HAFIZ-I SIRAZI

612. RA'NA-HOSEYNI, K. «Bent al-'enab» va «talxvaš» dar še'r-e Hâfez». *Ayande*, 8, 12 (1361/1982), pp. 909-918.

Discussion de la préférence donnée par P.N. Xānlari, dans sa récente édition du *Divān* de Hāfez, à la version fournie par deux manuscrits anciens pour le *beḡr* 8 du ghazal 5 (éd. Qazvini-Qāni). L'auteur préfère et tente de justifier «talx-vaš» pour désigner le vin. Qu'il en soit, ce qu'il a recueilli sur cette métaphore est intéressant.

C. F.

1906. BERTOTTI, Filippo. "Un viaggiatore romano e un poeta persiano: Pietro della Valle estimatore e divulgatore di Hafiz". *Islam Storia e Civiltà* 9, 2 (1990) n° 31, pp. 121-128.

L'A. analyse, dans le cadre des études et des traductions d'ouvrages persans en Europe au 17^e s., le rôle que le voyageur romain Pietro Della Valle (1586-1652) a joué dans la connaissance de Hafez en Europe. Ce fut pour la première fois en 1658, avec la publication du voyage en Perse, que le poète persan a été connu par le public cultivé européen. Della Valle lui consacre un passage fort intéressant dans son ouvrage, à l'occasion de sa visite au tombeau du poète à Shiraz. L'analyse de ce passage fait ressortir l'exactitude des informations données par le voyageur à propos de Hafez et de son œuvre. On n'a pas d'information suffisante pour déterminer si Della Valle fit aussi des traductions de poèmes de Hafez à l'occasion d'une leçon qu'il aurait faite — d'après une notice de son biographe Pietro Bellori

— auprès de l'Accademia degli Umoristi à Rome. Cet intéressant article donne beaucoup de renseignements sur un moment important dans l'histoire des études persanes en Europe. P. O.

02 MART 1994

1046. MO'IN, Mohammad. *Hafez-e shirin-sokhan. Beh monasebat-e kongreh-ye bozorgdasht-e ostad-e Mohammad Mo'in*, ed. Mehindokht Mo'in. Tehran, Mo'in, 1369/1990. 2^e éd., 858 p., 2 vol.

محمد معین : حافظ شیرین سخن

Etude très approfondie du contexte, de la vie et de la pensée de Hafez. M. Mo'in avait donné une première édition de ce travail en 1319/1940, l'avait ensuite beaucoup retravaillée, mais n'avait pu mener la nouvelle édition à son terme. Mehinkodht Mo'in a donc repris tout le travail de son père et voici sans doute l'un des ouvrages les plus nécessaires à l'étude de Hafez. Mo'in avait utilisé l'édition Qazvini-Ghani du *Divan* de Hafez, mais complétée par lui de la lecture d'autres manuscrits que ceux utilisés dans cette édition. La publication de ces deux volumes a demandé un énorme travail de vérification des références; un index très bien fait permet de rendre l'ouvrage accessible de différentes manières, et de nombreux spécialistes de Hafez ont été consultés pour la mise au point définitive de l'ouvrage.

C. F.

1047. [MODABBERI, Mahmud. "Amar-e ash'ar va sha'eran-e farsigu ta payan-e qam-e panjom-e hejri". *NDAD Kerman* 1, 1 (1369/1990) pp. 150-163.
[Données statistiques sur les vers et les poètes de langue persane jusqu'à la fin du 5^e s. de l'hégire/11^e s.]]

محمود مدبری: آمار اشعار و شاعران فارسی گو تا پایان قرن پنجم هجری

02 MART 1994

HAFIL - SHARZ

6628 FARUQI, H. Abbadullah. Religion of Hafiz of Shiraz. *Iqbal* viii (1959), pp. 11-18

Sinazlı Hafız da
din

1050. NEYSARI, Salim. *Moqaddameh'i bar tadvin-e ghazalha-ye Hafez*. Tehran, Elmi, 1367/1988, x-237 p.
[Introduction à l'édition des ghazals de Hafez]

سلیم نیساری : مقدمه‌ای بر تدوین غزلهای حافظ

MAR 1994

Dans l'édition du *Divan* de Hafez, l'auteur montre que l'on n'est pas au bout du chemin. Déjà Hafez lui-même, à en croire le célèbre introducteur, Golandam, avait refusé de rassembler ses poèmes en un tout. L'introduction au *Divan* attribuée à Golandam n'apparaît d'ailleurs dans les manuscrits qu'à partir du 9^e/15^e siècle, et la façon dont les ghazals ont été rassemblés nous reste inconnue. L'A. fait un bilan des manuscrits de valeur qui sont parvenus à notre temps ainsi qu'un bilan comparé des éditions les meilleures. Celle de P. N. Khanlari a évidemment suscité beaucoup d'espoirs, surtout sa deuxième édition, où il a pu utiliser la copie Khalkhali; mais certains choix faits par Khanlari continuent de provoquer des critiques. Au total, 345 ghazals de l'édition Khanlari sont dans 8 à 14 mss., 141 le sont dans 2 à 7 mss., deux ghazals seulement sont dans les 14 mss. L'A. estime qu'une nouvelle édition exigerait le recours à trois fois plus de mss. C. F.

1051. [NIKAM, Mehrdad. *Ketabshenasi-e Hafez*. Tehran, Elmi va Farhangi, 1367/1988, xv-269 p.
[Bibliographie de Hafez]]

مهرداد نیکنام : کتابشناسی حافظ

1052. NURIAN, Mehdi. "Besukht dideh ze heyrat". *Nashr-e Danesh* 9, 2 (1367/1988) pp. 31-41.
[Les yeux brûlent de stupeur]

مهدي نوريان : بسوخت ديده زحيرت

Compte rendu de l'ouvrage en 4 volumes de Hoseyn Ali Heravi, *Sharh-e ghazalha-ye Hafez*, Tehran, Nashr-e Now, 1367, XLV-2211 p. L'A. reproche à Heravi d'avoir choisi les variantes manuscrites du *Divan* qui lui convenaient le mieux pour résoudre tous les problèmes. Autre reproche: quelle que soit l'interprétation que l'on donne au *Divan* de Hafez, il est de toute manière nécessaire de connaître le sens des mots et expressions du registre du *tasavvuf* qu'il emploie, ce à quoi manque Heravi. Ex.: *bazi-e gheyrat* ("le jeu du zèle jaloux") n'est pas le seul jeu de l'amarant, mais d'abord de l'aimée. Les recherches bibliographiques de Heravi sont parfois trop superficielles, ainsi que ses références, par exemple à Mowlavi. Heravi a en particulier bien trop sous-estimé l'influence de ce dernier sur l'œuvre de Hafez. Bien des explications de Heravi n'expliquent rien, ou ne montrent pas qu'il ait bien compris Hafez. Des exemples en sont fournis, avec ironie parfois.

C. F.

1010. BÜRGE, J. C. "Goethe et Hâfiz, quelques réflexions". *Luqman* 5, 2 (1368/1989) pp. 87-104.

Goethe découvrit le *Divan* de Hafez dans la traduction intégrale qu'en fit Joseph von Hammer-Purgstall, parue en 1812/13 à Vienne. Excellente traduction, accompagnée de notes qui élucidaient toutes les allusions, elle permit à Goethe d'entrer réellement en contact avec Hafez; le choc fut tel que Goethe se sentit le "jumeau" de Hafez et se mit à dialoguer en vers avec lui. Ainsi se constitua son propre *Divan* divisé en douze chapitres portant, chacun, un titre personnel. A ces deux cents poèmes, s'ajoutèrent les *Noten und Abhandlungen* (Notes et Etudes) "où il initie le lecteur à l'histoire, aux coutumes et à la poésie des Hébreux, des Arabes et des Persans". Sans imiter la forme du *ghazal* Goethe "emprunte souvent un ou plusieurs vers de Hafez en les modifiant, ou en y ajoutant ses propres pensées". Il s'identifie à Hafez pour ce qui est de "la religion de l'amour", rejette l'interprétation strictement mystique et exprime, comme Hafez, une "attitude supraconcessionnelle". Il établit "un rapport essentiel entre l'amour et la poésie", se sert, comme Hafez, d'un langage chiffré et considère son rôle de poète comme analogue à celui du prophète "ou au moins du maître d'une communauté secrète", parlant non pour une église ou une catégorie humaine limitée", mais pour l'humanité entière.

1011. BÜRGE, Johann Christoph. "Kommt, Freunde, Schönheitsmarkt ist!: Bemerkungen zu Rückerts Hafis-Übertragungen", in: Wolfdietrich Fischer & Rainer Gömmel eds., *Friedrich Rückert Dichter und Sprachgelehrter in Erlangen. Referate des 9. interdisziplinären Colloquiums des Zentralinstituts*. Neustadt an der Aisch, Degener, 1990, pp. 131-146 (Schriften des Zentralinstituts für Fränkische Landeskunde und Allgemeine Regionalforschung an der Universität Erlangen-Nürnberg, Bd. 29) [Venez, amis, voici le marché de la beauté!: Remarques sur le Hafez de Rückert]

La traduction du *Divan* de Hafez par J. von Hammer-Purgstall (Tübingen, 1812) dont s'inspira Goethe (*West-östliche Diwan*, 1819) suggéra sans doute à Rückert sa propre version, dont l'édition posthume comprend 85 ghazals. J. C. B. fait une comparaison des trouvailles de Rückert avec celles de son prédécesseur et avec le texte persan. Voir aussi H. Bobzin, "Zur Geschichte der Hafiz-Übertragungen Rückerts. Mit einem Anhang: Hafisische Zieleiler in Übertragungen von Friedrich Rückert", in H. Bachmann ed., *Friedrich Rückerts Bedeutung für die deutsche Geisteswelt*, Coburg 1988. Y. R.

U 2 MAR 1951

8463 MORTADAVI, MANOCHEHR. "Love according to Jalāl ol-Din and Hāfez." (in Persian)

Rev. de la Faculté des Lettres de Tabriz 7 (Je '55)
67-96. Illustrated with numerous quotations from their poetry.

88-930118
Kāmrānī, Yād Allāh.
Hāfiz rind-i pārsā / Yād Allāh Kāmrānī. —
Chāp-i 1. — Tīhrān : Nashr-i Tārīkh-i Irān,
1363 [1984 or 1985].
65 p. ; 24 cm. — (Nashr-i Tārīkh-i Irān ;
30) (Majmū'ah-i pazūnīshā-yi tārikhi ; 6)
In Persian; romanized record.
150,001R
(A brief study of the works of the
classical Persian poet, Hāfiz, 14th cent.,
insofar as they portray him as an "abstemious
reveler")

589. ESLAMI-NADUŠAN, M.-A. «Mājerā-ye pāyān nāpazir-e Hāfez» (L'interminable aventure de Hāfez), *Nāsr-e Dāneš*, II, 2, 1360 š, pp. 42-51.

La publication par P. N. Xānlari d'une nouvelle édition du *Divān-e Hāfez* (voir *Abstracta Iranica* vol. 5, n° 616) relance le débat sur les divers manuscrits existants. L'article s'interroge sur le pourquoi des différences ainsi que sur le fait que Hāfez lui-même n'a pas rassemblé et fixé définitivement de son vivant ses propres poèmes. La personnalité politico-spirituelle de Hāfez est analysée, notamment dans le processus de production littéraire. Son œuvre est présentée comme le véhicule et l'instrument d'un sens à la recherche d'autres sens plus élevés et plus précis. L'auteur émet l'hypothèse que les différences entre les divers manuscrits

retrouvés pourraient résulter de modifications apportées par Hāfez lui-même au fil des étapes successives de sa recherche spirituelle. L'article est critique de l'édition Xānlari et lui préfère celle de Qazvini (1320 š); le débat n'est pas clos.
N. Y.-H.
Abstracta Iranica, vol. 5, n° 616, 1984

231 EKIM 1996

49643 BASHIRI, I. "Hāfiz and sufic Ghazal." *Stud. in Islam* 16, no. 1 (Ja '79) 34-67.

623. XORRAMSAHI, B. «Oshub-e honari-ye Hāfez va Qor'ān» (Le Coran et l'esthétique de l'œuvre de Hāfez), *Nāsr-e Dāneš*, II, 4, 1361š, pp. 6-14.

L'auteur compare le style, la forme poétique et la démarche spirituelle du Coran avec celle du *Divān-e Hāfez* pour conclure à une grande ressemblance. Outre les emprunts textuels et conceptuels, toute l'œuvre est aussi marquée du verbe, du sens et même de la structure syntaxique du Coran. De nombreuses précisions sont apportées pour éclairer le pourquoi du désordre apparent dans lequel ont été placés les vers d'un même *ghazal*. L'article compare la structure interne des sourates du Coran à celle des *ghazal*-s de Hāfez en se référant aux travaux de recherche en islamologie entrepris par les musulmans et les occidentaux. Il conclut que c'est la communauté formelle, stylistique et sémantique entre les versets coraniques et les poèmes de Hāfez qui est à l'origine de l'impact extraordinaire du *Divān-e Hāfez* sur la nation iranienne. Hāfez représente selon l'auteur, non seulement le «gardien du Coran» (comme la désignation même l'indique *Hāfez ol-Qor'ān*: celui qui préserve le Coran en le mémorisant) mais aussi et surtout la mémoire collective d'une culture, d'un peuple. Entre le *Divān-e Hāfez* et le Coran, il y a une telle communion, que chacun constitue une clef et un moyen de comprendre l'autre. Ce commentaire suppose chez le lecteur une connaissance poussée de l'œuvre de Hāfez et du Coran.
Abstracta Iranica, vol. 5, n° 623, 1984

231 EKIM 1996

1045. MIRAFZALI, Seyyed Ali. "Zin qesseh-ye deraz". *Nashr-e Danesh* 10, 4 (1369/1990) pp. 18-26 (1^e partie) et 10, 5 (1369/1990) pp. 34-44 (2^e partie).

سید علی میرافضلی : زین قصه دراز

Plusieurs recherches ont déjà été faites (cf. Mehrdad Niknam, *Ketabshenasi-e Hafez*, Tehran, 1367) sur l'influence des prédécesseurs de Hafez dans son *Divan*. L'une des mieux faites a été celle de Khorramshahi (in *Hafez-nameh*), complète pour ce qui est des références à l'arabe, mais incomplète autrement. S. A. Mirafzali prépare un livre à ce sujet, mais livre déjà dans ces articles une somme importante de références (avec citations) à des poètes et auteurs en persan ancien, dont on voit que Hafez a profité. Il s'agit de: Sana'i, Anvari, Khaqani, Nezami, Attar, Kamal al-Din Esma'il, 'Eraqi, Sa'di, Owjadi, Khaju, 'Obeyd-e Zakani, Naser-e Bokhara'i, Kamal al-Din Khojandi, Homa'i-e Tabrizi, Emad-e Faqih, Ebn-e Yamin, Seraj al-Din Qomri-e Amoli, Amir Mo'ezzi, Jamal al-Din Esfahani, Mowlavi, et divers (Adib-e Saber, Gorgani, Ferdowsi). En juxtaposant pièce à pièce des beyts de ces

230

11.1.1. LITTÉRATURE PERSANE CLASSIQUE

auteurs et ceux de Hafez qui semblent en dépendre, on obtient un ensemble suggestif, mais il reste à mesurer la réelle influence exercée sur Hafez, ce qui est une fort vaste question.

C. F.

02 MART 1996

938. MENEGHINI CORREALE, Daniela. "Tra il serio e il faceto. Parte prima : Hāfiz e Qāri. Parte seconda : Hāfiz e Bushāq". *Annali di Ca' Foscari* 23, 3 (1984) pp. 89-117 (Serie Orientale 15); 24, 3 (1985) pp. 41-89 (Serie Orientale 16).
[Un peu pour rire, un peu sérieusement : Hāfiz et Qāri; Hāfiz et Bushāq]

Dans la première partie de cette étude, dix ghazal de Qāri (poète actif à Chiraz dans la deuxième moitié du XV^e siècle) sont comparés avec les modèles correspondants du *divān* de Hāfez (éd. Xānlari) : on tire ainsi des indications sur la valeur du *Divān-e albese* "Canzoniere des vêtements", où les objets poétiques traditionnels sont remplacés par les articles d'habillement et les outils du couturier. La parodie ne s'adresse pas au chef de file; elle vise plutôt ses épigones et imitateurs : c'est le signe d'une incapacité à parcourir de nouveaux chemins. Dans la deuxième partie, l'A. s'applique à la caractérisation de l'œuvre de Boshāq de Chiraz (Abu Eshāq, m. 830 q./1427), auteur du *Divān-e al'eme* "Canzoniere des mets". La comparaison entre huit ghazal de Boshāq et les huit modèles du *divān* de Hāfez amène l'A. à reconnaître dans l'œuvre de Boshāq des tendances qui agissent délibérément en direction anti-hafizienne. Cette recherche pourrait aussi être conduite dans le sens contraire, pour voir ce que les ghazals de Qāri et de Boshāq peuvent dire à propos de certains problèmes hafiziens : par exemple, l'ordre de succession des vers et leur interprétation. On annonce une troisième partie.

A. M. P.

1059. RAVAQI, Ali. "Pishnahad dar bareh-ye seh vazheh-ye Hafez". *Nashr-e Danesh* 10, 4 (1369/1990) pp. 27-33.
[Suggestion à propos de trois mots de Hafez]

علی رواقی : پیشنهاده در باره سه واژه حافظ

Longue notice fourmillant de références pertinentes pour rétablir le sens correct de trois mots. — L'un, *nekal* ou *negal* (rencontré dans Hafez, *Divan*, éd. Xānlari, 1362, vol. 2, p. 1034): "femme noire et laide", qualificatif de la nuit. Autour de ce mot, l'A. déploie un vaste réseau de termes, tous de même origine, *ajghar*, *ashkar*, *zoghhar* ("charbon", qui avait tenté Qazvini pour corriger *nekal* qu'il ne comprenait pas). — Deuxième mot: *padshah-angiz* (*Divan*, 260, 6), "qui met le roi échec et mat": malgré sa référence au *khahar*, le beyt désigne le jeu d'échecs. — Troisième mot: *mah-e khargahi* (*Divan*, 143, 6). On a constamment interprété cette expression comme une figure de la bien-aimée turque qui vit sous la tente (*khargahi*), celle du nomade. Mais la référence est à Coran, 55, 72 ("Des Houris, cloîtrées dans des pavillons"), comme on le voit dans de nombreuses citations rapportées par l'auteur. C. F.

02 MART 1996

Micro- 91-933056
fiche 91/
58636

Hafiz Sirazi

Bāng-i jaras : rāhnāmā-yi mushkilāt-i
divān-i Hāfiz / nivīshdah-yi Partaw 'Alavī. --
Chāp-i 2. -- Tīhrān : Shirkat-i Sāhīmī-i
Intishārāt-i Khvārazmī, 1363 [1984].
177 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
(Commentary and explanatory notes on the
divan (collected poems) of Hāfiz, 14th cent.)

MEISAMI, J.S. Allegorical techniques in the
Ghazals of Hāfiz. *Edebiyāt* 4 i (1979)
pp. 1-40.

ABIDI, S.A.H. Hāfiz and India. *Indo-Iranica*
31 iii-iv (1978) pp. 1-36.

10 AGUSTOS 1992

MEISAMI, J.S. Allegorical techniques in the
Ghazals of Hāfiz. *Edebiyāt* 4 i (1979)
pp. 1-40.

3124 MEISAMI, J.S. Hāfiz in English: problems of
reception and translation. *BRISMES: British
Society for Middle Eastern Studies* (in association
with AFEMAM): *Proceedings of the 1989
International Conference on Europe and the
Middle East ... Durham ... 1989*. Oxford: British
Society for Middle Eastern Studies, 1989.
pp.454-455

4426 BÜRGEL, J.C. Goethe und Hāfiz. *Iranzamin*, 1
v-vi (1981-82) pp.123-144

3478 FATEMI, Nasrollah S. Hāfiz, the poet who
represented the best in Sufism. *Middle East* 1.
Ed. G.de la Lama. Mexico: Colegio de México,
1982 (30th International Congress of Human
Sciences in Asia & North Africa, 1976) pp.43-61

19 KASIM 1992

4748 MENEGHINI CORREALE, D. Tra il serio e il
faceto, parte prima: Hāfiz e Qārī. *Annali della
Facoltà di Lingue e Letterature Straniere di Ca'
Foscari*, 23 iii : Serie Orientale, 15 (1985) pp.89-
117 [Incl. transliterated texts & Italian
translations of 10 poems each from the Diwāns
of Hāfiz & Qārī.]

19 KASIM 1992

Hāfiz, 14th cent.
Divān-i Hāfiz / bih taḥṣīṣ, Ḥusayn ILĀHī
Qumshāh'ī ; khatt-i Chulām Ḥusayn Amīr Khūnī.
-- Chāp-i 2. -- [Tehran] : Anjuman-i Khvush-
nivār-i Irān : Intishārāt-i Surūsh,
1367 [1988].
536 p., [11] leaves of plates : col. 11l. ;
25 cm.
Poems.
In Persian; romanized record.
10000.00IR (\$90.90 U.S.)
Acquired for LC only.

24695 LESCOT, R. Essai d'une chrono-
logie de l'oeuvre de Hāfiz. *BEO* 10 (1944).
pp. 59-100

88-931390

Micro- Bīnā, Muḥsin.
fiche 88/
59551

Maqāmāt-i ma'nawī : 'irfān-i dū 'arīf-i nāmī
Abī Ismā'īl Khvājah 'Abd Allāh Anṣārī va Shams
al-Dīn Muḥammad Līsān al-Qayb Khvājah Hāfiz
Shīrāzī : tarjamah va tafsīr-i Manāzil al-
sā'irīn-i Khvājah 'Abd Allāh Anṣārī / bi-qalam-i
Muḥsin Bīnā. -- Chāp-i 2. -- [Tehran] : Kitāb-
furūshī-i Islāmīyah, 1354- [1975-
v. ; 23 cm.
Vol. 1 rec'd this month; to be complete in
4 v.
In Persian; romanized record.
(Commentary on Manāzil al-sā'irīn, a treatise
on Islamic ethics and Sufism, by 'Abd Allāh
ibn Muḥammad Anṣārī al-Harawī, 1006-1089;
includes quotations from the works of Hāfiz,
14th century Persian mystic poet).

89-930697

Murtaḥavī, Manūchihr.
Maktab-i Hāfiz, yā, Muqaddamah bar Hāfiz-shi-
nāsī / nivīsandah, Manūchihr Murtaḥavī.
Chāp-i 2, bā iqlāḥāt va afzūdā. -- [Tehran] :
Intishārāt-i Tūs, 1365 (1986 or 1987)
19, 551 p. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
"Intishārāt-i Tūs, 278."
Includes indexes.
2500.00IR (\$26.01 U.S.)
For requesting libraries only.
(Critical evaluation of the works of
Hāfiz, 14th century Persian poet)

30 UCAK 1993

10 ARALIK 1992

1366. **Hafiz**: *Dīwān-i kuhna-i Hafiz*; az rüy-i nusha-i bat'i nazdik ba-zamān-i sā'ir / ba-kūsis-i irāg Afsār. - Cāp 3. - Tih-rān : Amīr Kabīr, [1987] = 1366 h.s. - 5, 492 S.
Inhaltsangabe: Gedichtsammlung. - Pers. in pers. Schr.
28 A 9667

1367. **Hafiz**: *Offenbares Geheimnis*: 50 Gedichte aus dem Diwan / Hafis. Ins Dt. übertr. von Cyrus Atabay. - Düsseldorf: Eremiten-Presse, 1987. - [102] S.
ISBN 3-87365-235-8 28 A 16820

88-931342
Khurramshāhi, Bahā' al-Dīn.
Hāfiz-nāmah: shart-i alfāz, a'lām, mafāhīm-i kilidī va ābyāt-i dushvār-i Hāfiz / nivishtan-i Bahā' al-Dīn Khurramshāhi. - Chāp-i 1. - Tih-rān : Shirkat-i Intishārāt-i 'ilmī va Farhangī va Intishārāt-i Surūsh, 1987.
2 v. (1340 p.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: *Hāfiz-nāmah*: a selective commentary on Hāfiz' ghazals.
Bibliography: v. 2, p. 1259-1277.
Includes indexes.
4500.00IR (per set)
For requesting libraries only.

2836 SCHROEDER, ERIC. "Verse translation and Hafiz." *J. Near East Stud.* 8 (O '48) 209-22. Some reflections on the art of translating poetry, being a review of A. J. Arberry's *Fifty Poems of Hafiz*.

EDS.B.1AT

HAFIZ

13427 ZAKHIR, Sadzhad. *Geniy Khafiza*. (The genius of Hafiz.) *NAA* 1976 (5), pp.96-102.

Hafiz'in dehası

EDS.B.1AT

HAFIZ

13397 BASHIRI, Iraj. *Hāfiz' Shīrāzi Turk*: a structuralist's point of view. Part 1. *MW* 69 (1979) pp. 178-197; 248-268.

Türk Hafiz Shirazi yapmış bir bakış
a-ş-sı

TEMmuz 1987

HAFIZI SIRAZI

Bestell-Nr.:
7 E 7336

Hafiz: [Dreihundsechzig Ghazelen]
Dreihundsechzig Ghazelen des Hafis / Friedrich Rückert.
Mit e. Einl. von Johann Christoph Bürgel. Hrsg. von
Wolfdietrich Fischer
Wiesbaden: Harrassowitz, 1988. - 101 S.
(Rückert zu Ehren, eine Schriftenreihe der Rückert-Gesellschaft; 1)
ISBN 3-447-02809-2
NE: Rückert, Friedrich [Übers.]; Rückert-Gesellschaft: Rückert zu Ehren, eine Schriftenreihe der Rückert-Gesellschaft

HAFIZI SIRAZI

90-933043

Tājdīnī, Muḥammad Rīzā.
Āyīnāh-i Hāfiz va Hāfiz' Āyīnāh / Muḥammad Rīzā Tājdīnī. - [Tehran]: Shirkat-i Intishārāt-i Pāzhang, 1368 [1989]
[3], 202 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references (p. [1]-[3] (2nd group)).
750.00IR (\$6.81 U.S.)
(Comparative study of Hāfiz, 14th century Sufi poet from Iran, and some eminent 11th century Persian poets, as well as his contemporaries)

01 ARALIK 1993

944 ROUNAQ, Mohammad Ali. Auswahl einer wissenschaftlichen Hāfiz-Bibliographie.
Spektrum Iran, 1 iv (1988) pp.79-93

27 MAYIS 1993

- Hafiz-i Shirazi

TS11.216
MA.F

Mazloğlu, Hasibe

IRCUA

Fuzuli-Hafiz: İki şair arasında bir karşılaştırma / by Hasibe Mazloğlu. - Ankara: Türkiye İş Bankası, 1956.
vii, 384 p. ; 24,5 cm. - (Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları. Seri I; no.3)
Thesis (doctoral)
Bibliography: 370-375

3174
1. Literature, Turkish - Poetry I. Title II. (Series)

HAFIZI SIRAZI

90-930271

Micro- Dashti, Ali, 1895-
fiche
90/
58836
Maqshī az Hāfiz / 'Alī Dashtī; xīr-i naẓar-i Mahdī Māhūzī. - Chāp-i 1. - [Tehran]: Intishārāt-i Asāṭīr, 1364 [1985 or 1986]
334 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
"Intishārāt-i Asāṭīr, 38."
(Critical evaluation on the work of Hāfiz, 14th cent., Persian poet)

5

27 MAYIS 1993

24692 DEWHURST, R. P. The metres of Hafiz and Atish. *JRAS*, 1917, pp. 383-385

Hafiz-i Shirazi

30 ULAK 1993

24691 BOYCE, M. A novel interpretation of Hafiz. *BSOAS* 15 (1953), pp. 279-288; Communication from G. M. Wickens, 16 (1954), p. 389

Hafiz-i Shirazi

30 ULAK 1993

HAFIZ-I SIRAZI
060015, FAHREDDIN-IRAKI
SAADI-SIRAZI 90-933079

Subhānī, Tawfīq.
Ta'aghur-i Ḥāfiz az 'Irāqī va Sa'dī / nivish-
tah-i Tawfīq H. Subhānī. -- Chāp-i 1. --
[Tehran] : Payk-i Tarjamah va Nashr,
1368 [1989 or 1990]
239 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references (p.
237-239)
750.001R (\$6.81 U.S.)
(On the influence of Sa'dī, 14th cent., and
Fakhr al-Dīn Ibrāhīm 'Irāqī, d. 1289?, on
the poetry of Ḥāfiz, 14th century, Sufi poet)

88-930098

Khadīvjām, Husayn.
Vāzhah-nāmāh-i ghazalhā-yi Ḥāfiz / az
Husayn Khadīvjām. -- Tih-rān : Nashr-i
Nāshir, 1984.
136 p. : facsim. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: Vāghih nāmih-yi
ghazalhā-yi Ḥāfiz.
Includes bibliographical references.
(Dictionary of words used by Ḥāfiz,
14th cent., in his Persian ghazals)

88-930417

Ḥāfiz, 14th cent.
Divān-i kuhnah-i Ḥāfiz az rū-yi nuskhah-i
khattī-i nazdik bih zamān-i shā'ir / bi-
kūshish-i 'Irāj Afshār. -- Chāp-i 3. --
Tih-rān : Mu'assasah-i Intishārāt-i Amīr
Kabīr, 1366 [1987]
[2], 7, 492 p. ; 25 cm.
Poems.
In Persian; romanized record.
1500.001R
For requesting libraries only.
(Divān (collected poems) based on a
manuscript in the Majlis-i Shūrā-yi Millī
Library, Tehran, Iran)

HAFIZ-I SIRAZI

90-962836

Shawāribī, Ibrāhīm Amīn.
(Ḥāfiz al-Shīrāzī)
حافظ الشيرازي : شاعر الغزل
في ايران / ابراهيم امين الشواربي.
بيروت : دار الروفة, 1989.
9, 432 p. : ill. ; 24 cm.
Reprint. Originally published:
Miqr : Matba'at al-Ma'ārif
wa-Maktabatuhā, [1944]
Includes bibliographical
references (p. 375-385) and
indexes.
\$7.50 (U.S.)
Ḥāfiz, 14th cent.
L&S-Lang.

HAFIZ-I SIRAZI

89-931780

Dastghayb, 'Abd al-'Alī.
Ḥāfiz shīnākht / ta'līf-i 'Abd al-'Alī
Dastghayb. -- Chāp-i 1. -- [Tehran] : Nashr-i
'Ilm, [1983?]
2 v. (1046 p.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 1041-1046.
\$500.001R (\$54.91 U.S.) per set.
For requesting libraries only.
(Critical evaluation of the works of Ḥāfiz,
14th century Persian poet)

17 ARALIK 1993

384 Pedide, Mahmud: Ḥāfiz divanındaki bazı güç beyitler. Doktora tezi. İstan-
bul 1978. XIV+149 y. 4° Bibl.: VII-XIV. Teksir.
«İ.Ü. Ed. Fak. Arap ve Fars Filolojisi Bölümü»

HAFIZ-I SIRAZI

26 SUBAT 1994

3171. Riyāhī, Muḥammad Amīn: Gulgašt : (dar shī' wa an-
dīsa-i Ḥāfiz) / ta'līf: Muḥammad Amīn Riyāhī. - Cāp 1. -
Tih-rān : Intishārāt-i 'Ilmī, [1989] = 1368 h.s. - 532 S.
Inhalt: Hafis-Studien. - In arab. Schrift, pers. 31 A 7083

HAFIZ-I SIRAZI

90-930691

Ja'farī Langarūdī, Muḥammad Ja'far.
Rāz-i baqā-yi 'Irān dar sukhan-i Ḥāfiz /
Muḥammad Ja'far Ja'farī Langarūdī. -- Chāp-i
1. -- Tih-rān : Kitābkūhānāh-i Ganj-i Dānish,
1368 [1989 or 1990]
188 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Title on p. [4] of cover: Hāfer and Iran's
survival.
Includes bibliographical references (p.
[161]-172)
Includes indexes.
900.001R (\$8.42 U.S.)
(On the survival of Iran as interpreted in
the work of Ḥāfiz 14th century, Sufi poet
from Iran)

01 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI

90-964053

(Ḥāfiz al-Shīrāzī)
حافظ الشيرازي : شاعر الغزل
والانسان : مهرجان تكريم شاعر الغزل
العرفاني حافظ الشيرازي بمناسبة مرور
700 عام على وفاته. -- دمشق :
المنشورية الثقافية للجمهوريّة
الإسلامية الأيرانية, 1989.
326 p. : ill (some col.) ; 25 cm.
\$8.50 (U.S.)
Ḥāfiz, 14th cent.
L&S-Lang.

01 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI

89-931889

Farrukh, Rukn al-Dīn Humāyūn.
Ḥāfiz-i 'Arīf, Ḥāfiz-i kharābācl /
pizhūhandah, Rukn al-Dīn Humāyūn Farrukh. --
[Tehran : R.D.H. Farrukh], <1360-
[1981- >
v. <2- > ; 25 cm.
Vol.2, pt. 1-3 rec'd this month; v. 1 not
available.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references and
indexes.
Acquired for LC only.
(Critical evaluation of the works of Ḥāfiz,
14th century Persian poet)

01 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI

91-933496

Ḥāfiz, 14th cent.
Hāfer in 30 languages / preparation and
arrangement[nt] by Mohsen Ramezani. -- 1st ed. --
Tehran : Padideh Publishing Co., 1988.
36, 809, [1] p. : ill. (some col.), facsim.
25 cm.
Poems.
Polyglot.
Title on added t.p.: Ḥāfiz bih sī zabān.
Rs1400.00 (\$57.18 U.S.)
For requesting libraries only.

01 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI

89-932050

Huzhūr, 'Abd al-Husayn.
Ḥāfiz-i tashrīh / ta'līf-i 'Abd al-Husayn
Huzhūr. -- Chāp-i 2., bā ḥurūfchīn-i mujaddad.
-- Tih-rān : Nashr-i 'Ilm, 1367 [1988 or 1989]
277 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
1400.001R (\$13.35 U.S.)
For requesting libraries only.
(On the poetical genius of Ḥāfiz, 14th
century Persian poet; includes classified
samples of his works)

17 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI

89-931949

Micro-Mu'ayyirī, Muḥammad 'Alī.
fiche Ḥāfiz rāham az Ḥāfiz bishīnāsīm / nivishtarh-i
89/ Muḥammad 'Alī Mu'ayyirī. -- [Tehran? : s.n.],
86404 1352 [1973 or 1974]
121 p. ; 23 cm.
Cancel: In Persian; romanized record.
89/ Includes bibliographical references.
83401 (Critical evaluation of the works of Ḥāfiz,
14th century Persian poet)

17 ARALIK 1993

24688 ARBERRY, A. J. Hafiz and his English translators. IC 20 (1946), pp. 111-128, 229-249

Hafiz - Shirazi

26 KASIM 1993

HAFIZ - SIRAZI

۲۰. آینه جام: شرح مشکلات دیوان حافظ، دکتر عباس زریاب خویی. (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸). ۲۱۰ ص، وزیری. ۲۶۰۰ ریال.

Hafiz - Shirazi

HAFIZ. *Teachings of Hafiz*. Transl. by Gertrude Lowthian Bell, with a preface by W. Denison Ross and an introduction by Idries Shah. London: Octagon Press, for the Sufi Trust, 1979.

10 ARALIK 1992

HAFIZ - SIRAZI

۳. دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی. تصحیح و تنقیح شادروان علی عبد الرسولی. خط مرتضیٰ عبدالرسولی. (تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۶۷). ۵۵۰ ص، رحلی.

Hafiz - Shirazi

BASHIRI, Iraj. *Hāfiz' Shīrāzī Turk: a structuralist's point of view*. Part II. MW 69 (1979) pp. 248-268.

10 ARALIK 1991

24694 JACOB, G. Das Weinhaus nebst Zubehör nach den Gazelen des Hāfiz. Ein Beitrag zu einer Darstellung des altpersischen Lebens. *Or. Stud. T. Nöldeke gewidmet* II, 1906, pp. 1055-1076

Hafiz - Shirazi

26 KASIM 1993

HAFIZ - SIRAZI

۳. عنقا در اندیشه حافظ. مهدی دهباشی. (کیهان اندیشه، شماره ۳، خرداد-تیر ۱۳۶۹).

HAFIZ - SIRAZI

88-960028
Khafāzī, 'Abd al-Halīm.
(*Indamā ghābat al-shams*)
عندما غابت الشمس / عبد الطیم
خفاجی. - الطبعة 2. - المنصورة
[Egypt] : دار الوناء، 1987.
479 p. : ill., ports. ; 25 cm.
Title page partially vocalized.
ISBN 977-1421-52-8 : \$27.00
Memoires of a Muslim Brotherhood member
Egy-Post 1800 Hist. & Polit.

10 ARALIK 1992

1803 [HAFIZ, Shams al-Dīn Muhammad]. *Fifty poems of Hāfiz: texts & translations collected & made, introd. & annot. A.J.Arberry*. Cambridge 1947, rp. Richmond: Curzon, 1993. 187pp.

HAFIZ - SIRAZI

86-930952
Hāfiz/shināsī / farāham āvardah-'i Sa'īd Niyāz Kirmānī. -- Chāp-i 1. -- [Tehran] : Ganj-i Kitāb, 1364- [1985]-
v. <1- > ; 24 cm.
Vol. 2 rec'd this month; v. 1 acquired earlier.
In Persian; romanized record.
Vol. 2 published by: Shirkat-i Sihāmī-i Intishārāt-i Pāzhang.
Includes bibliographical references.
450.00 IR (v. 1 varies for each vol.)
(Critical evaluation of the works of Persian poet Hāfiz, 14th cent.; collection of articles by noted Persian litterateurs)

26 KASIM 1993

HAFIZ - SIRAZI

86-931046
Micro-Hāfiz, 14th cent.
fiche Divān-i Khvājeh Shams al-Dīn Muhammad Hāfiz
86/ Shīrāzī : az rū-yi qahīh'tarīn va mu'tabar'tarīn
59437 nusakh-i mawjūd ; bā muqaddamah'ī az 'All Dāshī. -- Chāp-i 1. -- [Tehran] : Sāzmān-i Intishārāt-i Jāvidān, 1363 [1984 or 1985] 9, [14], 604 p., [7] leaves of plates : col. ill. ; 29 cm.
Poems.
In Persian; romanized record.

26 KASIM 1993

1224. [BÜRGE, J.Christoph; GLÜNZ, Michael eds. *Intoxication, earthly and heavenly: seven studies on the poet Hafiz of Shiraz*. Bern, Peter Lang, 1991. 148-10 p., 2 tab. (Swiss Asian Studies/Etudes Asiatiques Suisses: Studienheft/Research Studies, 12)]

4 SUBAT 1998

Hafiz ?

5960 WICKENS, G. M. "An analysis of primary and secondary significations in the third ghazal of Hāfiz." *B.S.O.S.* 14, no. 3 (1952) 627-38. (Cf. #5464). Lists all possible associations by sound with the words of the poem, including homophonous Turkish words, and suggests that all these meanings were to some extent present in the mind of the poet.

10 ARALIK 1992

24699 PAUL, O. Die Versform in Rückerts Hafis-Übersetzung. *Studia Indo-Iranica. Ehrengabe f. W. Geiger*, 1931, pp. 301-313

Hafiz-i Shirazi

30 OCAK 1994

خرم شاهي، بهاء الدين. "حافظ ورنندورندي". كيهان فرهنگي، سال ۳، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۶۵): ص ۲۴-۲۷.

۲۹۵۷ HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

Micro-Sūfī, d. ca. 1597.
fiche Sharḥ-i Sūfī bar Ḥāfiẓ / tarjamah-'i 'Ismat
86/ Sattār-zādeh. — Chāp-i 4. -- [Tehran?]:
59436 Intishārāt-i Anzālī, 1362 (1983 or 1984),
4 v. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
(Commentary on Divān (Sufi poetry) by Ḥāfiẓ,
14th century Persian poet)

86-931086

26 KASIM 1993

24686 AKHTAR, Ahmedmian. The Arabic poetry of Hafiz. *IC 13* (1939), pp. 222-233. Also in *Proc. 8th All-India Or. Conf.*, 1935, pp. 228-235

Hafiz-i Shirazi

30 OCAK 1994

خرم شاهي، بهاء الدين. "بحثي در مورد يك تعبير حافظ: مسلمان نشود، سليمان نشود". اطلاعات (۵ آذر ۱۳۶۴): ص ۴ کلچرخ، ش ۷.

۲۴۴۲ HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

Micro-Sūfī, d. ca. 1597.
fiche Sharḥ-i Sūfī bar Ḥāfiẓ / tarjamah-'i 'Ismat
86/ Sattār-zādeh. — Chāp-i 4. -- [Tehran?]:
59436 Intishārāt-i Anzālī, 1362 (1983 or 1984),
4 v. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
(Commentary on Divān (Sufi poetry) by Ḥāfiẓ,
14th century Persian poet)

90-933084

HAFIZ-I SHIRAZI

Mugaffī, Abū al-Faẓl.
Farhang-i dah hazār vāzḥah az Divān-i Ḥāfiẓ / bi-ihitām-i Abū al-Faẓl Mugaffī. — Chāp-i 1. — Tihārān : Shirkat-i Intishārāt-i Pāzhang, 1369 [1990]
2 v. (6, 1448 p.) ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
8000.00IR (\$72.72 U.S.) (per set)
For requesting libraries only.
(Dictionary of ten thousand words from the works of Ḥāfiẓ, 14th century Sufi poet from Iran)

01 ARALIK 1993

24696 MASSÉ, H. Vingt poèmes de Hafiz (traduits du persan). *Cinquante-tenaire Fac. Lettres Alger*, 1932, pp. 343-356

Hafiz-i Shirazi

30 OCAK 1994

4054 ZIPOLI, R. *Lirica neopersiana e tecniche informatiche: dalle concordanze di Hāfez a Lirica Persica. Annali di Ca' Foscari*, 29 iii / Serie Orientale 21 (1990) pp.169-191

HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

صاعدي، عبدالمعطي. "حافظ در اشتياق ظهور". كيهان (۵ آبان ۱۳۶۵): ص ۱۶.

۲۲۲۰ HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

4047 MENEGHINI CORREALE, D. *The ghazals of Hafez: concordance and vocabulary*. Rome: Cultural Institute of the Islamic Republic of Iran in Italy, 1988. 887pp.

HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

خرم شاهي، بهاء الدين. "اسلوب هنري حافظ وقرآن". نشر دانش، سال ۲، ش ۴ (خرداد، تير ۱۳۶۱): ص ۶-۱۴.

۲۵۲۳ HAFIZ-I SHIRAZI

06 OCAK 1994

SA'ADAT-İ ŞIRAZI
HAFIZ-İ ŞIRAZI

تأثر حافظ از سعدی : مرتضوی ، منوچهر

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ش : ۱ ، س : ۸ ، بهار ۱۳۳۵ ، ص : ۳۲ - ۲

ش : ۲ ، س : ۸ ، تابستان ۱۳۳۵ ، ص : ۱۶۵ - ۱۸۰

ش : ۱ ، س : ۹ ، بهار ۱۳۳۶ ، ص : ۷۲ - ۵۹

2038 WELCH, S. C. Miniatures from a manuscript of the Diwan-i-Hafiz. *Marg* xiii (1958), pp. 56-62

Handwritten signature: *Hafiz Shirazi*

27 MAYIS 1993

۲۶۰۵ "جهات مفاخره در شعر حافظ" ، دانشگاه انقلاب ، ش ۳۵ (اردیبهشت ۱۳۶۳) : ص

۲۸ ، ۱۳ HAFIZ-İ ŞIRAZI

سخنرانی دکتر جلیل تجلیل در کنفرانس استادان ادبیات فارسی (۸ - ۱۲ دی ماه ۱۳۶۲)

06 OCAK 1994

۲۶۰۹ ثوقی نویر ، احمد . " بحثی پیرامون معنی سه بیت دشوار از حافظ " . نشریه دانشکده

HAFIZ-İ ŞIRAZI

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ، سال ۲۲ ، ش ۱ (بهار ۱۳۶۳) : ص ۱۲۵ - ۱۴۰

06 OCAK 1994

۲۸۹۱ پرواز ، سیاوش . " درباره بعضی لغات و تعبیرات دیوان حافظ " ، کیهان (اردیبهشت ۱۳۶۴) : ص ۳۰ - ۳۷ ، ۲۸ کیهان فرهنگی ، سال ۲ ، ش ۱ (فروردین ۱۳۶۴)

HAFIZ-İ ŞIRAZI

۲۸۹۲ سلمان ، م . " سیمای تابناک علی (ع) در اشعار استاد شهریار " ، کیهان (۲۲ فروردین ۱۳۶۴) : ص ۱۴ . (۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۴) : ص ۶ . (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۴) : ص ۶

06 OCAK 1994

۲۸۹۴ اسلامی ندوشن ، محمدعلی . " چند نکته در چند بیت حافظ " ، نشر دانش ، سال ۵ ، ش ۳ (فروردین ، اردیبهشت ۱۳۶۴) : ص ۷۸ - ۷۹ ، ۸۰

HAFIZ-İ ŞIRAZI

06 OCAK 1994

2117 BEIKBAGHBAN, Hossein. Hâfız de Chiraz. *Turcica*, 21-23 (1991) pp.355-369

HAFIZ-İ ŞIRAZI

06 OCAK 1994

HAFIZ-İ ŞIRAZI

85-931941

Shihāb, Mīr Muhammad Āqāzādah. Naqdī bi-kitāb-i Hāfiẓ kharābātī / nigārish, Mīr Muhammad Āqāzādah "Shihāb". — [Tehran]: Sihāmī-i Ām, 1359 [1980] 12, 376 p. ; 25 cm. In Persian; romanized record. Bibliography: p. 375-376. Includes index. 850.00 IR For requesting libraries only. (Critical study of the works of the 14th century Persian poet Hāfiẓ)

06 OCAK 1994

۲۶۲۵ آجودانی ، ماشاءالله . " بررسی واژه نامه حافظ " . نشر دانش ، سال ۴ ، ش ۳ (فروردین ، اردیبهشت ۱۳۶۳) : ص ۳۹ - ۴۷ ، ۴۸

HAFIZ-İ ŞIRAZI

نقد کتاب " واژه نامه غزلیهای حافظ " تألیف حسین خدیوچم .

06 OCAK 1994

۲۶۳۱ حمیدیان ، سعید . " کاری نه در خور حافظ " . نشر دانش ، سال ۴ ، ش ۳ (فروردین ، اردیبهشت ۱۳۶۳) : ص ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۲

HAFIZ-İ ŞIRAZI

درباره کتاب " واژه نامه غزلیهای حافظ " تألیف حسین خدیوچم .

06 OCAK 1994

۲۵۵۸ رضا حسینی ، کرامت . " شرح بیتی از حافظ " . آئینده ، سال ۱۰ ، ش ۱۲ - (اسفند ۱۳۶۳) : ص ۸۴۸ - ۸۴۹

HAFIZ-İ ŞIRAZI

۲۵۵۹ سمیعی ، احمد . " چند نکته در باب مقاله نظری به کلام و پیام حافظ " . نشر دانش ، سال ۵ ، ش ۲ (بهمن ، اسفند ۱۳۶۳) : ص ۷۶ ، ۷۷

06 OCAK 1994

۲۸۹۹ شرفی ماسوله ، عباس . " پژوهشی در اشعار خواجه شیراز " . کادج ، سال ۱ ، ش ۳ (خرداد ۱۳۶۴) : ص ۳۴ - ۴۰

HAFIZ-İ ŞIRAZI

06 OCAK 1994

26 MAYIS 1993

HAFIZ-I SIRAZI

90-931027

Rādfar, Abū al-Qāsim.
Hāfiz pizhūhān va Hāfiz pizhūhī / Abū al-Qāsim Rādfar. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Nashr-i Gustarāh, 1989.
429 p. ; 25 cm. -- (Majmū'ah-i zabān va adabiyāt-i Fārsī ; 3)
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: Hāfiz pajūhān va Hāfiz Pajūhi : researchers & researches on Hāfiz including their biographies and works & Hāfiz bibliography.
Includes bibliographical references (p. [379]-384)

Includes index.
3800.00IR (\$35.51 U.S.)

26 MAYIS 1993

HAFIZ-I SIRAZI

90-930101

Hāfiz, 14th cent.
Ghazaliyāt-i Hāfiz : majmū'ah-i Hāfiz'shinū-sī / bih taḥqīq, Adīb Barūmand ; bā hamkārī, Pūrān'dukht Barūmand. -- Chāp-i 1. -- Tehran, Iran : Shirkat-i Intishārāt-i Fāzhang, 1367 [1988 or 1989]
1005 p. ; 25 cm.
Poems.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: Ghazaliyat-e Hafez : a research.
3700.00IR (\$34.64 U.S.)
For requesting libraries only.

26 MAYIS 1993

HAFIZ-I SIRAZI

90-930171

Haravi, Husayn 'Alī.
Maqālāt-i Hāfiz / nivīshah-i Husayn 'Alī Haravi ; bih kūshish-i 'Ināyat Allāh Majīdī. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Shirkat-i Kitāb Sarā, 1989.
642 p. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: Essays of Hāfiz.
Includes bibliographical references.
4500.00IR (\$42.13 U.S.)
For requesting libraries only.
(Critical appreciation of the works of Hāfiz, 14th cent., Persian poet)

26 MAYIS 1993

HAFIZ-I SIRAZI

90-930832

Zarrīn'kūb, 'Abd al-Husayn.
Naqsh bar āb : bih hamrah-i Justujū'i-i chand dar bāb-i shī'r-i Hāfiz ... / 'Abd al-Husayn Zarrīn'kūb. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Intishārāt-i Mu'in, 1368 [1989]
752 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
4850.00IR (\$45.32 U.S.)
For requesting libraries only.
(Critical articles on classical Persian literature, chiefly works by Hāfiz, 14th century Sufi poet)

HAFIZ-I SIRAZI

90-931161

Khū'i, 'Abbās Zaryāb.
R'īnah-i jān / ta'līf-i 'Abbās Zaryāb Khū'i. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Intishārāt-i 'Ilmī, 1368 [1989 or 1990]
421 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Cover title: R'īnah-i jān : sharḥ-i mushki-lāt-i Dīvān-i Hāfiz.
Includes indexes.
2600.00IR (\$23.63 U.S.)
(Commentary on difficult words and phrases used in the works of Hāfiz, 14th century Persian poet)

HAFIZ-I SIRAZI

89-933812

Sa'adat'parvar, 'Alī.
Jamāl-i āftāb va āftāb-i har pazār : sharḥī bar dīvān-i Hāfiz : iqtibās az 'Allāmah Sayyid Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'i / nivīsandah, 'Alī Sa'adat'parvar. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Mu'as-sasah-i Taḥqīqātī va Intishārātī-i Nūr, 1368- [1989-]
v. <1- > ; 24 cm.
Vol. 1 rec'd this month.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references and index.
1500.00IR (\$14.06 U.S.) (v. 1)
For requesting libraries only.
(Commentary on the divan of Hāfiz, 14th cent., Iranian poet)

26 MAYIS 1993

GÜRER,

Abdulkadir, "Hafiz Divanı'nın Türkçe Tercüme ve Şerhleri", Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, (Danışman: Doç. Dr. İsmail Ünver), Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, 1987, 287 S.

HAFIZ-I SIRAZI

90-931177

Riyāhī, Muḥammad Amīn.
Gulgasht / ta'līf-i Muḥammad Amīn Riyāhī. -- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Intishārāt-i 'Ilmī, 1368 [1989 or 1990]
532 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Cover title: Gulgasht dar shī'r va andī-shah-i Hāfiz.
Includes bibliographical references and indexes.
3000.00IR (\$27.27 U.S.)
(Critical appreciation of the works of Hāfiz, 14th century Persian poet)

26 MAYIS 1993

MADDE YAYIMLANDIRAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

R332 In Wineseller's Street: renderings of Hāfiz / by Thomas Rain Crowe / Crowe, Thomas Rain. Bethesda (USA), 1998

Van Ruymbeke, Christine. Middle East Studies Association Bulletin, 35 i (2001), p.80 (E)

08 EYLÜL 2008

24697 Modi, Jivanji Jamshedji. Hafiz and Goethe. (Summary.) Proc. 2nd All-India Or. Conf., 1922, pp. 601-606

27 MAYIS 1993

Hafiz-i Sîrazi
- Goethe

HAFIZ-I SIRAZI

عشق در دیوان حافظ : مرتضوی، منوچهر

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

ش : ۴ ، س : ۶ ، اسفند ۱۳۳۳ ، ص : ۳۹۵ - ۴۳۴

ش : ۱ ، س : ۷ ، خرداد، ۱۳۳۴ ، ص : ۶۷ - ۹۶

07 MART 1994

1016. FARHADIYAN, Hamzeh Ali. "Hamsokhani-e Hafez-o Mowlana". Nashr-e Danesh 9, 3 (1368/1989) pp. 26-29.
حمزه علی فرهادیان: همسخنی حافظ و مولانا
Rapprochements suggestifs entre beyrs de Mowlavi et Hafez indiquant bien que ce dernier vivait dans un contexte où l'oeuvre de Mowlavi était connue de tous. C. F.

HAFIZ-
SIRAZI
MEVLANA
CELALEDDIN
RUMI

"HAFIZ, SEMSUDDIN MUHAMMED"

Rypke, "History ---," s. 252-254, 263-274

"SEMSU'D-DIN MUHAMMED HAFIZ SIRAZI"

Levy, "Persian ---," s. 127-134

شیوه خاص حافظ (سخرائی): مرتضوی، منوچهر
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰، س: ۲۳، ۱۳۵۰، ص: ۳۳-۴۸
HAFIZ-SIRAZI

نقش بر آب «شرح چند بیت از اشعار حافظ»: مرتضوی،
منوچهر
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۴، س: ۱۷، زمستان ۱۳۴۴، ص: ۴۱۸-۴۳۹
HAFIZ-SIRAZI

ایهام یا خصیصه اصلی سبک حافظ: مرتضوی، منوچهر
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۲، س: ۱۱، تابستان ۱۳۳۸، ص: ۱۹۳-۲۲۴
ش: ۴، س: ۱۱، زمستان ۱۳۳۸، ص: ۴۸۵-۵۰۰
ش: ۱، س: ۱۲، بهار ۱۳۳۹، ص: ۶۵-۸۴

-Hafiz-1 Sirazi

حل دو بیت از یک قصیده حافظ: نرجانی زاده، احمد
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۳، س: ۱۰، پاییز ۱۳۳۷، ص: ۳۹۱-۴۲۱
رجائی
ش: ۳، س: ۱۰، پاییز ۱۳۳۷، ص: ۳۱۶-۳۱۹

شرح یک غزل ملمع از خواجه حافظ شیرازی: واجد،
محمد جعفر
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۱، س: ۲۰، بهار ۱۳۴۷، ص: ۴-۹
HAFIZ-SIRAZI

تأثرات حافظ از قرآن: ممقانی، علی
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۳، س: ۸، پاییز ۱۳۳۵، ص: ۲۸۸-۳۰۷
HAFIZ-SIRAZI

03 OCAK 1994

1016. Dastgaib, 'Abd-al-'Alī: Hāfiz-šināht / ta'lif-i 'Abd-al-'Alī Dastgaib. - Cāp 1. - [Tihārān]: Našr-i 'Ilm
Inhaltsang.: Hafis-Studien. - Pers., in arab. Schr.
29 A 11211
1. - Čāp 1. - [Circa 1988]. - 516 S. 29 A 11211-1
2. - Čāp 1. - [Circa 1988]. - S. 518 - 1046 29 A 11211-2

HAFIZ-
SIRAZI

03 OCAK 1994

1447. Murtaḍawī, Manūčīhr: Maktab-i Hāfiz: yā muqad-ḍama bar Hāfiz-šināsī / niwisanda: Manūčīhr Murtaḍawī. - Cāp 2. - Tihārān, [1986] = 1365 h.s. - 19, 551 S. - (Intisārāt-i Tūs; 278)
Inhaltsang.: Hafis-Studien. - Pers., in arab. Schr.
29 A 8534
HAFIZ-
SIRAZI

26 SUBAT 1994

2060 BERTOTTI, F. Un viaggiatore romano e un poeta persiano: Pietro Della Valle estimatore e divulgatore de Hāfiz. (Sommaire: Un voyageur romain et un poète persan: Pietro Della Valle, appréciateur et vulgarisateur de Hāfiz; Summar[y]: A traveller from Rome and a Persian poet: Pietro Della Valle, admirer and proclaimer of Hāfiz.). *Islām: Storia e Civiltà*, 31/9 ii (1990) pp.121-127; 155-158 (Della Valle ebbe parte decisiva nel diffondere in vari modi in Europa il nome, il rilievo culturale e la personalità letteraria di Hāfiz.)

HAFIZ-
SIRAZI

HAFIZ-
SIRAZI

4524. Rādfarr, Abū'l-Qāsim: Hāfiz-pāzūhān wa Hāfiz-pāzūhī / Abū'l-Qāsim Rādfarr. - Cāp 1. - Tihṛān: Naṣr-i Gustara, 1989 = 1368 h.s. - 18, 429 S. - (Naṣr-i Gustara; 52: Maḡmū'a-i zabān wa adabīyāt-i fārsī: 3) Parallelsacht.: Hāfiz pājuhān va Hāfiz pājuhi: researchers & researches on Hafiz; including their biographies and works & Hafiz bibliography. - In arab. Schrift, pers. 31 A 7074

22 SUBAT 1994

4516. Hāfiz: [Diwān] Diwān-i Hāfiz / Hwāḡa Šams-ad-Dīn Muḥammad Hāfiz Širāzi. Bā intihāb wa guzīnīš. Yagmā Gandaqi. - Cāp 2. - Tihṛān: Intišārāt-i Hīrmand, [1988] = 1367 h.s. - 30, 390 S. Inhalt: Gedichtsammlung. - In arab. Schrift, pers. 31 A 7076

HAFIZ-
SIRAZI

22 SUBAT 1994

14 SUBAT 1995

3475 DUCHESNE-GUILLEMIN, J. Pour l'étude de Hāfiz. *Monumentum Georg Morgenstierne*, I. Leiden: Brill, 1981 (Acta Iranica, 21: 2ème série, VII) pp.141-163

HAFIZ-
SIRAZI

92-933799

Bihishti Širāzi, Aḡmad. Sharḥ-i junūn: tafsīr-i mawzū'i-i dīwān-i Khwājah Shams al-Dīn Muḥammad Hāfiz Širāzi / Aḡmad Bihishti Širāzi. -- Chāp-i 1. -- [Tehran]: Intishārāt-i Rūznah, 1371- [1992- v. <1- > ; 25 cm. Per-05 ; 06 In Persian; romanized record. Vol. 1 rec'd this month. Includes bibliographical references and indexes. 8500.00IR (\$67.46 U.S.) (v. 1) For requesting libraries only. (Subjectwise commentary on the works of Hāfiz, classical Iranian 14th century poet; a scholarly work)

16 SUBAT 1994

5451 ABUSHADY, A. Z. "Shawqi, Hafiz, and Matran." *Middle East. Aff.* 3 (Ag '52) 239-44. Analysis of the styles of the three leading neo-classical poets of contemporary Egypt.

-Ahmed Seuki
-Hafiz-i Shirazi
-Matran, Z.

10 KASIM 1993

891.59

Browne
L.H. Persia, II. 271-320.

Hafizi Shirazi

10 ARALIK 1992

07 MART 1994

1088. ZAKAVATI QARAGOZLU, Ali Reza. "Hafez-e 'aref va Ebn 'Arabi-e sha'er". *Nashr-e Danesh* 9, 1 (1367/1988) pp. 7-13. [Hafez le sage et Ibn Arabi le poète]

علي رضا ذكواني قراگزاو: حافظ عارف وابن عربي شاعر

C'est à tort qu'on a voulu trouver chez Hafez une influence de la doctrine du *vahdat al-vojud* attribuée à Ibn 'Arabi. En fait les deux hommes ont des traits communs: ils sont partis tous deux d'amours humains qu'ils ont transformés, en passant par le monde de l'imaginal pour figurer le monde supérieur, qualifié par tous deux comme celui de l'Amour. Hafez dépend de la tradition mystique de l'Iran, Ibn 'Arabi n'a pas ignoré cette tradition par les personnes connues qu'il a fréquentées. Hafez et Ibn 'Arabi se sont tous deux reconnus dans les attitudes cultivées en *Malamatiyya*, dont l'A. donne des exemples. Un article suggestif mais trop rapide, sur une vaste comparaison qu'il conviendrait d'étendre. C. F.

فرهنگ اصطلاحات حافظ: اميرمقدم

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
ش: ۴، س: ۱۷، زمستان ۱۳۴۴، ص: ۵۳۰-۵۳۷

HAFIZ-
SIRAZI

ش: ۱، س: ۱۸، بهار ۱۳۴۵، ص: ۱۱۵-۱۲۰
ش: ۲، س: ۱۸، تابستان ۱۳۴۵، ص: ۲۲۹-۲۴۴
ش: ۳، س: ۱۸، پاییز ۱۳۴۵، ص: ۳۵۶-۳۶۶
ش: ۴، س: ۱۸، زمستان ۱۳۴۵، ص: ۴۹۱-۵۰۳
ش: ۱، س: ۱۹، بهار ۱۳۴۶، ص: ۱۱۱-۱۱۹
ش: ۳، س: ۱۹، پاییز ۱۳۴۶، ص: ۳۹۷-۴۰۴
ش: ۴، س: ۱۹، زمستان ۱۳۴۶، ص: ۵۲۷-۵۳۰
ش: ۱، س: ۲۰، بهار ۱۳۴۷، ص: ۱۲۹-۱۳۶
ش: ۴، س: ۲۰، زمستان ۱۳۴۷، ص: ۵۱۹-۵۲۶
ش: ۱، س: ۲۱، بهار ۱۳۴۸، ص: ۱۰۵-۱۱۱
ش: ۲ و ۳، س: ۲۱، تابستان ۱۳۴۸، ص: ۲۷۵-۲۷۰

4533. Zarrīnkūb, 'Abd-al-Husain: Naqš bar āb: ba-ham-rāh-i gustugū'i čand dar bāb-i šī'r-i Hāfiz, Gulšan-i rāz, gu-ḡaštā-i naṭr-i fārsī, adabīyāt-i taṭbīqī bā andīshah, guft-u-sunūdhā waḡātarahā / 'Abd-al-Husain Zarrīnkūb. - Cāp 1. - Tihṛān: Intišārāt-i Mu'in, [1989] = 1368 h.s. - 752 S. Inhalt: Literaturwiss. Abhandlungen. - In arab. Schrift, pers. 31 A 7068

HAFIZ-
SIRAZI

22 SUBAT 1994

24703 STOLZ, K. Die seelische Entwicklung des Dichters Hāfiz. WZKM 48 (1941), pp. 97-120

Hafiz - Sirazi

03 OCAK 1993

HAFIZ - SIRAZI

86-930952

Hāfiz/shināsī / farāham āvardah-i Sa'īd Niyāz Kirmānī. -- Chāp-i 1. -- [Tehran] : Ganj-i Kitāb, 1364- (1985- v. 1- ; 24 cm. Vol. 15 rec'd this month; v. 1-13 acquired earlier. In Persian; romanized record. Vols. 2-3, 5-13, 15- published by: Shirkat-i Sihāmī-i Intishārāt-i Pāzhang. 450.00IR (\$4.85 U.S.) (v. 1 : varies for each vol.)

(Critical evaluation of the works of Persian poet Hāfiz, 14th cent.; collection of articles by noted Persian litterateurs)

24 OCAK 1994

26 SUBAT 1994

3174. Zaryāb Hū'i, 'Abbās. A'ina-i gam (Sā'īd Niyāz Kirmānī / ta'līf-i 'Abbās Zaryāb Hū'i. - Cāp 1. - Tih-rān : 'Ilmī, [1989] = 1368 h.s. - 421 S. Inhalt: Interpretationen zum Diwān d. Hafis. - Pers. in arab. Schr. 31 A 7073

24704 STOLZ, K. Die seelische Entwicklung des Dichters Hafis lässt sich ermitteln. OLZ 46 (1943), col. 97-103

Hafiz - Sirazi

03 OCAK 1993

HAFIZ - SIRAZI

89-932743

Hāfiz, 14th cent. Hāfiz / Qazvīnī-Chanī ; bā majmū'ah-i ta'līqāt va ḥavāshī-i Muḥammad Qazvīnī ; bi-ih-timām-i A. Jurbuzah'dār. -- Chāp-i 1. -- [Tehran?] : Intishārāt-i Asāṭir, 1367 [1988 or 1989] 635 p. ; 25 cm. Poems. In Persian; romanized record. 3200.00IR (\$30.51 U.S.) For requesting libraries only. (Includes explanatory notes (p. [413]-511) by Muḥammad Qazvīnī, 1877-1949)

03 ARALIK 1993

26 EKIM 1993

براهنی، رضا. "حافظ درجست وجوی زبانی ابدی". دنیای سخن، ش ۱۲ (شهریور ۱۳۶۶): ص ۹-۶

HAFIZ - SIRAZI

03 OCAK 1994

418. Hurramšāhī, Bahā'-ad-Dīn: Dihn wa zabān-i Hāfiz / Bahā'-ad-Dīn Hurramšāhī. - Cāp 3. - Tih-rān : Našr-i Nau, [1988] = 1367 h.s. - 210 S. Inhaltsang.: Die poet. Form. bei Hafis. - Pers., in arab. Schr. 29 A 8634

2832 IQBĀL, 'ABBĀS. "The plague of prejudice and lack of taste." (in Persian) - Hāfiz - Sirazi Yādegār (Tehran) 5 (S '48) 1-5. Having been asked by two groups of students to mediate between them on their differences of opinion concerning the value of the poetry of Hāfiz and Sa'ādī, the writer attacks those who are unable to understand the significance and meaning of the works of these famous poets and who then try to discredit them.

21 SUBAT 1995

03 OCAK 1994

5014. Bürgel, Johann C. Sih risāla dar bāra-i Hāfiz / Yū-hān Krīstuf Bürgal. - Cāp 1. - Tih-rān : Našr-i Markaz, 1988. - 111 S. Einheitssacht.: Drei Hafis-Studien (pers.). - Pers., in arab. Schr. 8 E 5222

03 OCAK 1994

5019. Farzād, Mas'ūd: Maqālāt-i taḥqīqī dar bāra-i Hāfiz : muštamil bar 21 maqāla / Mas'ūd Farzād. Ba-ih-timām-i Maṣṣūr Rastgār Fasā'i. - Cāp 1. - Sīrāz : Intishārāt-i Nawīd, 1988. - 629 S. Parallelsacht.: Articles on the life and poetry of Hafez. - Text teilw. pers., in arab. Schr., teilw. engl. 29 A 8666

03 OCAK 1994

5025. Hāfiz: [Diwān] Diwān-i Hāfiz / ba kūshī-i Muḥsin Ramaḍānī. - Cāp 1. - Tih-rān : Intishārāt-i Padīda, [1988] = 1367 h.s. - 535 S. : III. Inhaltsang.: Gedichtsammlung. - Pers., in arab. Schr. 29 B 566

5026. Hāfiz: [Gazaliyāt] Gazaliyāt-i Hwāga Šams-ad-Dīn Muḥammad Hāfiz Sirāzi / ba kūshī-i Muḥsin Ramaḍānī. - Tih-rān : Intishārāt-i Padīda, [1982] = 1361 h.s. - 444 S. : III. Inhaltsang.: Ghaselen. - Pers., in arab. Schr. 29 B 565

25 EYLÜL 1995

Pekok müşkürü ver.

1129. **Hafiz:** [Dīwān] Dīwān-i Hafiz / ba-ḥaṭṭ-i Mir 'Imād. - **HAFİZ-İ SİRÂZİ**
Câp 1. - Tih-rân: Nigâr, [1990] = 1369 h.ş. - 512 S. : III.
Parallelsacht.: The poems of Hafiz. - In arab. Schrift, pers.
32 A 4169

Hafiz-i Şirazi

529. AMIRI, Manučeher, «Dar bâre-ye bist beyt az *Divân-e Hâfez-e Xânlari*.
Âyande, 10, 10-11 (1363/1984), pp. 643-650.
[A propos de vingt beyt du *Divân* de Hâfez (édité par) Xânlari]

L'auteur propose d'apporter vingt corrections à l'édition du *Divân* de Hâfez réalisée par P.N. Xânlari (voir *Abst. Ir.*, 5, n° 616). Les corrections concernent les beyts suivants: (ghazal n°) 3, (beyt) 2; 14, 6; 15, 4; 22, 4; 27, 7; 93, 10; 139, 5; 168 (ghazal sans doute non-authentique); 212, 7; 213, 1; 260, 6; 282, 1-2; 314, 4; 348, 2; 370, 8; 371, 6; 372, 1; 441, 4; 443, 1; 468, 1. L'auteur fonde ses critiques en se référant au grand travail d'édition réalisé par Mas'ud Farzâd (*Jâme'-e nosax-e Hâfez*, 5 vol., Chiraz, 1347/1968 à 1352/1973), spécialement le volume 5, *Gozâreši az nime-râh*, qui reste un ouvrage très utile. C. F.

25 EYLÜL 1995

6450. **Kasrâ'î, Muḥammad Ḥusain:** Simâ-i malakūti-i Hâfiz dar parda-i taṣāwīr: diwān-i ḥatirât-i talh wa širîn / mu'allif: Muḥammad Ḥusain Kasrâ'î (Kasrâ). - Câp 1. - Tih-rân: Gâ-larî-i Hunarî-i Kasrâ, [1990] = 1369 h.ş. - 319 S. : III.
Inhalt: Gedichtsammlung. - In arab. Schr., pers. 32 A 13442

3368. **Hafiz:** [Tašrīh] Hāfiz-i tašrīh / ta'līf-i 'Abd-al-Ḥusain Ḥažir. - Câp 2. - Tih-rân: 'Našr-i 'Ilm, [1988] = 1367 h.ş. - 277 S.
Inhalt: Hafiz-Verse, thematisch geordnet. - In arab. Schr., pers. 32 A 4127

25 EYLÜL 1995

4724. **Sarwar Maulā'î, Muḥammad:** Tağallî-i ustūra dar šî'r-i Hāfiz. - Câp 1. - Tih-rân, [1989] = 1368 h.ş. - 16, 430 S. - (Intiṣārât-i Tūs; 319).
Inhalt: Mythen in der hafisischen Dichtung. - In arab. Schr., pers. 32 A 4144

ti

410. **Hāfiz:** Bar-guzidahā'ī az dīwān-i Ḥwāga Šams-ad-Dīn Muḥammad Hāfiz Širāzī ba ḥaṭṭ zabān: fārsī, inglīsī, 'arabī, farānsa, urdū, turkī, ālmānī / ba-ih-timām-i 'Alī Gān-zāda. - Câp 1. - Tih-rân: Intiṣārât-i Gānzāda, [1988] = 1367 h.ş. - 552, 64 S.
Parallelsacht.: Poems from the divan of Hafiz in 7 languages 29 A 16493

411. **Hāfiz:** [Dīwān] Dīwān-i Hāfiz Širāzī / muqaddama: Muḥammad Riḍā Galālī Nā'inī. - Câp 2. - [S.l.]: Anḡuman-i Ḥuṣniwīsān-i Irān, [1988] = 1367 h.ş. - 390 S.
Inhaltsang.: Gedichtsammlung. - Pers., in arab. Schr. 29 A 16472

412. **Hāfiz:** [Dīwān] Dīwān-i Hāfiz / ba-tašhīh-i Ḥusain Ilāhī (Qumsā'ī). - Câp 1. - Tih-rân: Anḡuman-i Ḥuṣniwīsān-i Irān wa Intiṣārât-i Surūš, [1988] = 1367 h.ş. - 536 S. : III.
Inhaltsang.: Gedichtsammlung. - Pers., in arab. Schr. 29 A 21690

413. **Hāfiz:** [Gāzalhā] Gāzalhā-i Ḥwāga Hāfiz Širāzī: az rūy-i qadīmārin nuṣṣa'ī ki tā kunūn ba-daṣt āmada ast / ba tašhīh wa muqābala-i Parwīz Nā'il Ḥānlari. - Câp 3. - Tih-rân: Intiṣārât-i Mu'in, [1988] = 1367 h.ş. - 263 S.
Inhaltsang.: Ghaselen. - Pers., in arab. Schr. 29 A 16490

03 OCAK 1994

25 EYLÜL 1995

3014 **HAFİZ-İ SİRÂZİ** خرمشاهی، بهاء الدین. "حافظ و ملامتیگری". کیهان فرهنگی، سال ۲، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۶۴): ص ۲۶-۲۸.

06 OCAK 1994

3006 **HAFİZ-İ SİRÂZİ** شاهرختاش، شهرام. "رنددر شعر حافظ". کیهان (۵ اسفند ۱۳۶۴): ص ۸، ویژه نامه. 06 OCAK 1994

2997 **HAFİZ-İ SİRÂZİ** مصفی، ابوالفضل. "ذره در چشمه خورشید حافظ". اطلاعات (۱۷ دی ۱۳۶۴): ص ۱۰ گلچرخ، ش ۱۰.
2998 سبیلی خوانساری، احمد. "سلمی، در اشعار حافظ کیست؟" آینه، سال ۱۱، ش ۹، ۱۰ (آذر، دی ۱۳۶۴): ص ۶۶۷ - ۶۶۹، ۶۶۸.
2999 شرفی ماسوله، عباس. "پژوهشی در اشعار حافظ". کادح، سال ۱، ش ۱۰ (دی ۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۸، ۲۹. 06 OCAK 1994

3044 **HAFİZ-İ SİRÂZİ** شاهرختاش، شهرام. "رباعیات حافظ". ابرار (۱۳ بهمن ۱۳۶۴): ص ۱۱.

06 OCAK 1994

3526 **HAFİZ-İ SİRÂZİ** سمیا، سیروس. "یک معنای نقش در دیوان حافظ". نشر دانش، سال ۵، ش ۲ (بهمن، اسفند ۱۳۶۳): ص ۷۸.

06 OCAK 1994

24701 SCHROEDER, E. Verse translation and Hafiz. *JNES* 7 (1948), pp. 209-222

Hafiz + Shirazi

30 OCAK 1993

24708 ZETTERSTÉEN, K. V. Bibliographical notes, I-II. [I, irrelevant: II, on Hafiz.] *MO* 4 (1910), pp. 88, 256
See also 1167

Hafiz - Shirazi

30 OCAK 1993

24702 SCHAEDE, H. H. Lässt sich die seelische Entwicklung des Dichters Hafiz ermitteln? *OLZ* 45 (1942), col. 201-210

Hafiz - Shirazi

30 OCAK 1993

24706 WICKENS, G. M. An analysis of primary and secondary significations in the third *ghazal* of Hāfiz. *BSOAS* 14 (1952), pp. 627-638

Hafiz - Shirazi

30 OCAK 1993

1706 SCHIMMEL, A. Die Bildersprache bei Hafiz. *Spektrum Iran*, 3 iv (1990) pp.3-19

HAFIZ + SIRAZI

27 MAYIS 1993

24698 MONTEIL, V.. Neuf Qazal de Hāfez. *REI* 22 (1954), pp. 21-58

Hafiz - Shirazi

30 OCAK 1993

EDİBİYAT

HAFİZ

13388 ABIDI, S.A.H. Hafiz and India. *Indo-Iranica* 31 iii-iv (1978) pp. 1-36.

Hafiz ve Hindistan

1804 [HAFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *The poems of Hafez*. Tr. Saberi, Reza. Lanham: University Press of America, 1995. 387pp.

Hafiz - Shirazi

4 SEP 1998

2212 HAFIZ - SIRAZI
پورجوادی، نصرالله. "حسن وملاحت: بحثی درزیبایی شناسی حافظ". نشر دانش، سال ۶، ش ۳ (فروردین، اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۲-۹.

06 OCAK 1994

3011 کاشانی، پوران. "جهان ملک خاتون شاعری از معر حافظ". رشد (آموزش ادب فارسی)، سال ۲، ش ۸ (زمستان ۱۳۶۵): ص ۴۴-۴۶.

HAFIZ - SIRAZI

06 OCAK 1994

2261 خرمشاهی، بهاء الدین. "حافظ و علوم ظاهری". اطلاعات (۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۶ کلنجار، سال ۲، ش ۴.

HAFIZ - SIRAZI

06 OCAK 1994

3099 حصاری، میرهدایت. "حافظ و شعرای آذربایجان". کیهان فرهنگی، سال ۳، ش ۴ (تیر ۱۳۶۵): ص ۲۷-۲۸، ۲۹.

HAFIZ - SIRAZI

08 OCAK 1994

3090 دادبه، اصغر. "شرحی بر حافظ، پیراسته از لطافتها". نشر دانش، سال ۶، ش ۵ (برداد، شهریور ۱۳۶۵): ص ۴۰-۴۵، ۴۶.

HAFIZ - SIRAZI

06 OCAK 1994

HAFIZ-I SIRAZI

92-933635

Micro- Qarāguzlū, 'Alī Rīzā Zakāvatī.
fiche Hāfizyāt : majmū'ah-i maqālāt dar
93/ bārah-i Hāfiz / 'Alī Rīzā Zakāvatī Qarā-
58805 guzlū. -- Chāp-i 1. -- Hamadān : Shir-
kat-i Intishārāt-i Muslīm, 1370 [1991 or
1992]
308 p. ; 23 cm.
Per-05 ; 06
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references
and index.

Title on added t.p.: Hafiziyyat : a
collection of articles on Hafiz-i Shirazi.

16 SUBAT 1994

HAFIZ-I SIRAZI

89-930802

Micro- Ghaznī, Sarfarāz.
fiche Sayr-i akhtarān dar Dīvān-i Hāfiz / nivīsan-
89/ dah, Sarfarāz Ghaznī. -- Chāp-i 1. -- Tihārān :
59511 Mu'assasah-i Intishārāt-i Amīr Kabīr,
1363 [1984 or 1985]
142 p. ; ill. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
(A study of Dīvān (collected poems) of
Hāfiz, 14th cent., from an astrological
point of view)

26 EKIM 1993

26 EKIM 1993

HAFIZ-I SIRAZI

89-931492

Micro- Khurramshāhī, Bahā' al-Dīn.
fiche Zihn va zabān-i Hāfiz / Bahā' al-Dīn Khurr-
89/ amshāhī. -- Chāp-i 1. -- Tihārān : Nashr-i Naw,
59609 1361 [1982]
210 p. ; 23 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
(On the diction and philosophy of Hafiz,
14th century Persian poet)

HAFIZ-I SIRAZI

89-930270

Nisāri, Salīm.
Muqaddamah'i bar tadvin-i ghazal'hā-yi Hāfiz.
/ Salīm Nisāri. -- Chāp-i 1. -- [Tehran?]:
S. Nisāri : Markaz-i paksh, Intishārāt-i
Islāmī, 1367 [1988]
6, 237 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
750.00IR (\$7.72 U.S.)
For requesting libraries only.
(Introduction to various compilations of
poetry of Hāfiz, 14th cent. eminent Iranian
poet)

HAFIZ-I SIRAZI

89-931444

Burhānī, Mahdī.
Zin ātish-i nihuftah : Majmū'ah-i Hāfiz shīnā-
si / Mahdī Burhānī. -- Chāp-i 1. -- Tihārān :
Shirkat-i Intishārāt-i Pāzhang, [13]67 [1988
or 1989]
335 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Cover title: Dar bārah-i Hāfiz : zin ātish-i
nihuftah kih dar shīnā-i man ast.
Includes bibliographical references and
indexes.
850.00IR (\$8.71 U.S.)
For requesting libraries only.
(Critical evaluation of the works of Hāfiz,
14th century Persian poet)

26 EKIM 1993

چاوش اکبری، رحیم. "سهم حافظ درغنائی امثال وحکم فارسی". اطلاعات
هفتگی، ش ۲۲۸۴ (۲۷-۲۰ فروردین ۱۳۶۵): ص ۴۴-۳۴. ش ۲۲۸۵ (۲۷ فروردین -
۳ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۴۲-۳۱. ش ۲۲۸۶ (۱۰-۳ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۴۶-۳۱.
ش ۲۲۸۷ (۱۷-۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۴۶-۳۴. ش ۲۲۸۸ (۲۴-۱۷ اردیبهشت -
۱۳۶۵): ص ۴۷-۴۶. ش ۲۲۸۹ (۳۱-۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۴۷-۴۴. ش ۲۲۹۰ (۳۱
اردیبهشت - ۷ خرداد ۱۳۶۵): ص ۴۷-۴۶.

2212
HAFIZ-I SIRAZI
MESEL

09 EKIM 1993

خرمشاهی، بهاء الدین. "تکرار قافیہ در شعر حافظ". اطلاعات (۱۷) دی
۱۳۶۴: ص ۹۰۸ گلچرخ، ش ۱۰.

2996
HAFIZ-I SIRAZI
KAFIYE

09 EKIM 1993

۲۴۵۱ سیمعی، احمد. "کلام و پیام حافظ". نشر دانش، سال ۴، ش ۶ (مهر، آبان ۱۳۶۳):
ص ۲۱-۱۱.

ISTINAZA
HAFIZ-I SIRAZI

نمونه‌هایی از کاربرد صنایع شعری و طنز در شعر حافظ، اوزان غزل‌های حافظ.

09 EKIM 1993

۳۰۰۹ شاه‌رختاش، شهرام. "صوفی در شعر حافظ". کیهان (۱۹ اسفند ۱۳۶۴): ص
۷۰۶ ویژه‌نامه.

3009
HAFIZ-I SIRAZI
SUFI

09 EKIM 1993

چاوش اکبری، رحیم. "سهم حافظ درغنائی امثال وحکم فارسی". اطلاعات -
هفتگی، ش ۲۲۶۲ (۸-۱ آبان ۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۲. ش ۲۲۶۳ (۱۵-۸ آبان ۱۳۶۴): ص
۲۲-۲۲. ش ۲۲۶۴ (۲۲-۱۵ آبان ۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۲. ش ۲۲۶۵ (۲۹-۲۲ آبان ۱۳۶۴):
ص ۲۲-۲۲. ش ۲۲۶۶ (۲۹ آبان - ۶ آذر ۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۲. ش ۲۲۶۸ (۱۳ آذر - ۲۰ آذر ۱۳۶۴):
ص ۲۲-۲۱. ش ۲۲۶۹ (۲۷-۲۰ آذر ۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۲. ش ۲۲۷۰ (۲۷ آذر - ۴ دی
۱۳۶۴): ص ۲۲-۲۲.

2226
HAFIZ-I
SIRAZI
MESEL
HAKM ET

HAFIZ-I SIRAZI 89-931779
Kungrah-i Jahānī-i Sa'dī va Hāfiẓ (1971 : Shiraz,
Iran)
Maqālātī darbārah-i shi'r va zindagī-i Hāfiẓ
/ bih kūshish-i Maṣṣūr Rastgūr Fasā'ī. -- Chāp-
i 4. -- [Shiraz] : Nashr-i Jānī, 1367 [1988 or
1989]
528 p. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references.
2250.00IR (\$21.66 U.S.)
For requesting libraries only.
(Collected articles on Hāfiẓ, 14th century
Persian poet; presented at the World Congress
on Sa'dī and Hāfiẓ)

03 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI 89-932343 26 EKIM 1993
Qazvīnī, Muḥammad, 1877-1949.
Hāfiẓ az dīdgāh-i 'Allīmah Muḥammad Qazvīnī
/ bi-kūshish-i Ismā'īl Šāramī. -- Chāp-i 1. --
Tih-rān : Intishārāt-i 'Ilmī, 1367 [1988]
512 p. : facsim., port. ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references and
index.
2500.00IR (\$23.93 U.S.)
For requesting libraries only.
(Critical evaluation of the works of Hāfiẓ,
14th cent., Persian Sufi poet; includes an
introduction (135 p.) by Ismā'īl Šāramī)

HAFIZ-I SIRAZI 89-931763
Micro- Ni'mat Allāhī, Riḡā Nūr.
fiche Nubūḡh-i Hāfiẓ-i Shīrāz va nūr-i ashfārash /
89/ bi-qalam, Riḡā Nūr Ni'mat Allāhī. -- Tih-rān :
59925 R.N. Ni'mat Allāhī, [1968?]
917, 5 p., [6] p. of plates : ill. (some
col.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
"HJ, 121"
Errata: [2] leaves tipped in at end.
(Critical evaluation of the works of Hāfiẓ,
14th century Persian poet; includes excerpts
from his Dīvān)

03 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI 89-931543 26 EKIM 1993
Hāfiẓ, 14th cent.
Barguzīdahā-yi az Dīvān-i Khwājah Shams al-
Dīn Muḥammad Hāfiẓ Shīrāzī bih 20 zabān : Fārsī,
Ingilīsī, Ālmānī ... / bih ihtimām-i 'Alī
Jānzādah. -- Tehran : Intishārāt-i Jānzādah,
1367 [1988]
584, 384 p. : facsim. ; 25 cm.
Polyglot.
Title on added t.p.: Poems from the Divan of
Hafiz in 20 languages.
5600.00IR (\$56.20 U.S.)
For requesting libraries only.

HAFIZ-I SIRAZI 91-933325
Micro- Islāmī Nudūshan, Muḥammad Ālī.
fiche Mājarā-yi pāyān nāpagīr-i Hāfiẓ / Muḥammad
91/ 'Alī Islāmī Nudūshan. -- [Tehran?] : Intishā-
58995 rāt-i Yazdān, 1368 [1989]
258 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
(Critical appreciation of the works of
Hāfiẓ, 14th century Sufi poet from Iran)

03 ARALIK 1993

HAFIZ-I SIRAZI 89-931535
Haravī, Ḥusayn 'Alī.
Sharḥ-i ghazalḥā-yi Hāfiẓ / nivishtah-i
Ḥusayn 'Alī Haravī ; bi-kūshish-i Zahrā Shādmān.
-- Chāp-i 1. -- Tih-rān : Nashr-i Naw, 1988.
4 v. (45, 221 p.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Title on added t.p.: A commentary on the
ghazals of Hafiz.
Bibliography: v. 4, p. [2187]-2211.
Includes indexes.
12000.00IR (\$121.03 U.S.) (per set)
For requesting libraries only.

12 OCAK 1994

080192 HAFIZ-I SIRAZI
5408. Halhālī, 'Abd-ar-Rahīm: Hāfiẓ-nāma / 'Abd-ar-Ra-
hīm Halhālī. - Cāp 2. - Tih-rān : Intishārāt-i Hīrmand, [1987]
= 1366 h.s. - 124 S.
Inhalt: Hafis-Studien. - In arab. Schrift, pers. 7 E 6984

03 ARALIK 1993
۲۹۴۰ اوزقان، سائل. "حافظ در اندیشه های گوته". ترجمه ی محمدرضا کریمی.
HAFIZ-I SIRAZI اطلاعات (۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۶): ص ۱۳۰۱۱

12 OCAK 1994

080192 HAFIZ-I SIRAZI
5451. Zibā'ī, Muḥammad 'Alī: Šarḥ-i šad ḡazal az Hāfiẓ /
Muḥammad 'Alī Zibā'ī. - Cāp 1. - Tih-rān : Sirkat-i Intisā-
rāt-i Pāzang, [1988] = 1367 h.s. - 607 S. - (Maḡmū'a-i
Hāfiẓ-šināsi)
Inhalt: Interpretation von 100 Ghaselen Hafis'. - In arab.
Schrift, pers. 30 A 7759

12 OCAK 1994

080192 HAFIZ-I SIRAZI
5428. Muṭahhari, Murtaḏā: 'Irfān-i Hāfiẓ: (tamāsā-ghah-i
rāz); mabāhiṭī pīrāmūn-i sināht-i wāqī'i-i Ḥwāḡa Hāfiẓ /
Murtaḏā Muṭahhari. - Cāp 3. - Tih-rān : Intishārāt-i Šadrā,
[1988] = 1367 h.s. - 161 S.
Inhalt: Hafis-Studien. - In arab. Schrift, pers. 8 E 5153

12 OCAK 1994

080192 HAFİZ-İ SİRÂZİ

5426. Muhiṭ Tabātabā'ī, Muḥammad: Ānci dar bāra-i Ḥāfiz bāyad dānist: maḡmū'a'ī az guftārḥā wa niwīstahā-i ustād Muḥammad Muhiṭ Tabātabā'ī az 1331 tā 1367. - Cāp 1. - Tih-rān: Mu'assasa-i Intiṣārāt-i Ba'īat, [1988] = 1367 h.s. - 286 S.
Inhalt: Hafis-Studien. - In arab. Schrift, pers. 29 A 8651

26 EKİM 1993

صاعدي، عبدالعظيم. "حديث وروايت در شعر حافظ". كيهان (۱۰ فروردین ۱۳۶۶) ص: ۱۲. ۲۹۵۰

HAFİZ-İ SİRÂZİ

26 EKİM 1993

مفوطی، محمدصادق. "نورقرآن در اشعارخواجہ شیراز". رسالت (۱۹ فروردین ۱۳۶۶) ص: ۲. ۲۹۵۲

HAFİZ-İ SİRÂZİ

24 OCAK 1994

1127. Ḥāfiz: Bar-guzīdahā'ī az dīwān-i Ḥwāga Šams-ad-Dīn Muḥammad Ḥāfiz Sīrāzī bā-20 zabān / ba-ihtimām-i 'Alī Gān-zāda. - Cāp 1. - Tih-rān: Intiṣārāt-i Gānzāda, [1988] = 1367 h.s. - 584, 384 S.
Parallelsacht.: Poems from the Divan of Hafiz in 20 languages. - Enth. Gedichte in Pers., Engl., Arab., Franz., Urdu, Türk., Dt., Japan., Chines., Ungar., Finn., Poln., Armen., Usbek., Tadschik., Tschech., Rumän., Niederländ., Russ. u. Schwed. 29 A 11213

080192 HAFİZ-İ SİRÂZİ

03 OCAK 1994

433. Qazwīnī, Muḥammad: Ḥāfiz az dīdgāh-i Šallāma Muḥammad Qazwīnī / ba-kūšis Ismā'il Šārimī. - Cāp 1. - Tih-rān: Intiṣārāt-i 'Ilmī, [1988] = 1367 h.s. - 512 S.: Ill.
Inhaltsang.: Hafis-Studien. - Pers., in arab. Schr. 29 A 16473

HAFİZ-İ SİRÂZİ

12 OCAK 1994

080192 HAFİZ-İ SİRÂZİ

Gürer, Abdulkadir: "Hafiz Divanı'nın Türkçe Tercüme ve Şerhleri", Yüksek lisans tezi (Danışman: Doç. Dr. İsmail ÜNVER), 287 s. Anl. U. Soz. Bil. En. 1993. T. Bil. - Ed. An. - D.

12 OCAK 1994

080192 HAFİZ-İ SİRÂZİ

5406. Ḥāfiz: Ḥāfiz-i ḥalwatnišin / muqaddama: 'Abd-al-ʿAzīm Sā'idī. Muqābala-i nash wa intihāb-i 'unwān-i ḡazal-hā: 'Alī Ga'fariya. - Cāp 1. - [Tih-rān]: Intiṣārāt-i Hidāyat, [1989] = 1368 h.s. - 15, 604 S.
Inhalt: Gedichtsammlung. - In arab. Schrift, pers. 30 A 9935

30 A 9935

12 OCAK 1994

080192 HAFİZ-İ SİRÂZİ

5449. Ulfat Ḥisābī, Ibrāhīm: Hikāyatī bā nuktadān: dar taudīḥ-i ba'dī az abyāt-i marmūz-i Ḥāfiz / ta'līf: Ibrāhīm Ulfat Ḥisābī. - [S.l.], [1975] = 1354 h.s. (Tih-rān: Tih-rān-i Muṣawwar). - 7, 299 S.
Inhalt: Interpretation schwieriger Hafis-Verse. - In arab. Schrift, pers. 30 A 6132

30 A 6132

- MUSIKI

12 OCAK 1994

HAFİZ-İ SİRÂZİ

86-931298

Mallāh, Ḥusayn 'Alī.
Ḥāfiz va mūsīqī / az Ḥusayn 'Alī Mallāh. — Cāp-1 2. — Tih-rān: Intiṣārāt-i Hunar va Farhang, 1363 (1984)
8, 296 p.: ill., 24 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 230-239.
Includes indexes.
550.00 IR (pbk.)
(On lyricism in the poetry of Ḥāfiz, 14th century; critical evaluation)

26 EKİM 1993

۲۹۴۴ "بادکترخانلری درباره حافظ، نیما، هدایت، آل احمد، مینوی، دهخدا، فرزاد و مجله سخن". آدینه، ش ۱۳ (۲۰ خرداد ۱۳۶۶) ص: ۲۶-۲۳. ۲۹۴۴

HAFİZ-İ SİRÂZİ

03 OCAK 1994

5031. *Maqālāt dar būr-i šīr wa zindagī-i Hāfiz* : 7 tā 12 Hāfiz / Urdūbihišt-i 1350 / Kungara-i Gahān-i Sa'dī wa Hāfiz. Bu kūšīš-i Maṣṣūr Rastgār Fasā'i. - Čāp 4. - [S.l.]: Našr-i Gāmi. [1988] = 1367 h.s. - 528 S.
Inhaltsang.: Vorträge d. Internat. Sa'dī u. Hafis-Kongresses v. J. 1971. - Pers., in arab. Schr. 29 A 11212

03 OCAK 1994

HAFIZ-I ŠIRAZI

4702. *Hāfiz aš-Širāzī* / al-Mustasāriya at-Taqaṭiya li'l-Gumhūriya al-Islāmiya al-Īrāniya. - Dimasq, 1989. - 326 S. : III.

Inhalt: Akten d. Hafis-Symposiums in Damaskus zum 600. Todestag d. Dichters. - In arab. Schrift, arab. 30 A 2272

03 OCAK 1994

2332. Naisāri, Salīm: Muqaddama'i bar tadwīn-i ġazalā-i Hāfiz / Salīm Naisāri. - Čāp 1. - Tihrān: Intisārāt-i 'Ilmi, [1988] = 1367 h.s. - 7, 237 S.
Inhalt: Zur Kodifikation d. Hafis'schen Ghaselen. - In arab. Schrift, pers. 29 A 20823

2333. Pand'it, K. N.: Hāfiz ki šā'iri / Ke. En. Pand'it. - Na'i Dihli, 1977. - 264 S. - (Silsilah-i maṭbū'āt-i Anjuman-i Tarāqqī-i Urdū (Hind): 409)
Inhalt: Über Leben u. Werk d. pers. Dichters Hāfiz, 14. Jh. - In arab. Schrift, Urdu 6 E 7170

03 OCAK 1994

442. Tagrīsī, Hamīd: Gudār ba-kūy-i 'išq: baḥṭi dar 'išq wa šabāb wa randī-i Hāfiz / Hamīd Tagrīsī. - Čāp 1. - [Tih-rān]: Intisārāt-i Zarrin, [1988] = 1367 h.s. - 197 S.
Inhaltsang.: Hafis-Studien. - Pers., in arab. Schr. 29 A 16481

03 OCAK 1994

2317. Baḥṭiyārī, 'Alī-Qulī Maḥmūdī: Ū, tū, man dar 'irfān-i Īran az diḡāh-i Hāfiz / 'Alī-Qulī Maḥmūdī Baḥṭiyārī. - Čāp 1. - Tihrān: Kitābsarā, 1989. - 148 S.
Parallelsacht.: He, you & I in Iran's mysticism as seen by Hafiz. - In arab. Schrift, pers. 9 E 852

HAFIZ-I ŠIRAZI

89-933812

Sa'adat-parvar, 'Alī.
Jamāl-i āftāb wa āftāb-i har naẓar : sharḥi bar diwān-i Hāfiz : iqtibās az 'Alīšmah Sayyid Muḥammad Husayn Tabatabā'i / nivīsandah, 'Alī Sa'adat-parvar. -- Čāp-1 l. -- Tihrān : Mu'as-sasah-i Tahqīqā'i va Intisārāt-i Nūr, 1368- [1989-]
v. <1- > ; 24 cm.
Vol. 2 rec'd this month; v. 1 acquired earlier.
In Persian; romanized record.
Includes bibliographical references and lex.
1750.001R (\$14.22 U.S.)
For requesting libraries only.
(Commentary on the diwan of Hāfiz, 14th cent., Iranian poet)

09 MAYIS 1993

948. PURJAVĀDI, Naṣrollāh. "Hosn va malāḥat : baḥṭi dar zibā'i šenāsi-e Hāfez". *Našr-e dāneš* 6, 3 (1365) pp. 174-181.
[La grâce et la beauté : sur l'esthétique de Hāfez]

Hāfez vu à travers Aḥmad Qazālī et 'Erāqī. Étude pertinente sur l'influence des *Savāneh* et des *Lāme'āt* sur l'imaginaire de Hāfez. L'A. inscrit d'abord le poète dans un courant soufi-littéraire qui passe par Abu Sa'īd, Sanā'i, 'Attār... Puis il convoque les textes de "prose poétique" des deux auteurs en question pour définir les lignes d'une esthétique/mystique, dont Hāfez serait le sommet formel/spirituel. Pour concrétiser son analyse, l'A. envisage un modèle formel : la représentation et la fonction de la beauté dans la perspective dialectique 'āṣeq / ma'šūq du soufisme littéraire persan.
Ch. B.

02 MART 1994

09 MAYIS 1993

HAFIZ-I ŠIRAZI

91-933677

Mustasharī, M.
Tafsīr-i ġazalīyāt-i Hāfiz : shā'irī kiḥ būyad az naw shīnākht / M. Mustasharī. -- [Meshed] : M. Mustasharī, 1370 [1991]
199 p. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
1210.001R (\$9.83 U.S.)
(Commentary on the selected verses of Hāfiz, 14th century Sufi poet of Iran, with particular reference to religious influence in his works)

۳۰۱۸ ماعدی ، عبدالعظیم . " در جستجوی حافظ راستین . " کیهان (۲ دی ۱۳۶۴) : ص ۳۰۳ ویزه نامه (۹ دی ۱۳۶۴) : ص ۷۰۳ ویزه نامه .

HAFIZ-I ŠIRAZI

06 OCAK 1994

3228 GHANI, Ghassem. *A comparison of the translation into English of a selection of the poems of Hafiz by Gertrude Bell with the original text*. London: Ghani, 1981 (Memoirs of Ghassem Ghani, 6). 101+101pp.

27 MAYIS 1993

۳۰۰۲ خرماهی ، بهاء الدین . " توبه حافظ . " اطلاعات (۱۵ بهمن ۱۳۶۴) : ص ۴ کلچرخ ، ش ۱۲ .

HAFIZ-I ŠIRAZI

06 OCAK 1994

415. Harawī, Husain 'Alī: Šarḥ-i ġazalā-i Hāfiz / niwīstā-i Husain 'Alī Harawī. - Tihrān: Našr-i Nau
Parallelsacht.: A commentary on the ġazals of Hafiz. - Pers., in arab. Schr. 29 A 8649
1. Muqaddama wa šarḥ-i ġazalā-i 1 - 160. - Čāp 1. - 1988. - 45, 690 S. 29 A 8649-1
Parallelsacht.: Ġazals 1 - 160
2. Šarḥ-i ġazalā-i 161 - 330. - Čāp 1. - 1988. - S. 692 - 1378 29 A 8649-2
Parallelsacht.: Ġazals 161 - 330
3. Šarḥ-i ġazalā-i 331 - 491. - Čāp 1. - 1988. - S. 1380 - 2029 29 A 8649-3
Parallelsacht.: Ġazals 331 - 491
4. Fahāris. - Čāp 1. - 1988. - S. 2032 - 2211 29 A 8649-4
Parallelsacht.: Indexes

۳۰۶۲ حافظ و حافظ شناسی جزئی ارفرنگ زنده روزگار ما . " آدینه ، ش ۳ (۱۳۶۴) : ص ۷۰۶ .

HAFIZ-I ŠIRAZI

06 OCAK 1994

16 AĞU 2007

۲۹۹۴ علی نواد، سیروس. "۶۰ سال جستجو در آرزوهای مهربان". آدینه، ش ۳ (۱۳۶۴ دی): ص ۷۰۶. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

1779 THIESEN, Finn. On the meaning of the terms *zâhed* and *zohd* in *divân-e Hâfez*. *Haptaçahaptâtiş: Festschrift for Fridrik Thordarson: on the occasion of his 77th birthday*. Edited by Dag Haug and Eirik Welo. Oslo: Novus, [for] Instituttet for Sammenlignende Kulturforskning, 2005, pp.309-317.

Hafiz Sirazi

MADDE YATIRILMIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

۲۴۲۶ مصی، ابوالفضل. "داس مهنو، درکشتزار اندیشه حافظ". اطلاعات (۷ آبان ۱۳۶۴): ص ۱۰. گلرخ، ش ۵. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

21 ARA 2008

MADDE YATIRILMIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

۲۲۷۵ امینی، حسین. "سبک و افکار حافظ". هوشیار، سال ۷، ش ۲۷ (۱۹ آذر ۱۳۶۵): ص ۱. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

223 SCHMIDT, J. Hâfiz and other Persian authors in Ottoman bibliomancy; the extraordinary case Kefevî Hüseyin Efendi's *Râznâme* (late sixteenth century). *Persica*, 21 (2006-2007) pp.63-74.

Hafiz Sirazi

۱۹۱۲ "نگرشی بر اشعار خواجه حافظ شیرازی از دریچه قرآن و حدیث". خراسان (۱۷ بهمن ۱۳۶۲): ص ۶. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

16 AĞU 2007

۱۲۹۵ خلخالی، صادق. "پژوهشی درباره علل ظهور هنر و عرفان در ایران". کیهان (۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۲): ص ۱۵. درباره حافظ. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

[HÂFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *Ten poems from Hafez* / Jila Peacock. Lewes: Sylph Editions, 2006. 46pp. [Persian text with juxtaposed English translation & zoomorphic calligraphic designs.]

Hafiz Sirazi

MADDE YATIRILMIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

۲۴۴۷ خرمشاهی، بهاء الدین. "اسطوره پردازی حافظ". اطلاعات (۹ مهر ۱۳۶۴): ص ۶. گلرخ، ش ۳. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

MADDE YATIRILMIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

1741 [HÂFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. *Persische Chrestomathie - Teil 6: Aus dem Divan des Hâfez / Manutschehr Amirpur. Spektrum Iran*, 8 iii (1995) pp.52-82. [Persian text of 6 ghazals, with German introd. & notes & comprehensive Persian vocabulary list.]

Hafiz Sirazi

10 KASIM 1997

۲۴۲۹ بحرالعلوم. "شرح یک غزل حافظ". اطلاعات (۲۰ آبان ۱۳۶۴): ص ۵. گلرخ، ش ۶ (۱۹ آذر ۱۳۶۴): ص ۱۲. گلرخ، ش ۸. HAFIZ-I SIRAZI

06 OCAK 1994

۲۴۲۲ HAFIZ-SIRAZI
ماعدی، عبدالعظیم. "فیض پذیر فیض از حافظ." کیهان (۱۸ مهر ۱۳۶۴): ص ۳
ویژه نامه ادب و هنر.

06 OCAK 1994

۲۴۱۰ HAFIZ-SIRAZI
مصطفی، ابوالفضل. "حافظ و نجوم احکامی وحشوی." اطلاعات (۲۳ مهر ۱۳۶۴):
ص ۱۱۰۱۰ گلچرخ، ش ۴.

06 OCAK 1994

۲۵۲۲ HAFIZ-SIRAZI
عبداللهی، رضا. "حافظ و حافظان دیگر." کیهان (۲۳ دی ۱۳۶۴): ص ۷: ویژه
نامه (۳۰ دی ۱۳۶۴): ص ۵۰۴ ویژه نامه.

06 OCAK 1994

۲۵۴۵ HAFIZ-SIRAZI
هروی، حسینعلی. "نظری به کلام و پیام حافظ." نشر دانش، سال
۵، ش ۱ (آذر ۱۳۶۳): ص ۲۳-۲۲.

06 OCAK 1994

۲۳۶۶ HAFIZ-SIRAZI
خرمشاهی، بهاء الدین. "رونق بازار حافظ شناسی." کیهان
(۳ شهریور ۱۳۶۳): ص ۲۵-۲۶.
حافظ شناسی، به معنای شناخت حافظ و بحث و فحص درباره آرا و
افکار او چون و چندهنرا و وطبع و نشر آثار او یا آمار و آراء او.

06 OCAK 1994

۲۳۷۳ HAFIZ-SIRAZI
سمعی، احمد. "کلام و پیام حافظ." نشر دانش، سال ۴، ش ۵
(مرداد، شهریور ۱۳۶۳): ص ۲-۱۷.
بررسی ویژگیهای شعر حافظ.

06 OCAK 1994

۲۳۰۶ HAFIZ-SIRAZI
موج تهذیب و تعالی در کلام حافظ. "بازار روز، سال ۷، ش ۲۸۳ (۲۵ فروردین
۱۳۶۵): ص ۱۲. ش ۲۸۴ (۱ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۲. ش ۲۸۵ (۸ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۲.
بحرالعلوم. "شرح یک غزل حافظ." اطلاعات (۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵): ص ۷
گلچرخ، سال ۲، ش ۳.
فقیری، ابوالقاسم. "تغافل به دیوان حافظ." اطلاعات (۱۶ اردیبهشت
۱۳۶۵): ص ۱۴ گلچرخ، سال ۲، ش ۳.

06 OCAK 1994

MADRE YATIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKUMAN

1736 [HAFIZ, Shams al-Din Muhammad]. The Hafez poems
of Gertrude Bell, with the original Persian on the
facing page. Bethesda (USA): Iranbooks, 1995
(Classics of Persian Literature, 1). 176pp.
Hafiz-Sirazi

30 OCAK 1997

- Firdousi
- Hafiz-Sirazi
- Nasir-i Harezi

Persian poetry: (Khosroo, Ferdosi, Hafiz).
Asiatic journal 2 (1816), 144, 586.

21 SUBAT 1995

07 OCAK 1994

5973. Hāfiz as-Sirāzī : šā'ir al-'irfān wa l-insān / al-Mu- 080192
stašārīya at-Taqāfiya li'l-Gumhūriya al-Islāmiya al-Irāniya. - HAFIZ-SIRAZI
Dimasq, 1989. - 326 S. : Ill.
Inhalt: Akten d. Hafiz-Symposiums in Damaskus zum 600.
Todestag d. Dichters. - In arab. Schrift, arab. 30 A 2272

07 OCAK 1994

6705. Hāfiz: L' amour, l'amant, l'aimé : cent ballades du
Divān / Hāfez Shirāzi. Choiesies, trad. du persan et prés. par
Vincent Mansour Monteil ... - Paris : Sindbad/Unesco,
1989. - 308 S. - (Collection Unesco d'oeuvres représentati-
ves : Série persane). - (La bibliothèque persane)
Einheitssacht.: Dīwān. - Text pers. u. franz. - Ausz. - Li-
teraturverz. S. 300 - 301 30 A 16770

17 HAZIRAN 1362

17 HAZIRAN 1362

32 A 7648

3976. Harawī, Ḥusain 'Alī: Maqālāt-i Hāfiz / niwīšja-i Ḥu- HAFIZ-SIRAZI
sain 'Alī Harawī. Bz-kūšis-i 'Ināyatallāh Magidī. - Ćap 1. - Sirazi
Tihān : Kitābsarā. 1989 = 1368 h.s. - 642 S.
Parallelsacht.: Essays of Hafiz. - In arab. Schrift, pers.
31 A 21448

- TÜRK
- HAFIZ-1.
SIRAZI

1043. MENEGHINI CORREALE, Daniela. "Le Turc et l'Indien dans les ghazals de Hafez". *Annali di Ca' Foscari* 29, 3 (1990) pp. 151-167.

Dans ces pages consacrées à l'analyse de la valeur thématique et symbolique des mots *tork* et *henduy* dans les ghazals de Hafez, D. M. C. se réfère d'abord à un article d'Annemarie Schimmel qui définit ces deux termes comme "un couple de symboles opposés". Procédant au dépouillement complet des occurrences de *tork* et *henduy* dans le *Divan* de Hafez, l'A. analyse leurs caractéristiques: *tork* est le violent, impétueux et sanguinaire; ses couleurs sont le blanc (surtout), le rouge, le noir. En général il est le noyau central du vers; les autres éléments, aussi bien sémantiques que syntaxiques, s'organisent autour de lui dans un rapport de dépendance. *Henduy* est plutôt l'esclave, et celui qui tend à poser des pièges, à tromper, trahir. Grammatically, il a un rôle secondaire dans la phrase, il est plus "satellite" que "noyau sémantique". Sa couleur: le noir. L'A. soutient que ces deux symboles ne sont pas antithétiques: "ils appartiennent à des mondes séparés, mais pas nécessairement opposés", ils "représentent les deux faces d'un même sentiment d'amour, la blanche plus 'masculine' et plus terrestre, et la noire de caractère plus 'féminin' et mieux susceptible de quelques références mystiques". La différence est surtout de comportement: l'un est le "protagoniste" violent qui tue ou repousse l'amant, l'autre est le "figurant" qui use de ruse magique et, à la fin, retient et lie l'amant.

CI.K.

31 MART 1994

26 KASIM 1993

امینی، حسین. "سبک و افکار حافظ". هوشیار، سال ۷، ش ۲۸ (۲۶ آذر ۱۳۶۵) ص ۱.

۲۲۹ HAFIZ-1
SIRAZI

26 ENIM 1993

"در دیوان خواجه حافظ". هوشیار، سال ۸، ش ۵ (۱۰ تیر ۱۳۶۶): ص ۴۰۱.

۲۰۵۲ HAFIZ-1
SIRAZI

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. "حافظ و شطح و طامات". اطلاعات (۱۹ فروردین ۱۳۶۵): ص ۵ گلچرخ، سال ۲، ش ۱.

۲۱۸۵ HAFIZ-1
SIRAZI

06 OCAK 1994

21 EYLUL 1995

HAFIZ-1
SIRAZI

6447. Hāfiz: [Muntahab-i diwān] Muntahab-i diwān-i Hāfiz. - Cāp 1. - Tihṙān: Mu'assasa-i Paṣūhiš wa Muṭāla'at-i Farhangī, [1990] = 1369 h.š. - 85 S. Einheitssacht.: Dīwān. - Parallelsacht.: Divān-e Hāfez. - In arab. Schr., pers. 32 A 16615

060480 Fuzuli
080192 HAFIZ-1
SIRAZI

Fuzuli-Hafiz (İki Şair Arasında bir An. Ü. Türk Tarih Kurumu Basımevi, Ankara 1951
Karşılaştırma) Hasibe Maztoğlu
Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları Serisi: 3 Türk Tarih Kurumu Basımevi, 1956

08 OCAK 1994

Hafiz - Shari

شیوه خاص حافظ

منوچهر مرتضوی

از:

نشریه دانشکده ادبیات

سال ۱۳۵۰

۱۳۵۰

شیوه خاص حافظ *

منوچهر مرتضوی

بحث و تحقیق درباره گوینده ای چون حافظ که نام واشتہار و احترام و افتخارش پای از حدود شعر و شاعری فراتر گذاشته است و به مرزهای افسانه و سنت پیوسته و جستجوی عناصر حقیقی توفیق و نبوغ چنین گوینده ای، در میان هاله تقدس و احترامی که زاییده قرون و اعصار و توجه عاشقانه نسلهای مردم ایران است، بس دشوار می نماید.

هنگامی که نام حافظ به میان می آید عرفان و اعجاز با این نام همگام است و ذهن مباحثان و معاشران مجلس ناخود آگاه خود را با لسان الغیب روبرو می یابد و در واقع آنچه درباره خواجه شیراز می اندیشیم و می گوئیم تنها حاصل پژوهش در متن مشخص دیوان وی نیست بلکه برداشتی است مجذوبانه که از پیوند جاودانی روح ایرانی با دیوان حافظ و داوری قرون درباره حافظ نشأت یافته است. به عبارت دیگر آنچه محقق ایرانی در این باره می نویسد و می گوید از تلقین لسان الغیب نشان دارد و در قضاوت وی « تمجید بجا و داوری رسای حافظ درباره خود » نهفته است:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست

* متن خطابه ای که در فروردین ماه ۱۳۵۰ به مناسبت برگزاری کنگره سعدی و حافظ در شیراز ایراد شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

ویژه نامه حافظ شیرازی

- حرف دانش ۶ - ۵
- قرآن و حافظ ۴۴ - ۷
دکتر علوی مقدم
- نصبتین شرح فارسی دیوان حافظ در شبه قاره: ۴۵ - ۸۰
« مرج البحرين » تألیف ختمی لاهوری بسال ۱۳۲۶ هـ.
عارف نوشاهی
- سررواج و امنیاز حافظ ۱۰۲ - ۸۱
دکتر محمد صدیق شبلی
- تراغ شیرازی از دیدگاه دانشوران ایران ۱۶۱ - ۱۰۲
دکتر محمد ظفر خان
- تأثیر خواجه حافظ در هنر و اندیشه علامه اقبال ۱۶۱ - ۱۲۱
دکتر محمد ریاض

دانش، ۱۵، (۱۳۶۷ هـ. ق)، Islamabad

- حروف چینی: گرافکس الیون، لاهور
- خوشنویسی عنوان دانش: قاضی محمد امین انجم
- چاپخانه: منزا پریس، اسلام آباد
- محل نشر: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران
- خانه ۲۵، کوچه ۲۷، ایف ۲/۶، اسلام آباد، پاکستان
- تلفن: ۸۲۵۵۴۶، ۸۲۵۱۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

حرف دانش

سال ۱۳۶۷ هـ. ش را یونسکو بعنوان سال جهانی حافظ برگزیده است و بدین مناسبت از روز ۲۸ آبانماه ۱۳۶۷ / ۱۱ نوامبر ۱۹۸۸ برای مدت چهار روز کنگره بین المللی بزرگداشت حافظ در شیراز برگزار می شود و به همین مناسبت در اغلب کشورهای عضو یونسکو و دانشگاهها و مراکز تحقیقی و فرهنگی جهان نیز مراسمی برگزار گردیده و یا خواهد شد.

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد نیز باقتضای رسالت فرهنگی خود و با در نظر داشتن سابقه ششصد ساله نفوذ و شیوع اشعار حافظ در پاکستان، برگزاری سمینار بزرگداشت حافظ را در تاریخهای ۲۲-۲۳ آذر ماه ۱۳۶۷ در لاهور تدارک دیده است که با حضور حافظ شناسان و حافظ دوستان و حافظ خوانان ایرانی و پاکستانی برگزار خواهد شد. در کنار این سمینار مجله دانش نیز بقدر همت و امکانات خود قدمی جهت تجلیل از آن شاعر زنده یاد برداشته است و این مجموعه مقالات را که فقط به حافظ اختصاص دارد، به دوستان حافظ عرضه می نماید.

« رواج غزلهای جهانگیرش (= حافظ) در ادبی مدتی

احوال و آثار عبدی قیصر شاهي: ۱۶۲ - ۱۸۴

مترجم دیوان حافظ
دکتر وحید قریشی

۱۸۵ - ۲۱۲

بدر الشروح: از مولانا بدرالدین
یکی از شروح برجسته دیوان حافظ
دکتر ساجد الله تهمینی

۲۱۲ - ۲۴۱

بررسی و معرفی « بحر فرائد الافاضل »
فی شرح دیوان خواجه حافظ
از عبدالله عبدی خویشگی قصوری
دکتر مهر نور محمد خان

۲۴۲ - ۲۶۲

حافظ شیرازی بعنوان مروج اخلاق
دکتر صابر آفاقی

۲۶۲

وفیات
(رئیس امروهری - دکتر وحید الزمان)

تلفن بهوس که ملائو

نشریه واشنگتن ادبیات تبریز

دوره ششم شماره چهارم

اسفند ماه ۱۳۳۳

در این نشریه فقط مقالاتی درج خواهد شد که جنبه تحقیق و تتبع داشته و یا از جنبه مقالاتی ترجمه شده باشد و یا کتابی را معرفی یا انتقاد نماید. هیئت تحریریه میتواند مقالات وارده را تهذیب و تلخیص کند مگر در صورتیکه صاحب مقاله کتباً بخواهد که مقاله اش عیناً درج شود.

تک شماره ۱۵ ریال

چاپخانه شفق

منوچهر مرتضوی

عشرون در دیوان سادو

عکس العمل عجز بشر از درك راز آفرینش

از روزی که بشر چشم بدنیا گشود در برابر راز بزرگ و لاینحلی قرار گرفت، این راز «راز آفرینش» بود. از همان لحظه ای که آدم و حوا قدم بر دنیای خاک نهادند تا امروز که پیشرفتهای مادی و ماشینی بشر را بهوس دست اندازی به عالم افلاک انداخته است این سؤالات در برابر دیده اندیشه بشر میرقصیده است:

از کجا آمده ایم؟ بکجا میرویم؟ منظور از این آمدن و رفتن چیست؟ آورنده و برنده ما کیست؟ دنیای خاک و افلاک کی بوجود آمده است و چه نیرویی در ایجاد و خلق آنها دخالت داشته؟ آیا خالق زهین و آسمانها خود بوجود آمده خالق برتر است یا قدیم و ازلیست و اگر مخلوق خالق برتر و قویتر است آیا آن خالق قویتر که صانع و خالق اصلی همو خواهد بود قدیم است یا حادث و اگر حادث است دنباله این تسلسل بکجا می انجامد؟ این ابیات شیوای مولانا جلال الدین کاملترین وجه از همین سؤالات است که همواره در دل بشر طاری و بر زبان او جاری بوده است بدون آنکه هرگز جواب قانع کننده ای داشته باشد:

روزها فکر من اینست و همه شب سختم
از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟
بکجا میروم آخر نمائی وطنم؟
دارم این سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا؟
یا چه بوده است مرادوی ازین سوختم؟

تاریخ ادیان و تظهور ایمانی بشر که از ابتدائی ترین عقاید یعنی پرستش قوای طبیعت آغاز میشود و با واسطه پرستش ارباب انواع بدو تا پرستی و بالاخره پرستش خدای یگانه منتهی میشود ساده ترین عکس العمل اندیشه بشر در برابر این راز مبهم و حل ناپذیر و نمودار تحول و تظهور تکاملی این عکس العمل بوده است ولی نمونه غالبترین کوششهای فکری بشر را در راه کشف این سر بزرگ و مستور در افکار فلاسفه و آثار فعالیت مغزهای متفکر بشر جستجو باید کرد و شاید افکار «سقراط» و «افلاطون» و «ارسطو» و عقاید «افلاطونی» جدید یا شاگردان مکتب اسکندریه را بتوان جالبترین و شیرین ترین این افکار و عقاید در شمار آورد.

Ask
Hafiz-1 Sirazi

۳۹۴۱

واشنگتن ادبیات تبریز

این روش در مطالعه ارزش مجموع روشهای تربیتی بکار میرود و هر چند که شرایط کلی تجربی بهیچ اراده آزمایش کننده فراهم نمیشود و چون با تحقیق در عوامل پرداخته نمیشود، سیستم Gary و اندازه های تجربی Wimmerka نمودارهای از این روش میباشد.

استفاده از روشهایی که تاکنون ذکر شد بشر را آشنایی با مآثر ریاضی امکان ندارد تنظیم و ترتیب مناسب نمایش و تفسیر آنها باین علم بستگی دارند و بهین جهت است که در برنامه آموزشگاهی عالی تعلیم و تربیت مطابق آن که دستلزم استعداد فوق العاده ریاضی نمیشد اجتناب است.

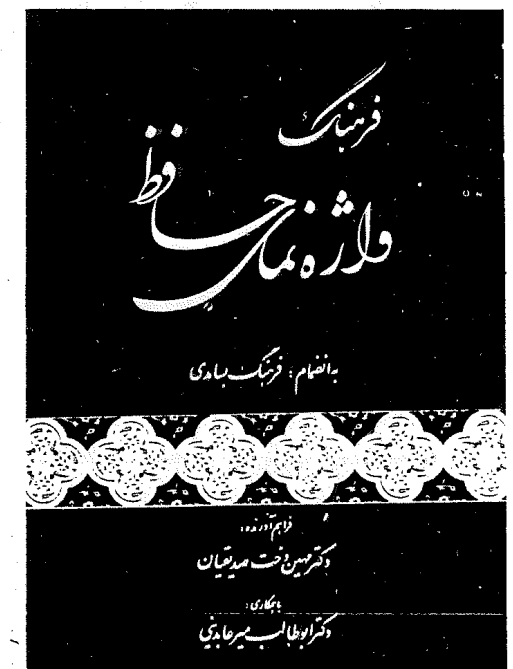
Makalenin devamı «Ask» sayetinde dir.

سال هفتم، شماره ششم، مهر و آبان ۱۳۶۶ تهران
مدیر مسئول و سردبیر: نصرالله پورجوادی

- Hafiz-1 Shirazi

فرهنگ نمای واژه‌های حافظ

جمال حقیقت



فرهنگ واژه‌نمای حافظ به انضمام فرهنگ بسامدی. فراهم آورنده
دکتر مهین دخت صدیقیان. با همکاری دکتر ابوطالب میرعابدینی.
تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۶. بیست و پنج + ۱۶۰۰ صفحه. ۳۶۰۰ ریال.

دوست عزیز از ایران اخیراً کتابی به نام فرهنگ واژه‌نمای حافظ برای این بنده به انگلستان فرستاده است. چون می‌داند که من چاپ و نشر فرهنگهای بسامدی را قدم اول تحقیق در زمینه زبان و ادبیات می‌دانم و بدون این چنین فرهنگهایی نوشتن فرهنگ زبان فارسی را غیر ممکن می‌شمارم. چند سال پیش هم که به ایران آمده بودم در نامه‌ای که به مجله نشر دانش نوشتم به آقای که نوشتن این فرهنگها را بی‌فایده دانسته بود اعتراض

کرده بودم و اتفاقاً آن نامه هم در مجله چاپ شد و مورد توجه بسیاری از خوانندگان قرار گرفت. من با دیدن کتاب فوق العاده خوشحال شدم، بویژه آنکه کتاب از نظر چاپ و کاغذ و جلد هم با سلیقه تهیه شده بود، اما وقتی صفحات اول کتاب را مطالعه کردم از شوق و شغف من کاسته شد و کمی که پیشتر رفتم حالت یأس و ناامیدی بر من مسلط شد و پس از مطالعه بیشتر بسیار متأسف شدم که هم وقت خود را تلف کردم و هم پول دوست عزیز ایرانیم به هدر رفته و بالاتر از همه این که این همه پول و کاغذ و نیروی ایران جنگ‌زده در راه تألیف چنین کتابی به مصرف رسیده است. از سراسر کتاب عجله و شتابزدگی می‌بارد، گویی مؤلفان محترم قصد داشته‌اند که هرچه زودتر نتیجه فیش برداریهای خود را در دسترس حافظ دوستان قرار دهند و مسابقه را ببرند. حتی مقدمه کتاب هم با عجله تهیه شده است و گر نه دو نفر «دکتر زبان و ادبیات فارسی» مقدمه‌ای بر فرهنگ واژه‌نمای حافظ نمی‌نویسند که چنین جمله‌هایی در آن وجود داشته باشد: «به قطع و یقین معلوم می‌شود که پیدایش و تولد يك واژه در چه زمانی و به وسیله چه کسی برای اولین بار در زبان راه یافته است» اولاً کلمه پیدایش کلمه چندان پدر و مادر داری نیست که بر قلم افرادی فاضل چون مؤلفان محترم جاری شود، و ثانیاً «پیدایش و تولد... راه یافته است» یعنی چه؟

و یا این عبارت «واژه‌نمای حافظ بر این اعتقاد تدوین شده است تا بر جزء جزء سخن جادویی حافظ برهانی مستند به دست دهد هم بر ساختمان زبانی و معجزه سخن او و هم بر طرز اندیشه و نگاه او بر جامعه‌اش از روی کاربرد این واژه یا آن واژه به این اندازه یا آن اندازه»

خود مؤلفان محترم نوشته‌اند که «ولف» سی سال از عمر خود را بر سر «فرهنگ شاهنامه» گذاشت اما اینان نخواسته‌اند که لااقل ده سال صرف فرهنگ حافظ کنند. حافظ خانلری معلوم است که چند سال پیش منتشر شده و از همان اوان انتشار چاپ اول زمزمه چاپ دوم در میان بود و اینان کمی صبر نکرده‌اند که چاپ دوم دیوان به بازار بیاید و کار خود را کاملتر کنند، وقتی کتاب زیر چاپ بوده است تغییراتی در آن داده‌اند و با این عجله سر و ته قضیه را به هم آورده‌اند.

فرهنگ بسامدی دیوانهای شعرا و کتابهای نویسندگان انگلیسی زبان و فرانسوی زبان در کشورهای مختلف هر ساله تجدید چاپ می‌شود و هر روز کاملتر و منقح‌تر می‌شود و هر روز شیوه‌ای نو می‌پذیرد. روزگاری بود که فرهنگهای بسامدی به لفظ توجه می‌کرد و نویسنده چنین فرهنگهایی مثلاً کلمه «آب» را بدون توجه به معنی آن احصا می‌کرد و آمار می‌داد؛ ولی این شیوه سالهای سال است که متروک شده، حتی در زمان مرحوم «ولف»

المعجم الأدبي

Diary
Kasir

522
52703
52703

تأليف

جَبَّور عَبدُ النُّور

Hafiz Shari

525-526

دار العلم للملايين

ص.ب ١٠٨٥ - بيروت

تلفون: ٢٢٤٥٠٢-٢٩١٠٢٧

الخمر ، وتدمير الطهارة نفسها . لقد قال ما معناه في (ديوانه) : « لم يعد معي مال أشتري به خمرًا ، غير أنني قادر على أن أبيعك ، يا صاحب الحانة ، فضيلتي وثوب الزاهدين الذي أرنديه » . والواقع أن الدارسين ، عند استعراضهم مراحل الأدب الفارسي ، وسير التأبين فيه ، يكادون يجمعون على أن خصائص مشتركة تشيع في نتاجهم جميعاً ، فتسبغ عليهم لوناً مميزاً ، يفردهم عن سواهم من أدباء معاصرين لهم ، وأن هذا اللون يزهر في شعر حافظ بنوع بارز لإبائته ، من خلال إحساسه الرهيف ، ونعته المهموس ، عن ملحمة الإنسان الفرد ، كما أن الفردوسي عبّر في الشاهنامه عن ملحمة القوم الشعب .

١ - بداية الأدب الفرنسي ترقى إلى القرن التاسع . ويعتبر المؤرخون أن قسم سترسبورغ هو أول نص خطي مكتوب بالفرنسية المشبعة باللاتينية . وقد اقتضت الآثار خلال القرنين العاشر والحادي عشر على متون دينية منقولة عن اللاتينية . وبرزت في القرنين الثاني عشر والثالث عشر مجموعات شعرية في مآثر الأبطال ، منها ، حوالي ١١٠٠ - ١١٢٥ (أنشودة رولان) الملحمية النفس . وازدهرت آنذاك قصائد غنائية يُنشدها الشعراء الجوالون ، مُتقلّين بها من مقاطعة إلى أخرى . وظهر أيضاً عدد من الحكايات الشعبية ، والدينية ، والمغامرات المكتوبة شعراً ، وألفت مسرحيات طقوسية مكتوبة بالفرنسية واللاتينية معاً ، أو بالفرنسية وحدها ، وعُرضت في باحات الكنائس . أما القرنان الرابع عشر والخامس عشر فقد تميّزا ب بروز النثر واستقراره على أصول واضحة ، ومحاولة التحرر من اللاتينية . وظهرت المؤلفات التعليمية ، ووضّحت أصول المسرح ، فأخذ يُعنى بالموضوعات الرصينة المُقتبسة من المجتمع

٢ - في القرنين السادس عشر والسابع عشر اشتد احتكاك فرنسا بالثقافة ومآستها في العودة إلى منابع القديمة والآرتواء منها . ونجم عن هذا الاحتكاك

67 EKİM 1991

Hafız-ı Şirazi (293-298)

Haydar BAMMAT

İSLÂMİYETİN
MANEVÎ ve KÜLTÜREL DEĞERLERİ

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	688
Tasnif No. :	2-99.09 BAMMAT

Tercüme eden :

Bahadır DÜLGER



Resimli Posta Matbaası
Ankara — 1963

Yunan bilgin ve filozofları arasında yapılan konuşmalara da yer verilmiştir. Bu eser Nizami'nin geniş bir bilgiye sahip olduğunu göstermektedir.

Heft Peyker veya Behramname, Hamsenin beşinci şiiri, Sasanî hükümdarı Behram Gûr'a tahsis olunmuştur. Şair İran'ın bir millî kahramanı olan bu hükümdarın efsanevî seferlerini değil, fakat ona, yedi sevgilisinin anlattığı yedi hikâyeyi ele almıştır. Bu sevgililerin hepsi muhtelif memleketlerde hüküm süren kral ailelerine mensup olan ve Behram'ın sarayında yaşayan yedi prensistir. Her biri haftanın bir gününe bir yıldıza, bir renge bağlanmış olan bu hikâyeler bazan zarif ve uçucu hayallerle, bazan gülünçlüklerle süslenmiş olan doğu masallarının birer harikasıdır. E. Berthel bu eseriyle Nizami'nin Hoffmann'ı düşündürdüğünü söylemektedir.

Bu büyük şiirlerinden başka Nizami, pek çok lirik şiirler ve terkeb-i bentler de yazmıştır.

İşte Nizami hakkında bir fikir edinmek için «Leylâ ve Mecnûndan alınmış bir parça. Bu parça, bahtsız sevgililerin öldükten sonra bir cennet dekoru içinde birleştiklerini anlatan bir rüyayı tasvir etmektedir.

Gecenin tatlı karanlığı, yaymıştı bir kere daha
Günün eteklerine misk kokularını.
Bir melek ona gösterdi rüyada,
Gök bahçelerinin sihirli aydınlıklarını:
Ulu ağaçlarla gölgeli genişlikleri,
Mesut ruhlar gibi şendî.
Her çiçek bir bahçeye benziyordu.
Her gülün, her yaprağı bir mum gibi parlıyordu karanlıkta...
Nağmeler yükseliyordu ilâhî organunlardan,
Zafer türkülleri söylüyorken güvercinler;
Günün son ışıkları parlayan güllerin altına,
Bir yatak serilmişti ırmağın kenarına.
Üstü telli diba ile kaplı bir yatak.
Gök kubbenin mavi yatağı gibi, açık, parlak bir yatak.
Orada oturdular nihayet, huzur içinde,
Mukaddes sevgililerin ölümsüz melekleri
Baştan ayağa nurdan birer elbise giyerek.

H A F I Z

Avrupa'da büyük bir şöhret kazanmış olan İran şairlerinin ilki Hafız'dır. Ondan oldukça uzun bir zaman sonra, ancak Ömer Hayyam onun kadar büyük bir şöhrete ulaşabilmiştir. Gazel üstadını batı âlemine tanıtmak şerefi Alman oryantalisti Von Hammer - Purgstall'e aittir.

Hafız divanının tam tercümesi 1812 - 1813 yıllarında neşrolunmuştur. İlk zamanlarda bu kitap sadece dar bir münevverler muhitini ilgilendirmişti. Sonradan 1819 yılında Goethe, West Oesticher Diwan (Batı - Doğu Divanı) adlı eserini neşredince işler değişti. Malûm olduğu üzere bu kitap şu mısralarla başlamaktadır:

Söze kadın denirse eğer,

Zekâyâ da erkek.

Hafızı okuyan

Bu evlenmeyl görmüştür demek.

Bundan başka aynı kitapta şunları da okumak mümkündür: «Doğu, Akdenizi lâtif bir şekilde geçmiş bulunuyor. Sadece Hafız'ı okuyarak seven bir kimse Calderon'un neler terennüm etmiş olduğunu anlamış olacaktır.»

Hiç mübalaga etmeden söyleyebiliriz: İran şairinin dehasını Avrupa'ya tanıtmış olan büyük Alman şairidir. Hafız kendisi için ondan daha iyi bir takdim edici bulamazdı.

Biraz sonra Bodenstedt, Mirza Şafi adında birisine atfederek «Philistin'lerin Hikmetleri» adlı bir kitap yayıyordu. Hafız'dan derin bir ilham almış olan bu eser okuyucuların pek büyük bir rağbetini kazandı. Yüz elli defadan fazla basıldı.

Hafız'ın divanı kısmen veya tam olarak bütün Avrupa dillerine çevrilmiştir.

Hafız (Muhammed Şems ed Din) XIV üncü asrın başlarında Şiraz'da doğmuş 1390 senesinde yine orada ölmüştür. Hayatı hakkında fazla bir bilgi yoktur. Bütün hayatını hemen aynı şehirde geçirmiş ve bu şehri derin bir şefkatle sevmiştir. Şiirlerinde oranın güzel yerlerinden, Rûkn Abad nehrinin neşeli manzaralarından, Musalla'nın lâtif ve küçük korularından bahseder.

Hayatı önemli vakalarla dolu değildir. Çok genç yaşında İran'ın en büyük şairlerinden biri olarak şöhret kazandığı için



دانشکده ادبیات تبریز

شماره چهارم

سال نوزدهم - زمستان ۱۳۴۶

شماره مسلسل ۸۴

پایان

۵۲۶

زمستان سال نوزدهم

۱۹۵۱-۱۹۵۶ محاسبه کرده ورقم ۴۳ سال را شاخص امید بزندگی نوزادان سنوات مزبور تعیین می کند .

آینده جمعیت ایران آقای دکتر مهدی امانی آینده کل جمعیت و جمعیت های شهری و روستائی ایران را بتناوب و فواصل پنجساله از ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۶ براساس نتیجه اولین سرشماری عمومی ایران (۱۹۵۶) پیش بینی کرده است: بفرض کاهش آرام مرگ و میر و باروری ثابت، جمعیت ایران سال ۱۹۸۶ به ۴۹۵۷۸۰۰۰۰ نفر میرسد و اگر باروری ثابت نمانده و رو بکاهش باشد آنوقت کل جمعیت ایران به ۴۶/۲۹۷/۰۰۰ نفر خواهد رسید . بنابراین جمعیتی که امروز به ۲۵ میلیون نفر نزدیک شده است در ۲۰ سال آینده بطور قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت (۱۵۰٪ درسی سال) و مسلماً مقایسه نتیجه سرشماری اخیر ایران (۱۹۶۶) با اولین سرشماری عمومی که از آن سخن رفت، امکان حصول شناسائی تکامل جمعیت ایران و ارزیابی دقیق باروری و مرگ و میر آنرا فراهم خواهد ساخت .

امیرمقدم

مانده از شماره قبل

فرهنگ اصطلاحات حافظ

در مفهوم گوشه و کناره است ۱۱۱/۲ - ۲۸۵/۵ - ۲۸۲/۱۲ - ۳۱۷/۹ - ۲۹۷/۱۲
طرفه - باضم اول . رطوبتی که از چشم جاری شود و زخم رسیدگی چشم و مال نو اما در اینجا در مفهوم عجیب و نادر و شگفت استعمال شده است ۱۹/۵ - ۲۹/۴ - ۷۵/۱۱ - ۹۷/۷ - ۱۰۶/۶ - ۲۸۵/۵ - ۳۰۹/۱۰
طره - قسمت بالای پیشانی است که بر وصل میشود و بعضی آن را ناصیه گویند، و بعدها بآن مقدار مویی که از ناصیه به پیشانی میریزد طره گفتند یعنی ذکر محل و اراده حال. همچنین زلف و گیسوی تابنده ۱۲/۶ - ۱۳/۱۰ - ۲۹/۱۰ - ۳۲/۹ - ۳۸/۱۲ - ۴۶/۸ - ۷۰/۱۰ - ۷۷/۵ - ۸۲/۱ - ۹۸/۶ - ۱۲۵/۸ - ۱۲۹/۵ - ۱۲۹/۸ - ۱۲۹/۱۲ - ۱۲۹/۱۰ - ۱۴۳/۱ - ۱۷۱/۴ - ۱۹۰/۸ - ۱۹۹/۲ - ۲۱۸/۷ - ۲۱۵/۵ - ۲۸۴/۳ - ۳۰۸/۱ - ۳۴۶/۱ - ۳۴۱/۱۲ - ۳۲۲/۴ - ۳۴۶/۱ - ۳۵۴/۱
طریق - راه و رسم و طرز و آیین. ۴۶/۱۰ - ۷۳/۱۳ - ۳۱/۸ - ۱۸/۲ - ۸۶/۸ - ۹۹/۱۳ - ۹۲/۹ - ۵۵/۱ - ۴۸/۸

طراز - جامه پادشاهی و فاخر که برای زینت پوشند. زیب و زینت کناره و حاشیه. آرایش ۲۳۵/۹: ۶/۶
طرب - شادمانی - حرکت - شوق و میل بسوی چیزی. جنبش. در اصطلاح انس باحق است ۱۶/۳ - ۴۰/۹ - ۷۰/۷ - ۲۳ - ۸۰ - ۸۱/۴ - ۹۶/۳ - ۹۹/۳ - ۱۱۸/۲ - ۱۱۸/۱۰ - ۱۲۸/۴ - ۱۳۸/۱۳ - ۱۳۸/۷ - ۲۰۱/۱ - ۲۰۷/۶ - ۲۵۹/۱۲ - ۲۶۰/۹ - ۲۷۵/۳ - ۳۱۸/۱ - ۳۳۵/۲ - ۳۵۹/۱۲ - ۳۸۴/۳ - ۱۷۹/۲ طربخانه: ۱۹۱/۱۳ - ۹۱/۱۱ - ۱۹۸/۱۱ طرب انگیز: ۲۶۷/۷ - ۳۷۶/۲ طرب سرا: ۱۱۳/۱۱ - ۹/۹ قکه. طرب نامه: ۲۳۱/۴ - ۱۰۴/۳
طرح - انداختن - نهاد - وضع - شکل و ترکیب. طریقه و رسم ۲۵۸/۷
طرزی - ۳۵۵/۱۳
طرف - بافتح اول و سکون دوم. سود و فایده و طرف بستن بمعنی فایده یافتن. در عربی بمعنای چشم و نگاه و برهم نهاد یکی از دو پلک است ولی در اینجا بمعنی سود بکار رفته است ۱۰/۴ - ۲۱۴/۸ - ۲۰۱/۲ - ۸۱/۹ - ۱۹/۱۰ - ۲۹۷/۷ - ۲۹۷/۹ - ۳۷۶/۹ در ابیات زیر



MADDE FAYINLANDIRGAN
SOKRA GELEN DOKÜMAN
22 KASIM 2011



پنجادین سال تأسیس دانشگاه مشهد
(فردوسی و علوم پزشکی)
۱۳۲۸ - ۱۳۲۹

Hafiz-e Shargh
- Nabii

ویژه نامه نکوداشت

استاد سید جلال الدین آشتیانی

نشریه دانشکده الهیات

علمی - پژوهشی

شماره ۴۱ و ۴۲

پاییز و زمستان ۱۳۷۷

ISSN 1010-4.992

Mesched

تخمیس شاه غزلی از حافظ،
سروده نابی، شاعر شهیر ترک

علی محدث

کتابخانه اوپسالا، سوئد

چکیده

در این مقاله، به طور مختصر به معرفی شاعر مشهور ترک، یوسف بن عبدالله رهاوی متخلص به نابی (متوفای ۱۱۲۴ هـ)، پرداخته شده است. از این شاعر، دیوان شعری به زبان ترکی و فارسی بر جای مانده که اشعار فارسی او در میانه اشعار ترکی اش قرار گرفته است. اشعار فارسی این شاعر از ۶۰۰ بیت بیشتر نیست. با توجه به برخی از اشعار نابی، تردیدی نیست که این شاعر شیعی مذهب بوده است. در پایان مقاله، به عنوان نمونه شعری، تخمینی که از شعر حافظ انجام داده، ذکر شده است.

یوسف بن عبدالله رهاوی متخلص به نابی (متوفای ۱۱۲۴ هـ)، شاعر مشهور ترک است، از ترکان عثمانی؛ که دیوان ضخیمی به ترکی دارد. شعر ترکی او لطیف است و مورد قبول ادبا و دانشمندان ترک.

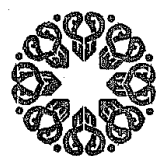
این جانب، که از چند سال پیش به نوشتن فهرستی برای نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه اوپسالا (سوئد) سرگرم بوده ام، در ضمن کار خود به دو نسخه از دیوان شعر نابی برخوردم^(۱)، و علت آشنایی من با نابی همین است.

۱- طرازی در فهرست خود نسخه ای از دیوان نابی را در قاهره نشان می دهد (ج ۱، ص ۱۸۹) و احمد منزوی در گنج شایگان خود، یعنی فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۲۵۵۸) گفته او را بازگو کرده است.



MADDE TAYINLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Hasan Sirezi



پنجابین مال تاسیس دانشگاه مشهد
(ادرس و علوم و فنون)
۱۳۷۸ - ۱۳۷۹

ویژه نامه نکوداشت استاد سید جلال الدین آشتیانی

نشریه دانشکده الهیات

علمی - پژوهشی

HASAN 2011

شماره ۴۱ و ۴۲

پاییز و زمستان ۱۳۷۷

ISSN 1010-4.992

Mepheo

تحلیل تاریخی غزلی از حافظ

حسینعلی بیهقی

دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد

چکیده

حافظ شاعری است صاحب درد که واقعیتهای روزگار در شعرش متجلی است. او در غزل مورد نظر که آن را در سوک به قتل رسیدن شاه شیخ ابواسحاق اینجو سروده، با بیانی شاعرانه دولت مستعجل او را ارزیابی می کند. برای درک بهتر این غزل سیاسی و اجتماعی ضرورت دارد تاریخ ایران و بویژه اقلیم فارس در قرن هشتم و دولتهای آل اینجو و آل مظفر مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل مقاله حاضر به پژوهش درباره حکومت خاندان اینجو پرداخته است.

آثار ادبی و هنری در هر زمان تحت تأثیر مستقیم اوضاع و تحولات اجتماعی و سیاسی قرار دارد. آثار ادبی همواره محصول و مولود حیات و محیط اجتماعی است. «ازین رو بسیاری از منتقدان اخیر سعی ورزیده اند که علل و موجبات تحول اسالیب و تغییر فنون و انواع را در ادبیات، فقط از طریق تحقیق در اوضاع و احوال اجتماعی بیان نمایند»^(۱) دگرگون شدن شیوه های بیانی که از آن به سبک تعبیر می کنیم، در اثر دگرگونی اوضاع جامعه و محیط صورت می گیرد. تحولات اجتماعی وسیله ای برای دگرگونیهای سبک و طرز ارائه مافی الضمیر آدمی است. «بسیاری از سبک شناسان، موتور تغییر سبک را تغییر و تحولات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی...) دانسته اند که منجر به تغییر نحوه زندگی و بینش و نهایتاً نحوه

۱- رک: عبدالحسین زرین کوب، نقد ادبی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۴.

SPEKTRUM IRAN

Zeitschrift für
islamisch-iranische Kultur
Herausgeber:
Kulturabteilung der Botschaft
der Islamischen Republik Iran
Godesberger Allee 133—137,
5300 Bonn 2
Redaktion:
Dr. Manutschehr Amirpur
Die Zeitschrift erscheint
vierteljährlich
1. Jahrgang 1988, Heft 4
ISSN 0934-358X

Hafizi Shirazi

Inhaltsverzeichnis

Editorial	3
Texte und Aufsätze	
Ġâmî über Hafiz	4
Annemarie Schimmel, Hafiz und seine Kritiker	5
Nasrollah Pourjavady, Schönheit und Anmut. Ein Diskussionsbeitrag zur Hafisschen Ästhetik	25
Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, Historische Vorläufer einer Wendung in den Gedichten von Hafiz	46
Mohammad Bagher Behbudi, Erläuterungen zu einem Ausdruck in Hafiz' Diwan	52
Buchbesprechungen	
Abdol Hasan Najafi, Hafis: Editio definitiva	54
Nachrichten und Berichte	
Réza Feiz, „Die Liebe, der Liebende, der Geliebte“: Profane Sprache und heiliger Sinn bei Hafiz	75
Bibliographie	
Mohammad Ali Rounaq, Auswahl einer wissenschaftlichen Hafiz-Bibliographie	79

BIBLIOGRAPHIE

Mohammad Ali Rounaq

Auswahl einer wissenschaftlichen Hâfez-Bibliographie

Eine umfassende Hâfez-Bibliographie zu erstellen, die alle Handschriften, Drucke, Untersuchungen, Kommentare und Übersetzungen enthält, ist ein sehr schwieriges Unterfangen. Die folgenden Titel sind eine Auswahl, die ich aus den Aufzeichnungen, die ich über Hâfez besitze, mit einem Schwerpunkt auf zeitgenössischen iranischen Untersuchungen zusammengestellt habe. Die Bibliographie enthält kritische Editionen des *Diwans*, die seit 1306/1927-8 erschienen sind, sowie wissenschaftliche Bücher und Aufsätze der letzten Jahrzehnte. So wenig sich das Meer Hâfez mit diesem engen Krug auch umschließen läßt, so mag doch die vorliegende Liste allen Forschern und an Hâfez Interessierten in gewissem Maße hilfreich sein.

Sie ist in drei Abschnitte unterteilt:

a) Editionen des *Diwans*; b) Monographien; c) Aufsätze.

a) Editionen des *Diwans*

1. Hâfez Širâzi, Šamsoddin Moḥammad: *Hâfez-e Širâz*. In einer Version von Aḥmad Šâmlu (*be revâyat-e A. Š.*) Teheran: Marvârid 1354/1975-6, 56 + 648 S.
2. Ders.: *Hâfez*. Zusammengestellt von Salim Neysâri. Teheran: (o. Verl.) 1353/1974-5, 426 S.
3. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Hrsg. nach der Qodsi-Edition, mit einer Einleitung von ʿAli Asḡar Ḥekmat. Teheran: Ebn-e Sinâ 1353/1974-5, 16 + 495 + 31 S.
4. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Ed. Moḥammad Qazvini und Qâsem Ġani. Teheran: 1320/1941-2, 432 S.
5. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Ed. und mit einer Einleitung versehen von Maḡid Yektâ'i. 2. Aufl. Teheran: ʿAli Akbar ʿElmi 1363/1984-5, 220 + 495 S.
6. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Ed. Hâšem Razi. Teheran: Kâve 1341/1962-3, 132 + 299 S.
7. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Geschrieben von Kayḥosrou Ḥoruš. Teheran: Anḡoman-e ḥošnevisân-e Irân 1362/1983-4, 423 S.
8. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Auf der Grundlage von drei alten, vollständigen Hss. (datiert 813, 822 und 825 h.q.) ediert von Akbar Behruz und Rašid ʿAyyuži. Teheran: Amir Kabir 1363/1984, kâf-be (22) + XXVII + 572 S.
9. Ders.: *Divân-e Hâfez*. Ed. nach einer Hs. aus dem Jahre 827 h.q. von ʿAbd al-Raḥim Ḥalḥâli. Teheran: Kâve 1306/1927-8, 275 + 74 S.

Hafiz - Shirazi

The Divan of Hafiz



Shams al-Din Muhammad Hafiz (nickname: *Khawaja*, or nobleman; surname: *Hafiz*, or the one who has memorized the Holy Quran) was born in the city of Shiraz (in the present-day province of Fars in Iran), probably in 1326 or 1327. He died there in 1389 or 1390. In his youth, the future poet received specialized training from the leading teachers and scholars of the city. A superb student, he concentrated on Quranic studies and theology, philosophy, music, the natural sciences, and poetics. Hafiz won the support of powerful characters at successive local courts in Shiraz and wrote a number of panegyrics in praise of regional rulers. In his *divan*, or collected poems, (spelled with a v for Persian pronunciation) are a number of allusions and references to historical figures and incidents. An acknowledged master of the intricacies of the Persian language, Hafiz produced harmonic melodies that demonstrate the subtlety and sophistication of his thoughts and sensibilities and that have few, if any, rivals in the entire tradition of Persian poetry. His poetry also shows that Hafiz had a strong predilection for philosophy. He was well informed about the intellectual trends of his day, and his own ideas challenge the contours of conventional thought about the essence of love, life, society, justice, and the purpose of human existence. Hafiz mainly wrote *ghazals* (sonnet-like poems of between five and fifteen couplets, in which each couplet is composed of two lines with a rhyme pattern *aa, ba, ca*, and so forth). It has been argued that each individual verse in a *ghazal* should convey a complete thought, and that just as the string of pearls on a thread makes a neck-

THE LITERARY WORK

The collected poems of Hafiz of Shiraz compiled in the alphabetical order of the final letters of the various end-rhymes; composed in fourteenth-century Persia; published in English in 1891.

SYNOPSIS

A collection of numerous multilayered poems, the *Divan* consists primarily of sonnet-like verses (*ghazals*), quatrains (*rubais*), and a few miscellaneous odes (*qasidas*) and fragments (*qit'as*). Strong mystical themes abound, along with social criticism and philosophical and intellectual insights.

lace, the combination of independent verses produces a *ghazal*. Conventionally, as in Hafiz's poems, the poet mentions his penname (*takhallus*) in the final verse (*maqta*). Many individual couplets of Hafiz's *ghazals* have become notable aphorisms over time, leading to the contention that Hafiz's *ghazals* possess some disparate couplets with independent meaning and thus lack coherence and overall thematic unity. A closer look at his *divan* indicates some truth to this assertion, yet often there is also a loose thematic unity that binds the individual couplets of each of Hafiz's *ghazals*. We know almost nothing of his life outside his poetry, which has given rise to the tendency to extract biographical information from his *ghazals*.

MADDE YATIRILAN
SONRA GELİN DOKÜMAN

DAWLATSHAH SAMARQANDI, d. ca. 1494. Lives of Ferdousi and Hafez; from *Tazkirat al-shu'arā'* [Storey, 784,] according to Silvestre de Sacy. *Asiatic journal* 28 (1829), pp. 529-535.

DAWLATSHAH SAMARQANDI, d. ca. 1494. Vita Hafizi ex Dauletschahi historia potarum persicorum; [text and translation by] F. Wilken. *Auctarium ad chrestomathiam suam persicam*, pp. 74-80.

DEFREMERY, C. Coup d'oeil sur la vie et les écrits de Hāfiz. *JA* 5e sér., 11 (1858), 406-425.

GULCHIN. Translations from Sadi and Hafiz. *Asiatic journal* 3 (1817), pp. 5-8.

HAFIZ. The blinding of Shāh Mansūr by his rebellious son; (Bicknell's Selections from Hāfiz.) *Indian antiquary* 7 (1878), 87.

HAFIZ. The Divan; translation by H. Bicknell. *Persian literature* 1 (1900), 363-410.

HAFIZ. The first ode of Hafiz; translated by E. B. Cowell. *Asiatic journal*, 3rd series, 3 (1844), p. 354.

HAFIZ. The first of the ghazals of Hafiz of Shiraz; [translated] by Sir Edwin Arnold. *Imperial and Asiatic quarterly review*, new series, 5 (1893), 402.

HAFIZ. From the Persian of Hafiz (این چه شوریست که در دور قمر می بنیم); edited and translated. *Asiatic journal*, new series, 11 (1833), p. 46.

HAFIZ, 14th cent. A gazzel from the Diwane-Hafiz, translated by John Nott. *Asiatic annual register* 8 (1806), *miscellaneous tracts*, pp. 75-77.

blau-schwarz-goldenem Rahmen. Überschriften golden. Miniaturen auf Fol. 12b, 36a, 66a, 71b, 90b, 109b, 137b, 152a, 186a. Das erste Blatt fehlt.

Der Anfang fehlt. Erster erhaltener Vers:

نمود از روی خود چون لطف جانان

Dulḥicca 894h, in Šīrāz. Titel des Epos im Kolophon: *Maḥabbat-nāma*.

30. Hāfiz

Xwāca Šamsuddīn Muḥammad b. Šaix Kamāluddīn, aus Šīrāz. Geboren um 726/1325, gestorben 792/1390.

Bibliographische Hinweise findet man bei Krīmskij, A.: *Xafiz ta yoho pisni*, Kiew 1924; ferner Rypka, HIL 277f.; Afšār, FMF, Nr. 5322-5359; Pearson, I.L.: 1958, S. 778; 1962, 1967, 1972, 1977 etc. in Kap. XXXIXc.

30.1. Der *Dīwān*. Zu den Ausgaben, Drucken, Kommentaren und Übersetzungen vgl. Rypka, HIL 784f.; Mušār, FKČF 724-6. Von den verschiedenen, im *Dīwān* enthaltenen Gedichten und Gedichtarten begegnen in den Fatih-Handschriften:

a) *Ġazalīyāt*, alphabetisch. Anfang:

الا يا ايها الساقى ادر كاسا وتاولها

b) *Qaṣā'id*. Anfang:

شد عرصه چمن (جهان، زمین) جو بساط ارم جوان

c) *Muqatta'āt*. Anfang:

دل منه بر دینی واسباب او

d) ein *Tarkībband*. Anfang:

ساقی اکرت هوای مامی

e) ein *Muxammas*. Anfang:

در عشق تو ای صنم جنانم

f) *Maṭnawīyāt I*, d.h. längere Gedichte: *Sāqī-nāma*, *Muḡannī-nāma*, *Muṭrib-nāma*. Anfang:

الا ای آهوی وحشی (مشکین) کجایی

g) *Maṭnawīyāt II*: kurze Gedichte. Anfang:

هر که آمد در جهان بر زشور

h) *Rubā'īyāt* und 2 Einzelverse. Anfang:

مردی زکنده خیر بر سر

Dazu tritt

30.2. Die Prosavorrede des MUḤAMMAD I GULANDĀM zum *Dīwān* (vgl. Ateş, FME 289, 9ff.). Anfang:

حمد بی حد و ثنای بی عد و سپاس بی قیاس

3799 (= TIEM 1923)

149 Fol. 25,8 × 16,6 (15,6 × 9,6) cm. 2 Kol. 17 Z. Schwarzer Lederband mit Medaillon, Zierecken und Randleiste. Innen rot, Medaillon, Zierecken und Randleisten in durchbrochener Arbeit auf goldenem und blauem Grunde. Klappe entsprechend. Bräunliches Papier. Schönes Nasta'liq, in blau-schwarz-goldenem Rahmen. Überschriften blau, golden, rot. Auf 1a illuminiertes Medaillon. 1b-2a 'Unwān. 2b Kopfstück mit persischer Basmala in kufischer Schrift.

a) 1b-136a: *Ġazalīyāt*.

b) 136b-143a: *Muqatta'āt* 'āt (30.1.c).

c) 143a-146b: *Maṭnawīyāt I* und *II* (30.1.f und g). Anfang:

سر فتنه دارد دگر روز کار

d) 146b-149a: *Rubā'īyāt* (30.1.h).

9. Jht. h, von Ca'far al-Bāisungurī (Baisungur starb 837h), in Herat.

3802 (= TIEM 1989)

184 Fol. 30,6 × 21 (20,9 × 11,9) cm. 2 Kol. 13 Z. Dunkelroter Lederband mit flachem Medaillon, Zierecken und breiter Randleiste. Innenseite rot. Klappe ebenso. Großes, kalligraphiertes Nasta'liq, in blau-schwarz-gold-grünem Rahmen. Überschriften golden oder hellblau. 1b-2a 'Unwān.

a) 1b-170b: *Ġazalīyāt*.

b) 170b: erstes Couplet des *Tarkībbands* (30.1.d).

c) 170b-174b: *Maṭnawīyāt I* (30.1.f).

d) 174b-179a: *Muqatta'āt* 'āt (30.1.c), dazwischen *Maṭnawīyāt II* (30.1.g).

e) 179a-182b: *Rubā'īyāt* (30.1.h).

9.-10. Jht. h, von Sulṭān 'Alī. Auf 184a: شریف ایشان را خدءا
تبارک وتعالی میداند اما چون اشارت بدین کینه فرموده اندکه البته قیمت کنند هزار
بیت بپانصد دینار ارزانست که خرید و فروش کنند و ششصد دینار جهت اجرة چهار
لوح و جلد و جدول و کاغد و حرره العبد عبد الله

3797

206 Fol. 20,7 × 13,4 (13,3 × 6,8) cm. 2 Kol. 12 Z. Hellbrauner Lederband, mit tiefgeprägtem Medaillon und Zierecken, sowie Randleisten. Innen rot, mit goldenen Randlinien. Klappe abgerissen. Dünnes, gelbliches Papier. Kalligraphiertes Nasta'liq, in blau-schwarz-goldenem Rahmen. 1b-2a 'Unwān. 6b illuminiertes Kopfstück.

a) 1b-6a: *Prosavorrede* des Muḥammad i Gulandām (30.2).

b) 6b-196a: *Ġazalīyāt*.

c) 196a-198b: *Maṭnawīyāt I* (30.1.f).

d) 199a-203b: *Muqatta'āt* 'āt. Anfang:

حسن این نظم از بیان مستغنیست

e) 204a-206b: *Rubā'īyāt*. Anfang:

نه قصه آن شمع جکل بتوان گفت

Montag, im Dulḥicca 921h, von 'Alī al-mašhūr bi-Adā'ī.

ḤĀFIẒ

Shams al-dīn Muḥammad Ḥāfiẓ al-Shīrāzī. The greatest poet of Persia and one of the greatest of the world (c. 1320-89).

Though Ḥāfiẓ was simply a lyrical poet, not deliberately didactic, we must speak of him even as we had to speak of Vergil, of Firdawsī, or of Dante. He is one of the greatest personalities of his time, and deeply influenced the spiritual life of Persia, Turkey, and other Muslim countries.

He was born c. 1320 in Shīrāz. His father, Bahā' al-dīn, had moved from Iṣfahān to Shīrāz, had made a fortune in business, then lost it, and after his death his family was poor. Muḥammad was a precocious poet; he was well educated in theology and mystical literature, and though he wrote only in Persian, he had necessarily a deep knowledge of Arabic. His takhalluṣ (nom de plume) Ḥāfiẓ is the name commonly bestowed upon those who know the whole Qur'ān by heart and are able to recite it. When he became famous other honorific names were given to him, as Lisān al-ghaib or Tarjumān al-asrār (voice of the unseen or interpreter of secrets).

He spent the greatest part of his life in his native city and died there in 1389. During his lifetime Shīrāz suffered terrible vicissitudes of fortune, but Ḥāfiẓ remained, obtaining the patronage of many princes. Other princes tried to attract him to India, but he refused. He often spoke of the beauty of Shīrāz, of its lovely river Ruknābād and of the rose gardens of Muṣallā'.

It should be noted that in spite of wars and calamities Shīrāz was then an intel-

Ḥāfiẓ-i Shīrāzī, Shams al-dīn

muḥ. Ḥāfiẓ es-Shīrāzī

c. 793/1390

Sh. in III/2

IA, V, 65-71

(Fars Ed., Tas.)

طبقه بندی کنیم .

زنگ صوت از ترکیب صوت اصلی باصوتهای فرعی حاصل می شود. شماره ارتعاشات فرعی و شدت هریک از آنها صفت خاص هر صوتی است . دو صوت که از جهت زیر و بمی و شدت باهم یکسان باشند از حیث زنگ متمایز می شوند . اگر نغمه واحدی را در دو آلت موسیقی متفاوت، مثلاً پیانو و تار ، اجرا کنیم تنها به سبب زنگ خاص هریک از این آلتها، یعنی به سبب ارتعاشات فرعی خاص هریک از آنها ، شنونده می تواند دریابد که کدام نغمه از پیانو و کدام از تار برآمده است .

این سه امر، (یعنی زیر و بمی، شدت، زنگ) صفتهای کیفیتهای اصلی صوت شمرده می شوند .

اما امتداد زمانی است که لرزه های صوت دوام می یابد . دو صوت که درهمه صفتهای کیفیات یکسان باشند ممکن است از جهت امتداد متفاوت شوند. امتداد کمیت صوت است .

حاصل این بحث آنکه صوت اگر چه ساده و مفرد می نماید امری مرکب است ؛ و گوش ما همه اجزاء یا خصوصیات آن را یکجا و به صورت واحد ادراک می کند .

صوتهای گفتار نیز دارای همین خصوصیات یا صفات صوت گفتار چهارگانه اند. بعضی از آنها صوت مطلق شمرده میشوند، بعضی تنها «خشه» هستند و بعضی دیگر ترکیبی از صوت و خشه شمرده می شوند . اما پیش از آنکه در این باب به تفصیل بپردازیم باید به دو جنبه مختلف صوتهای گفتار اشاره کنیم : یکی جنبه پدید آمدن یا حدوث و دیگری جنبه یافتن یا ادراک . «باتمام»

پ . ن خانلری

منابع این بحث :

- Fouché , P. , Phonétique Historique du Francais . Paris . 1952 .
- Sanssurre , F . , Cours de Linguistique Generale , Paris 1949 .
- Gleason , H. A . , An Introduction to Descriptive Linguistics. IV. y. 1956 .
- Malmberg, B. , La Phonétique. Paris, 1960.

SLIHEN. 4 (1363 h) Tehran

SAADI
- HAFIZ
- IRANI

هراتی . سعدی . حافظ

مقایسه اشعاری که سخنوران بزرگ بسه يك روال و به استقبال (یعنی پیروی) از یکدیگر سروده اند هم سوابق ذهنی و منابع هنر ایشان را به ما می شناساند و هم از روی این مقایسه می توان به خصوصیات ذوقی و هنری هریک پی برد . پیش از این در مجله سخن نمونه های متعددی از این گونه اشعار درج کرده ایم و اینک نمونه شیوای دیگر :

فخرالدین عراقی - متوفی سال ۶۸۸ ق . ه .

به يك گره که دو چشمت برابر و انداخت

هزار فتنه و آشوب در جهان انداخت

فریب زلف تو با عاشقان چه شعبده ساخت

که هر که جان ودلی داشت در میان انداخت

دل ، که در سر زلف تو شد ، توان گه گه

ز آفتاب رخت سایه ای بر آن انداخت

رخ تو در خور چشم من است ، لیک چه شد

که پرده از رخ تو بر نمی توان انداخت

حلاوت لب تو ، دوش یاد می کردم

بسا شکر که در آن لحظه در دهان انداخت

من از وصال تو دل بر گرفته بودم ، لیک

زبان لطف توام باز در گمان انداخت

قبول تو دگران را به صدر وصل نشاند

The Last of the Dragomans. By Sir Andrew Ryan, K.B.E., C.M.G. Geoffrey Bles. 1951. Pp. 351. 25s.

In the days when Constantinople was perhaps the most desirable place in the world for civilized Europeans to live in, the peculiar states of foreign residents imposed on their national representatives the continuous duty of defending their capitulatory rights against the persistent attempts of Turkish administrations to mitigate what the latter regarded, not unnaturally, as something of a nuisance and an offence. The day-to-day execution of this task on behalf of the British Embassy fell to the dragomans, and from 1899, when Andrew Ryan joined the Levant Consular Service, until 1924, when, as Chief—and last—Dragoman, with the additional rank of Counsellor, he left Constantinople, problems requiring highly specialized knowledge of the Turks, their history and customs and their relations with the Great Powers occupied (except for the Great War years) the whole of his official time. "I worked," he wrote, "more than I played"; and though his account of events, great and small, in which he took part is often enlivened by his irresistible sense of the comic, the reader cannot but feel that here was one for whom fulfilment of the daily duty nearest to hand brooked no competition from other aims.

Thus in retrospect the author found himself often in a better position to describe some of the trees in the political wood than the wood itself; writing, as he said, far from libraries and official sources of information, he could not attempt anything like a history of the momentous epoch which embraced the struggle of the Young Turks, the Balkan Wars, Turkey's part in the Great War, the rise of Atatürk and the Treaty of Lausanne, but confined himself generally to things remembered or recorded incidentally at the time. With inveterate modesty he saw himself as "first and foremost a Civil Servant in a subordinate position, toiling along from day to day and from crisis to crisis," and it is from that restricted but authoritative viewpoint that the light he sheds on many important events derives its value. He intended an autobiography, but we are told no more than a little of the family life which plainly meant so much to him.

Some of Sir Andrew's verdicts on highly-placed persons in Constantinople are very forthright and quotable. Of Mehmet Reshad, brother and successor of Abdul Hamid: "His mental calibre was so low that he frequently seemed almost gaga." Of one eminent British diplomat: "He has half the qualities of a great ambassador." And of another: "He saw little farther than the end of his nose, but saw exactly what was at the end of it." The book is always readable, and three-quarters of it deals with the first thirty years of its author's official life—a period of growing distinction during which, as Sir Reader Bullard, his friend and editor, tells us in an apt foreword, he was to be seen at his best. Saudi Arabia, where he became later the first British Minister, was unfamiliar and less congenial to him, nor was his final post, at Durazzo, one in which a man of his experience and attainments might have hoped to complete his career. It is on his work at Constantinople, at Lausanne, and then for six years at Rabat as Consul-General, that his reputation chiefly rests.

Even those who (like the present reviewer) never knew Sir Andrew Ryan, will be attracted by the kindness, simplicity and charm reflected in these memoirs of a religious man to whom not only work but life itself was a duty to be faithfully performed.

E. L. D.

Hafiz of Shiraz. Thirty Poems. Translated by Peter Avery and John Heath-Stubbs. Wisdom of the East series. John Murray. Pp. vi+66. 4s. 6d.

This small book is an attempt to produce, on novel lines, a translation of a selected number of the poems of Hafiz. The object of the books in the series in which this is published is, as the general editor informs us, to "act as ambassadors of good-will between East and West, the old world of Thought, and the new of Action."

The introduction gives brief biographical details of Hafiz followed by an interesting and adequate account of the times in which he lived, with a description of the intellectual background, and concluding with a discussion of his poems and the sources from which he drew his inspiration.

۸ - از این جمله گذشته مجله یادگار کوشش میکند که هر قسم معلومات و معارف عمومی را که برای روشن شدن ذهن مردم و تربیت فکر و تهذیب نفس و تحریک ذوق و خوش کردن وقت لازم بنظر آید منتشر سازد مخصوصاً امری که در این راه بیش از همه مورد نظر ماست شناساندن روش تحقیق علمی جدید است که بدبختانه کمتر در مملکت ما محل اعتبار بوده و هست. یکمقدار از معجزاتی که در مرحله شناخت حقیقت و یافتن راه درست تحقیق بدست اروپائیان ظاهر شده بلاشبیه مدیون راه و رسم صحیحی است که ایشان برای این کار پیدا کرده و هیچگاه از آن منحرف نگردیده و بهوی و هوس پردازی و خیال بافی نیفتاده اند. ترجمه مقالات و کتب همین علمای جدید که باین روش نگاشته شده در این مجله یکی از راههایی است که ما برای آشناساختن هموطنان خود باین سیره پسندیده اختیار خواهیم کرد. طریقه دیگر آنکه جوانانی را که خوشبختانه هنوز مانند یکمده از ادبای خود رو در سبک تحقیق و تتبع مخصوص بخود جامد و متحجر نشده بلکه مدرسه و استاد دیده و لا اقل یک زبان خارجی و بروش تحقیق جدید آشنا شده اند تشویق کنیم و با انتقاد تحقیقات و تتبعاتی که از این خط منحرف است با رعایت ادب و انصاف راه راست را بنمایانیم.

این است راه و رسمی که مجله یادگار برای خود اختیار کرده. هر کس این راه و رسم را که لابد مقبول همه کس نیست می پسندد میتواند برای تشویق و تقویت ما در انتشار این مجله و کمک بآن دامن همت بکمر بزند. اگر کسی این مرام و روش را خواند و باز برخلاف آن از ما توقع نشر نوشته و مقاله ای داشت باید بداند که ما از این خط مشی منحرف نخواهیم شد و اگر هم دوست ما باشد نباید از ما برنجد چه ماحقیقتی را که بعقیده خود برای خدمت بآن وارد میدان عمل شده ایم از هر کس بیشتر دوست می داریم.

تحقیقات ادبی

حافظ و سلطان احمد جلایر

بقلم علامه استاد آقای

محمد فروغی

در سال ۱۳۱۸ که پیشنهاد وزارت فرهنگ طبع جدیدی از دیوان غزلیات حافظ بتوسط استاد علامه بزرگوار آقای محمد فروغی و جناب آقای دکتر قاسم غنی فراهم گردید در نظر بود که برای توضیح بعضی از ابیات آن دیوان حواشی و ملاحظات لغوی و ادبی و تاریخی نیز بآن ضمیمه شود. این حواشی و ملاحظات که همه بدستکاری حضرت آقای فروغی فراهم آمده و بدون آنها بسیاری از مشکلات اشعار حافظ مبهم و نامفهوم میماند بدبختانه تاکنون بعلمی مادی بطبع نرسیده. چون ما یقین داریم که جمیع عشاق کلام بلند لسان الغیب شیرازی بشناختن این حواشی و ملاحظات که محصول چندین سال تتبع و نماینده نهایت درجه دقت و تفحص است علاقه شدید دارند و دیوان حافظ خود را که باین نفاست و صحت بطبع رسیده بدون آنها ناتمام می شمارند از علامه استاد آقای فروغی خواهش کردیم که این حواشی و یاد داشتهای را بمجله یادگار مرحمت نمایند تا با انتشار نفع آنها را عام سازیم. ایشان هم با سعه صدر و عنایت مخصوصی که باشاعه حقایق و معارف دارند این مسئول ما را بر غایت تمام پذیرفتند و بعنوان نمونه یکی از آنها را که ذیلاً از نظر خوانندگان محترم میگذرد برای درج در این مجله التفات کردند.

خوانندگان محترم باید متوجه باشند که این حواشی و ملاحظات چون اساساً برای طبع در زیر صفحات دیوان چاپی وزارت فرهنگ یا بقصد ضمیمه شدن بآخر آت تهیه شده کمتر صورت مقاله مخصوص دارد و انشاء آنها بهیچوجه باین قصد نبوده است.

1979 (New Delhi)

HĀFİZ AND HIS CRITICS*

ANNEMARIE SCHIMMEL

One of the great experiences in Iran is a visit to Shiraz and the delightful garden that is laid out around the tomb of Hāfiz; to enter under the white marble baladchin that covers the tombstone on which some of the poet's verses are engraved in elegant *nasta'liq*; and to open the *Diwān-i Hāfiz* to look for a *fa'l*, an augury, according to well established rules, as it has been done for centuries. During such a moment the visitor may perhaps recall the beautiful lines written by the 'last classical poet' of Turkey, Yahya Kemal Beyatlı (1881-1958), who uses one of Hāfiz's central concepts, that of *rind*, 'vagrant', in his poem *Rindlerin ölümü*:

*In the garden at Hāfiz's tomb there is a rose
Which opens every day with blood-like colour;
At night, the nightingale weeps until dawn turns gray,
With a tune that reminds us of ancient Shiraz.*

*Death is a calm country of spring for a vagrant;
His heart fumes everywhere like a censer—for years...
And over his tomb that lies under cool cypresses
A rose opens every morn, every night a nightingale sings.*

During the long history of Islam, Shiraz was always an important centre of learning, mysticism and poetry. In spite of the frequent changes in government, numerous wars and internecine feuds of its rulers the city can boast of a long-standing cultural tradition. To be sure, the 14th Century, when Hāfiz lived, was no longer the time of Ibn-i Khafif's (d. 982) asceticism nor of Rūzbihān Baqlī's (d. 1209) high-soaring mystical experiences; and the days of Sa'dī, whose works

* Paper read at Indian Institute of Islamic Studies, New Delhi on 11 November 1978. The main sources are E. G. Browne, *A Literary History of Persia*, vol. III, Under Tartar Dominion (Cambridge 1920) pp 271-319; H. Ritter, 'Hafiz', in *Islam Ansiklopedisi* (Istanbul, 1950) V, p. 65 ff; A.J. Arberry, *Classical Persian Literature* (London, 1958), Chapter XIII; A. Bausani, 'Letteratura Neopersiana' in: A. Pagliaro e A. Bausani, *Storia della letteratura persiana* (Milan, 1960) pp 437-450; Jan Rypka, *History of Iranian Literature* (Dordrecht, 1968).

دائرة المعارف شیع، جلد ششم، ۱۳۷۶، تهران، ON: 62084

حافظیه

۳۰

آنها بسیار بسیار مهم بوده است.» مرحوم حافظیان گرچه به سبب اشتغالات فراوانش به شئون خویش در ایران و هند و پاکستان، فرصت تدریس و تألیف نداشت، با این حال آثاری نیز از وی در علوم غریبه و اسرار عجیبه مانده است. از جمله «لوح محفوظ» که آن را در هند تصنیف کرده و به تعبیر خودش: «یکی از عجایب علمی است.» دیگری کتابی در «شرح لوح محفوظ» و «سومی لوح» «جَنَّةُ الاسماء».

منبع: مکتب تفکیک، ۲۲۷-۲۲۰. مصطفی قلی زاده

حافظیه (=آرامگاه حافظ)، از آن زمان که حافظ سر بر شانه مرگ نهاد، او را در همین جا که گورستانی بود «مصلی» نام به خاک سپردند. مصلی خود تفرجگاه و گلگشت حافظ بوده است. شصت و اندی سال پس از آن که تن حافظ به خم خاک سپرده شد، به ۸۵۶ هجری، شمس الدین محمد یغمایی وزیر میرزا ابوالقاسم گورکانی بر گور حافظ عمارتی نو کرد و پیش روی آن حوض بزرگی بساخت، که از آن آب رکنی پر می شد. این بنا در اوایل قرن یازدهم، به زمان شاه عباس تعمیر گردید. از حضور شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس، آزادخان افغان و نادر شاه بر گور حافظ، و ماجرای شیرین تفال آنان حکایتها آورده اند. در برخی از این روایتها حافظ به زبان شعر خود کسانی را به تعمیر و بازسازی گور خود تشویق کرده است. اما چه بسا که این افسانه ها هم همچون دیگر روایتی که درباره فال حافظ و گرگشایی آن و پیامهای آن نقل می شود، ساخته و پرداخته ذهن داستان پرداز دوستداران حافظ باشد. در جهانگشایی نادری آمده است که نادر برای پیش بینی کشورگشایی هایش تفالی به دیوان حافظ می زند و چنین می خواند که:

سزد که از همه دلبران ستانی باج

چرا که بر سر خوابان عالمی چون تاج

و نادر را این وصف خوش می آید و دستور تعمیر آرامگاه حافظ را صادر می کند. اما ساختمان اساسی بر گور حافظ در زمان کریمخان زند (۱۱۸۹ق) انجام گرفت. وکیل الرعایا عمارت زیبایی به سبک بناهای خود و تالاری با چهارستون سنگی بر ساخت و باغ بزرگی روبروی تالار بکاشت. در همین زمان، سنگی مرمرین بر گور نهاده می شود که خط حاج آقاسی بیگ افشار به سماع نستعلیق، بر آن کنده شده. این سنگ هنوز هنوز بر خاک حافظ سنگینی می کند. سپس معتمدالدوله فرهاد میرزا فرمانروای فارس ضریحی آهنی بر گور نصب کرد و تعمیرات مختصری در محوطه انجام داد (۱۳۹۵ق). و دیگر، خاندان قوام، شجاع السلطنه به دستور مظفرالدین شاه، فرج الله بهرامی، هر یک جداگانه، دست همتی به تعمیر آرامگاه برافراشتند، تا به سال

تحصیل علوم غریبه شد و از بعضی استادان بزرگ آن طریق از جمله مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی و حاج سید مظهر حسین هندی بهره مند گردید. در ۱۳۴۷ق به راهنمایی و همراهی مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی به قزوین مسافرت کرد و مرحوم سید موسی زربادی (از بزرگان مکتب تفکیک) را ملاقات کرد و به کسب مسائل و مراحل مهمتر نائل آمد. آن گاه به گفته خودش: «به ترقیات کامل موفق گشت و صاحب مکاشفات و ضمیری روشن شد و قوه ارادی او قوی گردید که آثار و علانش بر همه ظاهر گشت و سالی یک مرتبه به سفر قزوین موفق می شد.» حافظیان در مبانی اعتقادی تفکیکی بود و در مراحل سلوک نیز مواظبت بر «سلوک شرعی» داشت و از «سلوک صناعی» به دور بود. در ۱۳۵۱ق به هندوستان مسافرت کرد و ده سال و شش ماه تمام در آن دیار بماند و مرتاضانی را ملاقات کرد. در شهر هر دوار، در آب دریای گنگ (دریای مقدس هندوان) غسل کرد، در بتخانه پشت به بت و رو به قبله نماز خواند و بعد از نماز با صدای بلند و لحن عربی، قرآن قرائت کرد و مرتاضین زیادی گوش دادند و متأثر شدند. در شهر سرینگر کشمیر برای شیعیان مسجدی ساخت. ضریح کنونی مرقد حضرت امام رضا (ع) از آثار مرحوم حافظیان است که در ۱۳۷۹ق نصب گردید. او ریاضاتی را که کشیده بود و علوم و کمالاتی را که کسب کرده و قدرت روحی را که در پرتو عبادات و ریاضات شرعی و توسلات و توجهات بدست آورده بود، با تواضع و فروتنی در خدمت مردم قرار می داد و راه «قرب به خدا» را «خدمت به خلق خدا» می دانست و در این راه بس نیرو می گذاشت و صبوری می ورزید و خوشرویی نشان می داد. هفته ای دو روز (یکشنبه و چهارشنبه) در خانه اش را به روی مردم باز می کرد و هر کس با هر شرائطی می آمد و نزد او می نشست و درد دل خویش را با وی در میان می نهاد و او پس از شنیدن متواضعانه درد دردمند، به چاره آن می پرداخت و بدون طمع و چشمداشت، ادعیه لازم برای هر امر را - که خود تهیه می کرد - در اختیار مردم قرار می داد. هرگاه دستورالعملی نیز ضرورت داشت، آن را می گفت و می آموخت. بسیار کسان از آن دعاها و دستورها بهره مند گشتند و نتیجه گرفتند و مشکل آنان برطرف گردید. دانشمند و نویسنده بزرگ معاصر استاد محمدرضا حکیمی خراسانی، که یکی از دوستان مرحوم حافظیان بود، در این باره می نویسد: «اموری مهم نیز خود این جانب از ایشان مشاهده کرد و مطلع گشت و در طول سالیان دراز - حدود ۵۰ سال - کسانی بسیار در مشهد و دیگر شهرهای ایران و در هند و پاکستان و در نقاط دیگری از جهان، از روحانیت و ادعیه ایشان بهره مند گشتند و مشکلاتی بسیار رفع گشت و کارهایی سترگ رفت.» و در جای دیگر در همین مورد با تأکید می نویسد: «مواردی را این جانب خود شاهد بوده ام و برخی از

حافظ (اسماء الحسنی) — حفیظ

حافظ، خواجه شمس الدین محمد شیرازی (شیراز ح ۷۱۵ - شیراز ۷۹۲ق) بزرگترین غزلسرای زبان فارسی و مردم پسندترین شاعر ایران که نفوذش از شاعران محبوب و بزرگی چون فردوسی، مولانا و سعدی نیز در ذهن و زندگی فارسی زبانان فراتر است. با این همه محبوبیت و نفوذ بیماندی که حافظ در فرهنگ و ادب ایران دارد، زندگی او به روشنی شناخته نیست و از قدما کسی به شرح زندگی و سوانح عمر او نپرداخته است و اشارات کوتاه تذکره‌ها نیز غالباً نامستند و افسانه آمیز است. جدی‌ترین و قدیمترین سندی که از یکی از معاصران و معاشران او در دست داریم، مقدمه‌ای است که شاگرد یا همدرس او که درست یا نادرست محمد گلندام نام دارد درباره او نوشته است.

در عصر جدید زندگینامه‌های معتبری درباره حافظ با تکیه بر منابع قدیم و شرح اشارات کم و کوتاه آنها فراهم آمده است که به ترتیب تألیف عبارتند از تاریخ عصر حافظ، اثر شادروان قاسم غنی، حافظ شیرین سخن نوشته شادروان محمد معین که در طبع جدید که به کوشش فرزند مؤلف فراهم آمده در دو مجلد است. و سوم از کجوه زندان اثر استاد زرین کوب. نام او به اجماع منابع شمس الدین محمد است. نام شعری یا مستعار او «حافظ» است که در وجه تسمیه آن، دو وجه محتمل است: نخست که مشهورتر است این است که او طبق تصریح همه منابع قدیم و جدید و اشارات متعدد در شعرش حافظ کل قرآن مجید بوده است، و حفظ او فقط از برداشتن ساده نبوده است. و او به جای آنکه قاری ساده‌ای باشد، مقری یعنی استاد قرائت و دانای قرائات هفتگانه و روایات چهارده‌گانه بوده است. چنانکه در تصریح به حفظ قرآن می‌گوید:

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری.

یا در اشاره به قرآن دانی و قرآن پژوهی خود می‌گوید:

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد

لطایف حکمی با نکات قرآنی.

یا از همه اشاراتش فنی‌تر این بیت است:

عشقت رسد به فریاد و رخود [گر خود] به سان حافظ

قرآن زیرخوانی در چهارده روایت

یعنی اگر هم مقری و قرآن شناس و دانای علم قرائت باشی و روایات ۱۴ گانه را که هفت زوج راوی از ۷ قاری یعنی قراء سبعة نقل کرده‌اند، موبه موبدانی و نسبت به بیش از ۱۲۰۰ مورد دگرخوانی اختلاف قرائت حضور ذهن همیشگی و احاطه علمی داشته باشی، باز برای رستگاری کافی نیست، بلکه عشق است (عشق الهی و ربانی) که سرانجام نجات دهنده تو و هر سالکی

است. عبارت «عشقت رسد به فریاد» بیچی دارد و بعضی تصور کرده‌اند که یعنی عشق تو به فریاد برسد، حال آن که در اینجا جابه جایی ضمیر مشاهده می‌شود و مراد این است که عشق به فریاد می‌رسد.

اشاره قرآنی دیگر حافظ به قرآن و علوم قرآنی آنجاست که می‌گوید:

بخواه دفتر اشعار و راه صحرا گیر

چه جای مدرسه و بحث کشف کشف است.

که اشاره به کتاب الکشف عن مشکلات الکشف شرح یا حاشیه بر کشف زمخشری و تألیف سراج الدین عمر بن عبدالرحمن فارسی قزوینی (م ۷۴۵ق) از معاصران دوره جوانی حافظ است [برای تفصیل ← دیوان حافظ، قزوینی - غنی، حاشیه ص ۳۹۷] (ذیل کشف در فهرست اعلام). وجه دوم برای نام حافظ خوشخوانی اوست و هنرمندانه خواندن قرآن که استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی در این باره مقاله مشروحی نگاشته‌اند.

در مقدمه گلندام هنگام نام بردن از حافظ، از او به «المولانا الاعظم السعید، المرحوم الشهید، مفخر العلماء، استاد نحاریر الادباء» یاد شده و مرحوم قزوینی در حاشیه دیوان مصحح خود نوشته‌اند «معلوم نشد که به چه مناسبت اطلاق کلمه شهید بر او شده است». اما شادروان، امیری فیروزکوهی در نقدی که بر کتاب ذهن و زبان حافظ اثر راقم این سطور نوشته‌اند و در شماره اول از دوره دوم مجله گلچرخ چاپ شده است، معنای این کلمه را برای نخست بار روشن کرده‌اند. ایشان با استناد به منابع کهنی که در مزارات هستند و شرح سنگهای قبور را، منعکس می‌کنند، نشان داده‌اند که کلمه شهید نه از شهادت به معنای کشته شدن در راه خداوند و حق و حقیقت، بلکه به معنای گواهی است؛ و «شهید» اصطلاحی قرآنی است و به کسی گفته می‌شد که علمای قرآن شناس، بر حفظ و قاری و مقری بودن او محضر نویسند و گواهی دهند و اطلاق این کلمه به بسیاری کسان سابقه داشته و حافظ یکی از آنها بوده است. تخلص شعری حافظ در پایان قریب به اتفاق غزلهایش (نزدیک به ۵۰۰ غزل) آمده است. حافظ همچنین به «خواجه» و «لسان الغیب» هم مشهور است. خواجه عنوان و لقبی اجتماعی است و به صدور و اعیان طراز اول اطلاق می‌شده است. اما لسان الغیب به گفته جامی در نفحات الانس، فرصت شیرازی در آثار عجم، و قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین، ابتدا بر دیوان حافظ اطلاق می‌شده (حافظ شیرین سخن، ط ۲، ۹۷۱) سپس به خود او اطلاق گردیده است. از خانواده حافظ هم اطلاع چندانی در منابع نیست. نام پدرش را بهاءالدین گفته‌اند. با اشاراتی که در بعضی شعرهایش هست برمی‌آید که زن و فرزند داشته است درباره زن: مرا در خانه سروی هست کاندرا سایه قدش

the Mozaffarid dynasty, based mainly on Mo'in-al-Din Yazdi's *Mawāheb-e elāhi*. (e) Neẓām-al-Din Šāmi's *Za-far-nāma* and its continuation by Hāfez-e Abru, *Dayl-e Zafar-nāma-ye Šāmi* (on which see no. 2 above). (f) A history of the reign of Šāhroḡ as far as the year 819/1416 (a second redaction of the *Tāriḡ-e Šāhroḡ* mentioned above: Storey-Bregel, I, pp. 344-45; Tauer, 1971, p. 57; Woods, p. 97).

6. *Majma' al-tawāriḡ* [*al-solṭāni(ya)*], a universal history to the year 830/1426, written for Šāhroḡ's son Bāysonḡor. The first three sections concern, respectively, the pre-Islamic prophets, Moḥammad and the caliphate and the dynasties contemporaneous with the Abbasids and the Mongols up to the death of Abu Sa'īd (for a description of the contents, see Rieu, pp. 16-17, no. 27; ed. Zanjāni, pp. 9-11). This suggests that there is much duplication of the material already assembled in no. 5 above, and also probably of the introductory matter in the *Joḡrāfiā*. Edition: *Majma' al-tawāriḡ al-solṭāni: qesmat-e kolafā-ye 'alawīya-ye Maḡreb wa Meṣr wa Neẓariān wa raḡiqān*, ed. M. M. Zanjāni, Tehran, 1364 Š./1985 (partial edition of the section on the Ismā'īlis with parallel texts of the corresponding sections of Jamāl-al-Din Kāšāni's *Zohdat al-tawāriḡ* and Rašid-al-Din's *Jāme' al-tawāriḡ*). The fourth part, entitled *Zohdat al-tawāriḡ-e Bāysonḡori*, is the most valuable as an historical source. It contains a continuation of the history of Timur in the form of what is primarily a revised, expanded and chronologically-arranged version of the *Za-far-nāma-ye Šāmi*, followed by Hāfez-e Abru's *Dayl-e Zafar-nāma-ye Šāmi* (supplemented with information from Naṭanzi's *Montakab al-tawāriḡ-e mo'ini*, as well as, probably, the lost *Fotuḡāt-e mirānšāhi* by Sa'īd-Allāh Kermāni) and a continuation of the *Tāriḡ-e Šāhroḡ(i)* as far as the year 830/1427 (thus representing a third redaction of this work). The *Majma'* is a source of major importance for the reign of Timur and the first half of the reign of Šāhroḡ. The *Zohdat al-tawāriḡ* served as a primary source for many later works, starting with 'Abd-al-Razzāq Samarqandi's *Maṭla'-e sa'dayn* (Tauer, 1956; Tauer, 1971, p. 58; Woods, pp. 97-99; Storey-Bregel, I, pp. 346-49). Editions and translations: *Histoire des conquêtes de Tamerlan intitulée Zafarnāma, avec des additions empruntées au Zubdatu-t-tawāriḡ-i Bāysonḡuri de Hāfiẓ-i Abrū*, ed. Felix Tauer, 2 vols., Prague, 1937-56. *Zohdat al-tawāriḡ*, ed. S. K. Hājj Sayyed Jawādi, 2 vols., Tehran, 1372 Š./1993. K. M. Maitra, tr., *A Persian Embassy to China, Being an Extract from Zubdatu't Tawarikh of Hafiz Abru*, Lahore, 1934; repr., New York, 1970.

Despite the pioneering work of Felix Tauer, much remains to be studied regarding Hāfez-e Abru's use of sources, the full extent of his own contribution to the compilations he produced (cf. Zanjāni's partial edition of the *Majma'*, and Daftary, p. 96) and the evolution of the texts through their various recensions. His wide-ranging and voluminous corpus of works influenced considerably the compilations of later historians of the Timurid period.

Bibliography (editions and translations of Hāfez-e Abru's own works are included in the text): V. V. Bartol'd, "Khafiz-i Abru i ego sochineniia," in his *Sochineniia*, 10 vols., Moscow, 1963-77, VIII, pp. 74-97. Farhad Daftary, "Persian Historiography of the Early Nizari Isma'ilis," *Iran* 30, 1992, pp. 91-97. Baron Constantin D'Ohsson, ed. and tr., *Histoire des Mongols depuis Tchinguiz-Khan jusqu'à Timour Bey ou Tamerlan*, 4 vols., The Hague, 1834-35. J. B. Harley and D. Woodward, eds., *The History of Cartography II/1: Cartography in the Traditional Islamic and South Asian Societies*, Chicago and London, 1992. Faṣiḡ-e K'āfi, *Mojmal-e faṣiḡi*, ed. M. Farroḡ, Mašhad, 1339-41 Š./1961-63, III, p. 266. K'āndamir, *Ḥabib al-siār*, Tehran, 1954, IV, p. 8. A. K. S. Lambton, "Early Timurid Theories of State: Hāfiẓ Abrū and Nizām-al-Din Šāmi," *Bulletin d'Études Orientales* 30, 1978, pp. 1-9. Charles Melville, "Ḥamd Allāh Mustawfī's *Zafar-nāmah* and the Historiography of the Late Ilkhanid Period," in Kambiz Eslami, ed., *Iran and Iranian Studies: Essays in Honor of Iraj Afshar*, Princeton, 1998, pp. 1-12. Rieu, *Persian manuscripts, Supplement*, pp. 16-17, no. 27. Rypka, *Hist. Iran. Lit.*, pp. 440 and 460-61. 'Abd-al-Razzāq Samarqandi, *Maṭla'-e sa'dayn*, ed. M. Šafi', Lahore, 1360-68/1941-49, pp. 576-77. Storey, I/1, pp. 86-89. I/2, pp. 1235-36. Storey-Bregel, I, pp. 341-49. Felix Tauer, "Vorbericht über die Edition des *Zafarnāma* von Nizām Šāmi und der wichtigsten Teile der Geschichtswerke Hāfiẓ-i Abrū's," *Archiv Orientalní* 4, 1932, pp. 250-56. Idem, "Continuation du *Zafarnāma* de Nizāmuddin Šāmi par Hāfiẓ-i Abrū. Editée d'après les manuscrits de Stamboul," *Archiv Orientalní* 6, 1934, pp. 429-65; repr. with a preface by B. Karimi, Tehran, 1328 Š./1949. Idem, "Le Zail-i Ġami'u-t-Tawāriḡ-i Rašidi de Hāfiẓ-i Abrū et son édition par K. Bayani," *Archiv Orientalní* 20, 1952, pp. 39-52; 21, 1953, pp. 206-17; 22, 1954, pp. 88-98, 531-43; and 23, 1955, pp. 99-108. Idem, "Analyse des matières de la première moitié du *Zubdatu-t-tawāriḡ* de Hāfiẓ-i Abrū," in idem et al., eds., *Charisteria Orientalia*, Prague, 1956, pp. 345-73. Idem, "Beiträge zur Kenntnis der Geschichtswerke Hāfiẓ-i Abrū's," *Bibliotheca Orientalis* 15, 1958, pp. 146-48. Idem, ed., *Cinq opuscules de Hāfiẓ-i Abrū concernant l'histoire de l'Iran au temps de Tamerlan*, Prague, 1959. Idem, "Hāfiẓi Abrū sur l'historiographie," in *Mélanges d'orientalisme offerts à Henri Massé*, Tehran, 1963, pp. 10-25. Idem, "Timurlar devrinde tarihçilik," *Belleten* 29, 1965, pp. 49-69. Idem, "Hāfiẓ-i Abrū," *El'* III, pp. 57-58. J. E. Woods, "The Rise of Tīmūrid Historiography," *JNES* 46/2, 1987, pp. 81-108.

(MARIA EVA SUBTELNY AND CHARLES MELVILLE)

HĀFEZ-E 'AJAM. HĀFEZ-AL-DIN MOHAMMAD b. Aḥmad b. 'Ādel Ğelebi, scholar of religion and author (d. 957/1550). He was born at an unknown date at Barda'a in the Caucasus to a father whose name is vary-

*Iluminaciones persas, siglos XI-XVI : compendio de miniaturas persas con una selección de poemas de Abulfeir, Ferdosí, Jayyam, Nizami, Attar, Rumi, Saadi y Hafez / prólogo de Clara Janés ; selección y traducción de Clara Janés y Ahmad Taheri. - Madrid : Editorial Castalejo, D.L. 2008. - 192 p., [1] p. de lám., [1] p., [1] h. - *1. Ebu Saad Ebü'l-Hayr, 2. Firdavsi, 3. Ömer Hayyam, 4. Nizami Gencevi, 5. Attar Feri, 6. Mevlana Celaleddin, 7. Saadi Shirazi, 8. Hafiz Shirazi**

1. Ebu Saad Ebü'l-Hayr
2. Firdavsi
3. Ömer Hayyam
4. Nizami Gencevi
5. Attar Feri
6. Mevlana Celaleddin Rumi
7. Saadi Shirazi
8. Hafiz Shirazi

MADRID: CASTALEJO EDITORIAL
BUNYA ULLEN BOKUMMA



برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۲)

درباره حافظ

زیر نظر
نصرالله پورجوادی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	1 19393
Tasnif No:	891.5 DER.8



مرکز نشر دانشگاهی
تهران، ۱۳۶۵

175 EKİM

Hafız-ı Shirazi



کتاب حافظ
یا
مقدمه بر حافظ شناسی

تألیف

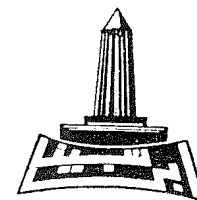
دکتر منوچهر مرتضوی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No	19453
Klasifikasyon No	891.5
Yazma No	MUR.M

حق تجدید طبع مخصوص مؤلف است

Hoşafiz-ı Şirazi

25 KASIM 1993

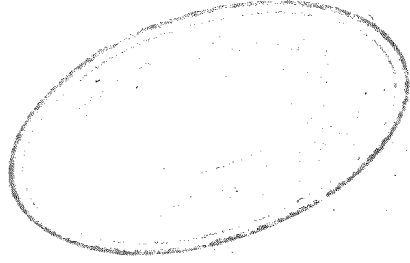


ناشر کتابخانه ابن سینا

تهران، میدان مخابرات دوله - تلفن: ۳۶۵۶۲
۳۷۸۷۳

بها: ۲۵۰ ریال

۱۳۴۴ هـ



Hâfız'da İrfan

MURTAZA MUTAHHARİ

Çeviren
Nihal Çankaya

insan yayınlari: 226

irfan: 22

hafız'da irfân-murtaza mutahhari
birinci baskı
mayıs 1997

ISBN 975-574-191-7

editör
ismail taşpınar

dizgi-içdüzen
insajans

kapak düzeni
yunus karaaslan

baskı-cilt
eko matbaası

kapak baskı
emirler

insan yayınlari
mehmet akif cad., kestane sk., no:1
keresteciler sitesi, merter, istanbul
tel: (0212) 642 74 84 - 507 10 93

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	50935
Tas. No:	297.7 MUT. H

MADDE 1. KURAN-İ KERİM
SONRA GİLEN DÖRÜMAN

03 EKİM 1997


insan yayınlari

دار الفقه الإسلامي

كتاب الشريعة

مباحث الفقه والفتوى
في الإسلام

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	55678
Tas. No:	928 512

دارالروضة
بيروت

1410/1989

15 EYLÜL 1998

۴۴- اوا = avâ = مخفف «آوا» بمعنی آواز «آوا کردن» بمعنی صدا کردن کسی و «آوا دادن» بمعنی خواندن :

ای بلبل خوش آوا و آواده ای ساقی آن قدح بکف ماده (رودکی)
۴۵- کین = kin ، شاید کین بمعنی کون و گونه باشد و از این کلمه است جزء دوم آبگینه:

دلم شکستی و کردی خلاف شرط مودت با احتیاط روا کنون که آبگینه شکستی (سعدی)
۴۶- وینشی = vineši = مرکب از «وینش» بمعنی بینش (از ریشه وینایی di) و «ی» وحدت

۴۷- کی = key = در پلهجه رازی keh - بمعنی کرخ و بیخس

۴۸- خته = xotta = بمعنی خفته و در بعضی نسخ «خسته» آمده و معنی

آن معلوم است

۴۹- وربا = varri yâ = مرکب از varri بمعنی برخیز و yâ مخفف یاد

۵۰- شر = šar = بمعنی بدی یا šere بمعنی شدن

۵۱- بیرد = yebrad = محرف عبرت

۵۲- بوینشتی = bovinešti = مرکب از «بوین» = بین و «اشتی» مخفف آشتی

۵۳- امن = amen = مخفف آمدگان

۵۴- اوا = evâ = مبدل «اباء» بمعنی امتناع

۵۵- خور = xor = خورشید (در اوستا hur و در پهلوی xor)

۵۶- سا = sâ = مخفف سایه (در اوستا sayavâ در پهلوی sâyak)

۵۷- واژی = vâjvi = بازی (از ریشه vaz) و از همین ریشه هست «وزیدن»

۵۸- گوامش = kovâveš = مرکب از «گوام» = کدام و «ش» ضمیر

۵۹- خا = xâ = مخفف خاک

۶۰- نها = nahâ = مخفف نهاد

۶۱- وش = vaše = برای (در رازی «واسه» و در اری «سی»)

۶۲- خوادا = xovâdâ = خدا (پهلوی xuta)

۶۳- بشم = bešom = اول شخص مضارع مفرد از شدن بمعنی رفتن

معنی «شوم»

درلری صیغه‌های مضارع عموماً مخفف آورده شده‌اند. بشم، بشی، بشه، بشیم، بشید، بشن:

بشم و اشم از این عالم بدرشم بشم از چین و ما چین دیرترشم (باباطاهر)

تبریز ۳ بهمن ماه ۱۳۳۳- ادیب طلوعی

اکبر ترابی

دانشجوی سال سوم زبان خارجه

تحقیق

در

آثار سعدی و حافظ

و

وجوه اختلاف میان آندو از نقطه نظر: مذهب، جبر و اختیار، عرفان

مقدمه:

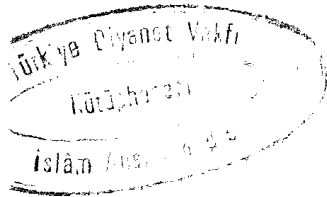
۱- بی‌هیچ شک شیخ سعدی و خواجه حافظ نامیرین شعرای ایرانند که آثار جاویدانی از خود بیادگار نهاده، و در بر تو افکار عالی و نبوغ فلسفی خویش از مدت‌ها پیش در زمره چهره‌های تابناک عالم انسانیت قرار گرفته‌اند.

روی این اصل توان گفت که ایندو فیلسوف عالم‌یقدر مانند تمام مردان بزرگ منحصراتاً متعلق بایران نبوده بلکه از آن تمام کشورها و کلیه جهانیان‌اند.

خاور زمینیان از ازمینه سابق ایندو را شناخته و بارزش افکار و حلاوت گفتارشان بی‌برده‌اند؛ ولی اروپائیان از قرن هفدهم باینطرف یعنی دوره‌ایکه بتدریج افکار ایندو شاعر شروع بتجلی در اروپا مینماید با آثار ایشان مانوس میگرددند. اینک نظریات موثر دوشاعر شیراز و وجوه اشتراك افکار آنان با دانشمندان اروپا در قرن هفدهم:

بعقیده سعدی سرچشمه علوم و معنویات و حکمت الهی در خداپرستی است؛ دکارت فیلسوف بزرگ فرانسه (در قرن ۱۷) فلسفه خود را روی این اندیشه استوار نموده است؛ تفکر در نفس خود و خویشتن شناسی بایه سیستم فلسفی دکارت است که قرن‌ها پیش توسط سعدی ابداع گردیده است.

در مقایسه حافظ با باسکال (۱۶۲۳-۱۶۶۲) وجوه اشتراك زیادی مانند «اصل هستی»، «مسأله غفران» و مسلک جبر و سرنوشت میان آندو مشاهده مینمائیم؛ علاوه بسیاری از افکار و کلمات شاعر شوریده شیرازی مانند: «معشوق جز یکی بیش نیست» و یا «...»



Diğer Kurumlar
R. Kütüphane

مجموعه مقالات

Hafiz-i Sirazi

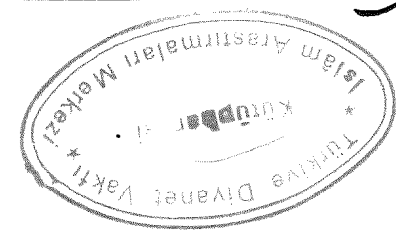
28 HAZİRAN 1993

درباره حافظ

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Kütüphaneleri	
ayıt No. :	8997
asnif No. :	922.97 HUD. 21

گردآوری و تنظیم

اکبر خداپرست



گزیده کتابشناسی پژوهشی حافظ

محمدعلی رونق

الف دیوانهای تحقیقی و انتقادی

- (۱) حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. حافظ شیراز به روایت احمد شاملو. تهران: مروارید، ۱۳۵۴. ۶۴۸+۵۶ ص.
- (۲) ——— حافظ. گردآوری: سلیم نیساری. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۵۳. ۴۲۶ ص.
- (۳) ——— دیوان حافظ. از روی چاپ قدسی. مقدمه به قلم علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا، ۱۳۵۳. ۳۱+۴۹۵+۱۶ ص.
- (۴) ——— دیوان حافظ. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: ۱۳۲۰. چاپ اول. ۴۳۲ ص.
- (۵) ——— دیوان حافظ. با تصحیح و مقدمه به قلم مجید یکتائی. تهران: علی اکبر علمی، ۱۳۶۳. چاپ دوم. ۴۹۵+۲۲۰ ص.
- (۶) ——— دیوان حافظ. به اهتمام هاشم رضی. تهران: کاوه، ۱۳۴۱. ۲۹۹+۱۳۲ ص.
- (۷) ——— دیوان حافظ. به خط کیخسرو و خورش. تهران: انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۲. ۴۲۳ ص.
- (۸) ——— دیوان حافظ. (براساس سه نسخه کامل کهن مورخ سالهای ۸۱۳ و ۸۲۲ و ۸۲۵ هجری قمری) به تصحیح اکبر بهروز-رشید عیوضی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳. کب + بیست و هفت + ۵۷۲ ص.
- (۹) ——— دیوان حافظ. به تصحیح عبدالرحیم خالخال. از روی نسخه قدیمی ۸۲۷ هجری. تهران: کاوه، ۱۳۰۶. ۷۴+۲۷۵ ص.
- (۱۰) ——— دیوان حافظ. به تصحیح مسعود فرزاد. به کوشش علی حصوری. تهران: همگام، ۱۳۶۲. ۴۹۶ ص.
- (۱۱) ——— دیوان حافظ. خواجه شمس الدین محمد. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲. ۲ جلد. [مندرجات جلد اول: غزلیات. مندرجات جلد دوم: ملحقات غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و رباعیات]

تهیه و تنظیم کتابشناسی جامع حافظ که باید شامل تمام نسخه‌های خطی، چاپی، تحقیقات، شرحها و ترجمه‌ها باشد، کاری است بسیار دشوار؛ کتابشناسی حاضر گزیده‌ای است که از بین یادداشت‌هایی که درباره حافظ داشته‌ام با تأکید بر تحقیقات ایرانیان معاصر فراهم آورده‌ام. مبنای این کتابشناسی دیوانهای تصحیح شده از سال ۱۳۰۶ تاکنون و کتابها و مقاله‌های تحقیقی طی چند دهه اخیر می‌باشد. هرچند که بحر وجود حافظ در این کوزه تنگ نمی‌گنجد اما تا زمان تدوین و چاپ کتابشناسی جامع حافظ، شاید این کتابشناسی بتواند علاقمندان حافظ و پژوهشگران را تا اندازه‌ای راهگشا و مفید باشد. این کتابشناسی در سه بخش تنظیم شده است: الف) دیوانهای تحقیقی و انتقادی؛ ب) کتابهای پژوهشی؛ ج) مقاله‌ها و بررسی‌ها. تقریباً همه دیوانهای انتقادی و کتابهای پژوهشی را معرفی کرده‌ام و در انتخاب مقاله‌ها، اعتبار نشریه، نویسنده و محتوای مقاله را در نظر داشته‌ام.

- (۱۲) ——— دیوان خواجه حافظ شیرازی. با تصحیح و سه مقدمه و حواشی و تکمله و کشف الابیات و کشف اللغات. به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: جاویدان، ۱۳۶۳. ۱۶۲+۳۰۶+۸۳+۲۲۸ ص.
- (۱۳) ——— دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ. به انضمام شرح حال و شرح عبارات صوفیه و فهرست اعلام. ادبیی تهرانی. تهران: نوین، ۱۳۶۲. ۳۹۶ ص.
- (۱۴) ——— دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، براساس نسخه مورخ ۸۱۷-۸۱۲ هجری و نسخه مورخ ذی الحجه سال ۸۲۴ هجری قمری. به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی و نذیر احمد. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳. سی و چهار + ۷۸۳ ص.
- (۱۵) ——— دیوان غزلیات مولانا شمس الدین محمد حافظ شیرازی، با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر اوزان و بحر غزلها و برخی نکته‌های دستوری و ادبی و امثال و حکم. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی عیشاه، ۱۳۶۳. سی و یک + ۷۲۴ ص.
- (۱۶) ——— دیوان کهنه حافظ، از روی نسخه خطی نزدیک به زمان شاعر. بکوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹. ۴۹۲ ص.
- (۱۷) ——— دیوان مولانا شمس الدین محمد حافظ شیرازی. به اهتمام یحیی قریب. چاپ دوم با تجدیدنظر کامل. تهران: صفی عیشاه، ۱۳۶۱. ۹+۶۳۷+۲۶ ص.
- (۱۸) ——— زبده دیوان خواجه حافظ. به انتخاب محمدعلی فروغی. تهران: [ابن سینا، بی‌نا] ۲۱۸ ص.
- (۱۹) ——— سفینه حافظ. به سعی و اهتمام مسعود جنتی عطائی. تهران: ۱۳۶۴. ۶۸۸ ص. مصور. [مندرجات: مقدمه، سرگذشت حافظ، خاک مصلی یا حافظیه، علامات و قراردادهای، مقدمه محمد گلندام، فالهای حافظ و طرز فال، داستانهای حافظ، اصلاحات و تعالیق، تاریخ قرن حافظ، اشعار]

- (۲۰) ——— فالنامه حافظ. نگارش عباس آریانپورکاشانی. تهران: علمی، ۱۳۴۴. ۲۹+۱۴۶+۱۸ ص. مصور.
- (۲۱) ——— لسان الغیب یا دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی. به تصحیح حسین پژمان بختیاری. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۵. ۵۹۸+۵۶ ص. [مقدمه کتاب تحقیق جامعی است درباره حافظ و شعر او]

ب) کتابهای پژوهشی

- (۲۲) آفازاده، میرمحمد. نقدی به کتاب حافظ خراباتی. [بی‌م. بی‌نا] ۱۳۵۹. ۳۷۶ ص. کتابنامه.
- (۲۳) امینی، محمد. حافظ را چگونه باید شناخت. تهران: عطائی، ۱۳۵۲. ۱۲۹ ص.
- (۲۴) اهور، پرویز. کلک خیال انگیز یا فرهنگ جامع دیوان حافظ، (شامل معانی و شرح یک هزار و ششصد حرف، واژه، ترکیب، تعبیر، اصطلاحهای عرفانی و اسمهای خاص و بعضی ابیات دشوار). تهران: زوار، ۱۳۶۳. ۲ جلد.
- (۲۵) بامداد، محمدعلی. حافظ شناسی یا الهامات خواجه. به کوشش محمود بامداد. چاپ دوم تهران: ابن سینا، ۱۳۳۸. د+۲۴۷ ص.
- (۲۶) بهروزی، علینقی. حافظ را بشناسید. شیراز: معرفت، ۱۳۵۵. ۸۱ ص. مصور.
- (۲۷) بینا، محسن. حافظ کیست و عرفان چیست؟ به خط نستعلیق غلامحسین همایونی. تهران: فروردین، ۱۳۳۹. ۲۰۲ ص.
- (۲۸) جعفری لنگرودی، جعفر. شخصیت معنوی حافظ. تهران: معرفت، [بی‌نا] ۱۱۷ ص.
- (۲۹) حکمت، علی اصغر. درسی از دیوان حافظ. تهران: احمدی، ۱۳۲۰. ۶۸ ص.
- (۳۰) خانفی، پرویز. حافظ در اوج. شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس، ۱۳۵۳. ۲۲۷ ص. جلد اول.
- (۳۱) ——— مقاله‌ها و مقابله‌ها (جلد دوم حافظ در اوج). شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس، ۱۳۵۶. ۲۱۲ ص.
- (۳۲) خدیو جم، حسین. واژه‌نامه غزلیات حافظ. تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲. ۱۳۶ ص. کتابنامه.
- (۳۳) خرمشاهی، بهاء الدین. ذهن و زبان حافظ. تهران: نشر نو، ۱۳۶۱. ۲۱۰ ص. [مندرجات: اسلوب هنری حافظ و قرآن. میل حافظ به گناه. حافظ و انکار معاد. اعجاز در ابهام. اختلاف قرائات. نقد کتاب در کوی دوست. نقد کتاب دیوان حافظ به روایت احمد شاملو]
- (۳۴) الدارابی، محمدبن محمد. لطیفه غیبی، حاوی توضیح اشعار مشکله حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، بضمیمه بیان اصطلاحات اهل عرفان، شیراز: احمدی، ۱۳۵۷. ۱۵۳ ص.
- (۳۵) دشتی، علی. کاخ ابداع. اندیشه‌های گوناگون حافظ. تهران: جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۲. ۲۱۴ ص.

- (۳۶) ——— نقشی از حافظ. تهران: اساطیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۴. ۳۳۴ ص.
- (۳۷) دوانی، جلال الدین محمد. شرح یک غزل از حافظ. تصحیح و تحشیه اسماعیل واعظ جواد، تهران: [بی‌نا، بی‌نا] ۳۲ ص.
- (۳۸) ذوالنور، رحیم. در جستجوی حافظ: توضیح، تفسیر و تأویل غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و رباعیات خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، طبق توالی ابیات متن مصحح محمد قزوینی - قاسم غنی و مقابله با حافظ خانلری. تهران: زوار، ۱۳۶۲. ۲ جلد.
- (۳۹) رجائی بخارانی، احمدعلی. فرهنگ اشعار حافظ (شرح مصطلحات صوفیه در دیوان حافظ) تهران: زوار، ۱۳۴۱. جلد اول. سی و دو + ۶۴۷ ص.
- (۴۰) ریاضی، غلامرضا. سخنی چند درباره حافظ عارف ربانی. [مشهد: باستان، ۱۳۴۵] ۱۶۶ ص.
- (۴۱) زرین کوب، عبدالحسین. از کوچه زندان، درباره زندگی و اندیشه حافظ. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴. پانزده + ۲۸۰ ص. کتابنامه.
- (۴۲) سودی بسنوی، محمد. شرح سودی بر حافظ. ترجمه عصمت ستارزاده. چاپ چهارم. [بی‌م. بی‌نا]، انزلی، ۱۳۶۲. ۴ جلد.
- (۴۳) سیف پور فاطمی، نصرالله. شرح حال شمس الدین محمد حافظ. اصفهان: [بی‌نا، بی‌نا]، ۱۳۱۲. ۱۱۴ ص.
- (۴۴) صبا، محسن. غزلیات حافظ و کلک خوشنویسان. تهیه و تنظیم از محسن صبا، شرح حال خوشنویسان از مهدی یبانی، انتخاب اشعار سر صفحه‌ها از مهین دخت صبا. تهران: سروش، ۱۳۵۵. ۱۳۹ ص.
- (۴۵) صدر حاج سیدجواد، حسن. مقایسه سعدی و حافظ از نظر غزلسرایی و سبک. [تهران: بی‌نا، بی‌نا] ۱۲۳۳
- (۴۶) ضرغام فر، مرتضی. حافظ و قرآن: تطبیق ابیات حافظ با آیات قرآن. تهران: صائب، ۱۳۵۴. ۱۴۸ ص.
- (۴۷) علوی، پرتو. بانگ جرس، راهنمای مشکلات دیوان حافظ. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳. ۱۷۷ ص.
- (۴۸) ——— عقاید و افکار خواجه. تهران: اندیشه، ۱۳۵۸.
- (۴۹) غزنی، سرفراز. سیر اختران در دیوان حافظ. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳. ۱۴۲ ص. مصور.
- (۵۰) غنی، قاسم. بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. به انضمام حواشی و فهارس سه گانه، علاوه مقدمه بقلم استاد علامه فقید محمد قزوینی. تهران: زوار، [بی‌نا] ۲ جلد. [مندرجات جلد اول: تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم، جلد دوم، قسمت اول: تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ]
- (۵۱) فرزاد، مسعود. اصالت و توالی ابیات در اشعار غیر غزل حافظ. شیراز: دانشگاه شیراز، کانون جهانی حافظ شناسی، ۱۳۵۵.
- (۵۲) ——— اصالت و توالی ابیات در غزلیات حافظ. شیراز: دانشگاه شیراز، کانون جهانی حافظ شناسی، ۱۳۵۳. ۴ جلد.

campagne d'Égypte, il avait déjà utilisé des titres qui le désignaient comme Calife⁴²: dans la lettre qu'il envoya de Damas à Tuman Bay, il se fait appeler «Halîfetullah». Un autre fait encore attire l'attention: le père de Selim, Bayezid II (mort en 1512), et même son grand-père, Fâtih Sultan Mehmed, étaient fréquemment désignés avec le titre de Calife⁴³.

4. La tradition concernant la revendication du Califat a été utilisée en 1774, lors des négociations du Traité de Küçük Kaynarca; Catherine II ayant demandé le droit de protection des chrétiens orthodoxes, les plénipotentiaires ottomans firent valoir que le Sultan était en même temps Calife et qu'il avait droit de regard sur les musulmans de Russie. Mais il ne fait aucun doute que celui qui a utilisé cette tradition avait lu les œuvres de Ibn Iyâs, Cenâbî et plus certainement encore celles de Münecim Başî. Car dans ces œuvres seulement se trouve mentionné l'exil du Calife à Istanbul.

3 1 TEMMUZ 1993

F.S.

Dergi / Kısım
Kütüphanede Mevcuttur

Turcica, c. XXI-XXIII, 1991, s. 355-369.
Paris

⁴² Dans la lettre que le frère du Sultan II Aldi envoya à Yavuz pour le féliciter de son intronisation, on trouve l'expression suivante: «Cenâb-i Saltanat meâb, Hilâfet âyât» (cf. C. Uluçay, *Harem'den mektuplar*, Istanbul, 1956, p. 67). Yavuz, dans la lettre qu'il écrivit à Chah Isma'il, se donne le titre de «Halîfetul-lâh-i ta'ala» (cf. Feridun Bey, I, p. 382). Voir, dans le même ouvrage, pp. 431, 432, 443.

⁴³ Cf. Feridun Bey, I, pp. 275, 316, 320, 331, 334, 351, 352, 359. Dans les termes: *nevr-i hadîka-i hilâfet* (les fleurs du jardin du Califat) (cf. Feridun Bey, I, pp. 279, 283). Dans une autre lettre on voit plusieurs titres comme «Halîfetul-lâh mî-âlem», «Halîfetür-rahmâni» et «Mâlikü serîrî'l-hilâfeti bil-istihkak», qui étaient employés pour le même souverain c'est-à-dire Fâtih (voir *Belleten*, XXI, 82, p. 284).

Hossein BEIKBAGHBAN

HÂFEZ DE CHIRAZ

Après avoir tenté dans un premier temps de cerner de manière succincte tant l'homme que ses convictions — étude que nous ne pourrions mener à bien sans replacer Hâfez dans son contexte historique —, nous nous proposerons, dans un second temps, de déterminer en quoi consistait l'originalité, le particularisme et le génie poétique de Hâfez, qui devait en faire un poète unique et inégalé, à l'exceptionnelle popularité.

Tous allaient le considérer comme un des leurs. Tel fut le cas notamment, parmi les mystiques en général, de certaines sectes en particulier: ce sera l'objet de notre troisième partie.

*
* *
*

Sur la vie de l'homme qu'était Chams-ud-dîn Mohammad Hâfez, nous ne savons que peu de choses. S'il est né à Chiraz, nous ignorons la date exacte de sa naissance. Certains prétendent qu'il est né en 1317 (717 H.S.), d'autres en 1320 (720 H.S.), d'autres encore en 1326 (726 H.S.). En revanche, la date de sa mort nous est connue. Tous, à l'unanimité, reconnaissent l'an 1389 (789 H.S.) comme la date de son décès; c'est d'ailleurs celle qui est inscrite sur son tombeau.

Son nom ne nous apporte aucun renseignement sur ses origines. A Chiraz, il était inscrit à l'école coranique sous le nom de Mohammad. Parmi ceux dont il suivit l'enseignement, nous pouvons noter le nom de Chams-ud-dîn Abdullah Chirazi de Chiraz, maître incontesté en philosophie à cette époque, et plus tard celui du célèbre savant Mir Seyyed Jorjâni, et peut-être celui de Qâzi Azod-ud-din Abd-ul-rahman Iji. Si l'on se réfère à l'un des poèmes de Hâfez, il aurait étudié pendant près de 40 ans. Très tôt, il se met à apprendre le Coran qu'il connaîtra par cœur. Aussi le nom sous lequel il est connu, Hâfez, n'est-il en réalité

دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی
۱۶ ذی القعدة

Hafız-ı Shirazi



آستان قدس

10 5 EKİM 1993

دیوان

خواجہ شمس الدین محمد حافظ شیرازی

براساس نسخه مورخ ۸۲۴ هجری

باهتمام

دکتر نذیر احمد

استاد و رئیس بخش فارسی
دانشگاه اسلامی علیگر - هند

دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی

رئیس کانون وکلای دادگستری و عضو
انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	19444
Tasnif No	851.5 H A F D

شماره ۳

سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌ها

دکتر منوچهر امیری

مقایسه

«ساقی نامه» خواجه
با «ساقی نامه» حافظ

بعدها به ساقی نامه شهرت یافت و نوعی از انواع شعر فارسی شمرده شد نظامی تقدم دارد و او در دو منظومه خود که در بحر متقارب است این شیوه را در پیش گرفت. به این طریق که در شرفنامه سرفصل هر مطلب را دو بیت خطاب به ساقی قرار داده و با عبارت «بیا ساقی» شروع کرده است و در منظومه دیگر او یعنی اقبالنامه همین روش در خطاب به معنی به کار رفته است.^۱»

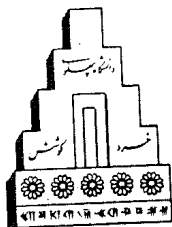
پیش از آنکه در باره شیوه ساقی نامه سرانی خواجه و حافظ سخن گوئیم باید یادآور شوم که بعد از حافظ دیگر شاعران، مانند جامی و هاتنی به نظم ساقی نامه های مستقل پرداخته اند و ساقی نامه های قاسم گنابادی و ظهوری ترشیزی (در چهار هزار بیت) و پرتوی شهرت فراوان یافته است. چنان که تذکره خاصی در این باره سراغ داریم به نام تذکره میخانه تألیف عبدالنبی فخرالزمانی مشتمل بر شرح حال و نمونه اشعار ساقی نامه سرایان. شمار این ساقی نامه ها را بیش از ۱۲۵ یاد کرده اند که در آنها: «شیوه ساقی نامه حافظ مورد تقلید واقع شده است. یعنی غیر از ابیاتی در خطاب به ساقی و معنی، غالباً اشعاری نیز در وصف شراب می آورند و سپس تخلص به یاد و نام مدح می کنند».^۲»

برویم بر سر اسکندرنامه نظامی. این اسکندرنامه از نظر موضوع در واقع قسمتی از شاهنامه را تشکیل می دهد و از این روی: «نظامی بنا بر ابیاتی که در اسکندرنامه می بینیم در نظم این داستان قصد پیروی از فردوسی داشت و در حقیقت کار خود را دنباله کار آن استاد در داستان اسکندر از شاهنامه قرار داد».^۳ چنان که اشاره شد، نظامی نخستین بخش اسکندرنامه را شرفنامه و دومین را اقبالنامه نامیده است. شرفنامه داستان اسکندر مقدونی را در بر می گیرد؛ از هنگام زادن تا کشورگشاییها و بازگشت وی به روم. در اقبالنامه سخن از پیامبری اسکندر در میان است و دانش و حکمت و نشست و برخاست وی با حکیمان و پایان زندگانی آن جهانگیر و این دانایان.

در شرفنامه در آغاز داستان یعنی پس از بیان «در سابقه نظم شرفنامه» و «تمثیل اندرین معنی» می رسمیم به عنوان «در حسب حال و انجام روزگار ساقی نامه»: بیا ساقی آن می نشان ده مرا/ از آن داروی بیهوشان ده مرا/ بدان داروی تلخ بیهوش کنم/ مگر خویشتن را فراموش کنم.^۴ مرحوم حسن وحید دستگردی طابع و شارح معروف ختمه نظامی پس از نقل این شعرها نکته ای دلنشین آورده است: «در آغاز هر قسمت از افسانه از اول تا آخر کتاب دو بیت ساقی نامه و چند بیت اندرز دیده می شود و گوئی پس از هر افسانه حکیم از گفتار خسته و

«ساقی نامه در ادبیات فارسی و ترکی عنوان عمومی منظومه هایی است از نوع خمیسه و غالباً به بحر متقارب که مشتمل اند بر ابیاتی خطاب به ساقی و اشعاری در بیان ناپایداری دنیا و ضرورت اغتمام عمر». این بهترین و کوتاهترین تعریفی است که در باره «ساقی نامه» در دایرة المعارف فارسی به سرپرستی شادروان دکتر غلامحسین مصاحب نوشته اند. اما به دنبال این مطلب چنین آورده اند که قدیمترین ساقی نامه مستقل موجود فارسی منسوب است به خواجه حافظ که البته این سخن درست نیست و تناقض دارد با آنچه به دنبال آن می خوانیم که حافظ در نظم ساقی نامه به نظامی گنجوی (و به تقلید او امیر خسرو دهلوی) نظر داشته است و ساقی نامه خواجه کرمانی «تا حدی مورد توجه و تقلید او (حافظ) بوده است» چنان که می دانیم حافظ البته مقلد هیچ شاعری نبوده و اگر مضمونی یا نکته ای از شاعری گرفته به مراتب بهتر از وی ساخته و پرداخته و چنان رنگ و روی و جان و روانی بدان بخشیده که شعر اصلی را از رونق و رواج انداخته است. در مورد ساقی نامه نیز چنان که گذشت از نظر موضوع چه خواجه و چه حافظ هیچ یک پیشرو و مبتکر به شمار نمی روند و در این مورد هر دو از نظامی سرمشق گرفته اند؛ همان نظامی که حافظ در باره او فرماید:

چو سلک در خوشاب است شعر نغز تو حافظ که گاه لطف سبق می برد ز نظم نظامی
زنده یاد استاد پرویز خانلری نوشته است: «می دانیم که در سرودن این گونه شعر که



شورای انتشارات
دانشگاه بهلولی
شماره ۴۶



مقالاتی درباره زندگی و شعر

Hafiz Shirazi

حافظ

(مشمول بر ۳۲ مقاله)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	18553
Tasnif No:	291.5 MAK.8

به کوشش

دکتر منصور ستگار

نگاره جهانی سیدی و حافظ

۷ تا ۱۲ اردیبهشت

۱۳۵۰

چاپ دوم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

105 EKİM 1993

pin kapu
12-10



دیوان حافظ شیرازی

از روی

Hafız-ı Şirazî

15 EKİM 1993

چاپ قدسی

مقدمه

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	20049
Tasnif No:	891.5 HAF-D

بقلم

علی اصغر حکمت

حافظ الشيرازي والتراث العربي

أسرار الإبداع في شاعريته

د. عبد الكريم اليافي

شمس الدين محمد المعروف بخواجه حافظ الشيرازي والملقب بلسان الغيب و ترجمان الأسرار من أعظم شعراء الغزل في الأدب الفارسي بل الأدب العالمي .
تاريخ ولادته على أفضل تقدير عام ٧٢٦ هـ / ١٣٢٥ م وتاريخ وفاته على أفضل تقدير أيضاً عام ٧٩١ هـ / ١٣٨٨ أو ١٣٨٩ وعلى هذا يكون قد عاش نحواً من خمس وستين سنة . وتزيّن حياته زهاء ثلاثة أرباع القرن الثامن الهجري والقرن الرابع عشر الميلادي .

وإذا كانت المدن ترسخ وجودها على الأرض بالاتساع وال عمران واستمرار البقاء فان بعضها يؤكد خلوده في غمار الزمان بأبنائه العظام . ولا شك أن شيراز تدين بشهرتها الواسعة الأبدية لعلمائها الكبار وعارفيها الفضلاء ولكنها تدين بشهرتها خاصة لولديها العالميين العظيمين سعدي في القرن السابع الهجري وحافظ في القرن الثامن .

ولد حافظ في هذه المدينة من أب كان يشتغل بالتجارة . وكان أصغر أولاده الثلاثة . وتوفي الوالد وتفرق الاخوة . وبقي الابن الصغير شمس الدين محمد مع والدته في شيراز . وتذكر الموسوعة الاسلامية نقلاً أنه كان له أخت أيضاً .

اشتغل حافظ فيما يروى حين كان صغيراً أجير خباز : فكان يفيق في غلس الليل ليقوم بعمله حتى الفجر . فاذا فرغ اشتغل بالعبادة . ثم انصرف الى حلقات

et - Turasul - Arabi, sene: IX (s. 35-36)

1989, Dimeşk, s. 7-26.

B. Topaloglu

21 ARALIK 1993



ابوالقاسم حبیب‌اللهی «نویید»

مقایسه‌ای بین بعضی از حالات و افکار

سعدی و حافظ *

ابن‌دوشاعر بزرگ که تازیان فارسی باقیست مایه افتخار و سرافرازی هر ایرانی و هر فارسی‌زبان می‌باشند اگرچه هر دو اهل یک شهر و پرورده یک آب و خاک می‌باشند و هر دو شاعر و غزل‌سرا و عارف و عاشق پیشه بوده‌اند و ظاهراً باید در افکار و حالات کاملاً شبیه بیکدیگر باشند معذک می‌بینیم که در بسیاری از چیزها باهم اختلاف داشته‌اند؛ اینک وجوه اختلاف: نخستین اختلاف این است که شیخ اجل قسمتی از عمر خود را دور از وطن و در مسافرت گذرانده است، این مطلب مورد اتفاق همه مورخان و تذکره‌نویسان می‌باشد و خود شیخ هم مکرر در اشعار خود به آن اشاره فرموده است، و گاهی نیز داستانی از حوادث مسافرت‌های خود نقل میکند و نام بسیاری از شهرهایی که دیده است ذکر میکند. شک نیست که هم شیخ اجل و هم خواجه بزرگوار به شهر زادگاه خود علاقه مفرطی داشته‌اند چنانکه در اشعار هر دو وصف شیراز و ترجیح آن بر دیگر شهرها مکرر آمده است لکن سعدی به مقتضای گفته خودش که «نتوان مرد بسختی که من اینجا زادم» در آغاز جوانی از شیراز بیرون آمده است و چنانکه میدانیم در اغاب شهرهای اسلامی سفر کرده و عراق و شام و بیت المقدس را دیده و چندین سفر پیاده

* متن سخنرانی نویسنده در کنفرانس بین‌المللی حافظ و سعدی، ۷ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰ در شیراز.

بی‌گمان دشواریهای این راه فراوان است. باید روشنفکران به‌مات بفهمانند که قدرت اگر در دست همگان بیفتد جز هرج و مرج نتیجه‌ی نخواهد داشت. باید آنان را وادارند تا از جاه‌طلبی خود چشم‌پوشند. باید استحکامات پول و پولپرستان را مورد حمله قرار دهند و آنها را علیه تمایلات ایشان، به‌نفع ملت به‌کار برند. اینجا هم امیدوار بودن بیجا نیست. زیرا پول که همیشه موجب نفاقهای بی‌شمار میان طبقات و افراد شده است، می‌تواند برای یک‌بار این کار را علیه خودش انجام دهد... و بالاخره روشنفکران باید مراکز و وسیع برای تبلیغات تشکیل دهند تا بتوانند صدای خود را به‌گوش همه مردم برسانند.^{۲۷}

هراندازه هم مشکلات این کار زیاد باشد از مرانمی که برای ادامه‌دادن به‌شرافت و هستی‌خویش در برابر حکومت پول‌پرست راه داریم، بیشتر نیست. اولی مشکل ولی دومی محال است.

کسانی که بدین‌گونه، هماهنگ با گروهی پیروز، هستی خود را فدا می‌کنند، در حقیقت هیچ چیز را از دست نداده‌اند، زیرا ابدیت را باز یافته‌اند. هر کس میهن را دوست دارد و به‌آزادی آن علاقه‌مند است و می‌تواند آینده را از پیش ببیند، باید چنین کند. در برابر افقی بدین تاری، روشنفکران میهن‌پرست باید پیش از غرق‌شدن در گرداب نیستی، آنان را که همواره به‌مات می‌اندیشند، از جان و دل یاری نمایند.

به‌نام طبیعت و عقل، هماهنگ با قوانین کهن جهانی، برای رستگاری همگانی، برای رهایی و پیشرفت تمدنی درخشان، باید همه سوار بر کشتی نجات علیه آشوب و آشوب‌پرستان بجنگیم!

۲۷- چنان که در آغاز دیدیم این مراکز تبلیغ در زمان حیات خود نویسنده تشکیل شد

و فعالیت آنها همچنان ادامه دارد. م

تأثر حافظ از سعدی

مقایسه‌همنی که محققین و دانشمندان مغربزمین در احیاء آثار و افکار و ابضاح جزئیات و نکات شرح زندگی و احوال نوابغ ادبی خود بمنصه ظهور رسانیده اند با کوتاهی تأسف آوری که طبقه فاضله و اهل دانش و تحقیق ما در باره بزرگان شعر و ادب و مفاخر و نوابغ خود روا داشته‌اند نتیجه‌ای جز یأس و شرمندگی و سرشکستگی برای هم‌میثان آن بزرگان بیار نخواهد آورد. تحقیقاتی که در باره بزرگترین نوابغ شعر و ادب فارسی چه از طرف دانشمندان داخلی و چه از جانب محققین خارجی بعمل آمده است از لحاظ کم و کیف هرگز قابل مقایسه با ارزش و دقت و عظمت تحقیقات و کارهایی که در مورد یکی از متوسطین ادبا و شعرای مغربزمین انجام یافته نیست، و با وجود اینکه بنظر میرسد از اوائل دوره مشروطیت نهضت قابل توجهی در عالم تحقیق و تتبع ادبی و علمی در ایران پیدا شده ولی بعلمت دو نقص بزرگ نتیجه مطلوب ازین کوششها بدست نیامده است و تا کوششهای محققین و دانشمندان ما در مسیر صحیحی وارد نشود همواره از کار بسیار نتیجه اندک بدست خواهیم آورد، و این رکود و کندی در احیاء و تدوین آثار و مدارک ادبی طبعاً تجدد و پیشرفت صحیح و پشتوانه دار در عالم زبان و ادبیات فارسی را نامیسر خواهد ساخت. یکی از این دو نقص توجه بلزوم و اهمیت تصحیح و چاپ مدارک و آثار چاپ نشده فارسی (منظور عدم توجه عمومی و دسته جمعی اهل

فضل و دانش است و بدون تردید از اظهار علاقه ها و توجهات خصوصی و انفرادی بمصدق «با يك گل بهار نمیشود» نتیجه منظور بصورتی که مورد بحث ماست بدست نخواهد آمد) و دومی عدم توجه اهل فضل و تحقیق با اهمیت فوق‌العاده و لزوم گرد آوردن مواد و مدارک و اسناد و توجه و اقبال بمباحث و تحقیقات کلی است که بدون فراهم بودن مواد و مدارک مفید نتیجه قابل اتکاء علمی و تحقیقی نتواند بود و این نظر در مورد اغلب رشته های ادبی چون دستور زبان فارسی و تاریخ ادبیات و فرهنگ نویسی صادق است. روش صحیحی که باید برای جبران رکود و عقب ماندگیهای گذشته و تضمین سرعت و آم با دقت سیر تحقیقات ادبی برگزیدرفع دو نقیصه مذکور در بالا یعنی ایجاد نهضتی در چاپ و انتشار مدارک و اسناد خطی و طبع نشده و تصحیح و تجدید طبع چاپهای مفلوط گذشته (بخصوص چاپهای قدیم ایران و هند) و تحقیق دقیق و انتقادی در باره احوال و آثار بزرگان شعر و ادب با ترتیب اهمیت و مرجعیت آثار آنانست. بعنوان نمونه کامل کارهای ادبی و تحقیقی مفید و برارزش میتوان از سلسله تألیفات و کارهای بی نظیر استاد بزرگوار آقای بدیع الزمان فروزانفر در باره «آثار مولانا جلال الدین» و «مدارک راجع به مولانا» و تحقیقات و کارهای مفید محقق دانشمند آقای دکتر محمد معین در زمینه «طرح دستور زبان فارسی» و «تصحیح انتقادی برهان قاطع» نام برد. نگارنده در سخنرانی سه ماه پیش خود در دانشکده ادبیات طرح زیرین را که جنبه عمومی دارد بعنوان «طرح تحقیق در احوال و آثار و سبک حافظ» مطرح کرد و چون برای ورود در تحقیقی که موضوع این مقاله است وقوف بمقام و اهمیت این نوع تحقیق در سلسله تحقیقات راجع بهر شاعر لزوم دارد ملخصاً از نظر خوانندگان فاضل میگذراند:

طرح تحقیق در باره احوال و سبک و مقام يك شاعر

زندگی و سبک يك شاعر باید از جنبه های متعدد مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. اهم آنها را بدین قرار است:

۱ - زندگی و محیط خصوصی او: خانواده، تحصیلات و معلومات، محیط تربیت

۲ - محیط عمومی زندگی شاعر:



حافظ شیراز

HAFIZ-I SİRÂZİ

به روایت

احمد شاملو

چاپ دوم

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	18547
Tasnif No:	891.5 ŞAM.H

Februn - 2544

25 KASIM 1993

دراسات أدبية ومطامير نقدية

الخمير و الشعر

في الحضارة العربية و الإسلامية

بقلم المستشرق يوحنا كريستوف بيرجل

ترجمه عن الألمانية وقدم له : ثابت عيد

(باحث من مصر مقيم في سويسرا)

تقديم المترجم

يعالج المستشرق الألماني المعروف يوحنا كريستوف بيرجل في بحثه هذا أشكال حضور الخمير في الشعر بالحضارة العربية الإسلامية^(١). لقد ركز بيرجل بالخصوص على أشعار حافظ الشيرازي ، وجلال الدين الرومي ، وعمر الخيام ، الخاصة بالخمير، وهي أشعار لا يعرف المثقف العربي منها ، إلا رباعيات الخيام . أما أشعار حافظ والرومي ، فلم يكتب لها الانتشار بعد في عالمنا العربي ، برغم وجود ترجمة عربية محترمة لديوان حافظ ، وبرغم وجود عدد من الباحثين المصريين والعرب القائلين على ترجمة الأدب الفارسي إلى اللغة العربية. ولعله من المفيد قبل متابعة الباحث في رحلته مع الشعراء وتغنيمهم بالخمير إبداء الملاحظات التالية التي نعرض فيها لأشكال أخرى من حضور الخمير في الفكر العربي الديني منه والأدبي:

أولا: مما أورده كتب الأدب العربي القديم عن آفات الخمير، " أنها تذهب العقل ، وأفضل ما في الإنسان عقله ، وتحسن القبيح ، وتقبح الحسن ". وحكى صاحب "العقد الفريد" أن مشارب الرجل يقال له نديم من الندامة، "لأن معافر الكأس إذا سكر، تكلم بما يندم عليه".^(١) وقال قصي بن كلاب لبنيه: "اجتنبوا الخمير، فإنها تصلح الأبدان ، وتفسد الأذهان"^(٢). ولما قيل لعثمان بن عفان: "ما منعك من شرب الخمير في الجاهلية، ولا حرج عليك فيها؟" قال: "إنني رأيته تذهب العقل جملة. وما رأيته شيئا يذهب جملة، ويعود جملة"^(٣). ويحكي أن قوما سقوا أعرابية مسكرا،

* العنوان الأصلي للبحث هو: "الخمير في الشعر الإسلامي"، وهو عنوان لا يستقيم بالعربية.

فقال: "أشرب نساؤكم مثل هذا؟ قالوا: نعم. قالت: فما يدري أحدكم من أبوه"^(٤). ومن اللطف ما قرأت في وصف حالة السكر قول الشاعر:

"أقبلت من عند زياد كالخرف
أجر رجلي بخط مختلف
كأنما يكتبان لام ألف"^(٥)

ثانيا: تحكي كتب التاريخ أن أهل الحرمين أباحوا الغناء وحرّموا النبيذ، وأن أهل العراق أباحوا النبيذ وحرّموا الغناء.^(٦) ونظرا لأن البصرة كانت منشأ الاعتزال، فقد أباح بعض المعتزلة أنواعا معينة من النبيذ. ويبدو أن ذلك هو سبب وصف المقدسي للمعتزلة بالفسق، حيث نسب إليهم أربع خصال، هي: " اللطافة والدراية والفسق والسخرية"^(٧). وقد استغل خصوم المعتزلة من الأشاعرة وأهل الحديث وغيرهم هذه المسألة بالذات، وقاموا بالتشنيع عليهم. من ذلك مثلا اتهام عبد القاهر البغدادي، وهو أشعري متطرف، لابراهيم النظام المعتزلي بإدمان السكر.^(٨) وهذه التهمة لا يمكن فهمها إلا في إطار الصراع العقائدي العنيف بين المعتزلة والأشاعرة؟ وإلا لو كان الأمر يتعلق حقا باستنكار شرب الخمير - لكان أولى بالبغدادي والأشاعرة أن يهاجموا صاحبهم الخليفة المتوكل الذي قال عنه المسعودي في "مروج الذهب": "ولم يكن أحد ممن سلف من خلفاء بني العباس ظهر في مجلسه اللعب والمضاحك والهزل... إلا المتوكل، فإنه السابق إلى ذلك والمحدث له"^(٩). فالأشاعرة والحنابلة تغاضوا عن مساوئ المتوكل الكثيرة، لأنه اضطلع بالمعتزلة، وانتصر لمذهب ابن حنبل. أما تحامله على الشيعة، وظلمه لأهل الكتاب، وحياته المملوءة بالفسق والمجون - كل هذه المساوئ وغيرها سكت عنها الحنابلة والأشاعرة. ومن ذلك أيضا تشنيع أبي منصور محمد بن أحمد الأزهرى على المعتزلي ابن دريد في مقدمة كتابه "تهذيب اللغة"، حيث يقول: "والفَيْتَه (= ابن دريد) أنا على كبر سنه سكران، لا يكاد يستمر لسانه على الكلام من سكره..."^(١٠)

ثالثا: إن المعتزلة وأصحاب أبي حنيفة، وإن كانوا قد حللوا بعض أنواع النبيذ، على مذهب أهل العراق، إلا أنهم لم يصلوا في ذلك إلى حد الفجر والفسق الذي نعرفه عن أبي نواس مثلا. يحكي أن المكتفي سأل الصولي مرة: "أتعرف أهلك بيت قالته العرب؟ قال: قول أبي نواس: ألا فاسقني خمرا، وقل لي: هي الخمير"^(١١). نعم نحن نعرف أن الجاحظ قد امتدح النبيذ في رسالة "الشارب والمشروب"، حيث يقول مثلا: " وإن كل شراب، وإن حلا ورق... وطاب وعذب... فإن استطابتك لأول جرعة منه أكثر... ثم لا يزال في نقصان، إلى أن يعود مكروها وبلية، إلا النبيذ، فإن القدح الثاني أسهل من الأول، والثالث أيسر، والرابع ألد، والخامس أسلس، والسادس أطرب، إلى أن يسلمك إلى النوم الذي هو حياتك"^(١٢). ولكنه مع ذلك كان دائم التحذير من إدمان الشرب، والإكثار منه.

رابعا: اختلف الأئمة في مسألة تحريم الخمير أو تحليلها. فذهب الشافعي ومالك وابن حنبل إلى القول بأن المراد بالخمير هو ("جميع الأنبيذة المسكرة من نبيذ التمر والزبيب والشعير والذرة والعسل وغيرها. وقالوا: كلها تسمى خمرا، وكلها محرمة"^(١٣)). أما أبو حنيفة، فقد حلل بعض أنواع الأنبيذة، كنبيذ التمر والزبيب، "إن طبخ أدنى طبخ وشرب منه قدر لا يسكر"^(١٤). وقد واجه أبو حنيفة أحيانا بعض المواقف الحرجة نتيجة لموقفه هذا من الخمير، ولولا سرعة بديهته، ورجاحة عقله، لما وجد لهذه المآزق مخرجا. يحكي صاحب "محاضرات الأدباء"، قائلا: "قال ابن أبي ليلى لأبي حنيفة: أيحل النبيذ ويبيعه وشراؤه؟ قال: نعم. قال: أفسرك أن أمك



مرآة قرآنية

شعروانید شاعر حافظ

با نگاہی به حافظ شناسی معاصر

10 EYLÜL 1997

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	41736
Tasnif No	891.5 DER. M

محمود درگاہی

چاپ اول ۱۳۷۳

Tahran

MADDE YAYINLANDIĞI
SONRA GELEN DOKÜMAN



م. بیگئیف.

Dr. İsmail Celal
R. İ. C.

15 EKİM 1993

دیوان حافظ

ترجمہ سی

اهل تصوف کتابلرندہ لسان الغیب لقبیلہ
شہرت بولمیش خواجه حافظ شیرازی
حضرتلرینک دیوانندن انتخاب قیلنمشدر.

ل گفتمی، ودر سفتی، بیا وخوش بخوان حافظ

که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

غزل سوبله دک، انجولری نزدک، کل، اوقو، ای حافظ!

سنک نظمک حرمتنه فلک صاجار یولدوزلارینی.

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	19360
Tasnif No:	851.5 HAF-D

احمد الاسحاقی.



КАЗАНЬ.
ЭЛЕКТРО-ТИПОГРАФИЯ „УРНЭК“.
1910

Hafız-ı Şirazi

Hafiz - Shiraz

Hāfez, Moḥammad Shamsoddīn (b 1327 Shiraz, d 1390 Shiraz), Persian poet. Information about his life comes from two sources: tradition, passed on by Iranian biographers, and his own poetry. He is said to have been the son of a moderately well-to-do merchant from Isfahan, who settled in Shiraz. The children were still small when the father died. The mother then had to support the family, which in the Orient inevitably spelled poverty. According to the same (not altogether reliable) sources, Hāfez became a baker's apprentice and took up poetry at an early age. At first, people ridiculed his poems. But then, according to legend, 'Alī appeared to him and let him partake of the food of Paradise. Hāfez then became a seer and king of lyric poets, the 'Tongue of the Hidden', as the Persians call him. The fact that Hāfez was from the start very poor is proved by a manuscript dated 1355, preserved in the National Museum in Tashkent; it is a work by an earlier classical writer, Amīr Khosrou (qv) copied by Hāfez. In those days, copyists were poorly paid, and the manuscript bears witness to the poet's poverty. Still, by the late 1340's and the early 1350's, he had gained some sort of reputation as a poet, judging by a few poems dedicated to the viziers 'Emānoddīn and Qavāmoddīn, of Abū Eshāq, the sovereign of Shiraz in those decades.

The reign of the next sultan, Mobārezoddīn (1353–1358), brought severe hardship to

made enough of a name for himself by the time the new ruler ascended the throne to be invited to become the sovereign's drinking companion. The intimacy of their relationship is suggested by the very fact that at a certain stage the Shāh seems to have started to envy the superior gift of the poet. It remains unclear just what caused Hāfez to be banished from Shiraz for six years (1368–1374), but the probability is that it was a combination of the Shāh's professional jealousy and intrigues by the priesthood against the nationally famous freethinker. Hāfez, whose stanzas to this time had mixed the ingredients of love poems and princely panegyrics with the Shāh as the object of extravagant eulogy, now found a woman to write about, Dordāne, unknown in historical annals. During his period of banishment, she was his source of inspiration. When Shāh Shojā' died in 1384, Hāfez withdrew into retirement, for his poems in honour of the next three rulers are few and far between. His star was then at its zenith. Even during his lifetime, he was celebrated as a great poet not only in his native land but also beyond its borders, in Mesopotamia and India. The Sultan of Bengal, Ghiyāšoddīn, and the Sultan of Baghdad, Aḥmad, invited him by letter to their courts.

Eulogy of the sovereign, an abstract general experience of love, wine, a man of statuesque beauty, and a woman produced very much the same kind of inspiration in

next significant comments on his poetry were made, oddly enough, by Goethe (see below). In his monograph (1892) Harald Rasmussen represented Hāfez as a nature mystic who, when confronted with the beauty of natural scenes, lapsed into pantheistic visions. A new beginning in the study of Hāfez and his art was made by Qāsem Ghānī (1943); thanks to a good knowledge of the history and vocabulary of Hāfez's time, he succeeded in dating over a hundred poems on the basis of their dedications and references to contemporaries. Roger Lescot (1944) continued Ghānī's work. He divided Hāfez's career into a youthful period up to the year 1358, a mature period up to 1366, the period when he was out of favour, lasting up to 1373, and the period of his old age from 1376 to his death.

One of the important works on Hāfez is H. H. Schaefer's *Goethes Erlebnis des Ostens* (1938). Schaefer adds a new interpretation to the ambiguity of wine/mysticism in connection with Hāfez: Goethe, as expounded by Schaefer, affixes to this ambiguity the concept of harmony between opposites, which he saw as the stylistic ideal of Hāfez. We cannot distinguish between the wine and the mysticism (as well as the politics in Hāfez's poetry). If we try to do so, we must perforce distort the poet's stylistic goal. Goethe was an ardent student of Hāfez during the years 1814–1818. He analyzes Hāfez by

The extant editions of the text are detailed by R. M. Rehder in *New Material for the Text in Hafiz*, Iran (1965) III, p. 109. The best editions are those by Qazvīnī and Ghānī (1942) and Khānlārī (1959), along with the partial edition of Gulsum Galimova (Dushanbe 1971), which is based on a manuscript dating from 1403, or only 13 years after the poet's death.

Trans.: P. Avery and J. Heath-Stubbs, *Hafiz of Shiraz, Thirty Poems Translated* (London 1952); A. J. Arberry, *Hafiz. Fifty Poems of Hafiz* (Cambridge, New York 1947, repr. 1968). J. W. Goethe, *Noten und Abhandlungen zu besserem Verständnis des West-östlichen Divans* (various editions); H. H. Schaefer, *Goethes Erlebnis des Ostens* (Leipzig 1938); R. Lescot, *Essai d'une chronologie de l'oeuvre de Hafiz* (Beyrouth 1944); H. R. Roemer, *Probleme der Hafizforschung und der Stand ihrer Lösung* (Mainz 1951); R. Levy, *An Introduction to Persian Literature* (New York, London 1969), 116–34; RHIL 262–74.

Hāfiz, Egyptian poet, see **Ibrāhīm**, **Hāfiz**.

haggadah (*aggadah*, Hebrew: story), mainly religious stories, especially the narrative parts of the *Talmud* (qv) and related works. They contain much folk material. The Easter *haggadah* (*haggadah shel pesach*) comprises the texts read at the Passover supper. The concluding passages, the numerical series and the story of the kid appear also in European folklore. See *Midrash*.

21 MART 1991

Henri Broms

ŞARK - İSLÂM KLÂSİKLERİ: 4

237
Y

HAFİZ DİVANI

31 TEMMUZ 1993

Agilum
Kavaklı
MI. V

21

1944



حسان انوشه، دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، جلد چهارم، تهران ۱۳۸۰. ۱۳۷۵۹۹. ISAM

حاضر یاریگ لاهوری

حافظ در شبه قاره

حافظ حلیم (hā.fez.ha.lim)، فرزند شاه کلیم الله، سده دوازدهم هجری، شاعر فارسی گوی شبه قاره. از تاریخ تولد و مرگ وی آگاهی نداریم، اما نقش علی در تذکره باغ معانی که در آن زندگی نامه شاعران فارسی گوی سده دوازدهم هجری را گردآوری کرده، نام او را در شمار شاعران این سده آورده است. وی همچنین یادآور می شود که بارها با حافظ حلیم دیدار کرده است. حافظ حلیم از شاگردان شاه گرامی پسر محمد الفتی بیگ قبول کشمیری* بود و بیشتر زندگانی وی که به لباس درویشان درآمده بود، در نشست و خاست با نام آوران روزگارش و شرکت در مجالس آنان گذشت. او پس از ویرانی دهلی و درگذشت تنی چند از عالمان این شهر، با آنکه از علوم عربی چندان آگاهی نداشت، چندی در این شهر موعظه می گفت. سپس به اوده رفت و در لکنو که در آن هنگام مأمّن آوارگان بود، سکنی گزید و در مسجدی که به شاه مینا منسوب است، جمعه ها به وعظ می پرداخت. گویند وی چندان شعر در یادداشت که خود نیز از زبان شاعرانه برخوردار گردید. در شعر حلیم تخلص می کرد و از سروده های ابیاتی پراکنده در تذکره ها به جا مانده است.

منابع: باغ معانی، ۵۴؛ تذکره شعری کشمیر، ۲۱۴/۱؛ سفینه هندی، ۶۳۶۱.

جهان تاب

حافظ حیات محمدنوشاهی ← محمدحیات نوشاهی

حافظ در شبه قاره (hā.fez.dar.sēbh-e.qār.re)، حافظ (۷۹۱ - / ۷۹۲ق) از برجسته ترین شاعران در زبان فارسی است که شعر و آوازه اش در ایران محدود نمانده و در سرزمین های دیگر نیز شیفتگان و پیروانی یافته است. هندوستان از نخستین سرزمین هایی است که اشعار حافظ بدان رسید و بر ادبیات فارسی آن تأثیر گذاشت. با این که وی در سراسر زندگی خود از ایران بیرون نرفت، آوازه اش حتی در همان روزگار خودش از مرزها گذشته به خراسان، آذربایجان، عراقین و هندوستان راه یافت. حافظ زندگی را، جز مدتی کوتاه که در یزد و بندر هرمز بود، در شیراز به سر برد و روزگار دولت ابواسحاق اینجو (۷۴۳ - ۷۵۴ق)، مبارزالدین محمد (۷۵۴ - ۷۵۹ق)، شاه شجاع (۷۸۵ / ۷۸۶ق)، سلطان زین العابدین (۷۸۹ - ۷۸۹ق) و شاه منصور مظفری (۷۸۸ق) را درک کرد. در همین زمان اشعارش را در سرزمین های دیگر می خواندند و می ستودند، هم

مرادبخش (۱۰۷۰ق) پسر نورالدین جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ق) بود و سرانجام شاهزاده مبلغی موجب برای او تعیین کرده بود، تا به نیابت او بارگاه امام هشتم (ع) را زیارت کند. شاه باقر مردی بلند همت و متبع الطبع بود و با این که با کشته شدن مراد بخش، به دست برادرش اورنگ زیب در ۱۰۷۰ق رابطه اش بریده شد، از کسی چیزی نمی پذیرفت و پیشنهاد میرزا سعدالدین محمد مشهدی، متخلص به راقم، را برای گرفتن راتبه بیشتر رد کرد. حاصل در نظم و نثر استادی توانا بود و ساقی نامه ای به نام میخانه دارد که آن را در برابر ساقی نامه ظهوری ترشیزی (۱۰۲۴ق) سروده است.

منابع: تذکره الشعرا غنی، چاپ اسلم خان، ۸۰؛ تذکره نصرآبادی، ۱۴۰؛ الذریعه، ۲۲۰/۹؛ شام غریبان، ۸۴؛ صبح صادق، ۶۶؛ صبح گلشن، ۱۱۵؛ کاروان هند، ۳۱۲/۱؛ لغتنامه، زیر «حاصل»؛ منتخب اللطایف، ۱۵۵؛ مطلع الشمس، ۷۱۵؛ نایح الافکار، ۱۸۹. رسولی

حاضر یاریگ لاهوری (hā.zer.yār.beyg-e.lā.hu.ri)، سده یازدهم هجری، صوفی و نویسنده فارسی نویسنده شبه قاره. در روزگار اورنگ زیب (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ق) می زیست. در ۱۰۸۷ق/ ۱۶۷۶م به زیارت حج رفت. در ۱۱۰۰ق/ ۱۶۸۹م کتابی به نام تحفه محمدیه نوشت و در آن به وحدت وجود و رد رؤیت باری در بیداری و تأیید دیدن وی در خواب و رویا پرداخت. نسخه دست نویسی از آن در کتابخانه دارالعلوم اسلامیة رحمانیه در هزاره نگه داری می شود.

منابع: فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، ۱۳۳۹/۳؛

Dictionary of Indo-Persian Literature, 234.

فتح نیا طبری

حافظ (hā.fez)، ماهنامه ادبی، فرهنگی و تاریخی، به فارسی که در کراچی منتشر می شد. مدیر آن، سید پیرو حسام الدین راشدی و معاونش، علی اصغر فرزانه، نماینده کتابفروشی زوار تهران در کراچی، بوده است. کاغذ، نوع چاپ و گراور حافظ، خوب است.

منابع: مختصری پیرامون دواج فارسی در پاکستان، ۱۹؛ حیدر شهباز نقوی، «مجلات فارسی در پاکستان»، هلال، تیر ۱۳۴۷ش، جلد شانزدهم، شماره ۳، ص ۲۷.

مرتضوی

1-17

MAHMOUD KHALIL
SODRA
LIBRARY

8 9 APR 2007

تألیف: دکتر امین پاشا اجلائی

دکتر امین پاشا اجلائی *

جوشش زندگی در کلام حافظ ، رمزی از رموز قبول خاطر

قولی است مورد اتفاق که کامیابی و موفقیت شاعر منوط به عنایت ازلی و از پرتو عطیه : " یزید فی الخلق مایشاء " ^(۱) است. یابه گفته استاد شهریار : " شاعر اولاً بیلمز سن آنان دو غما سا شاعر ... ". کسانی که از این موهبت بهره مند باشند شعرشان هنری، بی تکلف و برخوردار از توفیق قبول خاطرها خواهد بود، چنین شعری، شعری است " آمده " .

بی بهرگان از این ودیعه، فطری که کوشیده اند پا در کفش گویندگان کنند نیز در این میدان فرس رانده اند و به زور وزن و قافیه رطب و یابسی بهم بافته اند و کلمات و عباراتی را به سلك " نظم " کشیده اند. به بیان دیگر شعری " آورده " اند. مصادیقی از هر دو نوع در گستره زبان و سخن پارسی فراوان است و بر سخن شناسان معروف و مشهور. بی خلاف ، لسان الغیب حافظ شیرازی از زمره نخستین و نماد اعلای گویندگانی است که آبشخور طبع و قوه شاعرشان " بحر معنی " عنده ام کتاب " ^(۲) است و قطره دانش شان به دریا پیوند دارد. خود نیز بدین امر آگاه اند و معترف .

* عضو هیأت علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز .

نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تبریز

۳-۴

پائیز و زمستان ۱۳۷۱

Tebri2

سال ۳۵ شماره ۶ مسلسل ۱۴۵-۱۴۴

قیمت : ۶۰۰ ریال

رضا قنادان*

DB48 Hafiz-1 Sirazi

جنجال برانگیز ترین کتاب درباره حافظ

آنچه در پی می آید تحلیلی انتقادی از کتاب عرفان و زندگی در شعر حافظ نوشته آقای داریوش آشوری است. در نامه ای که از ایشان در نشریه نقد و بررسی کتاب، در شماره ۱۸، ۱۳۵۸، به چاپ رسیده از این کتاب به عنوان «کنجکاوی برانگیزترین و نیز جنجال برانگیزترین»^۱ کتابی نام برده شده که درباره حافظ انتشار یافته است. نویسنده برای اثبات این گفته توضیح می دهد که تاکنون «بیش از سی و اندی»^۲ نقد درمورد آن نوشته شده است. چنین پیداست که در میان این نوشته ها تنها دو نوشته بانظر موافق به این کتاب پرداخته اند. ایشان این دو نوشته را «دو نقد درست و سالم»^۳ می خواند و برخوردهای ناسازگار را «از آن گونه نقدها»^۴ می داند که از «جبهه های گوناگون»^۵ به کتاب ایشان «تاخته اند و کمتر درفهم آن کوشیده اند.»^۶ آقای آشوری توضیح می دهد که دلیل این تاختن ها «رهیافت تازه ای این کتاب به مسأله ای معمای حافظ است»^۷ و برای اثبات این که واکنش منفی «مدعیان سخن شناس و حافظ شناس» ناشی از کزفهمی آنان از این کتاب بوده، ستایش دوتن از «جهان آکادمیک غربی» از نوشته ی خود را مورد استناد قرار می دهد. یکی از این دوتن، پرفسور گرهارد بورینگ (Gerhard Bowering) «از برجسته ترین دانشوران تصوف شناس کنونی» است که «باتسلط استادانه ای که هم

*استادیارپیشین دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و مدرس بازنشسته دانشگاه جورج تاون واشنگتن.

می دانیم، شاید آثار مولوی بتواند به ما بیاموزد چگونه از «رویارویی» هائی که ما را از راه حقیقت دور می کند دوری گزینیم. حتی اگر برای هدفی والا و اعلا هم نباشد، شاید بتوان داستان هایی به غایت زیبا و اشعاری به یاد ماندنی در آثار این عارف قرن سیزدهم یافت و با دیدی تاریخی، سنتی، معنوی، ادبی به شناختن شان پرداخت.

در آغاز با این بیت از مولوی به استقبال شما و سال نو آمدم:

عید بر عاشقان مبارک باد عاشقان عیدتان مبارک باد

البته هدف از این تبریک جشن نوروز بوده است. اما این کلمات در اصل نه برای نوروز، بلکه برای عید فطر نوشته شده. اما مولوی در این جا نماد بهار، عید ملی ایران، و شادی دنیوی است؛ نمی تواند اعتراض برانگیز باشد، حتی اگر مولوی خود قصدی دیگر داشته است.

پانویست ها:

۱. ن. ک. به:

Reynold Nicholson, *Divani Shamsi Tabriz*, Cambridge, Cambridge University Press, ۱۸۹۸, pp ۱۲۴-۵.

۲. دیوان کبیر، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، غزل ۱۸۵۵.

۳. به عنوان نمونه ن. ک. به:

Melanie Philips, *Londonistan*; Robert Spencer, *The Truth about Muhammad: Founder of the World's Most Intolerant Religion*; and Bruce Bawker, *While Europe Slept*.

۴. ن. ک. به:

"Islamic Fundamentalism Revisited," *National Review*, ۴۵ (November ۱۵, ۱۹۹۳), pp. ۶۲-۳.

27 EKİM 2009
MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

ORIENTE MODERNO

RIVISTA D'INFORMAZIONE E DI STUDI
PER LA DIFFUSIONE DELLA CONOSCENZA DELLA CULTURA
DELL'ORIENTE SOPRATTUTTO MUSULMANO

Numero monografico

LA CIVILTÀ TIMURIDE COME FENOMENO INTERNAZIONALE

a cura di Michele Bernardini

Volume II

(Letteratura – Arte)

- Muinaddin Cöveyni
- Hafiz-ı Sıragi
- Nizami-yi Gencevi
- Ali Şir Nevai
- Tamerlan-lerh
- Nasreddin Hoca
- İbn Haldun
- Timurkular
- Ulug Bey
- Kanat

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

30 MARIS 2010

- Natalia L. TORNESELLO, *Un Negārestān di Mo'ini Joveyni conservato nell'Accademia Nazionale dei Lincei a Roma* 351-377
- François DE BLOIS, *A Bilingual poem by Hāfiz* 379-384
- Paola ORSATTI, *The Hamsah "quintet" by Ġamālī: Reply to Nizāmī between the Timurids and the Qarā Qoyunlu* 385-413
- Christoph Johann BÜRGE, *Ġāmī's Epic Poem on Alexander the Great. An Introduction* 415-438
- Orazgozel MACHAEVA, *La melodia dei tempi passati. Quattro discorsi di 'Alī Šir Navā'i* 439-461
- Gönül TEKIN, *The Motif of "Cypress-River-Beloved one-Garden" in Nevā'i's and Aḥmad Pāšā's Poetry and its Archetype* 463-483
- Ulrich MARZOLPH, *Timur's Humorous Antagonist, Nasreddin Hoca* 485-498
- Giampiero BELLINGERI, *Rifrazioni timuridi* 499-515
- Monica RUOCCO, *Ibn Haldūn e Tamerlano: la rilettura dello storico incontro in un recente lavoro del teatro arabo* 517-529

IV. ARTE

- Michael ROGERS, *Centralisation and Timurid Creativity* 533-550
- Sheila BLAIR, *Timurid Signs of Sovereignty* 551-576
- Lisa GOLOMBEK, *Timurid Potters Abroad* 577-586
- Maria Vittoria FONTANA, *A Blue-and-White Timurid Yug with two Confronting Dragons* 587-600
- Ernst J. GRUBE, *Notes on the Decorative Arts of the Timurid Period. III. On a Type of Timurid Pottery Design: The Flying-Bird-Pattern* 601-609
- Eleanor SIMS, *Towards a Study of Širāzī Illustrated Manuscripts of the "Interim Period": The Leiden Šāhnāmah of 840/1437* 611-625
- Maria Adelaide LALA COMNENO, *Persistenze centro-asiatiche nell'architettura di Ulug Beg* 627-639
- Valérie BERINSTEIN, *Qānāt et campements, de Timur aux Moghols* 657-664

ORIENTE MODERNO

RIVISTA D'INFORMAZIONE E DI STUDI
PER LA DIFFUSIONE DELLA CONOSCENZA DELLA CULTURA
DELL'ORIENTE SOPRATTUTTO MUSULMANO

Numero monografico

LA CIVILTÀ TIMURIDE COME FENOMENO INTERNAZIONALE

a cura di Michele Bernardini

- | | |
|---|---------|
| ✓ Biancamaria SCARCIA AMORETTI, <i>Di ansāb e d'altro: due osservazioni a margine</i> | 33-43 |
| Francis RICHARD, <i>Un témoignage inexploité concernant le mécénat d'Eskandar Solṭān à Esfahān</i> | 45-72 |
| Priscilla SOUCEK, <i>Eskandar b. 'Omar šayx b. Timur: A Biography</i> | 73-87 |
| Gianroberto SCARCIA, <i>Aurea Medianità di Sulṭān Ḥoseyn Mīrzā</i> | 89-96 |
| ✓ Michele BERNARDINI, <i>Il Timurnāme di Hātefi e il Šāhnāme-ye Esmā'il di Qāsemi (il ms. Frazer 78 della Bodleian Library)</i> | 97-118 |
| ✓ Maria SZUPPE, <i>The Female Intellectual Milieu in Timurid and Post-Timurid Herāt: Faxri Haravi's Biography of Poetesses Javāher al-'Ajāyeb</i> | 119-137 |
| <hr/> | |
| ✓ François DE BLOIS, <i>A Bilingual poem by Hāfiz</i> | 379-384 |
| ✓ Paola ORSATTI, <i>The Ḥamsah "quintet" by Ḡamālī: Reply to Nizāmī between the Timurids and the Qarā Qoyunlu</i> | 385-413 |
| ✓ Christoph Johann BÜRGE, <i>Ḡāmī's Epic Poem on Alexander the Great. An Introduction</i> | 415-438 |
| ✓ Orazgozel MACHAEVA, <i>La melodia dei tempi passati. Quattro discorsi di 'Alī Šīr Navā'ī</i> | 439-461 |
| ✓ Gönül TEKIN, <i>The Motif of "Cypress-River-Beloved one-Garden" in Nevā'ī's and Aḥmad Pāšā's Poetry and its Archetype</i> | 463-483 |
| <hr/> | |
| ✓ Monica RUOCCO, <i>Ibn Ḥaldūn e Tamerlano: la rilettura dello storico incontro in un recente lavoro del teatro arabo</i> | 517-529 |

- Ensa b
 - Timurular
 - Herat
 - Hafiz i Simgi
 - Nizamiy Gencer Volume I
 - Cami Abdurrahman (Storia - I Timuridi e l'Occidente)
 - Ali şir Nevai
 ibn Haldun

MADDE YAYINLANDIRAN
 SONRA GELEN DOKÜMAN

30 NİS 2010

9 EYLUL 2007

277-235

Hafiz Sinage

نشریه
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تبریز

۳-۴
پائیز و زمستان ۱۳۷۱
سال ۳۵ شماره ۶ مسلسل ۱۴۴-۱۴۵

قیمت : ۶۰۰ ریال

دکتر سید یحیی یثربی *

جبر و اختیار

نمونه ای از

مشکل اساسی شارحان دیوان حافظ

یک : ظرایف عرفان ، رازشکوه شعر حافظ

"هیچ دیوان به از دیوان حافظ

نیست اگر مرد صوفی باشد."

(جامی)^۱

بی تردید دیوان حافظ ، ماندگاری و نفوذ و شکوهش را ، بی——ش از
لفظ مدیون معنی است. کلام حافظ از مقبولیت خاصی برخوردار است که
جز با عنایت الهی و الهام بدست نمی آید که :

"قبول خاطر اندر دست کس نیست"^۲

خود حافظ نیز در برابر حاسدان براین نکته تأکید می کند :

"قبول خاطر و لطف سخن خداداد است"^۳

استاد عزیز دکتر منوچهر مرتضوی ، شایسته ترین تعریف شعر
حافظ را در تعریف اسپنسر از موسیقی یافته ، آن را با تصرفی به این
صورت مطرح کرده اند :

KADDE YAYINLANDIRILAN
SONRA GELEN DOKÜMANRuzbihan el-Bahlî
- Hafiz - Sema

۵۵۵۵



از روزبهان تا حافظ

نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو

(عاشقان) در مزگت کوچۀ یار مناجاتی
باشند و در صومعه زهاد خراباتی باشند
(عبرالعاشقین، ص ۵۳)

روزبهان بقلی (متوفی ۶۰۶ هـ) معروف به شیخ شطّاح^۱ از صوفیان آزادمنش است که در سیر مکتب تصوّف ایرانی یا عرفان آن گونه که در ادبیّات فارسی منعکس شده است و به عبارت دیگر تصوّف عاشقانه شخصیت برجسته‌ای است، و اگر این نکته را در نظر بگیریم که حاصل همه گرایشهای عارفانۀ اسلامی و ایرانی در دیوان حافظ (متوفی ۷۹۲ هـ) انعکاس یافته، و با توجّه به تأکید استواری که حافظ بر عشق در مراحل گونه‌گون آن دارد، ارتباط

فکری این دو، که همولایتی بوده‌اند و به فاصله تقریباً دو قرن از یکدیگر می‌زیسته‌اند، قابل فهم و تصوّر خواهد بود.

ستایش حافظ از عشق معلوم است و روزبهان نیز برای شریعت و طریقت و حقیقت محمل و محوری جز عشق نمی‌شناخته است، و عجب نیست که در روایاتی افسانه‌ای (که به وجهی بازتاب حقیقت است) حافظ را مرید «پیر گلرنگ»^۲ انگاشته‌اند^۳ و پیر گلرنگ را از مرشدان سلسله روزبهانیّه پنداشته‌اند و بعضی دیگر پیر گلرنگ را همان «عقل سرخ»^۴ سهروردی فرض کرده‌اند^۵، حال آنکه در بادی نظر و مدلول ظاهر پیر گلرنگ همان شراب کهنه سرخ فام است.

از این که بگذریم، بر شباهت اندیشه‌های این دو عارف شواهد دیگری هست. روزبهان، همچنانکه تصریح کرده‌اند، «عشق شدیدی به صور زیبا و جامه‌های آراسته داشته است. فرشتگان در نظر او مانند زنان، گیسو و گوشوار و مروارید و حجاب نورانی دارند و حوریان پاهای خود را می‌آرایند». بعلاوه، روزبهان به موسیقی علاقه‌مند بود، فرشتگان در نظر وی طنبور و مزممار و انبیا صور داشته‌اند. حضرت الوهیت در نظر روزبهان همچون گلی سرخ است که همه منظره را فرا می‌گیرد... گل‌های سپید و سرخ بیننده را احاطه می‌کنند، رنگ غالب در رؤیاهای روزبهان رنگ قرمز باده و خون است.^۶

آیا تا همین جا کسانی که با فضای دیوان حافظ آشنایی دارند تصوّر نمی‌کنند که توصیفات فوق راجع به اوست؟ اگر این نکته به ذهن بیاید که روزبهان ظاهراً «مشبه» بوده و حافظ اهل تنزیه، باید گفت این ایراد از هر دو جهت کاملاً وارد نیست، زیرا تصوّر روزبهان از عوالم معنوی در قوالب زیبا و صور دلر با چیزی است غیر از تشبیه‌گرایی عامیانه که مورد انکار عارفان دین‌شناس هم هست و از سوی دیگر حافظ نیز همین تخیلات و تصوّرات را داشته، گیرم که در مرتبه دیگری بوده است یا در همان حال آن تصوّر را که مربوط به عالم مثال است ردّ می‌کرده است، و این زمانی است که عارف به حقایق ناب راه می‌برد.^۷ پیداست که در این مرتبه بر شطح و شطّاحان نیز می‌تازد، هر چند خود نیز در مقام دیگر شطّاح است، و البته به تعبیر روزبهان «شطّاح طربناک»^۸.

روزبهان و حافظ هر دو مراحل ریاضت سلوک را گذرانده‌اند^۹ و هر دو در روایات افسانه‌ای با پیشه‌وران و عوام الناس و نیز مسلک‌های تصوّف عامیانه (فتوّت) ارتباط دارند^{۱۰}، هر دو شعر عامیانه دارند، هر دو در عین تعمّق در مسلمانی و ژرف‌کاوهای قرآنی^{۱۱}، پارسی‌گرایی و ایرانی‌مآبند.^{۱۲} اما در روش زندگی متفاوت بوده‌اند و لذا تفاوت‌هایی هم در

حال الفصل متوقعاً لعلك تشم من روائح الواجدین و تسیر بسیر المفردین المجددین.

(۶) قد أوصيتك بعبارة المتصوفة: فاحفظ وصيتي و اتق الله عزوجل في حرركاتك و خطراتك و جميع اوقاتك.

(۷) وأوصيك بالله سبحانه إذا خلوت و بكتابه إذا تلوت و برسوله صلى الله عليه و سلم إذا اقتديت.

(۸) ثم أجمع بين الذكر والتذكار و بين الجهر^۱ والاسرار، ولا يذهبن الايام والليالي عنك عطلاً، ف «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (۱۶: ۱۲۸).

نفّعك الله بوصيتي، فقد طوّقتك. ووصيتي حجة عليك و تذكرة لى عندك. فلاتنساني في الدعاء حياً أم ميتاً، إن شاء الله.

(۳)

[۱۱۳] (۱) و قال رضى الله عنه*: كَانَ التَّصَوُّفُ عِبَادَةً وَإِرَادَةً وَإِبَادَةً^۱، فصار في الوقت جلادة و كيادة و نكادة.

(۲) و قال رضى الله عنه: كَانَ التَّصَوُّفُ سِيَّاسَةً وَجِرَاسَةً، فَصَارَ فِي الْوَقْتِ وَقَاحَةً وَخُسَّاسَةً.

(۳) و قال رضى الله عنه: الْحَسُودُ خَصَمٌ لِلْقَاضِي وَالْقَضَاءُ يَقْبَلُهُ.

(۴) و قال رضى الله عنه: أَمْرُ الْمَرَارَاتِ غَرِيْبَةٌ مُزِجَتْ بِخَيْرَةٍ، وَأَرْوَحُ الرِّاحَاتِ سُورُورٌ مُزِجٌ^۲ بِمَحَبَّةٍ وَ أَلْطَفُ الْحَالَاتِ حُزْنٌ مُزِجٌ بِفَكْرَةٍ.

(۵) و قال: معاشر القاصدين إلى الله جل و عز، إن فاتكم الله عز و جل فلا يفوتنكم^۳ أمره، و إن فاتكم معرفته فلا يفوتنكم ذكره، و إن فاتكم حرمة فلا يفوتنكم خدمته، و إن فاتكم وجوده فلا يفوتنكم مجهوده.

۱. در اصل: الجهد.

۲. کذا در نسخه، ولی شاید هم «إياداة» بوده باشد.

۳. در اصل: مزج.

۴. در اصل: فلا يفوتكم.

2 TEM 2003

معارف، دوره هشتم، شماره ۲، مرداد - آبان ۱۳۷۰ | ۱۹۹۱ شمسی

YAYINLANMIŞTIR
KUTUPHANESİ

Hafiz, Sinaz

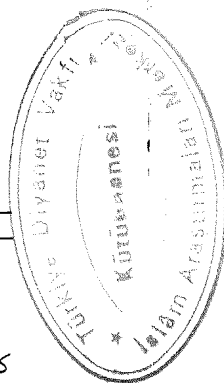
۵۹۳۹

نگاهی به چهار نسخه خطی دیوان حافظ

متعلق به کتابخانه دانشگاه لیدن

محمد کریم اشراق

کتابخانه دانشگاه شهر لیدن در هلند، یکی از معتبرترین ذخائر کتب خطی عربی و ترکی و فارسی را در اروپا داراست. ذخائر کتابهای شرقی این کتابخانه حاصل زحمات و دلسوزی و دانش دوستی گروهی از خاورشناسان هلندی است که با کمک حکومتها و دولتهای وقت هلند، تقریباً از سده شانزدهم میلادی، خصوصاً اواخر آن، به کار پرداخته اند. با توسعه نفوذ سیاسی و گسترش قدرت اقتصادی دولتهای اروپایی در آسیا و دریای بنیانگذاری کرسیهای آموزش زبان و ادبیات عربی و دیگر زبانهای شرقی در دانشگاههای ایتالیا، فرانسه، انگلستان و آلمان، دانشگاه لیدن^۱ نیز به این جمع پیوست و با آغاز «عصر طلایی»^۲ در هلند، استادان



(of Beliefs. p. 375) با الحاق لطیف رمزگرایی آن به روایت سیفر پیدایش توسط فیلون است:

De opificio mundi, § 53, trans. Coison and Whitaker [Loeb Classical Library, Philo I], London 1929, p. 121.

«وقتی که زن نیز ساخته شد، [آدم] چهره‌ای همانند صورتی مشابه خود دید. پس از دیدن او شاد شد و به او نزدیک گردید و سلام گفت. زن، که موجود زنده‌ای شبیه خودش غیر از او نمی‌دید مسرور شد و با شرم به سلام او پاسخ گفت. پس، عشق آمد و این نیمه‌های تقسیم شده را که در اصل مخلوقی واحد بودند با یکدیگر یکی ساخت، و در هر يك از آنها اشتیاقی برای دوستی با دیگری قرار داد تا مانند خودشان را تولید کنند.»



لقمان

نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه

سال ششم، شماره دوم

با مطالب زیر منتشر شد:

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------|
| نگاهی دیگر به فردوسی | نصرالله پورجوادی |
| سرنوشت در شاهنامه فردوسی | جواد حدیدی |
| شاهنامه، مبارزه علیه «از خود بیگانگی» | میشل کویی پرس |
| شاهنامه مورخ ۶۱۴ ق. در فلورانس | آنجلو میکله‌بی‌یه‌مونته |
| روایت لکی یکی از داستانهای شاهنامه | حمید ایزدیناه |
| واژه‌های عربی شاهنامه | ع. روح‌بخشان |
| نگاره‌های شاهنامه‌ای | محمدجعفر معین‌فر |
| کتابشناسی | فرامرز طالبی |
| اخبار علمی، فرهنگی و هنری | |

Hafiz - Saraji

5933

تفسیری شیعی

از يك غزل حافظ

با معرفی علیرضا ذکاوتی قراگزلو

اخيراً به رساله عرفانی کوچکی برخوردم که از جهت احتوای آن بر شرح غزلی از حافظ، طبق مذاق عرفای متأخر شیعه، نظر مرا به خود جلب کرد. نام این رساله آنچنانکه در صفحه دوم از متن چاپی مورد مراجعه ما آمده رشف العسل و کشف الغزل است. شیخ آقا بزرگ تهرانی نام آن را در التدریج با تفاوتی جزئی ضبط کرده است و از نوشته او بر می‌آید که رساله را (چاپی یا خطی) شخصاً ندیده است. می‌نویسد: «رشف العسل فی کشف الغزل، فارسی فی الاخلاق، طبع فی مجموعه فیها البحر الصافی فی شرح الوافی فی العروض، وهو شرح لغزل الحافظ: دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را... وهو للسید محمد بن الحسن الحسینی الهندی المشهدی المتوفی ۱۳۲۲ [ق] وهو والد السید یحیی المعاصر، وقد حدثنی بهذا التصنيف لوالده» (التدریج، ج ۱۱، ص ۲۳۸).

Hafiz Sima'i

The world's pleasance: Ḥāfiz's allegorical gardens

JULIE SCOTT MEISAMI

TEH 2007

Dar chaman har varaqī daftar-i ḥālī digar-ast;
ḥayf bāshad kih zi kār-i hamah ghāfil bāshī.

(In the meadow, every petal is the book of a different state:
what a pity should you remain ignorant of them all!)¹

This paper proposes to discuss the allegorical use of garden imagery by the fourteenth-century Persian court poet Ḥāfiz, the acknowledged master of the brief lyric form known as *ghazal*. Allegorical gardens abound in the literatures of many different places and times; but especially in the literatures of medieval Europe, less so (though still important) in those of the medieval Islamic world. In both traditions they reflect certain characteristic attitudes of medieval thought with regard to the symbolic significance of gardens. Ḥāfiz, however, is unique among the court poets of his time in emphasizing the allegorical nature of the garden within the context of the courtly *ghazal* dealing primarily with erotic and panegyric topics; he thus finds a closer kinship than his contemporaries with medieval European lyric poets who found in the garden a rich store of symbolic imagery.

Elsewhere I have discussed Ḥāfiz's allegorical techniques and their similarity to those of medieval European poets, and the view that his work contains a number of important allegorical 'constructs' made up of groups of interrelated metaphors which recur and interact throughout his poems.² One of the most significant of these constructs is the garden, recognition of the allegoricity of which bears importantly on problems concerning the interpretation of his poetry. In view of the significance of this hitherto neglected aspect of Ḥāfiz's poetic style, its investigation should not only shed new light upon the poet himself and his relation to his own tradition, but contribute new and valuable material to the comparative study of allegorical gardens in the context of world literature in general, and especially of courtly poetry of the medieval period in both East and West.

فهرست مندرجات

ایران نامه

سال ششم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۶۷

ویژه نامه

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

مقاله ها:

۵۲۱	محمد علی اسلامی ندوشن	شیوه شاعری حافظ
۵۵۹	فرهنگ جهانپور	حافظ و امرسن
۵۶۵	جلال خالقی مطلق	حافظ و حماسه ملی ایران این همه نقش در آئینه اوهام:
۵۷۴	حمید دباشی	تعبیری بر تعبیرات حافظ
۵۹۷	جلال متینی	دیوان حافظ میراث گرانقدر فرهنگی ما
۶۴۲		[نامه ای بجای مقاله]

برگزیده ها:

۶۶۲	بهاء الدین خرّمشاهی	میل حافظ به گناه
-----	---------------------	------------------

نامه ها و اظهار نظرها:

۶۹۱	احمد میر علائی، ج.م.، جواد حبیبیون، گیتی نشأت، هوشنگ وصال، محمد زرنگار، پروانه بهشتی، حسین فرهودی، شایان آریا
-----	---

11 AGUSTOS 1993

Harfizi Sirozo
Gothe

GOETHE VE HÂFİZ

Prof. Dr. MELÂHAT ÖZGÜ

(Dil ve Tarih - Coğrafya Fakültesi)

Almanlar, bir şahsiyetin değerini belirtmek istedikleri zaman, GOETHE'nin şu beytini tekrar ederler:

*“Höchstes Glück der Erdenkinder
Sei nur die Persönlichkeit.”*

“İnsan oğlunun erişebileceği en büyük saadet şahsiyet sahibi olmaktır¹. Bunu söyleyen şair, işte böyle bir saadete erişmişti: O, bir şahsiyetti; şahsiyetini eserleriyle kazanmıştı. Şiirleri, dramları, romanları, mektupları, hatıraları ve konuşmaları tesbit edilmiş fikirleri, görüşleri zengin vesikalarda bize kadar gelmiş kısmen de dilimize çevrilmiştir. Onun bütün kudreti şiirindedir. Seksenüç yıllık hayatının sonucu olan “Faust”u da, şiir zenginliğinden dolayı hiç bir dile gerektiği gibi çevrilememiştir. Böyle olmakla beraber, dünya çapında bir eser olduğunu bütün milletlere duyurmuştur. İşte böyle dünya çapında kuvvetli eserler yaratan bir şahsiyet, acaba aynı kudrette bir ikinci şahsiyete rasladığı zaman, onu nasıl kavrar? Nasıl anlar? İkincisi, birincisinin üzerine nasıl tesir eder? Bu soruları, GOETHE'nin HÂFİZ ile karşılaşması çok güzel bir şekilde cevaplandırıyor.

Viyana'da, Avrupa'ya yeni bir şekil vermek için çarpışılırken, Fransa'da, bir kiral tahttan indirilip bir ikincisi tahta çıkarılırken, Korsikalı Cihangir, son defa olmak üzere bütün bir kıt'ayı dehşet içinde sarsarken, ² Almanya'nın GOETHE'si hatıra defterine, Doğu ilmi alanında yayınlanmış eserlerin adlarını sıralıyordu. Onun haftalarca okuduğu, seyahatlarında bile yanından ayırmadığı bir eser vardı. Bu eser, kendisini sadece mekân bakımından değil, zaman bakımından da uzaklara, XIV. yüzyılın İran şiirine, edebiyat dünyasında HÂFİZ diye tanınan ŞEMSÜ'D-DİN MUHAMMED ŞİRÂZİ'ye götürdü³. Eser, HÂFİZ'in “Dîvan”ı idi; Almanca'ya, bizim de kendisini Osmanlı tarihi müellifi olarak çok iyi tanıdığımız, tarihçi HAMMER tarafından çevrilmişti⁴. GOETHE'nin bu *Divan* tercümesi üzerindeki çalışması, onun yaratıcılığına tesir etti, şahsiyetinin tamamlanmasına yardım etti. Bunu kendi de itiraf eder :

¹ “West-östlicher Divan” (Süleika Nameh).

² 1814'de, NAPOLEON tahttan feragat ediyor ve Elbe adasına geliyor. Müttefiklerle Fransa, Viyana'da Kongre halinde Avrupa sulhunu tesis etmek için çalışmalara başlıyorlar. Bu sırada da Fransa tahtına XVIII. LOUIS çıkmış bulunuyor. Fakat NAPOLEON, küçük bir mâyetle Elbe adasından Fransa sahillerine çıkıyor. Alplerde Grenoble civarında kendisine karşı gönderilmiş bulunan kiralık ordusunu ikna ederek kendi tarafına kazanıyor ve Paris üzerine yürüyor. Kiral kaçıyor, NAPOLEON tekrar İmparator oluyor. Viyana Kongresi inkıtaa uğruyor. Müttefiklerle Fransa arasında harp tekrar başlıyor. NAPOLEON, Waterloo muharebesini kaybediyor. Bunun üzerine İngilizlere teslim oluyor. Fransa Tahtına XVIII. LOUIS tekrar geliyor. Viyana Kongresi tekrar toplanıyor. 1815.

³ Ölümü 1389-veya 1390.

⁴ “Der Diwan von Mohammed Schemsed-din Hafis.” Aus dem Persischen zum erstenmal ganz übersetzt von Joseph v. Hammer. 2 Teile. Stuttgart und Tübingen. 1812-1813. - Dilimize ABDULBAKİ GÖLPINARLI tarafından çevrilmiştir. M. E. B. Dünya Edebiyatından Tercümeler, Şark-İslâm Klâsikleri : 4.

HĀFEZ :

ABIDI, S.A.H. : Hafiz and India. *Indo-Iranica* 31 iii-iv
(1978) pp. 1-36.

AGHA Khan : Hafiz and the place of Iranian culture in
the world. *Great Britain and East*, Vol. 47, 1936 pp.
726-27.

ALI NAGHI, Mirza : Poesies persanes de Hafiz. *ROA.*, t. 2,
1859, pp. 148-164.

ATABAY, C. (transl.) : Hafiz liebesgedichte. Hamburg
1965 68 p.

BAHRAMI, Dabir-e A'zam : Lecture at the Tomb of Hafez
on the occasion of its construction (in Persian with
English summary) *Irani Memm.* Vol. (Bombay 1948),
Pers. sect., 126-136.

Kitābsināsi-yi Īrān, c. VII (1366 H.S.)

Tāhrān, s. 897-916. 06 MAYIS 1993

- BARAKAEVA, G.B., DEMIDCHIK, V.P. : Zametki k perevodam Khafiza na angliyskiy yazyk. *Uchenye zapiski, Tadzh. Gos. Univ., seriya filol.* 4(1971), pp. 82-87.
- BARB, A.H. : Naurüs-Blätter. Ein Neujahrsgeschenk für Freunde morgenländischen Wissens und Schriftenthums. Wien 1848. XII, 108. Enthalt: Hafys's Leben und Wirken; Übersetzungen aus Hafys.
- BASHIRI, Iraj : Hafiz and the Sufic ghazal. *Studies in Islam* 16 (1979) pp. 34-67.
- BASHIRI, Iraj : Hafiz Shirazi Turk: a structuralist's point of view. Part 1. *MW* 69 (1979) pp. 178-197:248-268.
- BATLIVALA, Sohrab H. : "Hafez of Shiraz, 1309-1389 A.C.; a study on the nature of his faith *Irani Mem.Vol.* y Bombay 1948 pp. 183-207.
- BAUSANI, A. : Sensibile e sovrasensibile nella poesia hafeziana. *Convegno intern.sulla poesia Häfez*. Rome 1976 (1978) pp. 5-31.
- BEČKA, Jiri : Shomuhamedov; Hafiz Sheroziy Haëti va izhodi Uzbekistan SSR. Tashkent. 92 p. *Ar.Or.* XXXIV, 1936 p. 269. (Review)
- BERGER, Rudolf : Die Liebeslieder des Hafis Aus dem Persischen von Rudolf Berger. 41 p. A.Scherz. Bern 1948 (Parnass Bucherei Nr. 77.)
- BETHGE, H. : Hafis. Leipzig 1910. 2. Aufl. 1920.
- BETHGE, Hans : Hafis. Nachdichtungen d.Lieder d.Hafis, 13-16.Tsd. 127 p. Insel-Verlag, Leipzig 1922. -8. Aufl. Stuttgart 1962.
- BĪGĪEV, Musa (transl.) : Hafiz, Dīvān...targāmasi Musa Bīgīev. Tatar. & Russ.pp. 145 Ishaq Kazan 1910.
- BLOMBERG, Erik : Hafis tolkad efter Hans Bethge av Erik-

- Blomberg 52 pp. Bonnier, Stockholm 1921.
- BREULIER, Adolphe : Trois gazals d'Hafiz traduit. *R.de l'Oreint, de l'Algerie et des colonies*, t. 17, 1855, pp. 30-36.
- BRIDGES, E. : From an ode by Hafiz. *New Statesman*. 16, 1920 p. 231.
- BROMS, Henri : Idän perintöä, Muhammed Šemseddin Hafiz. *Katsaus*, Helsinki 1957: 2, pp. 16-20.
- BROMS, H. : Two studies in the relations of Hafiz and the west. *SO* 39 (1968), 114 p.
- BROMS, H. : (Hafiz) Villipeura. Suomentant H.Broms. *Katsaus*, Helsinki 1961 5, pp. 7-9.
- BROMS, H. : Hafizin runoja. Suomentanut Henri Broms. Suomenitämaisen seuran kausantajuisia julkaisuja No. 14, pp. 48.
- BRUNET, A. (trad.) : Hafiz. Cantos de amor.Traduccion pp. 179.M. Arimany. Graf. Marina. Barcelona 1944.
- BÜRGE, J.C. : Drei-Hafis-Studien (Goethe und Hafis; Verstand und Liebe; Zwölf Ghaselen, übertragen und interpretiert). Bern 1975. 80p. (Schriften der literarischen Gesellschaft Bern, 11.). (Persian studies series 5.)
- BÜRGE, J.C. : Goethe und Hafiz. *Iranzamin*, 1 v-vi(1981-82) pp. 123-144.
- BÜRGE, J.C. : Le poète et la Poesie dans l'oeuvre de Häfez. *Convegno intern.sulla poesia di Häfez*. Roma 1976 (1978) pp. 73-98.
- BÜRGE, J.C. : Der Schöne Türke, immer noch missverstanden. Zu neuer Hafis-Literatur. *OLZ*. 75 (1980) cols. 106-111.
- CHEHABI, I. : Friedrich Bodenstedts Verdeutschung der -

Hafisischen Lieder. Köln. 1967.

CONVEGNO internazionale sulla poesia di Hafez, Roma 30-31 marzo 1976. Roma Accademia Nazionale dei Lincei.

FARZAD, M. : Critical remarks on the text of Hafez. *Convegno internat. Sulla poesia di Hafez*. Roma 1978 pp. 32-58.

DAUMER, G.F. : Gesammelte poetische Werke Herausgegeben V. L. Hirschberg. 1. Bd. Berlin 1924. Dichtungen des Morgenlandes, Hafis. Muhammad und seine Werke. Die Weisheit Israels. XV, 469 p.

DAUMER, G.Fr. : Hafis, eine Sammlung persischer Gedichte, nebst poetischen Zugaben aus verschiedenen Völkern und Ländern, von G.Fr. Daumer 1935. 141 p. Die kleine Jedermannsbücherei.

DAUMER, G.F. : Hafis. Sammlung persischer Gedichte. Deutsche Nachdichtung von G.F. Daumer. Birkhäuser, Basel 1945, 219 p.

DEBELYAK, Anton : Iz Hafizovich pesmi. Prevedel Anton Debelyak. Obzornik VII, 1952, Sht. 5 pp. 288-91.

DIETRICH, Rolf : Gedichte aus dem Diwan Gasalen, Qit'a, Vier-Zeilen Schenkenbuch. Engl. übertag. u. komment. von R. Dietrich. Kiel 1957.

DORDEVICA, Milasa : Hafiz, Seyh Sadii Shirazi Muserrefeddin, Johan Volfgang Gete. Spisi o književnosti i umetnosti. Ichor. prevod predgovor i komentar de Milasa Dordevica. Kultura I. Beograd 1959.

EILERS, W. : Hafisische Vierzeiler (Persisch und Deutsch). Nachdichtungen von Friedrich Rückert. Dessau/Leipzig 1940, 71 p.

ENGEL, E. : Der Sänger von Schiraz. Beilage zu Allgemeine Zeitung. München 1877, I, pp. 4090-92.

FISCHBACH, F. : Rosen aus Schiras, Hafis, der grösste

Lyriker des Orientes. Auszüge und Umarbeitungen der Überstzungen nebst Biographie. Allgemeine Ausgabe 219 p. Wiesbaden 1898.

FLEICHMANN, L. : Hafiz und Goethe. Orient, vo. 18, 1938, p. 86.

FOYER EPIDOTE : Revue mensuelle de folklore de litterature et de linguistique. Couronnée par l'Academie d'Athenes. Parait a Jannina. Paoprietaires: M.Manos et Demosthene Kokkinos Parue en 1961 (10e annee) onze fascicules de 90 a 150 pages. Poemes traduits de: La Fontaine, W. Stewens, Hafiz (in Greek).

FRANK, Eugen : Hans Bethges Hafis Sange. Oversat af Frank Eugen. pp. 138. Gyldendahl/København/ 1920.

FRIEDEL, J. : Des Divan Haphyz sämtliche Ghazelen oder Oden, welche mit dem Buchstaben Elif geschlossen werden. (Translated from the Latin version of Baron Rewiczki, by J. Friedel.) Rewiczki, K.E. Fragmente über die Literaturgeschichte der perser etc. 1783.

GEZA, Képes : Hafiz. Versek. Válogatta és perzsából fordította Kepes Géza. (Az utószót és a jegyzeteket írta Bodrogligeti Andras. Illusztrálta Kondor Lajos.) Magyar Helikon, Bekesmegyei Nyomda Gyoma. 102 pp. Budapest 1960.

GOETHE, J.W. Von : Noten und Abhandlungen zu besserem Verstandnis des West-Östlichen Diwan. (Various Editions.)

GOETHE, J.W. Von : West-Östlicher Diwan. (Various Editions.)

GOLL, J. & Hostinsky, O. : Hafiz: jeho zivot a jeho básně. Sbírka přednášek a rozprav. Serie 1, číslo 10. 1879.

GRIGSON, G. : Hafiz. People, Hawthorn Books, New York 1956, p. 184.

HAFEZ : Selected poems. Ed. and transl. by Y. Jamshidipur. Tehran 1963. 256 p., 12 coloured plates.

HAFIZ av Shiraz ved Bjarne Aagaard. pp. 101. Oslo 1927.

HAFIZ : Art Poétique. Revue bimensuelle de littérature et d'art. Directeur: Fr. Iliadés. Deuxième année. Parue en 1948, 18 fascicules. Poèmes traduits de...Hafiz.../ In Greek./

HAFIZ : Art. Revue mensuelle littéraire et scientifique paraissant à Constantinople. Redacteur en chef: Mme Maya Drossou. Parue en 1949. Poèmes traduits de: Baudelaire, Beyatti, R. Carrier, Hafiz, Fr. Jammes, Mevlana, Sadi, Visal, Verhaeren. /In Greek./

HAFIZ : Cyclopedia of World Authors. ed. by F.N.Magil. Harpers & Brothers, New York 1958. 467.

HAFIZ : Dievbijigais vers. Tulk. -n-L p.09, 28. Latviesu Zinatna un literatura 1908-1909.

HAFIZ : Diwan. Aus dem Persischen zum erstenmal ganz übersetzt von J. von Hammer (-Purgstall). 2 Bde. Stuttgart 1812--1813--Neudruck: 1973. 505, 578 p.

HAFIZ : Divan...targamasi Mūsā Bigiev. /Tatar. & Russ./ pp. 145. Ishāq Kazan 1910.

HAFIZ : Dolgo l'piršestva nam pravit'...per. K. Lipskerov V kn. : "Antologija tadzikskoj poezii", pp. 387-388. Moskva 1957; p. 301. Moskva 1951.

HAFIZ : Elämänviisaus. Hafiz itsestään. Suomentanut H. Broms. Katsaus, Helsinki 1959: 2, pp. 12-13.

HAFIZ : Epeiroitike estia. 1961. /Poems by Hāfiz translated/.

HAFIZ : Foyer Epidote. Revue mensuelle de folklore, de littérature et de linguistique. Couronnée par l'Académie d'Athènes. Parait à Jannina. Propriétaires: M. Manos et Demosthène Kokkīnos. Parue en 1961 (10 e an-

née): onze fascicules in-8, de 90 a 150 pages. Poèmes traduits de: La Fontaine, W. Stewens, Hafiz. /In Greek./

HAFIZ : Gazele perskiego poety Hafiza w wolnym przekładzie z perskiego, Jan Nepomucen Wiernikowski. Birut, tom. II, Wilno 1838, pp. 41-49.

HAFIZ : Gazel. Przełoży Franciszek Machalski. Etudes Iraniennes *Studia iranica*, tom. II, Teheran 1944, pp. 142-143.

HAFIZ : Gazele. Przełożył z perskiego Ananiasz Zajaczkowski. *Przegląd orientalistyczny*, Warszawa, 1953: 4, pp. 233-236, 1954: 1, pp. 29-32, 1954: 3, p. 246, 1955: 1, pp. 73-76.

HAFIZ : Gazele wybrane Hafiza; z oryginału perskiego przełożył, przypisami opatrzył oraz rozprawa o twórczości Hafiza poprzedził Ananiasz Zajaczkowski. /Wyd. 1. /pp. 266. Pansewowe Wydawn. Naukowe, Warszawa 1957.

HAFIZ : Hafis, Dievbijigais vers. Tulk. -n-Lp 09 28. Latviesu Zinatna un literatura 1908-1909.

HAFIZ : Gedichte aus dem Divan. (Eingeleitet, übertr. und kommentiert von Rolf Dietrich Keil.) Düsseldorf: Diederichs, 1976.

HAFIZ : Gedichte aus den Diwan. Ausgewählt und Herausgegeben von J. Ch. Bürgel. Stuttgart 1972. 117 p.

HAFIZ : Gedichte aus dem Diwan. Hrsg. von Johann C. Bürgel. Stuttgart: Reclam, 1980. (Universal-Bibliothek, 9420.)

HAFIZ : Hafis. Kaerlighedsdigte. Ved Carl Kiersmeier. (Trykt i 300 nummererede Eksp. l.) pp. 32. 1919. 2 forøged. Udg. (Tegninger av Carl Henning-Pedersen). pp. Bernhard E. Klein, 1949.

HAFIZ : Liebesgedichte. Übertr. von Cyrus Atabay. Frankfurt a.M.: Insel, 1980. (Insel-Bucherei Nr. 1009.)

HAFIZ : Le livre d'or du Divan. Présenté et adapté par Pierre Saghers. Paris: Seghers, 1978.

HAFIZ : Hafis: Mladost starih dni. Prevedel Slavko J. Slavko Hočevar. Večer (18. VII). pp. 164. 1959.

HAFIZ : Hafis. Pludona tulk. J.Z. 141. A. Ginters. Latvijas zinātne un literatura 1933.

HAFIZ : Teachings of Hafiz. Transl. by Gertrude Lowthian Bell, with a preface by E. Denison Ross and an introduction by Idries Shah. London: Octagon Press, for the Sufi Trust, 1979.

HAFIZ : Hafis tolkad efter Hans Bethge av Erik Blomberg. pp. 52. Bonnier, Stockholm 1921.

HAFIZ : Hafiz dalai. A költő életrajzával. Persából fordította Erődi Harrach Béla. 1. kötet. Tettey és Társa, Kertész nyomda. pp. 4, 12, 175. Pest 1872.

HAFIZ : Hafiz dalai. Persából fordította Erődi Harrach Béla. Aigner, Magvar Nyomda. pp. 6, 165, II. Buda-Pest 1873. Hafiz összes költeményei. II. kötet.

HAFIZ : Hafiz Divánjából ghazelak és törédekek. Ford. és bev. Fábián Gábor. pp. XX, 21-164. Trattner ny., Pest 1824.

HAFIZ : Hafiz Seyh Sadii Sirazi Müşerrefeddin. Johan Wolfgang Gete. Spisi o književnosti i umetnosti. Icbor, prevod, predgovor i komentar de Milaša Dordevića. Kultura I. Beograd 1959.

HAFIZ : Hafiz the prince of Persian lyric poets. The Persian poets series. no.2. 1913, 37 p.

HAFIZ : Iz Hafizovih pesmi. Prevedel Anton Debeljak. Obzornik VII/1952 št. 5 pp. 288-291.

HAFIZ : Lirika. Per. S. farsí. (Predisl. I. Braginskogo) pp. 135. Goslitizdat, Moskva 1956.

HAFIZ : Lirika. Per. S. farsí. (Sost. M. Zand, S. Lipkin. Pod red. S. Šervinskogo). pp. 223. Goslitizdat, Moskva 1963.

HAFIZ , odes 1-75. Radif-e Dál. Edited with translation and notes by K.B. & D.J. Irani. Pers. & Engl. Bombay 1917.
-2nd ed. 2pt. Bombay 1925.

HAFIZ : Olen istunut rakastettujen luona. Suomentanut H. Broms. Katsaus. Helsinki 1963: 2, pp. 12-13.

HAFIZ : Olman (Ssr.J.). Sullima, (Een cyclus uit de gedichten van Hafis). Nagedicht door A.W.Grouls. Voor een gemengd en een mannenkoor. Amst., G. Alsbach, 1925.

HAFIZ : Pjat'desjat gazelej. /V novyh perevodah / Zvjagincevoj V. i Dr. Sostavlenie, vvodnyj očerk, kommentarii i primečanija I. Braginskogo./ pp. 147. Gos. izd-vo Tadzikskej SSR, Stalinabad 1949. (Klassiki tadzikskej literatury.)

HAFIZ : Pludoma tulk. J.Z. 141. A. Ginters Latvijas zinātne un literatūra 1933.

HAFIZ : Poete musulman *La Pensee, R. de la culture et de la mission éternelle*, no. 3, janvier 1963, pp. 76-81.

HAFIZ : Poietike tekhne. Athens 1948. (Poems by Hafiz translated).

HAFIZ : Richard Kuebes: Písne Hafizovy. Parafráze paské poesie Mohamada Sims-ed dina. Přeloženo na základě německého zpracovení Hanse Bethgeho. Obálka a úpreva Jaro slava Svába. Vydání první. pp. 98, II. Dr. K. Kolarové, Praha 1945.

HAFIZ : Runo. Suomentanut Henri Broms. Katsaus, Helsinki 1957; 2, p. 21.

HAFIZ : (Several ghazals translated in Latin, English and French in William Jones Works.) vol. 2, 4 and 5, London 1797-1799.

HAFIZ : Siráz rozzai. For., bev., magyarázta Rakovszky József. Tanácsics Mihály Irod. és Műv. Társ., Franklin nyomda. pp. 80. Budapest 1964.

HAFIZ : Specimen Poeseos Persicae, sive Muhammedis Schems-Eddini, notioris agnomine *Haphyzi* Ghazeliae, sive Odae sexdecim ex initio Divani depromptae, nunc primum Latinitate donatae cum metaphrasi ligata et soluta, paraphrasi item ac notis. By Count C.E.A. de Rewiczki. Pers. & Lat. pp. XLVIII, 16. Vindobonae 1771.

HAFIZ : Svetovna književnost. Izbrana dela in odlomski. Prva knjiga. Uredil Janko Kos s sodelovanjem Dusana Pirjevca in Staneta Mihelica. "Mladinska knjiga" 1962. pp. 398 + 15 tabli...perzijska književnost...Lirika Hafiz: Naj pogled mi le za hipec. Presladko, ljuba, se ne smeji. Glej Hafiz, da se nikdar ne predrsnos. (Prevodi Antona Debeljaka.) Umr! bi, c bi ne imel besede. (Prevod Leopolda Staneka.) Bedak, ki dvomiš o ljubezni. (Prevod Antona Debeljaka.) Za nekaj bogastev vem. Ko se nekoč bo moje srce. (Prevodi Vena Tauferja.)

HAFIZ : Százszorszépek. Heine, Hafiz, Mirza Saff, dalaiból. Ford. és bev. Berecz Károly. Emich ny. pp. XLII, 155, IV. Pest 1858. (A Szépirodalmi Közlöny könyvmelléklete 3.)

HAFIZ : Tekhne. Constantinople 1949. Poems by Hafiz translated.

HAFIZ : The Burning Bush, Poem. *Methuen Review*, vol. 108, 1925, p. 943.

HAFIZ : Trois gazals d'Hafiz traduit par Adolphe Breulier R. de l'Orient, de l'Algérie et des colonies, t. 17, 1855, pp. 30-36.

HAFIZ : Versek. Valogatta és perzsából fordította Kepes Géza. (Az utószot és a jegyzeteket írta Bodrogligeti András. Illusztrálta Kondor Lajos.) Magyar Helikon, Békésmegyei N. Gyoma. pp. 102. Budapest 1960.

HAFIZ : Viisauden ystäviä. Suomentanut Henri Broms. *Katsaus*, Helsinki 1962: 5, p. 12.

HAFIZ : Villipeura. Suomentanut Broms. H. *Katsaus*, Helsinki 1961: 5, pp. 7-9.

HAFIZ : Vingt poemes de Hafiz (traduits du persan par H. Masse) *Cinquantenaire de la Faculté des Lettres d'Alger* 1881-1931, pp. 343-356.

HAFIZ : Z divanu Hafize. Preložili dr. J.B. Kosut a Jaroslav Vrchlický. Poznamkami opatril Rudolf Dvorak. pp. 150. J. Otto, Praha 1881.

HARTMANN, A. Eine orthodoxe Polemik gegen Philosophen und Freidenker eine zeitgenössische Schrift gegen Hafiz? Mu'in ud-Din Yasdi und sein "Targama-yi rasf an-Nasā'ih". *Der Islam* 56 (1979) pp. 274-293.

HEMING, W.B. : Contribution to Mary Boyce, "A novel interpretation of Hafiz". *BSOAS*. XV, 2, 1953, pp. 283-7.

HENSCHKE, Alfred : Hafiz. Der Feueranbeter Klabund. München 1919.

HERBELOT, B.D. : Bibliothèque Oriental Article: Hafiz 1697.

HILLMANN, M.C. : Häfez and poetic unity through verse rhythms. *JNES* 31(1972), pp. 1-10.

HILLMANN, Michael C. : Unity in the ghazals of Häfez. Minneapolis and Chicago: Bibliotheca Islamica, 1976. (Studies in Middle Eastern literatures, 6.)

HOCKEY, S.M. : A concordance to the poems of Hafiz with output in Persian characters. *The Computer and Literary studies*, ed. A.J.Aitken, R.W.Bailey and N.Hamilton-Smith, Edinburgh, 1973, pp. 291-306.

HOLLANDA : Os gaseis d'Hafiz. Rio di Janeiro.

HOROVITZ, J. : Von der Liebe und des Weines Gottes Trunkenheit. *OLZ.* vol 26. Leipzig 1924, p. 28.

HOUMAN, Mahmoud : Hafez et Goethe. Preliminaire a une conception organique de l'univers. Dactylographiée, 148 ff. (Thèse. Lettres. Paris. 1954).

HYDE, Thomas : Hyde's Miscellanea ed. by Gregory Sharp. 1767 (One gazal translated in vol. 2.)

INAYAT KHAN: Khwaja Shams-ud-Din Muhamed Hafiz par... *Soufisme*, no. 4, avril 1928, pp. 1-8.

IRANI, D.J. : Hfiz and his Zorastrian Murshed. *Visva Bharati Quarterly Vaisakh* Vol. 3. 1925 pp. 269-75. (see 2nd vol.)

JACKSON, A.V. : Hafiz. Columbia University course in Lite Literature. vol. I. Warner Library New York 1928-1929.

JACOB, G. : Das Problem einer Hafis-Übersetzung. *Grenzboten.* vol. 79, 1920, 27 p.

JANSKY, Herbert : Hafis Muhammed Schemseddin in Ghazelen. Übertragen von Friedrich Rückert... gesammelt und Herausg. von Hermann Kreyenborg. Hyperionverlag München 1926. Beschreibung von H. Jansky. *OLZ.* Leipzig 1928. pp. 207-9.

JONES, William : Hafiz the Persian Lyric Poet. A selection, Translated by Sir William Jones, the orientaliste (etc.) *Roses of Parnasus* no. 13. 16 pp. T.N. Foulis. Edinburg-London 1906.

JONES, A. : Producing a concordance of the Divan of Hafez by computer. Report and reflection. *Convegno intern. sulla poesia di Hafez.* Roma 1976 (1978) pp. 99-110.

JONES, William : Several ghazals translated in Latin, English and French in William Jones works. vol. 2, 4 and 5, London 1797-1799.

JOVANOVIĆ, Jovan, called Zmaj : Sabrana dela. T. II. Selected poems of Hafiz, in a Serbocroatian verse translation by J. Jovanovic. 1935.

HOLLANDA : Os gaseis d'Hafis. Rio de Janeiro.

HYDE, Thomas : Hyde's Miscellanea, ed. by Gregory Sharo. 1767. /One ghazal of Hafiz translated in vol. 2./

KAROLY, Berecz : Szasszorszipek, Heine, Hafiz, Mirza Saffy dalaiból. Ford. és bev. Berecz Károly. Emichny pp. XLII 155, IV Pest 1858 (A Szepirodalmi Közlöny Könyvmelléklete 3.)

KEPES, Géza : Háfiz et Csokonai *Littérature hongroise. Litterature européenne*, Budapest 1964. pp. 287-303.

KHANLARI, P.N. : Hafiz de Chiraz. *Mel. L'Ame de l'Iran*, pp. 151-177.

KIPLING, R. : Certain maxims of Hafiz. Boston 1898.

KREYENBORG, H. : Hafis und Rukkert. *Kolnische Zeitung*, vol. 23/6. Köln 1925.

KRODERS, A. : Divas sozialdemokratijas. Hafiz, A. Ginters. *Latveesu zinatne un literatura* 1920, pp. 80-81.

KRYMSKYJ, A. : Hafyz ta jogo pisni v jogo ridnij Persii XIV . ta v Novij Evropi, Ukraïns'ka Akademiya Nauk, *Zbirnik istoricno-filologienogo Viddilu*, Kyïv 1924, pp. 5-9.

KUEBES, Richard : Pisně Háfizovy. Parafráze paské poesie Mohamada Sims-ed dina. Přeloženo na základě německího zpracovení Hanse Bethgeho. Obálka a úpreva Jaroslava Svaba-Vydání proni 98p. II. Dr. K. Kolavoe. Praha 1945.

LAGRANGE, Jean Baptiste Andre Grangert de : *Littérature persane, poésies d'Hafiz.* 6 p. (Extrait du *Mercurie étranger*, no.9 , 1813.

LAPIN, B.M. & HACREVIN, Z.L. : Hafiz. Novyj Hafiz. Per. Biblioteka Ogonëk, No. 764, no. 42. Moskva 1933.

LAW, Thomas : Hafiz, translated by Thomas Law. Asiatic miscellany vol. I, Calcutta 1785.

LENTZ, W. : Goethes Noten und Abhandlungen zum West-östlichen Divan. Hamburg, 176 p. Veröffentlichung der Joachim-Jungius Gesellschaft der Wissenschaften (Teilabdrucke in Studien zum West-östlichen Divan Goethes, hrsg. v. Edgar Lohner, *Wego der Forschung* 287, 1971, 92-106, 190-220). 1958.

LENTZ, W. : Deutsche Dichter begegnen Hafis Iran. Mitteilungen d.Inst. f. Auslandsbeziehungen. Jg. 10. Stuttgart pp. 263-67.

LESZCZYNSKI, G.L. : Hafiz von der Liebe und des Weines Gottes Trunkenheit. aus den Persischen herausgegeben und übersetzt von G. L. Leszczynski. Munchen 1921. 97 p. (See 2nd vol.)
-idem : Mit Illustrationen 1921.

LISTER, Henry B. : Divan of Hafiz, translated by Henry B. Lister. La Bohème Club, San Francisco 1950.

LISTER, Henry B. : Garlands from Hafiz. La Bohém Club, San Francisco. 1939, 22 p.

LISTER, Henry B. : Hafiz. Divan, in free verses. La Bohème Club, San Francisco. 1950 82 p.

MACHALSKI, Franciszek : Hafiz. Gazel. Przełoży Franciszek Machalski. *Etudes Iraniennes*. Studia iranske, tom II, Teheran 1944, pp. 142-143.

MC.Carthy, Justin Huntly : Selection from the Divan of Hafiz. Translated. Japanese vell. edit. (Only 500).

MAITRA, K.M. : Selection from the poetical works of Hafiz; an English translation of Gulshan-i Ma'ani... by K.M. Maitra pt.1. Punjab University College....-

Lahore 1933.

MARVIN, F.R. : Hafiz. Companionship of Books. pp. 67-73. G.P. Paitman's Sons. New York 1905.

MEISAMI, J.S. : Allegorical techniques in the Ghazals of Hafez. *Edebiyat*; 4 i (1979) pp. 1-40.

MEMON, A.A. : Diwan-i Hafiz; first fifty odes of Radif Dal...prescribed for the intermediate Art Examination 1937 by the Univ. of Bombay. Text. Engl. prose translation and notes. Karachi 1936. XVIII, 137 p.

MENINSKI, Franciscus Mesgnien : Linguarum Orientalium Turcicae. Arabicae, Persicae institutiones. Wien 1680. (one ghazal translated).

MINORSKY, V. : A. Guy; Les poèmes erotiques de Hafiz. (Review) in *JA*. juillet 1932 pp. 168-71.

MUHAMID HAMID ALLAH KHAN : The life and times of Hafiz of Shiraz. Allahabad 1892. 28 p.

MULLA, Dinshah Furdunji : Translation with explanation of the seventy five odes of Hafiz...Education Society's Press. Bombay 1891.

NAUMANN, Fr. : H. Bethge; Rose von Schiraz. *Die Hilfe* 16 Berlin 1922.

NOTICE of Hafiz. *Calcutta Review* vol. 26 pp. 398-414. Calcutta 1856.

OBBARD, Robert : Memoires of Hafiz. English translations of selections from Hafiz. Civil and Military Gazette press. Lahore 1921, III, 57 p.

OBBARD, Robert : More memoires of Hafiz English translations of selections from Hafiz. Civil & Milit.Gaz. P Press. Lahore 1922 IV, 81 p.

PATRIS, René : Hafiz, Poète neo-platonicien. *RDM.*, 1er Novembre 1948.

PAUL, Otto : Die Versform in Ruckerts Hafis-Übersetzung. *Studia Indo-Iranica Ehrengabe für Wilhelm Geiger*. Leipzig 1931.

PERSIAN (The) work of Muḥammad Shams-ud-Din Hafiz with his life. London 1791.

PLATEN, A.V. : Nachbildungen aus dem Diwan des Hafis (in) A.V. Platen's Sammelte Werke. Bd. 7. Leipzig 1910.

QAZI, Nabibakhsh : Die Mozaffari den in Iran. Ein Beitrag zur Hafiz-Forschung. Göttingen 1960.

RECUEIL des odes de Hafiz publié par Hill. *Magasin Encyclopedique*, 7ème année, 1801, t. 4, pp. 245

RICE, Le P.Cyp. : Hafiz de Shiraz et l'analyse de l'âme persane. *En terre d'Islam*, 1930 pp. 93-98.

RICHARDSON, John : Aspecimen of Persian poetry, or Odes of Hafez; with an English translation and paraphrase, chiefly from the 'Specimen Poeseos Persicae' of Baron Revizky, ...with historical and grammatical illustrations...by John Richardson. Pers. & Engl. London 1774 XVI, 68 p. (see 2nd. vol.)

RUDOW, W. : Hafis und sein Jünger Mirza Schaffy. *Internationale Literaturberichte*. Bd. III. Jg. 1896-98 pp. 181-97.

RYPKA, I. : Hafiz, Chems ed-Din Mohammed, Les poemes erotiques ou Ghazels. Übersetzt von A.Guy. *OLZ*. 32, Leipzig 1929 pp. 763-73.

RYPKA, J. : Szems-ed-Din Hafiz Szirazi, Gazeliyat, Gazele. Wybrał i z perskiego oryginalu położył Ananiasz Zajackowski. *Przegląd Orientalistyczny*. Rocznik spoteczno-naukowy Zeszt 2. 1949. Krakow 1950 Ar. Or. XIX, 1-2, 1951 pp. 316-17. (review)

SADIQ, Muhammad : Hafiz the Lyrist. *Iqbal* 16i (1967), pp. 30-53.

SAMSAMI, N. : Message of Hafez. *Poet Lore* vol. 53, 1974, pp. 263-270.

SARCIA, G. : Poesaggio hāfeziano. "*Convegno intern.sulla poesia di Hafez*" Roma 1976 (1978) pp. 111-28.

SCHAEDEER, H.H. : Goethes Erlebnis des Osten. Leipzig 1938 pp. 105-22.

SCHEFER, L. : Hafis in Hellas. Vom einem Hadschi 344 p. Hoffmann und Campe, Hamburg 1853.

SCHIMMEL, A. : Hafiz and his critics. *Studies in Islam* 16 (1979) pp. 1-33.

SCHNEIDER, R.H.E. : Gedichte aus dem Diwan Hafis. (Mit 10 Jugendstil-Ill.von F.H. Ernst Schneider. Eingeleitet, übertr. u.kommentiert von Rolf-Dietrich Keil). Neuausg Düsseldorf, Köln: Diederichs, 1976. 166 p. : Ill. ; 21 cm Einheitssacht. : Diwan (dt.).

SEIPPEL, Alexander : Omar Khajjam, Hafis og Karbkuhi. Persiske versetter...ved Alexander Seippel 96 p. IV. W.C. Fabritius & Söner, Oslo 1912.

SEKOWSKI, Jozefa : Diwani Chdza Hafyz Szirazi etc. Zbiór poezji Chodzy Hafyza z Szyrazu, sławnego rymotwórcy perskiego Przez Jozefa Sekowskiego. *Dziennik Wilenski* Wilno 1820, March, pp. 257-272.

SEKOWSKI, Josef & WIERNIKOWSKI, Jan : Wierze perskiego poety Hafiza. 1838.

SELECTIONS from the Rubaiyat and Odes of Hafiz, the Great Mystic and Lyric Poet of Persia. Collected from many old Persian manuscripts, rendered into English verse, Incl. account of Sufi mysticism. London, 1920.

SHAREGHI-BOROUJENI : Caveh. Herrscher und Dichter in Goethes und Hafis Diwan. Hamburg: H.Lüdke Verlag, 1979. (Geistesund sozialwissenschaftliche Dissertat-

ionen, 52.)

SHIRAZI, M.K. : Hafiz, his life and poetry. *Calcutta Review*, vol. 41. Calcutta pp. 221-246.

SHOMUHAMEDOV, S. : Hafiz and his humanism. *Yadname-ye Jan Rypka* (1967), pp. 133-140.

SHOMUHAMEDOV, Sh. : Hafiz Sheroziy. Haëti va izhodi (Hafiz of Shiraz. Life and work) Uzbekistan SSR. "Fan" Nashrieti. Toshkent. 92 p.

SIRAJUDDIN, Moulvi Seyed : Translation and notes...of Hafiz' Odes, 201-250;...by Moulvi syed Sirajuddin. Israelite Press, Poona. 1896. 68 p.

SLOMP, J. : The triangle: Hafiz, Goethe and Iqbal. *Main currents of contemporary thought in Pakistan*, ed. Hakim Mohammed Said, Karachi, 1973, vol. II, pp. 388-414.

SPARSAMANI, (Pseud.) : Divan-i Haphiz; translated by Sparsamani (Pseud.). Calcutta, R.P. Mitra and Sons 1960. VIII, 48 p.

STALLARD, P.L. : Renderings from the Dewan of khwaja Shamsu'ddin Muhammad Hafiz Shirazi, by P.L. Stallard. B. Blackwell, Oxford 1937. 36 p.

STATKOV, D. : Hafis, rubajat stihove. Prev. Septemvri, 1955, kn. 8, pp. 85-86. S kratki belezki za avtora na s. 87. Sofija 1955.

STELLA, M. : Hafiz, Aedo di Persia. "*Nuova Antologia*" Roma, 6. ser., vol. 242, 1925, pp. 159-170.

STREIT, Clarence K. : Hafiz the Tongue of the Hidden. N. Y. 1928.

STREIT, Clarence K. : Hafiz in quatrains; a transfusion, presenting the spirit of the Persian poet by C. K. Streit. 100p. New York. 1946. Revised edition of a translation first published in 1928 under the title:-

Hafiz the Tong of the Hidden.

SUDERMANN, W. : Hammer-Purgstalls Hafiz-Übersetzung und ihre Bedeutung für Goethes West-östlichen Divan. *Teoreticheskie problemui vostochnuikh literatur*, 1969, pp. 75-84.

SŪDĪ-Ī Bosnawī ; Šarh-i Diwān-i Hāfiz. 3 vols. Iskandariya (and) Bulaq 1250.

SÜSSHEIM, K. : Hafiz, Enzyklopaedie des Islam. 1927.

UNDERWOOD, E.W. : Mughanniname, Sakiname, poems translated by E. W. Underwood. *Poet Lore* vol. 21 1910 pp. 467-79.

VAHIDUDDIN, S. : Goethe, Hafiz and Iqbal: a comparative study in their creative life-styles. *Indo-Iranian studies*, ed. Fathullah Mujtabai, New Delhi, 1977, pp. 175-186.

WAHBI, S.M. : Šarh diwan-i Hafiz. (Diwan, mit türkischen Kommentaren von Sayyid M. Wahbi, und (am Rande) von Sūdī). 2 Bde. Konstantinopel 1288-89/1871-72. 768, 767 p. Fol.

WAHL, S.F. : Neue arabische Anthologie, Leipzig 1791 pp. 46-74. (Hafiz)

WAHRMUND, A. : Hafisens Tod, 500 jähriges Gedächtnis. Bayreuther Blätter, *Deutsche Zeitschrift im Geiste* R. Wagners. Vol. 12, 1889, pp. 385-417.

WERNER, W. : Hafislieder, West-östliches. 1 vol 2 pts. 610 p. L. Finsterlin, München 1912.

WIERNIKOWSKI, Jan Nepomucen : Gazele perskiego poety Hafiza w wolnym przekładzie z perskiego, *Jan Nepomucen Wiernikowski Birut* tom. II, Wilno 1838 pp. 41-49.

WERTHEIM, Ursula : Probleme der Hafis-Aneignung und Versuch einer Genrs--Bestimmung der Noten und Abhandlungen zum Westostlichen Divan. (1,2,...) Jena 1963, 221-

- gez. Bl.; gez. Bl. 222-483. (Maschinenschr.) Jena, Phil. F., Hab. Schr., v. 1. April 1963.
- WESENDONK, O.G.V. : Hafis, *Deutsche Allgemeine Zeitung* 23/4.
- WICKENS, G.M. : Hafiz. *Encyclopaedia of Islam*. vol. 3. Leiden 1965.
- WILHELM, Walter : Hafis, Gedichte. Übersetzt von W. Wilhelm. 96 p. Insel-Verlag, Leipzig 1969.
- WRIGHT, Thomas (transl.) : Rose-im-Hood; being principally a presentment in verse from various translations of the most striking thoughts of.... Hafiz by...with eleven illustrations by Cecil W. Paul Jones 32 p. T. Wright, Olney 1925.
- YOUSOFI, Gholam Hosein : Colors in the poetry of Hafez. *Edebiyat* 2 (1977) pp. 15-28.
- YOUSOFI, Gholam Hosein : The image of the rind in the poetry of Hafiz. *Bull. BAO N.S.* 9 (1977) pp. 22-29.
- ZAJACZKOWSKI, Ananiasz : Gazele. Przełożył z perskiego Ananiasz Zajaczkowski. *Przegląd orientalistyczny*, Warszawa, 1953, 4, pp. 233-36; 1954. 1, pp. 29-32 ; 1954, 3, p. 246; 1955, 1, pp. 73-76.
- ZAJACZKOWSKI, Ananiasz : Gazele wybrane Hafiza: z oryginału perskiego przełożył, przypisami opatrzył oraz rozprawa o twórczości Hafiza poprzedził Ananiasz Zajaczkowski. Wyd. 1. 266p. Państwowe Wydawn. Naukowe, Warszawa 1957.
- ZAJACZKOWSKI, Ananiasz : Gazelijāt. Gazele. Wybrał i z perskiego oryginału przełożył Ananiasz Zajaczkowski. Pers. & Pol. *Przegląd orientalistyczny*, Krakow, 1949, 2, pp. 31-50; 1950, 3, pp. 26-44.
- ZAJACZKOWSKI, Ananiasz : Z dziejów orientalizmu polskiego doby Mickiewiczowskiej, II. "Piesni" Hafiza. *Przegląd orientalistyczny*, Warszawa, 1954; 3, pp. 221-245.

- ZAKHIR, Sadzhad. : Geniy Khafiza. (The genius of Hafiz.) *NAA* 1976 (5), pp. 96-102.
- ZEYDEL, Edwin H. : Goethe and Hafis. *Monatshefte für deutschen Unterricht. deutsche Sprache und Literature.* vol. 49, Madison Wisc. 1957. pp. 305-7.
- ZAND, M.I. : Six centuries of Glory. Moscow 1967.
- ZVJAGINCEVA, V. : Hafiz. Blesk tvoj vek nepréstannym da budet. Per.V kn.: "Antologija tadzijskoj poezii", pp. 382-383. Moskva 1957, p. 396. Moskva 1951.
- ZVIAGINTSEVA, V. : Khafiz. Dushalish'sosud dlya vmeshchen'ia ee....Per V.Zviaginstva. V. kn. Antologia tajiks-koipoezii p. 383. Moskva 1957. p. 398, Moskva 1951.
- ZVIAGINTSEVA, V. etc. : Piatdesiat gazelei. V. novih perevodah V.Zviagintsevoi i dr. Sostavlenie, vvodnii ocherk, kommentarii i primechaniya I. Braginskogo. pp. 147. Gos. izd-vo Tajikskoi.SSR. Stalinabad 1949. (Klassiki Tajikskoi literaturi).
- ZVIAGINTSEVA, V. Hafiz. Tomljus' po sladostnym ustam.... Per. V kn.: *Antologija tadzijskoj poezii*, p. 384. Moskva 1957; p. 399. Moskva 1951.
- HÂTEF :
- DEFREMERY, C. : Trois odes mystiques du siyed Ahmed Hatif d'Ispahan (publiées, traduites, commentées). *JA.*, t. 48, 1856, pp. 130-147.
- JOUANNIN : Traduction de deux odes mystiques de Said-Ahmed-Hatif-Isfahani. *JA.*, t. 11, 1827, pp. 344-55.
- NAKHOSTIN, Mehdi : Tarji'-band. Return ties of existence. A sufi strophic poem. Translated in interpretive free verse Boulder 1975, 71 p.
- HALLAJ :

-Hafiz-i Shirazi

16 MART 1991

18 HADITH

HADITH, a technical term in Arabic used to designate those reports that claim to relate a saying or deed of the Prophet. Although of interest to the Muslim community from the beginning, it was not until the early ninth century that these prophetic traditions came to be viewed as an authoritative source for Muslim belief and practice, thanks largely to the efforts of al-Shafi'i and the traditionist movement. The study of these traditions, eventually gathered into written collections, became one of the most characteristic features of Muslim scholarship throughout the lands of Islam.

[See also Shafi'i and Shari'a.]

Alfred Guillaume, *The Traditions of Islam* (1924).
J. Robson, "Hadith," in *The Encyclopaedia of Islam*
(new ed., 1960-). MERLIN SWARTZ

* **HAFIZ** (1327-1391), literary name of Shams al-Din Muhammad Shirazi, by common consent the greatest and most popular poet of *ghazals* (lyrics) in the Persian language. As with many other poets of Iran, very little is known about his life. Efforts to glean references to his personal life from his poetry have always led to scholarly controversies that are often of little significance.

Hafiz's father, Baha al-Din, was a petty businessman from Isfahan who had settled in Shiraz, where Hafiz was born. The poet's mother was from Kazirun, a town to the southwest of Shiraz. The death of Baha al-Din left the family in dire poverty. Shams al-Din had to earn his living (reportedly as a baker's apprentice) at a young age, but he managed to receive a sound education in his hometown, which, despite repeated political turmoil, was still a major center of learning in the Islamic world. He mastered the Arabic language, studied religious sciences, and attained the status of *hafiz* (one who has learned the Qur'an by heart, hence his pen name, Hafiz). His poetry bears witness to his thorough knowledge of the early masters of Persian poetry.

Hafiz lived in troubled times, witnessing the fall of two dynasties. His first royal patron was Shaikh Abu Ishaq Inju, under whose liberal rule Hafiz seems to have enjoyed the comforts of life. But Abu Ishaq was defeated and killed in 1353 by the Muzaffarid Mubariz al-Din Muhammad, who decided to make Shiraz his capital. Muhammad was a ruthless religious zealot who had no use for Hafiz and his poetry, although his vizier seems to have patronized the poet. Muhammad's stern religious restrictions imposed on the wine-loving Shirazis gave him the sobriquet Muhtasib ("one who restricts") that Hafiz

has immortalized in more than one ode. But in 1358 he was deposed and blinded by his son, Shah Shoja, himself a poet of some merit. Hafiz could not but express his delight at the turn of events, but for reasons that are not entirely clear he lost the new monarch's favor and had to try his fortune at Isfahan and Yazd, other centers of Muzaffarid rule. Disappointed, he returned to Shiraz after a year or two, calling Yazd "Alexander's Prison." In 1387 Shiraz was captured by Timur, who reportedly had an encounter with the poet and, impressed with his wit, granted him royal favor.

Except for short sojourns in Isfahan and Yazd and a reported trip as far as Hormuz on the way to India, Hafiz spent all his life in his beloved Shiraz, which he has characterized as "Solomon's Dominion" (Mulk-i Sulayman). He is reported to have had a teaching job at a religious college in Shiraz, but his main source of income seems to have been the allowances and gifts he received from the court and the nobles whom he panegyricized. Particularly in his old age, however, he led a life of poverty. His poetry is rich in Sufi symbolism and imagery, but we have no report concerning his attachment to any particular Sufi order.

Hafiz died and was buried in Shiraz; his wife and son had predeceased him. His mausoleum (the Hafiziyya) in Shiraz is the best-known monument there and a site frequently visited by tourists. During the last ten years of the Pahlavi regime parts of the much-publicized annual art festival of Shiraz were held in the Hafiziyya.

[See also Shiraz; Inju Dynasty; Muzaffarid Dynasty; and Timur.]

A. J. Arberry, *Shiraz, the Persian City of Saints and Poets* (1960), pp. 139-168. E. G. Browne, *A Literary History of Persia* (1928), vol. 3, pp. 271-319. J. Rypka, *History of Iranian Literature* (1968), pp. 263-274. G. M. Wickens, "Hafiz," in *The Encyclopaedia of Islam* (new ed., 1960-). John D. Yohannan, *Persian Poetry in England and America: A Two Hundred Year History* (1977).

MANOUCHEHR KASHEFF

HAIBUTSU KISHAKU ("abolish Buddhism and destroy Buddhist images"), a slogan describing a surge of anti-Buddhist sentiment and attacks on Buddhism that swept through Japan in the first few years of the Meiji period (1868-1912). The movement to eradicate Buddhism was unleashed by the Meiji government's policy of separating Shinto from Buddhism (*shinbutsu bunri*) and elevating Shinto to the status of a national faith. It was intensified by

حافظ در میان هفتاد و دو ملت

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد
نقش هر پرده که زد راه به جایی دارد

اختلاف برداشت درباره حافظ از اختلاف در معنای تخلص او شروع می شود. بعضی «حافظ» را به معنای کسی که قرآن یا دست کم اختلاف قرائت‌های آن را از بر دارد می‌انگارند و بعضی «حافظ» را به معنای موسیقیدان و آوازخوان که شعر و تصنیف بسیار در یاد دارد، می‌گیرند. بدین گونه هم مطربان و هم مقریان حافظ را از خودشان می‌دانند و این نکته‌ای است که در مقدمه قدیم دیوان حافظ نیز آمده است: «مذاق عوام را به لفظ متین شیرین کرده و دهان خواص را به معنی مبین نمکین داشته، هم اصحاب ظاهر را بدو ابواب آشنایی گشوده و هم ارباب باطن را از او مواد روشنایی افزوده، در هر واقعه سخنی مناسب حال گفته... که سرخوشان کوی محبت را بر جاده معاشقت و نظر بازی داشته... و گاه دُردی کشان مصطفی ارادت را به ملازمت پیر دیر مغان و مجاورت بیت الحرام خرابات ترغیب کرده...». انعکاس سایه روشن اندیشه‌های رایج قرون وسطای ایران اسلامی در دیوان حافظ چنان است که نام یا نشانی از بیشتر فرقه‌ها و نحله‌ها و آراء و اهواء متنوع را در آن می‌توان یافت و عجب نیست که کسانی پیرو مسالک گونه‌گون هر يك به تقریبی حافظ را از خودشان شمرده‌اند.

اسماعیلیه، نقطویه، حروفیه

اسماعیلیه گویند سنائی و مولوی و شمس تبریز و حافظ، پنهانی عقیدت اسماعیلیه

کارم افتاد به آن پادشه کشور حسن
آن نگار عجمی چهره بداندسان افروخت
دست رد بر حشم قیصر و خاقان زده‌ام
کاتش آوردم و در خرمن ایمان زده‌ام
جامه زهد چو بر قامت من راست نبود
شیشه تقوی سی ساله به زندان زده‌ام

بعضی مآخذ این مقاله

شیخ محمداکرام، ارمغان يك (به زبان اردو)، ص ۷۷ و ۳۴۱، کراچی ۱۹۵۳؛ اردو دایره معارف اسلامی، مقاله دکتر سید عبدالله، ج ۱۱، ص ۶۵۰ تا ۶۵۴، لاہور ۱۹۷۵؛ دایره المعارف اسلامی (به زبان عربی)، مقاله شنتناوی و صدیقی، ج ۱۳، افست تهران؛ محمودخان شیرانی، تاریخ زبان و ادبیات اردو (در چهار مجلد)، ج ۲، ص ۴۸۳ به بعد، ج ۳، از صفحه اول به بعد و صفحه ۳۶۳، ج ۴، ص ۱۷۱ به بعد، اورنگ آباد ۱۹۲۱؛ دکتر رام بابو سکسینه، تاریخ ادب اردو، ترجمه از انگلیسی به اردو به قلم میرزا عسکری، ص ۶۵ تا ۷۷ و سایر صفحات، لکهنو ۱۹۲۹؛ علامه سیدسلیمان ندوی، حیات شبلی (به زبان اردو)، دارالمصنفین، اعظم گره ۱۹۸۳؛ شریف عبدالحی، نزہۃ الخواطر و بهجة السامع و المناظر (به زبان عربی در هشت مجلد) ج ۸، ص ۱۷۴ تا ۱۷۷، حیدرآباد ۱۹۷۰؛ ادوارد براون، تاریخ ادبیات فارسی (به زبان انگلیسی در چهار مجلد) ج ۳، ص ۱۰۸ تا ۲۸۰ (مرحوم علی اصغر حکمت این جلد را با عنوان از سعدی تا جامی به فارسی ترجمه کرده است، ص ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۲۹۰ و ۲۹۴... تهران ۱۳۲۷ ش.)؛ دکتر مهدی نوریان، «شعر العجم»، مسائل زبان فارسی، تهران ۱۳۶۵ ش.؛ مشایخ فریدی، «بیوستگیهای زبان فارسی و اردو»، همان نشریه، هو، «مبانی استقلال پاکستان»، مجله وزارت امور خارجه، فروردین ۱۳۳۸ ش.؛ هو، «ابوالکلام آزاد» کیهان فرهنگی، شماره پنجم، ۱۳۶۷ ش.؛ سیدمحمدتقی فخرداعی، مقدمه بر ترجمه مجلد اول شعرالعجم، تهران ۱۳۱۴ ش.؛ دکتر مهدی خواجہ پیری، «کتابخانه‌های لکهنو» مشکوة، شماره‌های ۱۸ و ۱۹، مشهد ۱۳۶۷ ش.؛ روح ادب اردو، نشریه «سندہ اکیدمی» - آکادمی سند - کراچی ۱۹۵۲؛ یادداشت‌های نویسنده از مأموریت‌های یازده ساله هند و پاکستان...

T. W. Arnold, *The Preaching of Islam*. p. 9, London 1913.

21 EKIM 1996

lement aux grands textes inspirateurs de Hâfez, parmi lesquels, pour le ghazal 9, dont l'interprétation est donnée en exemple, le *Elâhi-nâme* de 'Attâr. C.F.

689. [KAPPLER, Claire] KAPPLER, Claude-Claire. «La Beauté dans "Vis et Râmîn" : puissance transformatrice, appel à l'Eveil», in: Alma Giese & J. Christoph Bürgel eds., *Gott ist schön und Er liebt die Schönheit: Festschrift für Annemarie Schimmel zum 7. April 1992 dargebracht von Schülern, Freunden und Kollegen / God is beautiful and He loves beauty...* Bern, Peter Lang, 1994, pp. 305-329.

Le récit de l'amour entre Vis et Râmîn est ici repris et analysé comme l'itinéraire de deux âmes sur la voie d'une transformation non seulement humaine, mais aussi spirituelle, conduisant à la découverte du divin en soi. Le rôle transmutateur de la beauté en particulier est amené avec finesse comme l'une des clés de ce poème romanesque si célèbre comme œuvre simplement littéraire. P.L.

690. KHOJANDI, Sheykh Kamâl al-Din. *Divân, hamrâh bâ sharh-e hâl va zen-degâni*, éd., introd. et notes İraj Golesorkhi. Tehrân, Sorush, 1995/1374, 1290 p., en 2 vol.

[*Divân*, suivi d'une étude sur la vie et l'œuvre de Khojandi]

Edition fondée sur un manuscrit daté de 821/1418 du *Divân* du célèbre poète (voir l'article de M. Shaki, 'Kamâl Khudjandi', *EP* IV, 1978, p. 538-9), mort en 803/1408. La première édition, de Dowlatâbâdi, a paru à Moscou en 1975-6 en 4 vol. C.F.

691. KHORRAMSHÂHI, Bahâ' al-Din. «Esteshhâdhâ-ye zarîf be âyât-e Qor'ân». *Nashr-e Dânesht* 13, 6 (1372/1993) pp. 12-17.

[Exemples de citations de versets du Coran]

L'auteur rappelle les règles que Soyuti avait fixées pour un usage licite des citations du Coran dans des textes littéraires (*al-Ittiqân fî 'ulûm al-Qur'ân*), puis il donne des exemples tirés, pour l'arabe, d'Ibn Khalliqân (*Wafiyât al-a'yân*), et pour le persan, outre Anvari et Hâfez, surtout bien sûr Nezâmî 'Arûzi dans son célèbre chapitre des *Chehâr Maqâle*. Sujet immense pour lequel on aurait pu citer beaucoup d'auteurs (voir nos *Moralia*, Paris 1986, par exemple, pp. 151-153). C.F.

692. KHORRAMSHÂHI, Bahâ' al-Din. *Hâfez*. Tehrân, Tarh-e Now, 1373/1994, xiv-347 p., index (Boniyângozârân-e Farhang-e Emruz – Vizhe-ye Farhang-e Irân va Eslâm, 1)

Un ouvrage bien construit et riche en références, de la main d'un authentique spécialiste de Hâfez. Hâfez est pour lui un acteur éminent de l'histoire culturelle de l'Iran. Ainsi s'ouvre le volume, sur cette conviction qui en guidera l'écriture. Il est divisé en dix chapitres et muni d'une bibliographie riche et bien organisée. «Le temps de Hâfez» (chapitre 1, pp. 1-15) est celui des princes qu'il servit, sur lesquels l'essentiel nous est dit, de façon à bien repérer les références à eux décelables dans le *Divân*. Sur le «domaine culturel de Hâfez» (chap. 2, pp. 16-24), l'auteur dresse un tableau documenté des monuments de Shirâz témoins de la vie culturelle d'alors, puis des ouvrages en vogue dont on voit la trace dans le *Divân*, des sciences littéraires du VIII^e/XIV^e siècle, témoins du temps, ainsi que du savoir de Hâfez en sciences coraniques. Le chapitre 3 (pp. 55-97) est une étude thématique des positions de Hâfez aux prises avec les événements de son époque. Chaque notion mise en valeur est montrée insérée dans des citations appropriées. Sur «le style de Hâfez» (chap. 4, pp. 98-123), l'A. tente de montrer en quoi consiste l'originalité du poète. Peu à peu l'on est ainsi entraîné vers diverses études minutieuses sur «la pensée philosophique et théologique de Hâfez» (chap. 5, pp. 124-141), sur «la pensée religieuse et les croyances de Hâfez» (chap. 6, pp. 142-161), sur «la pensée mystique» (chap. 7, pp. 162-190), sur «les deux messages de Hâfez» concernant les notions de 'eshq et de rendi (chap. 8, pp. 191-214), sur «ce qu'il convient d'apprendre de Hâfez» (chap. 9, pp. 215-238), enfin sur les grands travaux réalisés sur l'œuvre de Hâfez

(chap. 10, pp. 239-337). B.Kh. a pris des positions fermes dont il fait état dans ce livre et qui ne font pas l'unanimité, mais il les défend en s'appuyant constamment sur le texte même du *Divân*. Ainsi sur la relation entre 'eshq et rendi, sur l'indépendance totale des beyts dans un ghazal (doctrine du *pâshânî*). Il parcourt avec une telle aisance et en tous sens le *Divân* qu'il n'a pas cru devoir donner les références à ses citations. Pour l'essentiel, on trouvera évoquées avec pertinence dans ce volume dense les questions majeures que pose la lecture du *Divân* de Hâfez. C.F.

693. KHWÂJUY KERMÂNÎ, Abu al-'Atâ Kamâl al-Din Mahmud. *Bargozide-ye Sâm-nâme*, présentation et choix de Mansur Rastegâr Fasâ'i. Shirâz, Enteshârât-e Navid-e Shirâz, 1991/1370, 128 p.

[Morceaux choisis du *Sâm-nâme*]

Khwâjuy-e Kermânî (689-750/1290-1349), qui a composé une *khamse* et un *Divân* (nommé *Sanâye' al-Kamâl*) a aussi écrit un *masnavi* sur Sâm-e Narimân, aïeul de Rostam, sur le mode de Ferdowsi. Khwâjuy a du talent, mais éclipsé par les grands entre lesquels il se trouve, surtout Sa'di et Hâfez. *Sâm-nâme* fut écrit avant *Homây-o Homâyun* et lui servit de lancement. Œuvre de jeunesse, le roman n'a pas le naturel de *Homây-o Homâyun*. Voir Z. Safâ, *Hamâse-sarâ'i*, p. 337. Discussions sur l'authenticité de *Sâm-nâme*, mais, avec Safâ, on ne peut en douter. Le *masnavi* est très long et raconte la quête de Sâm d'une fille de Chine, Pari-Dokht. Khwâjuy a beaucoup voyagé; cette épopée doit dater d'avant 732/1287, date de sa venue à Bagdad. *Sâm-nâme* marque la fin de l'épopée en persan. C.F.

694. [LÂHIJÎ, 'Abd al-Razzâq] FAYYÂZ LÂHIJÎ. *Divân*, éd., introd. et notes Jalil Mesgarnezhâd. Tehrân, Dâneshgâh-e 'Allâme-ye Tabâtabâ'i, 1994/1373, 636 p.

'Abd al-Razzâq Lâhijî (m. à Qom en 1072/1661) fut le gendre et disciple de Mollâ Sadrâ (voir Corbin, *Histoire de la philosophie islamique*, p. 471) et l'auteur du célèbre *Gowhar-e Morâd*. Jugement positif sur cette édition dans *Nashr-e Dânesht*, 15, 6 (1374/1995) p. 56. C.F.

695. LAZARD, Gilbert. «Le mètre épique baloutchi et les origines du *motaqâreb*», in: L. Johanson & B. Utas eds., *Arabic prosody and its applications in Muslim poetry*. Istanbul, Swedish Research Institute in Istanbul, 1994, pp. 81-90 (Transactions, 5).

L'auteur vérifie l'hypothèse qu'il avance, que le vers épique baloutchi, qui n'a pas subi l'influence de la métrique arabe, est la survivance du mètre épique usuel en moyen-persé occidental. La vérification se fait en comparant la formule générale du vers baloutchi à laquelle parvient l'auteur grâce à un minutieux décompte, et la formule générale du mètre *motaqâreb*, que tout le monde sait être un mètre syllabique iranien assujéti à la prosodie quantitative arabe. En particulier, l'identité de la finale (brève entre deux syllabes fortes) dans les deux cas est très significative, puisqu'il s'agit de la partie la plus sensible du vers. C.F.

696. [MANTAQI, «Ibn al-Hamid»] Yahyâ b. 'Adiyy b. Hamid b. Zakariyâ. *Tahzib al-akhlâq*, éd., introd., trad. persane et notes Seyyed Mohammad Dâmâdi. Tehrân, Mo'assese-ye Motâlâ'ât va Tahqîqât-e Farhangî (Pazhuheshgâh), 1992/1371, 2^e éd. revue et corrigée, 97 p., texte arabe p. 1-42, texte persan p. 43-97 (1^e éd., en arabe, Le Caire 1947)

[Le raffinement de la morale]

Déjà quatre fois publiées, les célèbres *Rasâ'il al-bulaghâ* ont été assemblées et publiées pour la première fois au Caire par Muhammad Kurd 'Ali en 1947 (viii-530 p.). La dernière de ces *risâla* (pp. 482-522), qui fait suite au célèbre Jâvidân Kherad, est l'œuvre d'un important secrétaire et traducteur. L'édition arabe du texte de ce *Kitâb Tahzib al-akhlâq* ne manquait pas de fautes. S.M. Dâmâdi la publie ici (pp. 1-42) correctement, puis la traduit en persan (pp. 43-97). Abu Zakariyâ Yahyâ b. 'Adiyy b. Hamid b. Zakariyâ Mantaqi (ob. ~ 364/974) était

Abstracta Iranica, 17-19 (1994-1996) Tehran, s. 228-229.

آشنایی با شیخ امین الدین بلیانی که شخصیتش تحت الشعاع عظمت شخصیت حافظ تاحدی مستور مانده است نیز مطمح نظر است. به همین سبب در اینجا کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه و دیوان حافظ مورد مقایسه قرار گرفته است. این کتاب، که در حقیقت سیرت نامه شیخ امین الدین بلیانی است، در سال ۷۴۷ ق به قلم محمود بن عثمان^۱ مرید و ملازم خاص او در پانزده باب تألیف یافته و مشتمل است بر احوال و آثار، ریاضات، نصایح، اذکار، اقوال، کرامات، سؤال و جوابها، مکاتبات، عقاید و افکار شیخ امین الدین و حوادث بعد از مرگ او. البته همان گونه که در سطور آینده خواهد آمد، شیخ امین الدین خود آثار مستقل از جمله دیوان شعر دارد، ولی به علت در دسترس نبودن آن آثار از یک طرف و مدون و منظم بودن اکثر اقوال او در مفتاح الهدایه این اثر برای بررسی و مقایسه در نظر گرفته شد.^۲

نخست باید بگوییم که بسیاری از مضامین و آراء مشترک حافظ و شیخ امین الدین را در آثار عرفای بزرگ قبل از قرن هشتم نیز می توان مشاهده کرد و اکثر شارحان دیوان حافظ و محققان اندیشه های او در مقام توضیح مطالب عرفانی اشعار او به ذکر این قبیل سوابق پرداخته اند، اما کمتر محقق و شارحی است که اندیشه های صوفیانه و عارفانه معاصران حافظ و بخصوص شیخ امین را در این زمینه در نظر گرفته باشد. در حالی که مقایسه ای اجمالی بین دیوان حافظ و مفتاح الهدایه... نشان می دهد که حافظ به شدت تحت تأثیر کتاب اخیر قرار داشته و از آن به عنوان یک اثر مقبول که در زمان او از شهرت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده بهره برده است، و از طریق این اثر با افکار شیخ امین الدین تماس داشته است و هرچند در بسیاری از موارد این تأثیرات در هاله ای از تصویرهای ادبی و شاعرانه حافظ قرار دارد، اما باز می توان اثر مفتاح الهدایه و افکار شیخ امین الدین را در اشعار او دید.

شیخ امین الدین، عارف بزرگ عصر حافظ، در سال ۶۶۸ ق در روستای بلیان از توابع کازرون به دنیا آمد و از همان کودکی زیر نظر پدر و عموی خود در جرگه اهل خانقاه در دامان ذکر و ریاضت و علم تربیت شد و از این طریق همانند پدر و اجداد پدری که همه از علما و مشایخ و عارفان زمان خود بودند،

۱. از احوال محمود بن عثمان اطلاع زیادی در دست نیست جز اینکه می دانیم وی مرید شیخ امین الدین بوده و مدت چهل سال ملازمت شیخ می کرده است و آثاری چون فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت نامه شیخ ابواسحاق کازرونی)، انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه (گزیده فردوس المرشدیه...)، جواهر الامینیه، جامع الدعوات لاهل الخلوات و مفتاح الهدایه و مصباح العنایه از آن اوست.

۲. تنها باب دهم این کتاب در این مقایسه مورد نظر است و قطعاً در سایر ابواب آن و همچنین دیگر آثار محمود بن عثمان نیز می توان افکار حافظ را ردیابی کرد.

Handwritten signature: Hafez Shirazi



شیخ امین الدین بلیانی و شمس الدین حافظ شیرازی

نوشته اسحاق طغیانی
(دانشگاه اصفهان)

یکی از ویژگیهای برجسته شمس الدین محمد حافظ شیرازی، شاعر بزرگ و اندیشمند قرن هشتم هجری، استفاده از اشعار، سخنان، اندیشه ها و عقاید بزرگان دیگر است. در مسئله تأثیر اندیشه های عرفانی، فلسفی، اجتماعی، دینی دیگران در شعر حافظ ظاهراً تحقیق مدونی صورت نپذیرفته است و اگرچه در آثار کسانی به شرح غزلیات، شخصیت و تاریخ زندگی حافظ همت گمارده اند اشاره هایی در این زمینه ها وجود دارد، ولی بررسی همه جانبه اشعار حافظ با این مقصود شاید تاکنون انجام نگرفته باشد و بخصوص از تأثیر معاصران حافظ و کسانی چون عماد فقیه، شاه نعمت الله ولی، باخرزی، امین الدین بلیانی و امثال آنان جز اشارات اندک چیزی در دست نیست.

در این مقاله نگارنده بر آن است که تأثیر عقاید و افکار یکی از شخصیت های معروف و صاحب نام عصر حافظ یعنی شیخ امین الدین بلیانی را در شعر خواجه شیراز بررسی کند و نشان دهد که آراء این صوفی و عارف بزرگ قرن هشتم تا چه اندازه در اندیشه و شعر او مؤثر بوده است. در این بررسی

- Adorno (T.W.), *Théorie esthétique*, paris, Klincksieck, Nouvelle édition, 1996, trad. De l'allemand par M.J imenez.
- Horkheimer (max) et Adorno (T.W.), *La dialectique de la Raison*, Paris, Gallimard, 1974, trad. De L'allemand par E. Kaufholz.
- Jimenez (Marc), *Adorno et la modernité, Vers une esthétique négative*, Paris, Klincksieck, 1986.
- Jimenez (Marc), *Crise de l'art ou consensus culturel?* Paris, Klincksieck, 1995.
- Menke (Christoph), *La souveraineté de L'art L'expérience esthétique après Adorno et Derrida*, Paris, A. Cogin, 1993, trad. P. Pusch.
- Rochlitz (Rainer), *Théories esthétiques après Adorno*, Arles, Actes Sud, 1990.
- Clément Elisabeth, *Pratique de La Philosophie de A à z*, Hatier, 1994.

رضا اشرف زاده

آیا شرح عرفانی غزلهای حافظ از ختمی لاهوری است؟

چکیده

کتاب شرح عرفانی غزلهای حافظ به تصحیح بهاءالدین خرمشاهی و... از جمله شرح‌هایی است که در شبه قاره هند نوشته شده است. مصححان محترم، با توجه به جمله‌هایی که در متن آمده است و با نظر دکتر عارف نوشاهی، آن را از ختمی لاهوری صاحب مرجع البحرین دانسته‌اند؛ که این نظر به هیچ وجه صحیح نیست. نگارنده در این نوشتار دلایلی ارائه داده است که این انتساب را باطل می‌کند.

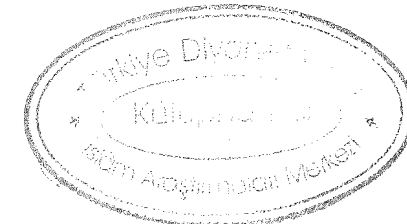
«شرح عرفانی غزلهای حافظ، نوشته ابوالحسن عبدالرحمان ختمی لاهوری، تصحیح و تعلیقات: بهاءالدین خرمشاهی، کوروش منصوری، حسین مطیعی امین، چاپ سوم، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸».

این کتاب زیبا و خوش چاپ، که ظاهراً زیر نظر بهاءالدین خرمشاهی - یکی از حافظ شناسان بنام معاصر - از روی یک نسخه کامل بدون تاریخ، باز نویسی و احیاناً تصحیح شده است و تطبیق‌ها و تصحیح‌ها و تعلیقاتی در خور توجه نیز دارد، مورد اقبال حافظ دوستان و حافظ پژوهان قرار گرفته و دلیل این اقبال و توجه نیز یکی نام حافظ است و دیگری لفظ شرح عرفانی غزلها - که تشنگان حافظ و عرفان را به سوی خود می‌کشد - و دیگر، نام و آوازه بهاءالدین خرمشاهی که به حافظ پژوهی شهره است.

Mecelle-i Danisgede-i Edebiyat ve Ullum-i Insani-i

Danışerh-i Firdavsi, sayı 36, yıl: 34 1380/2001-2002

Mecelle, s. 543-558.



12 OCA 2004
MADDE YATIRILANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

suppressed, with the result that the traditional ceremonies of Koran recitation in memory of the deceased were held in private homes rather than mosques. It was initially feared that the government would move to disband or further subvert the Hawza, now that the powerful personality of Hā'eri was gone. It survived, however, under the tripartite leadership of Ayatollahs Hojjat. Šadr, and K'ānsāri until the arrival in 1946 of Ayatollah Borujerdi (q.v.), who both amplified and confirmed Hā'eri's efforts for the promotion of Qom and its status. The extent of Hā'eri's posthumous influence is best illustrated, perhaps, by the fact that virtually all the significant scholars active in the postwar period and beyond had been his students (for a list of them, see Rāzi. 1332 Š./1954. pp. 87-88).

Hā'eri's literary legacy was relatively meager, the result of his preoccupation with administering the Hawza and teaching. It consisted of *al-Dorar fi'l-oṣul*, also known as *Dorar al-fawā'id*, a survey of all topics of the principles of jurisprudence except *ejtehād* and *taqlid* (printed five times in Tehran; see Modarressi, p. 11, and *al-Darī'a* VIII, p. 107); *al-Taqrirāt*, notes on Fešāraki's lectures on *Oṣul al-feqh* (*al-Darī'a* IV, p. 378); *Ketāb al-ṣalāt*. Tehran. 1353/1934 (Modarressi, p. 138; *al-Darī'a* XV, p. 57); a collection of treatises entitled *Montakab al-rasā'el* (Najaf. 1345/1926); and writings on topics such as marriage, bequests, and suckling (see Modarressi, p. 186; Modarres, I, p. 67).

Hā'eri's two sons, Mortazā (d. 1986) and Mehdi (d. 1999), both distinguished themselves as religious scholars. The former remained in Qom, where he was for many years a close associate of Ayatollah Komeyni and a supporter of his political activities (see his obituary message dated 24 Jomādā II 1406/2 April 1986 in Komeyni XX, pp. 10-11). He was also connected to him by marriage, in that one of his daughters married Moṣṭafā. Komeyni's eldest son. Mehdi followed a somewhat different path. After studying in Qom, he moved to Tehran, where he taught at the Faculty of Divinity. In 1959 he was sent to Washington by Ayatollah Borujerdi to cater for the religious needs of Persian students and, developing an interest in Western philosophy, he studied and then taught at a number of North American universities. He proclaimed himself hostile to the doctrine of *welāyat-e faqih* undergirding the constitutional structure of the Islamic Republic, and took no part in the revolution that led to its implementation (Hā'eri-Yazdi, passim). Hā'eri also had three daughters, all of whom married religious scholars.

Bibliography: Shahrugh Akhavi, *Religion and Politics in Contemporary Iran*, Albany NY, 1980, pp. 27-28, 40-44, 62. Hamid Algar, "Religious Forces in Twentieth Century Iran," *Cam. Hist. Ir* VII, pp. 743-44. Moḥsen al-Amin, *A'yān al-šī'a* VIII, p. 42. 'Ali Davāni, *Nahẓat-e ruḥānīyun-e Irān*, n.p., n.d., II, pp. 333-35. Abdul-Hadi Hairi, *Shi'ism and Constitutionalism in Iran*, Leiden, 1977, pp. 135-38. Idem, "Hā'iri, 'Abd al-Karim," *EL*² supplement, pp. 342-43. Mehdi Hā'eri Yazdi, *Kāṭerāt*, ed. Ḥabib Lājevardi, Cam-

bridge, Mass., 1380 Š./2001, pp. 11-15, 64-65, 73-74, 137. Moḥammad-Mahdi Kāzemi, *Aḥsan al-wadi'a*, Baghdad, 1347/1928, pp. 268-69. Ruḥ-Allāh Komeyni, *Šahīfa-ye nur*, 22 vols., Tehran, 1378 Š./1999. Ḥosayn Makki, *Tāriḫ-e bist-sāla-ye Irān*, new ed., Tehran, 1357 Š./1978, III, pp. 14-15. Mirzā Moḥammad-'Ali Modarres, *Rayḥānat al-adab*, Tabriz, 1346 Š./1967, I, pp. 66-68. Mortazā Moṭahhari, "Moškel-e asāsi dar sāzmān-e ruḥānīyat," in Moṭahhari et al., *Baḥṫi dar bāra-ye marja'īyat wa ruḥānīyat*, Tehran, 1341 Š./1962. Mustafa Öz, "Hā'iri, Abdülkerim b. Muhammed Ca'fer," *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* XV, pp. 136-37. Moḥammad Rāzi, *Āṭār al-ḥojja*, Qom, 1332 Š./1954, pp. 15-88. Idem, *Ganjina-ye Dāneš-mandān*, Tehran, 1352 Š./1973, I, pp. 283-304. Hossein Modarressi Tabātabā'i, *An Introduction to Shi'i Law: A Bibliographical Study*, London, 1984. Āḡā Bozorg Tehrāni, *Ṭabaqāt a'lām al-Šī'a*, Najaf, 1381/1962, I/3, p. 1158-67.

(HAMID ALGAR)

HAFEZ (Hāfez). Šams-al-Din Moḥammad, of Shiraz (ca. 715-792/1315-1390), celebrated Persian lyric poet.

- i. *An Overview*.
- ii. *Hafez's life and times*.
- iii. *Hafez's poetic art*.
- iv. *Lexical structure of Hafez's ghazals*.
- v. *Manuscripts of Hafez*.
- vi. *Printed editions of the divān of Hafez*.
- vii. *Hafez and 'erfān*. See Supplement.
- viii. *Hafez and rendī*.
- ix. *Hafez and music*.
- x. *Translations of Hafez in English*.
- xi. *Translations of Hafez in German*.
- xii. *Hafez and the visual arts*.
- xiii. *Fāl-e Hāfez*. See FĀL-NĀMAHĀ; DIVINATION.
- xiv. *Hafez's tomb (Hāfeziya)*.

i. AN OVERVIEW

Hafez is the most popular of Persian poets. If a book of poetry is to be found in a Persian home, it is likely to be the *Divān* (collected poems) of Hafez. Many of his lines have become proverbial sayings, and there are few who cannot recite some of his lyrics, partially or totally, by heart. His *Divān* is widely used in bibliomancy (*fāl*; see FĀL-NĀMAHĀ; DIVINATION); stories about about his inspired predictions, justified by his popular sobriquet, *lesān-al-ḡayb*, the Tongue of the Unseen. And yet he is also a poet's poet. No other Persian poet has been the subject of so much analysis, commentary, and interpretation. Nor has any poet influenced the course of post-fourteenth century Persian lyrics as much as he has. He falls short of the epic poet Ferdowsi (10th century) in terms of panoramic scope and socio-political significance, and Sa'di (13th century) in terms of versatility, verve, and vivacity, and Rumi in rhythmic musicality, but by common consent he represents the zenith of Persian lyric poetry.

1210A K1P

21 TEM 2012

Abstract

In this context it has been argued that if the British Orientalists' intellectual endeavours are viewed in the perspective of the post-Saidian re-contextualisation of Romantic Orientalism, hardly any corresponding relationship is discernible in the British scholarly interest with Persian poetics and their growing political ascendancy in India. The passion of Jones and his contemporary Ḥāfiz devotees, like Ḥāfiz himself, was also the representative of their age. Moreover, the Ḥāfiz tradition was fully appropriated as well as assimilated in the dynamics of the Indo-Persianate culture of medieval India. Ḥāfiz and his poetics formed an integral part of the collective memory of the Persophonic Indo-Persian intelligentsia, where it remained an important subject of analysis, commentary, and interpretation of the Indo-Muslim

* I would like to offer thanks to Dr Michael J. Franklin (University of Swansea, U.K.) for meticulous reading, extensive comments and suggestions on the final draft. Thanks are also due to Dr P. D. Brookshaw (University of Manchester, U.K.) for comments on the first draft.

اینرو نتایج هر تحقیقی که براساس متون موجود بعمل بیاید باید ناچار ناقص و بشروط تلقی گردد و حاشیه اشتباهی برای محسوب داشتن بعضی از اشعار غیر اصیل و به حساب نیاوردن بعضی اشعار اصیل در نظر گرفته شود.

۳- عروض حافظ :

مطالعه عروضی حافظ از مطالعه عروضی هر دو شاعر دیگر ساده تر و آسانتر است. هنر خاص حافظ در حسن انتخاب مردم پسندترین و خوشاهنگترین اوزان بوده است بهمین علت نیز به اوزان نادر شعر نساخته است وعده اوزان او کمتر از عده اوزان رودکی یا مولوی است. بنابراین مقدمات از تحقیق حاضر جز آنکه ضمیمه نسبتاً مفیدی برای هر یک چاپ حافظ تهیه کند و یافتن جواب رابه سؤالات ساده مربوط به اشعار هموزن حافظ تسهیل نماید توقعی نباید داشت.

۴- سه نوع فرمول

برای پایه های عروضی

فرمولهای عروضی اوزان را در این مقاله بوسیله افاعیل سنتی عروضی نشان داده ام تا نتیجه تحقیق چندان نا آشنا نباشد. ولی اینجا ناگزیرم عقیده ای را که در چند جای دیگر اظهار کرده ام تکرار کنم. چنانکه همه میدانیم فرمولهای سنتی این افاعیل فقط بر اثر نحوی بودن خلیل بن احمد تحت تأثیر مصطلحات نحو عربی قرار گرفته، به عبارت دیگر براساس فاعیل و لام تنظیم شده است.

۱- رودکی و مولوی و حافظ

مطالعه عروضی اشعار سه تن از شعرای ایران، رودکی و مولوی و حافظ اهمیت خاص دارد رودکی نماینده وضع عروض ایران در آغاز دوره اسلامی و در حقیقت در دوره تحول شعر فارسی از زبان پهلوی به پارسی دری است. مولوی و حافظ هر یک نماینده اوج ترقی عروضی ایران هستند، مولوی از حیث تعدد اوزان و حافظ از حیث انتخاب خوشاهنگترین آنها. نکته جالب این است که هر سه این شاعران بزرگ بنحوی با علم موسیقی (برادر توأم عروض) آشنا بوده اند. رودکی چنگ مینواخت. مولوی چنانکه از اشعارش منجمله غزل با مطلع:

ای چنگ پرده های سپاهانم آرزوست

وی نای ناله خوش سوزانم آرزوست
برسیاید، آهنگهای ایرانی را دقیقاً میشناخت و محتملاً آهنگ ساز نیز بوده است. حافظ نیز به تکرار خود را «خوش لهجه» و «خوش آواز» خوانده به «قول و غزل» خود اشاره کرده است و «معنی نامه» که شاهکار اوست بر اساس شش نغمه موسیقی ساخته شده است. لازم به تذکار نیست که هر سه نابغه تسلط بی منتها بر دقتایق علم عروض داشته اند.

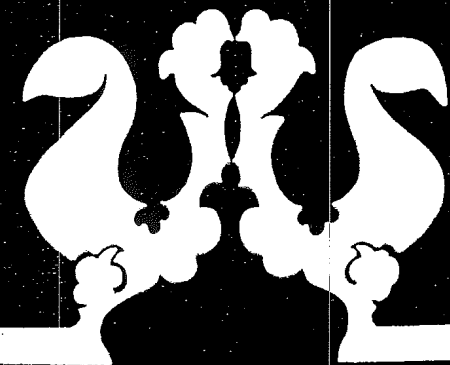
۲- فقدان متن کامل و صحیح :

جای تأسف است که متن صحیح و کامل هیچیک از این سه شاعر در دست نیست. از

مسعود فرزاد

استاد دانشگاه پهلوی

عروض حافظ



ACCADEMIA NAZIONALE DEI LINCEI
FONDAZIONE LEONE CAETANI

CONVEGNO INTERNAZIONALE
SULLA

POESIA DI HĀFEZ

(ROMA, 30-31 MARZO 1976)



Türkiye Elyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	131690
Tas. No:	

ROMA
ACCADEMIA NAZIONALE DEI LINCEI
1978

— شيرازي، حافظ

فيلاً. ولا تزال أغانيه تتمتع بشعبية كبيرة حتى هذا اليوم.

كان عبد الحليم حافظ، خلال مسيرته الفنية، يعاني حالة صحية سيئة بسبب مرض البلهارسيا، وتوفي في ٣٠ آذار عام ١٩٧٧ طاولاً بذلك صفحة متميزة في تاريخ الأغنية العربية.

تسابق مشاهير الملحنين وناظمي الأغاني في مصر، في تقديم أفضل نتاجهم الفني من الأغاني إلى عبد الحليم حافظ مما أكسبه شهرة واسعة

الموضوعات ذات الصلة
الأغنية - الموسيقى العربية

■ حافظ إبراهيم → إبراهيم (حافظ).

■ حافظ الأسد → الأسد (حافظ).

■ حافظ الشيرازي

(١٣٧٠-١٣٧١ هـ / ١٣٢٠-١٣٢٨ م)

شمس الدين محمد حافظ الشيرازي، من أعلام الشعر في تاريخ الفرس. ولد في شيراز لأسرة متوسطة الحال، وتلقى علومه في الحوزات العلمية بشيراز، فجاز علوم عصره، ولقب «حافظ» لحفظه القرآن الكريم بقراءاته الأربع عشرة. عمل مدرساً لكسب لقمة العيش، وكان يدرس «الكشاف» للزمخشري والمصباح في النحو، للمطرزي وطوالع الأنوار في الحكمة والتوحيد، للبيضاوي، و«مفتاح العلوم» للسكاكي.

شهد القرن الثامن الهجري الذي عاش به حافظ أعنف الاضطرابات والأحداث في إيران، حيث سيطرت على الحكم سلالات مغولية من أحفاد جنكيزخان أذاقت العباد سوء العذاب، فظهر ذلك في شعره وأثر فيه. كما أثر

في جميع أنحاء الوطن العربي. ومن أشهر أغاني كمال الطويل التي لحنها لعبد الحليم: «على قد الشوق»، و«أسمر يا أسمراني»، و«في يوم في شهر»، و«بتلوموني ليه»، و«بلاش عتاب». ومن ألحان محمد الموجي: «حبك نار»، و«رسالة من تحت الماء»، و«قارئة الفنجان»، وكانت آخر أغنية غناها عبد الحليم قبل وفاته، وهاتان الأخيرتان من كلمات نزار قباني. ومن ألحان محمد عبد الوهاب: «توبة»، و«شغلوني».

و«أهواك»، و«ظلموه»، و«لاتكذبي». ومن ألحان رياض السنباطي: «لحن الوفاء». ومن ألحان بليغ حمدي: «الهوا هوايا»، و«حبيبتي من تكون»، و«موعود»، إضافة إلى أشهر أغنياته الوطنية مثل «خلي السلاح صاحي»، و«الوطن الأكبر» التي اشترك في غنائها عدة مطربين، وهي من ألحان محمد عبد الوهاب، وقد غناها عبد الحليم في دمشق ليلة الاحتفال بعيد الوحدة بين سورية ومصر (٢٢ شباط ١٩٥٨).

ابية حمزاوي

جانب قصائد ذات طابع رمزي عرفاني، وثمة قصائد أخرى ترمز الروح بالمادة، فيجد كل من يقرأ هذا الشعر متعته الروحية الخاصة، سواء العالم والعامي والمتعبد الناسك والمادي.

جاء شعره على عدة أنماط، منها «القصيدة»، في نحو ثلاثين بيتاً، و«الرباعيات»، في بيتين أو أربعة أشطر على نسق معلوم، و«المقطعات»، وهي بين القصيدة والرباعية، و«الغزليات»، وهي مقطوعات قصيرة بين سبعة أبيات وخمسة عشر بيتاً تنتهي بشطرين يسميان «تخلصاً» يشبهان القفلة، يذكر الشاعر في أحد الشطرين اسمه صراحة أو كناية.

اهتم حافظ باللغة العربية وآدابها، كما اهتم بدراسة القرآن الكريم قراءته وتفسيره والحديث الشريف والشعر العربي ولا سيما شعر ابن الفارض (ت

٦٣٢ هـ) وابن عربي (ت ٦٣٨ هـ) وغيرهما من أصحاب الاتجاه الصوفي. كما ضمن شعره كثيراً من الأمثال العربية، فعند لكل ذلك في الشعراء «ذوي اللسانين» الفارسي والعربي. وكان من أثر ذلك في شعره ظهور «الملمعات» وهي منظومات تتعاقب فيها اللغتان على نسق محدد. وجاءت ملمعاته ضعيفة، ويبدو هذا الضعف جلياً إذا ما قورنت ملمعاته وأشعاره العربية بما عند سعدي الشيرازي. ويمكن إرجاع هذا الضعف في شعره العربي إلى عاملين: الأول: قوة الشاعر وإبداعه في لغته الأم، حتى صارت الفارسية مستحوذة على عقله وخياله وقلبه.

الثاني: عدم اختلاطه بالعرب في مجتمعاتهم، ومكوته في شيراز. لم يكن حافظ بدعاً في الشعر الفارسي ذي الاتجاه الصوفي العرفاني،

وإنما يذكر في طبقته شعراء آخرون يكونون معاً سلسلة لامة في تاريخ الأدب الفارسي، أمثال: الفردوسي (ت ٤١١ هـ)، وعمر الخيام (ت ٥١٥ هـ)، ونظامي (ت ٦٠٠ هـ)، وجلال الدين الرومي (ت ٦٧٢ هـ)، وسعدي الشيرازي (ت ٦٩٠ هـ)، وكان لكل شاعر من هؤلاء ما ينفرد به ويميزه من غيره من الآخرين.

تجاوز أثر حافظ الشرق الإسلامي ووصلت أصداؤه شعره إلى الغرب، فأكتب على دراسته أدباء وشعراء كبار أمثال الشاعر الألماني غوته.

توفي الشاعر في شيراز ودفن في مصلاها الذي طالما تغنى به. وأقيم على قبره مشهد، يعد اليوم تحفة معمارية بديعة كتب عليه أبيات شعرية لحافظ تتحدث عن الموت والخلود.

عبد الله حسين

الموضوعات ذات الصلة
إيران

مراجع للاستزادة:

محسن الأمين: أعيان الشيعة، ج ١، ج ٢، ج ٣، ج ٤، ج ٥، ج ٦، ج ٧، ج ٨، ج ٩، ج ١٠، ج ١١، ج ١٢، ج ١٣، ج ١٤، ج ١٥، ج ١٦، ج ١٧، ج ١٨، ج ١٩، ج ٢٠، ج ٢١، ج ٢٢، ج ٢٣، ج ٢٤، ج ٢٥، ج ٢٦، ج ٢٧، ج ٢٨، ج ٢٩، ج ٣٠، ج ٣١، ج ٣٢، ج ٣٣، ج ٣٤، ج ٣٥، ج ٣٦، ج ٣٧، ج ٣٨، ج ٣٩، ج ٤٠، ج ٤١، ج ٤٢، ج ٤٣، ج ٤٤، ج ٤٥، ج ٤٦، ج ٤٧، ج ٤٨، ج ٤٩، ج ٥٠، ج ٥١، ج ٥٢، ج ٥٣، ج ٥٤، ج ٥٥، ج ٥٦، ج ٥٧، ج ٥٨، ج ٥٩، ج ٦٠، ج ٦١، ج ٦٢، ج ٦٣، ج ٦٤، ج ٦٥، ج ٦٦، ج ٦٧، ج ٦٨، ج ٦٩، ج ٧٠، ج ٧١، ج ٧٢، ج ٧٣، ج ٧٤، ج ٧٥، ج ٧٦، ج ٧٧، ج ٧٨، ج ٧٩، ج ٨٠، ج ٨١، ج ٨٢، ج ٨٣، ج ٨٤، ج ٨٥، ج ٨٦، ج ٨٧، ج ٨٨، ج ٨٩، ج ٩٠، ج ٩١، ج ٩٢، ج ٩٣، ج ٩٤، ج ٩٥، ج ٩٦، ج ٩٧، ج ٩٨، ج ٩٩، ج ١٠٠.



ابوالقاسم حبیب‌اللهی «نوید»

مقایسه‌ای بین بعضی از حالات و افکار

سعدی و حافظ *

این دو شاعر بزرگ که تازبان فارسی باقیست مایه افتخار و سرافرازی هر ایرانی و هر فارسی‌زبان می‌باشند اگر چه هر دو اهل یک شهر و پرورده یک آب و خاک می‌باشند و هر دو شاعر و غزل‌سرا و عارف و عاشق پیشه بوده‌اند و ظاهراً باید در افکار و حالات کاملاً شبیه یکدیگر باشند، معذک می‌بینیم که در بسیاری از چیزها باهم اختلاف داشته‌اند؛ اینک وجود اختلاف نخستین اختلاف این است که شیخ اجل قسمتی از عمر خود را دور از وطن و در مسافرت گذرانده است، این مطلب مورد اتفاق همه مورخان و تذکره‌نویسان می‌باشد و خود شیخ هم مکرر در اشعار خود به آن اشاره فرموده است، و گاهی نیز داستانی از حوادث مسافرت‌های خود نقل میکند و نام بسیاری از شهرهایی که دیده است ذکر میکند. شک نیست که هم شیخ اجل و هم خواجه بزرگوار به شهر زادگاه خود علاقه مفرطی داشته‌اند چنانکه در اشعار هر دو وصف شیراز و ترجیح آن بر دیگر شهرها مکرر آمده است لکن سعدی به مقتضای گفته خودش که «نتوان مرد بسختی که من اینجا زادم» در آغاز جوانی از شیراز بیرون آمده است و چنانکه میدانیم در اغاب شهرهای اسلامی سفر کرده و عراق و شام و بیت المقدس را دیده و چندین سفر پیاده

* متن سخنرانی نویسنده در کنفرانس بین‌المللی حافظ و سعدی، ۷ تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰ در شیراز.

بی‌گمان دشواریهای این راه فراوان است. باید روشنفکران به مات بفهمانند که قدرت اگر در دست همگان بیفتد جز هرج و مرج نتیجه‌ی نخواستار داشت. باید آنان را وادارند تا از جاه‌طلبی خود چشم‌پوشند. باید استحکامات پول و پولپرستان را مورد حمله قرار دهند و آنها را علیه تمایلات ایشان، به نفع ملت به کار برند. اینجا هم امیدوار بودن بیجا نیست. زیرا پول که همیشه موجب نفاق‌های بی‌شمار میان طبقات و افراد شده است، می‌تواند برای یک‌بار این کار را علیه خودش انجام دهد... و بالاخره روشنفکران باید مراکز و وسیع برای تبلیغات تشکیل دهند تا بتوانند صدای خود را به گوش همه مردم برسانند.^{۲۷}

هر اندازه هم مشکلات این کار زیاد باشد از مرانمی که برای ادامه دادن به شرافت و هستی خویش در برابر حکومت پول‌پرست راه داریم، بیشتر نیست. اولی مشکل ولی دومی محال است.

کسانی که بدین گونه، هماهنگ با گروهی پیروز، هستی خود را فدا می‌کنند، در حقیقت هیچ چیز را از دست نداده‌اند، زیرا ابدیت را باز یافته‌اند. هر کس میهن را دوست دارد و به آزادی آن علاقه‌مند است و می‌تواند آینده را از پیش ببیند، باید چنین کند. در برابر افقی بدین تاری، روشنفکران میهن‌پرست باید پیش از غرق شدن در گرداب نیستی، آنان را که همواره به مات می‌اندیشند، از جان و دل یاری نمایند.

به نام طبیعت و عقل، هماهنگ با قوانین کهن جهانی، برای رستگاری همگانی، برای رهائی و پیشرفت تمدنی درخشان، باید همه سوار بر کشتی نجات علیه آشوب و آشوب‌پرستان بجنگیم!

۲۷- چنان که در آغاز دیدیم این مراکز تبلیغ در زمان حیات خود نویسنده تشکیل شد

و فعالیت آنها همچنان ادامه دارد. م

323. HÂFEZ de Chiraz. *Le Divân. Œuvre lyrique d'un spirituel en Perse au XIV^e siècle*. Introduction, traduction du persan et commentaires par Charles-Henri de Fouchécour, Lagrasse, Verdier, 2006. 1264 p. *Hafiz-Strazi*

Après les traductions partielles de Gilbert Lazard, Vincent Monteil et Pierre Seghers, voici enfin la première traduction intégrale du *Divân* de Hâfez en français. Fruit de seize ans de labeur, cette traduction est littérale et philologique, car l'auteur a eu l'ambition "de ne pas dire plus que Hâfez, essayant de rester en retrait de (sa) compréhension, pour que Hâfez puisse parler encore à travers (sa) traduction" (p. 8). Le patient travail de traduction lui a permis de mieux comprendre le poète et son œuvre, et les très riches annotations nous font profiter de ce long travail de découverte, en nous offrant un certain accès au texte même de Hâfez.

Le texte persan de référence est celui édité par Parvîz Nâtel Hânlarî en 1983. Il existe bien sûr d'autres éditions plus récentes de ce texte, mais C.-H. de Fouchécour ne voulait pas ouvrir le débat des choix de lecture possibles. C'est pourquoi il s'est limité à cette édition consensuelle et de qualité. Chaque *gazel*, numéroté comme dans le texte de Hânlarî, est suivi d'un commentaire en trois parties. La première, technique, indique le mètre et la rime utilisés, la référence aux autres éditions de référence ainsi qu'au commentaire de Hôrramšâhî. La seconde cherche l'unité de sens du *gazel*, unité qui existe dans la plupart des odes, quoique celle-ci ait pu parfois être mise en doute. La troisième résout les questions de détail en s'appuyant sur les travaux de Parvîz Ahûr, Bahâ al-dîn Hôrramšâhî, Hâsem Jâvîd, Ali-Akbar Dehghodâ. La copieuse introduction livre quelques pistes pour comprendre correctement les grands thèmes abordés, l'amour, le vin et le libertinage. Mais elle est avant tout consacrée à un essai de biographie de Hâfez. C.-H. de Fouchécour reconstitue le milieu historique et culturel dans lequel vécut le poète et s'attarde sur ses relations avec les princes et grands de son temps.

Nul doute que ce beau travail contribuera à faire connaître et aimer la poésie de Hâfez au public français. Il sera également un outil de choix pour initier les étudiants aux subtilités de la littérature persane.

E.P.

MAADDE YAVANLANDIYATIN
SONRA QIRIYU QAYTIRILGAN

06 HAZ 2010

703. SHARI'AT KÂSHÂNI, 'Ali. « Les figures du zéphyr et ses métamorphoses chez Hâfez ». *Luqmân*, 14, 2 (1998), pp. 65-108.

Un article magistral et exhaustif sur le zéphyr et ses multiples significations dans la poésie de Hâfez. L'auteur étudie le vocabulaire employé, les directions du zéphyr, ses différents visages : familier (messenger, confident du secret, modèle,...), passif ou hostile (rival, traître), et il analyse sa signification psychologique comme miroir de soi. Le texte est abondamment illustré de citations. E.P.

704. SHARI'AT KÂSHÂNI, 'Ali. « Les images symboliques et leur signification psychologique chez 'Attâr Neyshâpurî ». *Luqmân*, 13, 1 (1996), pp. 71-81.

Une approche de 'Attâr avec les outils de la psychologie moderne est une entreprise qui doit être saluée pour tout ce qu'elle promet. C.F.

700. ŠÄMLÛ, Aḥmad éd. *Ḥāfeẓ-e Šīrāz*. Tehrān, Entešārāt-e Morvārīd, 1373/1994, 238 p.

Cette septième et dernière réédition du *divan* de Ḥāfeẓ par Aḥmad Šāmlū comprend 489 *gāzal*-s. Les critiques féroces qui accompagnent ce travail sulfureux depuis la première édition n'ont manifestement pas empêché cet ouvrage d'être un des plus gros succès de librairie de ces dernières années. Le coup de pied formidable de Šāmlū dans la fourmilière trop bien organisée des idées reçues sur Ḥāfeẓ ne semble donc pas déplaire à un public iranien qui lui sait gré de rendre le *divan* lisible, sinon accessible au plus grand nombre grâce à une vocalisation appuyée. Certains crieront encore à l'extravagance, mais on appréciera la liberté avec laquelle Šāmlū travaille sur le corps des *gāzal*-s, proposant un agencement des *beyt*-s qui redonne à l'ensemble du poème une nouvelle cohérence. On parlera certainement encore longtemps du dirigisme de Šāmlū, de ses rectifications résolument arbitraires, non justifiées et peut être injustifiables, de certains termes, mais ce n'est pas, finalement, sans tendresse et beaucoup d'émotion que nous répondons à l'invitation de Šāmlū à pénétrer dans l'intimité de son dialogue quotidien avec le maître absolu de la poésie classique. E.B.

701. SHAMS, Zahra. « À la recherche de Ḥāfeẓ. Étude sur les traductions françaises de l'œuvre de Ḥāfeẓ, 1800-1852 ». *Orientalia Suenica*, XLV-XLVI (1996-1997), pp. 123-135.

Zahrā Šams a entrepris une longue recherche sur les traductions en français de l'œuvre de Ḥāfeẓ. Elle aborde à présent la deuxième moitié du 19^e s. Un travail méritoire qui servira les travaux de littérature comparée. Signalons d'elle des pages déjà élaborées sur Ḥāfeẓ et la France romantique (le préromantisme et les premières traductions (1996). Elle a publié, sous le titre « Ḥāfeẓ est-il panégyriste ? » (*Orientalia Suecana*, XLI-XLII (1992-3), pp. 246-253), Un travail utile. C.F.

294. MALĀḤ, Hosrow. *Hāfez va 'erfān-e irānī*. Tehrān, Našr va pažūheš-e Farzān-e Rūz, 1385/2006, 259 p.
[Hāfez et le mysticisme iranien]

Hafiz-i Sogzi

Regard d'un philosophe sur Hāfez, ce livre est plus un essai basé sur la poésie du célèbre écrivain du XIV^e s. qu'une étude académique. L'A. présente Hāfez en tant que poète, auteur nationaliste (!) et penseur, et confronte son œuvre à de nombreux autres courants de pensée (zoroastrisme, philosophie grecque, islam iranien, auteurs occidentaux modernes).

E.P.

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

06 MAY 2010

على رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات استانبول
و أناتولي، الجزء الثالث، ص.

İSAM 141629 [y.y., t.y.]

s. 1315

16 HAZ 2006

MADDE 2006
SONRA 2006

- 4342 - خواجه محمد بن كمال الدين بن الشيخ عياث
الدين ، شمس الدين الصوفي الأديب الشاعر الهمداني ثم
الشيرازي المعروف بحافظ شيرازي المتوفى في حدود سنة
1390/792
(أنظر : كتاب جلي كشف الظنون 783 ؛ هديّة العارفين
173/2 ؛ نفحات الأنس ص 681)
من تصانيفه :
- 1 - انتخاب ديوان حافظ شيرازي - في الأدب (ف)
آياصوفيا رقم 4/3946 ورقة 64 - 93 ؛ 879 هـ ؛ جامعة
إستانبول 2/533 ورقة 15-28 ؛ 884 هـ ؛
- 2 - ديوان حافظ شيرازي = لسان الغيب (ف)
فيصري راشد أفندي رقم 1296 ورقة 218 ، 1015 هـ
رقم 27023 ورقة 136 ، 984 هـ بايزيد رقم 5668 ،
5670 ، 5673 ، 5783 ، 5784 ، راغب باشا رقم
1103 ورقة 189 ، 963 هـ كمانكش رقم 448 ورقة
193 ؛ سليم آغا رقم 914-915 ؛ لاله لي رقم 1738-
1741 ؛ آياصوفيا رقم 3904-3909 ؛ نورعثمانيه رقم
3794 مكرر ؛ رقم 3812-3816 مكرر ؛ داماد زاده رقم
1524-1525 ؛ عاطف أفندي رقم 2064-2066 ؛ دار
المنوي رقم 382-390 ؛ حالت أفندي رقم 647 ؛ رقم
697 ؛ حالت أفندي ملحق رقم 143 ؛ رقم 158 في الهامش
؛ رقم 2/168 ؛ كليوليلي طاهر أفندي رقم 33 ؛ مهر شاه
سلطان رقم 361 صفحة 398 ، 1002 هـ ؛ إزميري
مصطفى أفندي رقم 72 ؛ جلي عبد الله أفندي رقم 304 ؛
سليميه (برتو باشا) رقم 395 ؛ سليمانيه رقم 858-859 ؛
وفي مكاتيب إستانبول نسخ كثيرة ؛ نشر في طهران 1306 وفي
بولاق 1256 ؛
- 3 - رسالة في مدح حضرت مولانا (ف)
أسعد أفندي مجموعة رقم 34/3665 ؛
- 4 - ساقى نامه - في الأدب (منظوم) (ف)
نورعثمانيه رقم 4959 ورقة 28-29 ؛
- 5 - كليات حافظ شيرازي - في الأدب (ف)
نورعثمانيه رقم 4202 مكرر ؛
- 6 - مجموعة الأشعار للحافظ شيرازي - في الأدب (ف)
أحمد ثالث يكيلر رقم 5852 ورقة 85 ؛
- 7 - نظيرة ديوان حافظ - في الأدب (ف)
حميديه رقم 1088 ؛

یغمایی، افسانه

۵۵۶۴- جان دارو: سیری در اندیشه‌ی

سعدی و حافظ، تهران: سروا، چاپ اول، ۱۳۸۲ /

۲۲۰۰ نسخه، [۸] ۰۶+، عص، فارسی، وزیری (گالینگور)،

بها: ۴۵۰۰۰ ریال، منابع: ۵۹۰-۵۹۲، عکس: آخر کتاب

[۸-۱]، فهارس: اعلام، اماکن، کتب.

شابک: ۹۶۴-۶۲۶۲-۲۹-۵ Sad-i Sirogi

کدنگره: PIR۵۲۱۵/Y۷J۲ Hafiz-i Sirogi

کد پارسا: B۶۶۷۶۸

اندیشه‌های عرفانی: اصطلاحات اخلاقی

(اخلاق): اندیشه‌های حافظ (ادبیات): ایران در قرن

هفتم - نهم (تاریخ و جغرافی)

۱ پژوهشی است در زمینه اندیشه‌ها و افکار
سعدی و حافظ. نویسنده مطالب خود را در ۴ بخش و
فصلهای فرعی متعددی تنظیم نموده است. عصر
حافظ و سعدی عصر کشمکشها و جنگها و نابسامانیها
بوده است. نویسنده به تفصیل تحولات و اوضاع و
احوال اجتماعی سیاسی آن عصر را بررسی و تحلیل
کرده و سپس زمینه تحصیلات حافظ و سعدی و
مخصوصاً تأثیرپذیری آنها از مفاهیم و داستانهای قرآن
و تأثیرات آن دو بر دیگر شاعران بررسی شده است. در
بخش دوم وجوه و مفاهیم رندی در اندیشه این دو

تحلیل شده و در بخش سوم اشعار و افکار سعدی و
حافظ در زمینه طبیعت، زندگی، عشق، حیوانات،
مفاهیم عرفانی مانند می، شراب، باده، پیاله، ساقی،
می‌فروش، چنگ، دست افشاندن و عشرت و... بررسی
شده است و در نهایت بخش چهارم به نصیحت‌ها و
پندهای این دو در غنیمت شمردن فرصتها، بی‌اعتباری
دنیا، عبرت‌آموزی، پیری و... اختصاص یافته است.

4 1 MART 2009

Jon. dlt

Hafiz →

569. SKALMOWSKI, W., «Old Iranian motifs in the Divan of Hafiz». *Acta Iranica* 23 (1984), pp. 473-478.

S'appuyant sur l'édition du *Divân* de Hâfez par Pażmân-e Baxtyâri (Téhéran 1342), l'auteur répertorie les mots et noms propres évocateurs, dans cette œuvre, de l'Iran pré-islamique. Il les range selon trois catégories : références au Zoroastrisme ; à l'histoire ancienne, mythique ou réelle ; aux héros du *Šāhnāme*. Au-delà de ce classement adopté par commodité, l'intérêt de l'étude réside dans l'observation de la fonction de ces termes dans les poèmes de Hâfez. Au moyen de divers exemples, l'auteur fait comprendre les concepts que recouvrent ces mots ou les notions qu'ils sous-entendent. C'est pour leur valeur de symbole que le poète les a utilisés, non pour leur sens premier (certains, tels *div* et *pari*, ne relèvent même simplement que de la tradition populaire). En empruntant ainsi au passé, Hâfez a puisé dans une réserve de métaphores, et l'on peut conclure avec l'auteur que c'est bien la rhétorique, et non l'histoire, qu'intéresse une telle étude.

M. Gd.

Abst. Ir. Supp. 8. 1985: Leiden. s. 148

21 EKIM 1996

Hafiz - Şirazi

577. X^VÂNSÂRI, Aḥmad Soheyli, «Yusof-e gomgašte, 'aziz-e Ḥâfeẓ». *Âyande*, 10, 2-3 (1363/1984), pp. 147-149.

[Joseph perdu, cher à Ḥâfeẓ]

En regroupant cinq ghazals (n° 378, 250, 485, 55 et 130 de l'édition Xânlari), l'auteur peut montrer que Ḥâfeẓ avait un fils nommé Yusof/Joseph, que ce fils est resté longtemps loin de lui, qu'il a eu la joie de le revoir, qu'il est ensuite décédé. Ces ghazals s'adressent donc bien au fils de Ḥâfeẓ.

C. F.

Abst. Ir. Supp. 8. 1985 Leiden. s. 149-153

21 EKİM 1996

12
HÂFIZ-İ ŞİRÂZÎ

726. Hafiz (GUY). Vgl. Isl. 17, S. 374. Ġa'far al-Ĥasanî RAAD 8, 1928, 381. РЫПКА OLZ 32, 763f.

Gegen diese Übersetzung ist mancherlei einzuwenden: sie ist hauptsächlich nach Sūdīs Kommentar gemacht und übernimmt dessen nicht ganz seltene Fehler. Öfters ist auch dem französischen Reim zuliebe frei oder geradezu unrichtig übersetzt; so sind allein im Anfang die Übertragungen von I 4; II 1, 2, 7, 13; III 10; IV 2, 3, 5, 6, 7, 8; V 2, 8, 9 zu beanstanden. Manchmal wäre es besser gewesen, einen Vers in 4 statt in 2 Zeilen wiederzugeben, etwa wie in JACOB's Nachdichtungen, die man auch sonst vorziehen wird. Gegen die Einleitung über Ĥāfiẓ kann man auch einiges einwenden, und im ganzen dürfte das Buch auch dem Laien kaum ein zutreffendes Bild von dem Dichter vermitteln. N. H.

727. — — *Dīwān-i Ĥwāǧa Ĥāfiẓ Širāzī*. [Hrsg.:] 'Abdarrahīm Ĥalḥālī. — Teheran: Kāwa 1306 h. [= 1928]. 35, 275, 80 S. 8^o.

REI 2, 1928, A. 66.

610. DUCHESNE-GUILLEMIN, J. «Pour l'étude de Hafiz», *Monumentum Georg Morgenstierne* I [Acta Iranica 21], Leiden 1981, pp. 141-163.

Excellent panorama des études si nombreuses publiées sur l'œuvre de Hafiz, avec un exposé des précautions à prendre pour bien la comprendre : se soucier de la métrique pour établir le texte, ne pas s'aventurer à reconnaître tel ou tel prince sur la foi d'un maigre indice, considérer l'entrelacement des thèmes bachiques, érotiques et mystiques (la mystique de Hafiz n'est qu'une mode), et enfin le problème général de la forme et du fond. L'auteur montre aussi que V. Hugo aurait puisé chez Hafiz certaine image de *Booz endormi*.

Ph. G.

Abst. Ir. Supp. 5, 1982 Leiden. s. 182.

21 EKIM 1996

611. FARŠIDVARD, Kh. *Dar golestân-é xéyâl-é Hāfez* («Dans la roseraie de l'imagination de Hāfez»: analyse des images dans la poésie du Khwāja). Tehran, Fondation Nouryāni, 1358 H.S., 1979, 292 p.

Cet ouvrage est précédé — dans le même volume — par une «introduction» qui est en fait un livre indépendant sur «la critique littéraire» (voir C.r. dans ce même numéro).

L'auteur, étudie, dans une préface et sept chapitres, les images (*tašbih-o estē'āra*) dans le *divan* de Hāfez: structure, esthétique, diversité, éléments constitutifs, maturités et faiblesses, buts recherchés des *tašbih*, et un résumé en guise de conclusion.

L'auteur estime, à juste titre d'ailleurs, que le grand poète de Shīrāz, non seulement cherche à embellir les images poétiques qu'il a hérités de ses précurseurs, mais aussi réussit admirablement à en créer d'autres. Les citations du *divān* rendent accessible aux étudiants de notre temps la signification de la terminologie classique du *badi'* persan. Cet ouvrage ne vise, en aucune façon, l'étude du sens profond et mystique du *divān*, mais permet aux lecteurs de mieux reconnaître et comprendre ce qu'il y a là d'harmonieux et de pittoresque.

R. F.

Abst. Ir. Supp. 5, 1982 Leiden, s. 182

624. MOHİT-E TABĀTABĀ'Ī, S.M. «Taḥqīqī dar tārix-e vafāt-e Ḥāfez», *Āyandē*, 7, 1-2 (1360), pp. 25-31.

Dans sa célèbre introduction au *divān* de Ḥāfez, Moh. Golandām donne pour date de la mort de Ḥāfez l'année 791. C'est bien ce qui est écrit dans la plupart des mss. de cette introduction Il est curieux que Qazvini et d'autres aient préféré 792, écrit dans un ms: l'erreur vient de la mauvaise interprétation faite à l'origine par Faṣīḥ X'avvāfi; 2 *beyt* de Golandām donnent en chronogramme la même date de 791. Mais un 3^e *beyt* donne en chronogramme la date de 792 (peut-être la date où Golandām visita la tombe de Ḥāfez). C'est cette date qui fut préférée par X'avvāfi, puis par les autres, Jāmi, X'āndamir, etc. C. F.

Abst. Tr. Supp. 5, 1982 Leiden. s. 187

21 EKİM 1996

616. HAFEZ, X'âje Šams al-din Moḥammad. *Divân*, bâ moqâbale-ye čahârdah matn az kohan-tarin nosxe-hâ-ye mowjud dar jahân, éd., introd. et notes de P.N. Xânlari. Téhéran, LXVIII-1006 p., 14 facsim. Entēšārât-e Bonyâd-e Farhang-e Irân, 308.

Dans son introduction, l'éditeur énumère les problèmes qui se sont posés lors de l'établissement du texte du *Divân* de Hâfeẓ et qui sont nombreux; on les avait déjà évoqués (voir *Abst. Ir.*, vol. 4, n° 467, édition du *Divân* dont il a été tenu compte ici, p. x, n° 5.11.) et P. N. Xânlari donne à leur sujet d'autres précisions, telles que les rares citations de Hâfeẓ qui nous restent de contemporains (Hâfeẓ est mort vers 792/1390) et qui ne correspondent pas à ce que nous connaissons par les copies. Cette édition, qui est un pas nouveau et important dans la connaissance du texte, est le fruit d'un long travail, pour lequel l'éditeur a reçu l'aide très précieuse de M. Minovi. Les 14 mss. qui sont à sa base s'échelonnent dans le temps entre 807/1404 et 838/1434; ils ne sont pas tous des divâns complets. Chaque ghazal est pris dans le ms. qui se trouve être au nombre des mss. les plus nombreux à concorder ensemble, ou, s'il y a égalité dans les divergences, parmi les mss. les plus anciens. Toutes les variantes sont données en regard de chaque ghazal, ainsi que la référence au ms. d'où est pris le texte édité, et l'ordre différent dans lequel tel ou tel ms. donne les distiques. Au total, 486 ghazals sont ainsi retenus; 38 sont ajoutés (pp. 981-997), qui ne figurent que dans l'un ou l'autre ms. de base. M. JAVÂD ŠARI'AT, en présentant cette édition (*Revue Ayandé*, 7, 9-10 (1360/1981), pp. 693-702), a montré par des exemples la supériorité du texte auquel P. N. Xânlari est parvenu, par rapport aux éditions précédentes.

C. F.

Abst. Ir. Supp. 5. 1982 Leiden, s. 184

21 EKIM 1996

463. XORRAMŠÂHI, B. *Zehn-o zabân-e Hâfez*, éd. Našr-e Now. Téhéran, 1982/1361š. 210 p.

Le livre comprend 7 parties (chapitres?) dont cinq traitent de la forme poétique hafézienne par rapport au contenu de ses ġazals dans le cadre de sa vision du monde. Quoique ces cinq premiers chapitres ensemble ressemblent plutôt à un recueil d'articles, chacun avec un titre différent, on peut y déceler trois buts essentiels recherchés par l'auteur :

- 1) Expliquer, quoique d'une façon très schématique, ce qu'on peut appeler l'«unité dans la diversité» chez Hâfez et faire, de ce point de vue, une comparaison, à mon avis peu convaincante, avec le style du Coran;
- 2) Présenter Hâfez, en ce qui concerne sa vision, comme un libre penseur par excellence qui ne nie ni ne contredit pour autant, comme l'ont cru certains de ses admirateurs, les principes fondamentaux de la religion islamique (ou de la religion tout court);
- 3) Démontrer, à l'aide de nombreux exemples, l'énorme profit que tire Hâfez en jouant magistralement sur les homonymies, les synonymies, les polysémies et les ambiguïtés (lexicales et syntaxiques) voulues, tout cela condensé par l'auteur dans le terme générique *ihâm*. En recherchant ces trois buts, l'auteur offre, par endroits, des analyses brillantes et inspirées comme celle qu'il avance sur la vision du péché chez Hâfez.

Les deux dernières parties qui forment, à vrai dire, un appendice à ce livre, sont deux articles critiques dont l'un concerne le livre de Š. Meskub sur Hâfez, à savoir *Dar ku-ye dust* où B. Xorramšâhi condamne la tendance de certains critiques, dont Meskub, à abuser d'une prose poétique et stylisée au service d'une critique littéraire mais qui, selon l'auteur, l'occulte plutôt; l'autre article (déjà paru dans la Revue *Alefba*, N° 6) attaque la méthode de A. Šâmlu, lui-même un grand nom de la poésie persane moderne, pour son édition des ġazals de Hâfez (méthode fondée, pour le choix des variantes, uniquement sur le goût poétique), ainsi que la ponctuation serrée appliquée par Šâmlu aux poèmes de Hâfez qui, selon l'auteur, rend, la plupart du temps, plus difficile la lecture de ces poèmes.

(Signalons que ce livre a fait l'objet d'une critique de la part de A.M. Haqšenâs, maître-assistant de linguistique à l'Université de Téhéran, dans le N° 4, troisième année, de la Revue *Našr-e dâneš* en 1983. Haqšenâs y avance sa propre théorie de la diversité dans la structure de surface et l'unité dans la structure *circulaire* profonde chez Hâfez et il généralise, trop abusivement à mon avis, cette structuration à d'autres manifestations culturelles et sociales des sociétés d'une certaine nature.)

H. M.

HÂFEZ-I
ŞIRAZI

Abstr. Ir. Suppl. 6, 1983 Leiden, 5:132

21 EKIM 1996

350. DĀKERĪ, Moṣṭafā. « Tārīḫ-e sorūde-šodan-e do ġazal-e Ḥāfeẓ ». *Našr-e Dāneš*, 20, 1 (1382/2003), pp. 17-18.

Au *ġazal* 164 (160 de Ḥānlarī), Ḥāfeẓ mentionne qu'il est au mois de ša'bān, qui précède celui de ramadān, et aussi au printemps. Il est donc aisé, en consultant un calendrier, de voir que cette coïncidence eut lieu en 738 et en 771 (mon calendrier m'indique 737 et 770 !). Dans le premier cas, le *ġazal* serait du temps de la jeunesse de Ḥāfeẓ, en 738/1337-8, or c'est en 744/1343 que commença le règne d'Abū Eshāq l'Indjouide et que Ḥāfeẓ commença à être connu. Dans le deuxième cas, en 771/1369, plus probable, on serait à la période difficile du règne de Šāh Šojā'. L'autre *ġazal* datable est le *ġazal* 46 (47 de Ḥānlarī), où le poète dit au beyt 11 qu'il est au printemps et à la fête de clôture du ramadān, ce qui ouvre plusieurs possibilités, entre lesquelles il est plus difficile de choisir.

CF.

Ḥāfeẓ - 1 Aker?
Ḥāfeẓ - 1369

19 ARA 2003

389. SHARMA, Sunil. « Hāfiz's *Sāqīnāmah*: the genesis and transformation of a Classical Poetic genre ». *Persica*, XVIII, (2002), pp. 75-83.

Il s'agit d'un sous-genre littéraire de la forme *hamriyya*, célèbres poèmes à caractère bacchique. Typiquement persan, il ne concerne que l'échanson et lui est dédié. Dans les cours princières d'avant l'islam, à l'époque achéménide et, mieux connue, à l'époque sassanide, existait une cérémonie de la consommation du vin (voir James R. Russel « Cupbearer », *ELr*, vol. VI, 1993, p. 464). Elle est ensuite bien attestée au 11^e s. par Ferdowsi dans son *Livre des Rois*, et par d'autres auteurs de la littérature persane ancienne, épique, puis lyrique. Neẓāmī de Gandja, au 12^e s., fut le premier à exploiter littérairement l'adresse lyrique à l'échanson dans son grand *Roman d'Alexandre*. Il s'agit de deux distiques, variant chaque fois et commençant quarante-huit chapitres de la première partie du Roman, le *Šaraf-nāme*. Ils en marquent le début et sont un appel à l'échanson, pour qu'il apporte un vin qui

est le plus souvent la figure de l'inspiration, de la consolation, etc. A la suite de Neẓāmī, Hāfeẓ a exploité ce thème de l'échanson et du vin de la façon magistrale et essentielle que l'on découvrira dans ses *gazaḷs*. Mais il a aussi créé un poème uniquement consacré à l'échanson, le *Sāqī-nāme*. De même, et à la suite de Neẓāmī, qui commença trente chapitres de la deuxième partie de son Roman, le *Moğnī-nāme*, par deux distiques adressés au ménestrel, Hāfeẓ composa un court poème consacré au ménestrel et à la musique. Ces poèmes, *Sāqī-nāme* et *Moğnī-nāme*, l'un de trente distiques, l'autre de quatorze distiques (édités par P. N. Hānlari, *Dīvān*, pp. 1050-1059), sont l'objet principal d'étude de cet article de Sunil Sharma, pp. 79-82. L'A. annonce une suite à cette étude bien faite. Elle concernera le développement que connut le sous-genre en question aux 16^e et 17^e siècles principalement. Il prit une forme hybride et flexible de poème panégyrique, où l'échanson est la figure du prince.

C.F.

19 ARA 2006

396. YARSHATER, Ehsân & coll. « HAFEZ (Hāfez), Šams-al-Din Moḥammad, of Shiraz (ca. 715-792/1315-1390), celebrated Persian lyric poet ». *ELI*, vol. XI, 2003, pp. 461-507.

Important article composé par de bons connaisseurs du monument de Hāfez. Il est divisé en quatorze chapitres, ainsi distribués : I. « An Overview » (E. Yarshater), pp. 461-465 ; II. « Hafez's Life and Times » (B. Khorramshahi), pp. 465-469 ; III. « Hafez's Poetic Art » (J. T. P. de Bruijn), pp. 469-474 ; IV. « Lexical Structure of Hafez's Ghazals » (D. Meneghini-Correale), pp. 475-476 ; V. « Manuscripts of Hafez » (J. Scott Meisami), pp. 476-479 ; VI. « Printed Editions of *Divān* of Hafez » (B. Khorramshahi), pp. 479-483 ;

[VII. « Hafez and '*Erfān*': see « Supplement »]; VIII. « Hafez and *Rendi* » (F. Lewis), pp. 483-491 ; IX. « Hafez and Music » (F. Lewis), pp. 491-498 ; X. « Translations of Hafez in English » (P. Loloi), pp. 498-500 ; XI. « Translations of Hafez in German » (H. Tafazoli), pp. 500-501 ; XII. « Hafez and the Visual Arts » (P. Soucek), pp. 501-505 ; [XIII. « Fāl-e Hāfez », see « Fāl-nāmāhā », Divination]. XIV. « Hafez's Tomb (Hāfeziya) » (K. K. Sarvestani), pp. 505-507. L'article sur Hāfez et le soufisme est renvoyé à un Supplément... Les articles de Franklin Lewis sont particulièrement bien traités. C.F.

Hāfez - Shiraz

88/10/13

393. THIESEN, Finn. « Pseudo-Hāfez: A Reading of Wilberforce Clarke's Rendering of *Divān-e Hāfez* ». *Orientalia Suecana*, vol. LI-LII, (2002-2003), pp. 437-460.

Hafez Finn

La traduction du *Divān* de Hāfez par W. Clarke, publiée à Calcutta en 1891 et reproduite en 1998, reste le seul essai d'une traduction complète en anglais encore en usage aujourd'hui. Faite en prose, avec un souci de littéralité, elle est accompagnée de notes et de commentaires. Elle a été saluée par les spécialistes comme un grand ouvrage de référence. L'A. veut montrer, dans ce grand article, la nature et la qualité du travail de W. Clarke. Partant du *gāzal* 196 (*ānān-ke hāk-rā...*), pris en exemple, l'A. de l'article développe une critique constamment justifiée. Comparant la traduction du *gāzal* de W. Clarke avec celle qu'il propose, il montre, *beyt* après *beyt*, les incompréhensions du texte persan par Clarke, sa fréquente erreur sur le sens des verbes composés, son ignorance désastreuse de la prosodie persane, son peu de notions de morphologie et de syntaxe persane. De sorte que sa traduction, se voulant littérale, est souvent servile, ce qui entraîne des libertés compensatoires malvenues. F. Thiesen relève qu'il n'y a pas un *gāzal* de la traduction où tout soit bien compris. Il est vrai, le travail ne manque pas d'heureuses trouvailles, des traductions sont réussies, des interprétations judicieuses. Mais l'ensemble doit être pris avec la plus grande précaution. Quant aux commentaires développés, ils reflètent la pensée de Clarke plus que de Hāfez. On trouvera aux pages 450 à 452 de l'article une longue liste d'exemples de *beyts* incompris, et aux pages 452 à 456, une liste de commentaires abusifs ou inutiles. Finalement, cet article, mené avec grand soin, est une critique ironique visant, à travers Clarke, l'introduction élogieuse qui a été faite en 1998 à la réédition de l'ouvrage de W. Clarke.

C.F.

le 10/10/2009

359. KÂZEMÎ MÛSAVÎ, Ahmad. « Še'r-e Hâfeẓ dar zamân-e Âdam andar bâġ-e ĥold. Ketâb-e 'Erfân va rendî dar še'r-e Hâfeẓ ». *Našr-e Dâneš*, 20, 1 (1382/2003), pp. 37-41.

Un grand article sur un grand livre, celui de Dâryûš Âšûrî, 'Erfân va rendî dar še'r-e Hâfeẓ (Tehrân, Našr-e Markaz, 1379/2000). La description minutieuse du contenu que fait l'A. de l'article permet de situer l'étude dans la continuité du précédent livre de D. Âšûrî, *Hastî-šenâsî-ye Hâfeẓ* ('The Ontology of Hâfiz', Našr-e Markaz, 1377/1998, 305 p.), qui fut, on s'en souvient, apprécié et contesté de plusieurs côtés. Car D. Âšûrî y fondait son analyse de l'ontologie hâfézienne sur la notion d'archétype (*sar-nomûn*), telle que Mircéa Eliade l'utilisa dans ses travaux d'historien des religions. On le sait, Hâfeẓ est tributaire, dans sa conception fondamentale sur l'origine de l'humanité avant le Temps, de ce qu'il trouva dans l'ouvrage de Najm al-Dîn Râzi Dâye (*Meršâd al-'ebâd*) et d'abord dans le commentaire du Coran par Meybodî (*Kašf al-asrâr*). Pour D. Âšûrî, Hâfeẓ fonda sur l'archétype de l'Homme Parfait sa notion de *rend* (en gros, l'amant fou). D. Âšûrî recourt ici à la distinction que put établir Našrollâh Pûrjavâdî entre une école soufie khorâsânienne à caractère inspiré et poétique, et une école soufie à caractère plus théorique et métaphysique, Hâfeẓ relevant de la première. D. Âšûrî avance alors une distinction historique dans celle-ci, entre un soufisme fondé sur l'amour de Dieu ('*erfân-e ĥodâ-'âšeqâne*) tel que le vécut Jalâl al-Dîn Rûmî, et un soufisme fondé sur une attitude de total amour fou ('*erfân-e rendâne*), propre à Sa'dî, mais surtout à Hâfeẓ. Selon D. Âšûrî, chez Hâfeẓ l'archétype de l'Homme Parfait se trouve inscrit dans le mythe (*ostûre*) de sa création dans la prééternité, où il fut chargé du dépôt de l'amour divin. Il y eut un drame dans le ciel de la prééternité, qui lia à jamais l'amant à son Compagnon (*yâr*), l'ange étant exclu de ce privilège qui lança l'homme dans l'aventure terrestre. En somme, D. Âšûrî s'est engagé dans l'analyse du *Divân* de Hâfeẓ en philosophie de la littérature persane, « cherchant le mythe ordonnateur de l'ensemble des notions fluentes et parfois contradictoires de la poésie de Hâfeẓ », comme l'écrit l'A. de l'article. Et non sans prendre beaucoup de risques dans la réduction de sa lecture du monument hâfézien. L'A. souligne que, malgré l'effort exceptionnel de compréhension du *Divân*, l'entreprise élude des aspects essentiels de la pensée hâfézienne, comme, la marque sur celle-ci de la conception ash'arite du destin. Par ailleurs, D. Âšûrî se hasarde à des expressions lourdes de signification, qui ne conviennent pas à son analyse, comme celle de *waĥdat al-wujûd*, ou même celle de l'Homme Parfait telle que Nasafî l'avait conçue. Pour l'A., D. Âšûrî se présente en herménéute au sens moderne de celui qui cherche à reconduire à son principe (*be avval bordan*) la pensée générative de l'œuvre de Hâfeẓ. Initiateur audacieux, D. Âšûrî a suffisamment avancé sa recherche pour enrichir notre vocabulaire sur les points abordés.

C.F.

19 ARA 2006

NEUERSCHEINUNGEN / BUCHBESPRECHUNGEN

Hafiz-i Shirazi

Bibliographien, Handschriftenverzeichnisse, Sammelbände

Mehrdād Niknām: Ketābšenāsi-ye Hāfez (Hafiz-Bibliographie). Teheran: 'Elmi va farhangī 1367/1988-9, XV + 269 S.

Schon früher haben Iraǧ Afšār, Moḥammad 'Ali Rounaq und Abu l-Qāsem Rādfar einen Teil der Bücher und Aufsätze, die zum Thema Hafiz erschienen sind, sowie die Diwandrucke und -ausgaben in kurzen bibliographischen Listen veröffentlicht. Mit Niknāms Arbeit wird nun eine Bibliographie vorgelegt, die dem großen Dichter gerecht wird. Ein Blick auf die Gliederung des Buches zeigt, mit welchem Interesse und welcher Geduld der Herausgeber sich bemüht hat, die gesamte Literatur zu Hafiz zu erfassen: Sie reicht von frühen Handschriften, Diwandrucken und -kommentaren über Monographien, Aufsätze und Dissertationen bis zu Vertonungen von Hafiz-Gedichten, Hafiz in der Kinderliteratur, Übersetzungen in Urdu, Pandjabi, Englisch, Deutsch, Französisch, Russisch u. a. m.

Diese Bibliographie kann — neben ihrem großen Nutzen für die Forschung — anderen Bibliographen, die eine solche Arbeit planen, als Muster dienen.

Maḥmud Fāzel (Yazdi Moṭlaq): Fehrest-e noṣṣehā-ye ḥaṭṭi-ye Ketābhāne-ye Ġāme'-e Gouharšād-e Mašhad (Handschriftenverzeichnis der Bibliothek der Gouharschad-Moschee in Maschhad). Bd. 3, Maschhad: Ketābhāne-ye Ġāme'-e Gouharšād 1367/1988-9, 755 S.

Parviz Nātel Hānlari: Haftād soḥan. Ġeld-e avval: še'r va honar. Ġeld-e dovvom: farhang va eǧtemā' (Siebzig Reden. Bd. 1: Dichtung und Kunst. Bd. 2: Kultur und Gesellschaft). 2., erw. Aufl., Teheran: Tus 1367/1988-9, 446 + 404 s.

Die Bände enthalten eine Reihe von Aufsätzen, die Dr. Hānlari im Laufe der Jahre in der Zeitschrift Soḥan veröffentlicht hat.

Religion und Philosophie

Moḥammad b. Hoseyn Bābā Afzal Kāšāni: Mošannafāt-e Afzaloddin Moḥammad Maraḡi Kāšāni (Die Schriften von A. M. Maraḡi Kāšāni). Ed. Moǧtabā Minavi und Yahyā Mahdavi. 2. Aufl., Teheran: H'ārezmi 1366/1987-8, XXVII + 862 S., Abb. (1. Aufl. in 2 Bdn. 1331/1952-3 und 1337/1958-9).

In der vorliegenden Ausgabe hat man Moǧtabā Minavis Anmerkungen, die dieser an den Rand seines persönlichen Exemplars der 1. Aufl. geschrieben hat, am Ende des Textes beigefügt. Es folgen Register von Begriffen, Koranversen und Personen. Vgl. die Besprechung des 2. Bandes der 1. Aufl. von Moḥammad H'ānsāri in: *Rāhnamā-ye ketāb*, 1. Jg., Nr. 4 (Winter 1337/1958-9), S. 386—391.

1257. MEISAMI, Julie Scott. "The ghazal as fiction: implied speakers and implied audience in Hafiz's ghazals", in: Michael Glünz & J. Christoph Bürgel eds., *Intoxication, earthly and heavenly: seven studies on the poet Hafiz of Shiraz*. Bern, Peter Lang, 1991, pp. 89-103 (Swiss Asian Studies: Research Studies, 12)

Hafez a fait parler de multiples voix, y compris sous le nom de Hafez, devant un auditoire principalement de cour. Lus dans cette perspective, certainement très importante, les *ghazals* de Hafez se laissent mieux et plus simplement lire. Mais l'A. ne va sans doute pas assez loin, car les *ghazals* en question sont bien plus que des œuvres d'un homme bien ou mal en cour. Il faudra un jour traiter le *Divân* comme une œuvre totale, exprimant en son temps toute la culture acquise jusque là.

C.F.

MADDE 1801 KLASIKOKTAN
SONRA GELEN OKUMAN

18 ARALIK 1997

Abstracta Iranica (Suppl. Studia Iranica),

c. 15-16, 1992-1993, Tehran 1997. p. 301

فكري الجزار ، مداخل المؤلفين والأعلام العرب حتى عام ١٢١٥ هـ = ١٨٠٠ ،
الجزء الأول ١٩٩١، الرياض . ص . 32-33 . DIA KTP.16760..

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

حافظ الشيرازي

محمد بن كمال الدين بن غياث الدين، الشيرازي، شمس الدين؛ ويلقب
بـ «لسان الغيب» و«ترجمان الأسرار» وقيل «قوام الدين»

... - * ٧٩١ هـ

... - ١٣٨٨ م

★ كشف الظنون ع ٧٨٣: «المتوفي سنة ٧٩٢ هـ». وقال الأستاذ ابراهيم الشواربي:
«أن رأي «حاجي خليفة» هو الذي عليه الأكترون» .

١ - انظر: المقدمة التي كتبها د. ابراهيم الشواربي لترجمته «أغاني شيراز»، أو، غزليات حافظ
الشيرازي، .

٢ - حافظ الشيرازي... / دكتور ابراهيم الشواربي . - القاهرة : مطبعة المعارف ومكتبتها،
١٣٦٤ هـ، ١٩٤٤ م .

٣ - كشف الظنون ع ٧٨٣ .

٤ - هدية العارفين ع ١٧٣ .

27 SUBAT 1995

A

128 ARHIVIR 1007

823. [HAFEZ] "Viženâme-ye Hâfez-e Širâzi". *Dâneš* 15 (pâ'iz 1367/1988) 263 p.
[Numéro spécial Hafez]

HÂFIZ-1
ŠIRÂZI

A l'occasion de l'année internationale de Hafez, la revue *Dâneš* consacre ce fascicule à une série d'études sur la connaissance de Hafez dans le subcontinent indien. Outre les articles recensés dans ces pages (v. n^{os} 810, 830, 834, 837), on y trouve: — Md ŠADIQ-E ŠEBLI, Serr-ravâj va emtiyâz-e Hâfez [Le mystère de la diffusion et de la supériorité de Hafez] pp. 81-102; — Md ZAFARXÂN, Tork-e širâzi az didgâh-e dânešvarân-e Irân [Le Turc de Shiraz du point de vue des savants iraniens] (Le Turc de Shiraz serait Hafez lui-même) pp. 103-120; — Vaḥid

QOREYŠI, Ahvâl va âšâr-e 'Abdi-e Qeysarsâhi, motarjem-e divân-e Hâfez [Vie et œuvre de Abdi Qeysarsahi, traducteur du *divân* de Hafez] pp. 162-174; — Mehrnūr MOHAMMADXÂN, Barresi va mo'arrefi-e *Baḥr-e ferâsat al-lâfez fi šarḥ-e divân-e Hâfez* az 'Abdollâh 'Abdi-e Xvišegi-e Qošuri [Examen et présentation du *Baḥr-e ferâsat...* d'A. A. Xishegi Qosuri] pp. 213-241; — Šâber ÂFÂQI, Hâfez-e širâzi be 'onvân-e moravvej-e axlâq [Hafez, propagateur de morale] pp. 242-262.
P. O.

824. *Hafez Dance of Life*, by A. H. Tabnak, W. Clarke, M. Boylan, H. Zenderoudi, M. Hillmann. Washington DC, Mage Publishers, 1988, 107 p.

In fact, this colorful book is the result of a collaborative effort concentrated on twelve ghazals from among approximately five hundred composed by the fourteenth-century Persian poet. Each ghazal is represented by a calligraphic writing of the original Persian (by Amir Hossein Tabnak), a literal prose translation (by Wilberforce Clarke), a verse translation (by Michael Boylan), and an illustration inspired by the ghazal's words, themes and motifs (by Hossein Zenderoudi). Although the calligraphic and illustrative works present little of artistic or scholarly value, they do present diverse perspectives on the shape, form and meaning of each ghazal to various readers. The verse translations are relatively free renderings wherein the themes of the ghazals come to life in a new idiom. Some anecdotes related to Hafez's life and an article on Hafez's relevance for modern-day Iranians (by Michael Hillmann) complete the contents of the book.

Although the book makes no claim to genuine scholarship, it does reflect the attempt of Iranians who have been driven into alien lands in the past decade or so, to present their literary heritage in as impressive a way as possible.
A. K. H.

606. *Convegno internazionale sulla poesia di Ḥāfeẓ* (Roma, 30-31 marzo 1976). Roma, Accademia Nazionale dei Lincei, 1978, 131 p.

Dans cet ouvrage sont réunies les communications suivantes, données au congrès de Rome sur Ḥāfeẓ :

- 1) BAUSANI, A. «Sensibile e sovransensibile nella poesia ḥāfeẓiana» (pp. 5-31). Comment traduire Ḥāfeẓ? C'est-à-dire rendre compréhensible aujourd'hui et dans une langue occidentale une poésie d'un temps et d'une culture éloignée. Le contexte culturel de Ḥāfeẓ est celui d'un néoplatonisme esthétique devenu monothéiste; l'être dont Ḥāfeẓ est épris a trois faces: c'est l'Adoré, l'Aimé, le Loué; son expression poétique est plus religieuse de forme que de contenu. Exemple majeur: les façons dont trois traducteurs modernes ont entendu le célèbre ghazal: agar ân Tork-e širāzi... (éd. Farzād, vol. 5, n° 4, p. 2).
- 2) FARZAAD, M. «Critical remarks on the text of Ḥāfeẓ» (pp. 59-71). Réflexions méthodologiques de l'éditeur critique bien connu du *divân* de Ḥāfeẓ (5 volumes, Širāz, 1347 à 1352). En particulier, les critères retenus par l'A. pour considérer comme authentiques 491 des 839 ghazals attribués à Ḥāfeẓ, 41 parmi les 234 quatrains qu'on lui a attribués, etc. Le problème des variantes laissées par Ḥāfeẓ lui-même.
- 3) LAZARD, G. «Le langage symbolique du *ghazal*» (pp. 59-71). Voir dans le présent volume d'*Abst. Ir.* le compte rendu à part.
- 4) BÜRGEL, J.C. «Le poète et la poésie dans l'œuvre de Ḥāfeẓ» (pp. 73-98). Exposé, à l'aide d'un choix d'exemples, de la conception que Ḥāfeẓ s'est faite de son art de poète et de sa poésie. Une dimension importante de l'œuvre ḥāfeẓienne.
- 5) JONES, A. «Producing a concordance of the *Divân* of Ḥāfeẓ by computer. Report and reflections» (pp. 99-110). Dans le cadre de l'*Atlas Computer Laboratory* de Chilton (Berkshire, G.B.), l'A. a entrepris d'établir une concordance du *divân* de Ḥāfeẓ (édition de Qazvini et Qāni, mais il sera possible d'introduire des variantes). Il décrit ici la méthode qu'il a suivie pour établir une translittération latine appropriée, permettant d'introduire dans l'ordinateur tout le texte, divisé en ghazals, versets et hémistiches. Il est possible ensuite de restituer le texte en caractères persans. La concordance est faite, il suffit d'interroger l'ordinateur, mais il reste le problème de l'édition.
- 6) SCARCIA, G. «Paesaggio ḥāfeẓiano» (pp. 111-128). Dissertation pleine de sensibilité sur l'utilisation des éléments naturels dans la poésie de Ḥāfeẓ, typique du style irakien, par opposition aux styles khorāssānien et indien.

C. F.

755. MEISAMI, Julie Scott. "Allegorical Gardens in the Persian Poetic Tradition: Nezami, Rumi, Hafez". *IJMES* 17, 2 (1985) pp. 229-260.

Takin the garden as a common source of poetic imagery, this most inspiring essay demonstrates how three Persian poets, separated by time and by the nature of the genres they employ, have conveyed their individual visions of cosmic order. In the romances of Nezami, the mystical poetry of Rumi, and the courtly ghazals of Hafez, the garden functions not only as locus but as a sign, a context of signification, containing in itself the poet's sense of the world and of himself in it. For Nezami, the garden provides a setting for symbolic action, a source of allegorical imagery based on analogical thought. As Bahram Gur, the protagonist of the romance of *Haft Paykar* moves along his way to becoming the perfect prince, the garden through which he passes symbolizes his progress. The gardens of Rumi's *Ghazals*, by contrast, owe their evocative power to their total integration into the symbolic actions which take place in them. Thus, the created universe comes to mirror the world of the unseen. Finally, Hafez uses the garden as a complex figure constructed out of many metaphors, and reveals an analogical habit of mind expressed through diverse parallels between the world as macrocosm and man as microcosm.

The essay, a most significant treatment of nature imagery in classical Persian poetry, contains excellent structural/semiotic analyses of certain scenes in Nezami's *Haft Paykar* and some ghazals of Rumi and Hafez.

A. K. H.

HAFIZ
SIRAZI

Spektrum Iran, c. 2(11), 1989

Neuerscheinungen Buchbesprechungen

97

Literatur

→ Saib-i Tabrizi
→ Hafiz-i Shirazi

a) Poesie

Mohammad 'Ali Šā'eb: *Divân-e Šā'eb-e Tabrizi. Ğeld-e 4, ğazaliyât: dâl.*
Ed. Moḥammad Qahremân. Teheran: 'Elmi va farhangi 1367/1988, 619 S.

Sa'id Niyâz Kermâni (Hrsg): *Hâfeẓ-šenâsi. Bd. VII—IX. Teheran: Pâžang.*
1366-7/1987-8, 3 Bde., 240 + 244 + 240 S.

Aufsatzsammlung zu Hafiz, u. a. Mahdi Parhâm: *Ab'âd-e ğahâni-ye Hâfeẓ* (Die universellen Dimensionen von Hafiz); Moḥammad Amin Riyâhi: *In robâ'ihâ az Hâfeẓ nist* (Diese robâ'is sind nicht von Hafiz); Moḥammad Rezâ Šafi'i Kadkani: *Hâfeẓ va Bidel*.

Hâmed Akbari: *Hâfeẓânehâ-ye 'arabi; 'ebârathâ, mašra'hâ va abyât-e 'arabi dar aš'âr-e Hâfeẓ; nosḥe-ye Qazvini-Gani* (Hafizisches auf arabisch; arabische Ausdrücke, Halbverse und Verse in Hafiz' Gedichten; nach Qazvini-Gani). Tabriz: o. Verl. 1366/1987-8, 90 S.

Das Buch enthält den vokalisierten Text der arabischen Ausdrücke, Halbverse und Verse aus Hafiz' Diwan mit ihrer Bedeutung.

20 AUG 1989
1524
829. MENEGHINI CORREALE, Daniela. *The ghazals of Hafez. Concordance and vocabulary*. Published on the occasion of the year of Hafez. Roma, Cultural Institute of the Islamic Republic of Iran in Italy, 1988, 887 p.

MÂFIL-1
FIRÂZ?

A partir de la 2^e édition Xânlari, l'A. donne la transcription-translittération du texte des *qâzal* de Hâfez, précédée par un index des *qâzal* suivant l'ordre alphabétique des premiers mots (contrairement à la tradition) du premier hémistich. L'A. donne ensuite : – une "Concordance" constituée par la liste alphabétique des *types* (c'est-à-dire des différentes réalisations, phonétiques et morphologiques, des *lexical items* rencontrés dans les *qâzal*), suivis du numéro qui indique leur fréquence, et du renvoi au(x) vers où ils apparaissent; – une "Reverse alphabetical type list", où les *types* sont donnés dans l'ordre alphabétique inverse, de la dernière à la première lettre (mais quelle est l'utilité de cette liste?); – une "Frequency type list", où les *types* se succèdent en ordre décroissant de fréquence; – une "Internal word list", où les *lexical items* qui se trouvent en position non initiale (ex. *koš* dans '*âšeqkoš*') à l'exception des suffixes, sont donnés suivant l'ordre alphabétique, avec numéro de fréquence et renvoi aux vers; – une "Frequency internal word list" des mêmes *types* "internes"; – une "Lexical item list", où les *lexical items* et, au-dessous de ceux-ci, tous les *types* correspondants, sont dressés en liste alphabétique, avec leur fréquence (tant des *lexical items* que de chaque *type*); – une "Frequency lexical item list"; – et enfin une "Frequency word distribution table".

Il s'agit d'un travail conduit avec précision. En particulier, il faut remarquer le soin avec lequel les critères de lemmatisation sont établis (pp. 27-35). La transcription des *qâzal*, quand on s'habitue à un texte pas immédiatement lisible, a le mérite de représenter un maximum de données, de nature pas seulement prosodique (abréviation de voyelles longues, présence de syllabes super-longues, de *hamze* prosodique, de consonnes insignifiantes au point de vue prosodique, etc.), mais de nature grammaticale aussi (les mots homographes appartenant à des catégories grammaticales différentes reçoivent des numéros en code, sans doute en vue de l'élaboration des textes). Mais la présentation du système de transcription, que l'A. définit comme "Transliteration system" (pp. 21-26) laisse quelquefois perplexe. Evidemment l'A. ne veut pas employer une translittération au vrai sens du mot. En outre, comme il s'agit de textes poétiques, il importe surtout de représenter une réalité linguistique, au-delà de la graphie originale, tandis que l'élément de translittération intervient seulement pour distinguer les mots homophones, mais pas homographes. En conséquence il arrive que l'A. emploie des expressions contradictoires comme "prosodic transliterations" (p. 23), et "metrical transliteration" (p. 24). La présentation même des "Transliteration criteria" (pp. 24-26) est conditionnée par ce procédé de type traditionnel, où l'on part de la graphie: "A ya at the end of a word which is followed either by a word beginning with vowel/alef, the kasra-ye ezafa or the conjunctive vav [...] is transliterated as [...]" (p. 24). En fin on ne comprend pas pourquoi, ayant choisi une transcription des voyelles suivant la prononciation moderne du persan, l'A. emploie *ay* et *aw* pour les diphtongues, et *a* en fin de mot (ex. *nâmaq*). P. O.

Abstracts Iranica, c. XII, s. 279, 1989
(Paris)

HĀFĪZ AND THE SUFIC GHAZAL

IRAJ BASHIRI

In an earlier study, comparing two *ghazals* of Hāfiz, I pointed out that Hāfiz's exemplary poetic career should be studied in the context of the social and religious values of his time.¹ I also pointed out that we should plan these studies so that we can easily gauge, and thereby evaluate, the gradual unfolding of the poet's talents both as a beginner and as a mature craftsman.² The evaluation of the poet's craft itself should be undertaken in such a way that his perfect *ghazals* do not cloud the importance of his earlier, less perfect verses since these latter reflect the poet's struggles as he tries to create harmony between form and content, two vital components of the *ghazal*. Hāfiz's lasting hold on Persian *ghazal* is the result of this dexterity in creating the required balance, and of his ability to direct the contributions of form and content to focus on a desired theme. The reader of the verses of Hāfiz, especially of the later ones, is exposed to a form of poetry intended to have a total impact upon him and the Sufic element in the *ghazals* further intensifies the feelings and emotions of the reader.

This study is a continuation of my discussion of the *ghazals* of Hāfiz and provides further evidence that, from a theoretical standpoint, the Sufic *ghazals* of Hāfiz are unified pieces, composed around preconceived themes and written within the confines of predetermined structural descriptions. In this article two more *ghazals* are examined in detail: one is a virtually known *ghazal* with the *maṭlaʿ*: *guftā burūn shudī ba-tamāshā-ye māh-i nau* (He said, "You left the Tavern for the spectacle of the new moon), the other is the much debated Harvest Moon, one of Hāfiz's most perfect *ghazals*, comparable to the Shirazi Turk in many respects.

¹ Bashiri, 'Hāfiz' Shirazi Turk: A Structuralist's Point of View' in *The Muslim World* (forthcoming, July and October 1979).

² During the early years of his life, Hāfiz was known as Shams al-Dīn Muḥammad to his contemporaries; only during the latter part of his life was he known as Hāfiz. After his death he was referred to as *Lisān al-ghaib* (Tongue of the Unseen) and other such *laqabs*. See Bamdad, 1969, p. 27. For a different interpretation of the word *hāfiz*, see footnote 1 above.

HĀFĪZ AND THE SUFIC GHAZAL

Before discussing these *ghazals* both individually and as a unit, I should like to mention some of my reasons for choosing these two *ghazals* to follow the earlier discussion of *stna mālāmāl* and the Shirazi Turk. *Guftā burūn shudī* bears the same type of superficial and thematic relationship to the Harvest Moon that *stna mālāmāl* bore to the Shirazi Turk; namely, they share the same theme. The theme, however, is approached from distinctly different vantage points in each, and the *ghazals* seem to have been written in two different periods of Hāfiz's poetic career. Besides this, the simple diction of *guftā burūn shudī*, as was the case with *stna mālāmāl* illuminating the Shirazi Turk, unlocks the otherwise enigmatic symbolism of the Harvest Moon. While in terms of structure, *guftā burūn shudī* (a unified *ghazal* composed in seven *bait*s) and *stna mālāmāl* (a unified *ghazal* composed of nine *bait*s) differ somewhat in terms of style and diction they share similar flaws. After these *ghazals* are discussed in detail, I shall return to this and other questions posed with respect to the possible inclusion of Sufic stages in the *diwān*, the possible time in the poet's career that these *ghazals* could have been written, and so forth.

Guftā burūn shudī: an interpretation

Before looking at the Persian version of this *ghazal*, let me briefly comment on its structure and content. This comment, I believe, should help the reader focus his attention on the major points and prepare him for the ensuing discussion of the text of the *ghazal*.

Guftā burūn shudī is a seven-bait *ghazal* with a structure and thematic content comparable to any well composed Western sonnet.¹ The verse includes an octave (the first four *bait*s) and a sestet (the last three *bait*s). The octave is developed as a single thematic unit promoting the thesis that Man's potential to aspire to the highest peaks is an inborn gift of which he (Man) himself may remain ignorant. It is upon this ignorance that the phenomenal world (Reason) draws to drag man sheepishly from one spectacle to another, as he continually seeks rewards for his actions in this world. This theme unfolds gradually as the *Pir* (learned Guide) advises the *Murīd* (Seeker) on the nature of his world. The sestet is divided into (a) an antithesis to the thesis promoted in the octave, stating that some men realize their potential and seek the

¹ According to Sūdī, *guftā burūn shudī* is written in the *muḍārīʿ* meter corresponding to *mafʿūl fāʿilāt mafʿūl fāʿilun*, and a rhyme scheme of *aa, ba, ca*, etc. See *ghazal* No. 464, p. 2204 in Sūdī's fourth volume of text and commentary on the *ghazals* of Hāfiz.

07 EKIM 1991

- Hafiz - Shirazi

THE LIVING WORLD OF HAFIZ

PROF. USLOOB A. ANSARI

غزل گفتی و در سستی بیا و خوش بخوان حافظ
که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

Hafiz's claims to greatness based on his lyrical exquisiteness and intensity are indisputable: he stands undoubtedly at the apex of Persian lyrical poetry for a variety of reasons. In spite of expressing his genius in a form that had been hallowed or, perhaps, become stale by the practice of acknowledged masters over the ages he is yet able to say something which strikes a responsive chord in the average reader's heart and has also an esoteric aspect to it, and this is paradoxical, indeed. The common man finds a sympathetic interlocutor in him and the mystically-inclined regards him as 'the interpreter of mysteries'. What is most distinctive of Hafiz is not his luminous diction alone or the multiple levels of meaning he offers, but his total integrity. Emphasis has too frequently been laid and wrongly, I should think, on the hedonistic element in his poetry as if he were really asking us to abandon all serious concerns of life before the allurements of the senses and the bouts of drinking and revelry. The bacchanalian quality of it, in other words, has been unduly stressed and insisted on unjustifiably. This has been countered by the claim that the glorification of the senses is only a camouflage for making us look to a higher order of reality: it is only a ladder for reaching up the heights of Divine Beauty and Love. A preoccupation with mere epicureanism cannot guarantee the kind of greatness that Hafiz indubitably possesses and there are clear indications in his poetry that he wishes, every now and then, to outgrow the merely erotic experience which might have been his starting-point, something that initiated him into and irradiated his vivid and expansive world. He is capable, simultaneously, of playing variations on the conventional themes of love for poetry and looking through the sensuous experience to realities that lie behind and beyond it. His ambivalence is, therefore, traceable to the erotio-mystic character of his poetry.

It would be futile to deny that Hafiz's poetry of the *ghazal* offers fine discriminations on the theme of love and in a tone of voice which is intimate, vibrant and exalting and hardly ever

This time the caliph ruled alone, with the help of his sons. He nominated Sulaymān heir-presumptive and gave to him the duties of vizier (*wāsiṭa*). When, after two months, Sulaymān died, he then appointed another son, Ḥaydara (Ḳalkashandī, ix, 377-9). But a third son, al-Ḥasan, jealous because of this nomination, plotted against his father and brother. He seized power, killed several army leaders and formed a private corps, *Ṣibyān al-zarad*, the young cuirassiers. But the army, offended by the massacre, gathered in front of the palace and demanded al-Ḥasan's head. Al-Ḥāfiz then had his son poisoned by the agency of his Jewish doctor (*Khīṭat*, iii, 27-9).

This time he appointed to the vizierate Bahrām, a Christian Armenian. But this choice provoked a revolt among the Muslims, for once Bahrām came to power he formed an Armenian army of 20,000 men, infantry and cavalry. The Egyptians are said to have feared that he would change the religion of Islam (Ibn Muyassar, 79 ff.).

The Muslim troops being discontented, the caliph incited against Bahrām the governor of Ascalon, Riḍwān b. Walakhshī, who had been banished by Bahrām, but Bahrām sent him away again to the prefecture of al-Ḡharbiyya. The people of Egypt were grateful to Riḍwān for having prevented the Armenians from entering Egypt when he was at Ascalon. He later gathered troops and Bedouins and drove Bahrām out of Cairo into Upper Egypt. The caliph, however, gave Bahrām a safe-conduct (*amān*) (Ḳalkashandī, *Ṣubh*, xiii, 325) because of the intervention of the king of Sicily, Roger II (*Ṣubh*, vi, 458-63).

But once Riḍwān became vizier (*Ṣubh*, viii, 342-6), he seized all power and took the title of King (*malik*) (*Khīṭat*, ii, 305). He was also a Sunni; and when he attempted to depose the caliph he was assassinated in 542/1147 (*Khīṭat*, ii, 173).

After this al-Ḥāfiz appointed no more viziers, but the troubles and the disturbance continued. He died of a violent intestinal colic (*ḳawlandī*) in Djumādā II 544/October 1146.

Bibliography: Ibn al-Athīr, x; Ibn Aybak, *Kanz al-āwar*, vi, ed. Ṣalāḥ al-Dīn al-Munadīdīd, Cairo 1961; al-Maḳrīzī, *Itti'āz al-hunafā'*, MS Istanbul, Topkapısarayı Ahmed III 3013; Idrīs 'Imād al-Dīn, *Uyūn al-akhbār*, vii; Cl. Cahen, *Quelques chroniques anciennes relatives aux derniers Fātimides*, in BIFAO, xxxvii (1937), 13 ff.; S. M. Stern, *The succession to the Fatimid imam al-Āmir*, in *Oriens*, iv (1951), 193-255; M. Canard, *Un vizir chrétien à l'époque fatimite: l'Arménien Bahrām*, in *AEIO Alger*, xii (1954), 84-113; A. M. Magued, *Nuṣūṣ al-Fātimīyyīn wa rusūmuhum*, 2 vols., Cairo 1953-5; F. Wüstenfeld, *Geschichte der Fatimiden-Chalifen*, Göttingen 1881, 300 ff.; S. Lane-Poole, *A history of Egypt*, London 1914, 166 ff.; G. Wiet, *Précis de l'histoire de l'Égypte*, iv, Cairo 1932; idem, in *CIA, Le Caire*, ii, 83 ff.

(A. M. MAGUED)

X HĀFIZ, (KHĀDIA) SHAMS AL-DIN MUHAMMAD SHIRĀZĪ, Persian lyric poet and panegyrist, commonly considered the pre-eminent master of the *ghazal* form. He was born in Shirāz, probably in 726/1325-6, though Kāsim Ḡhanī argues for 717/1317 and others favour 720/1320. With a few marked absences, he seems to have spent the greater part of his life in Shirāz, for long moving in or near the court-circle of the Muẓaffarid dynasty. He is believed to have died in Shirāz, in 792/1390 (or 791/1389), and his tomb is perhaps that city's best known monument. Though credited with learned works

in prose, his fame rests entirely on his *Diwān*. There are few aspects of the life and writing of Ḥāfiz that have not given rise, and especially from about 1930 to 1955, to vigorous scholarly dispute over matters of both interpretation and fact. The reverence in which he is held, not only in Persia but widely throughout East and West, as the undoubted composer of some of the world's most sublime and technically exquisite poetry, will doubtless ensure continued concern with these problems, however intractable and ultimately insignificant some of them may seem to be.

Apart from its general historical framework, the presumed facts of Ḥāfiz's life were for long largely drawn from biographical prefaces, from the usual anecdotal *tadhkira* sources like Dawlatshāh, or from casual references by writers like Mirkhānd and his grandson. Such material has of course frequently been viewed sceptically; but most of it is of its nature difficult to disprove conclusively, and in one or two instances (as in an alleged encounter with Timūr, in 789/1387) research has only tended to strengthen, if not fully to confirm, the legend. Informative biographies of Persian poets are a notorious rarity, and it seems unlikely at this late date that any significant new material of an explicitly biographical nature will be discovered relating to Ḥāfiz. Though not a new technique, it has recently become fashionable to analyse the poems themselves for new biographical evidence or for some bearing on the material already to hand. The latest, and the most comprehensive and ingenious work of this kind, has been done by Kāsim Ḡhanī and by R. Lescot; but the net result so far is somewhat disproportionate to the formidable effort involved. At best, it has now been convincingly demonstrated that the *Diwān* bears a much more direct relationship to the milieu of its composition than was suspected in the traditional view. Such methods always have their dangers, particularly where the basic biographical material is itself so slight; in the case of Ḥāfiz, the problem is exacerbated by the continued lack of a reasonably authentic text. All this being so, it still seems proper to give here the main outlines of the life in more or less traditional form.

Ḥāfiz's father, Bahā' al-Dīn or Kamāl al-Dīn (some sources refer to his grandfather), is said to have migrated from Isfahān to Shirāz, where he died in the poet's infancy, leaving the family in poor circumstances. In a close-knit, flourishing centre of Islamic civilization such as Shirāz at that time was, humble beginnings were only a relative handicap; and it is plausibly suggested that Ḥāfiz received a thorough education on the usual classical lines. It was no doubt in youth that he earned the right to use the title *hāfiz* (Kur'ān-memorizer), which became his pen-name; his verse bears ample evidence of familiarity with Arabic, with the Islamic sciences and with Persian literature generally. He is reputed to have been among other things a baker's apprentice and a manuscript-copyist during these years of adolescence and early manhood; but, to judge in particular by the dedication of certain poems to Kiwām al-Dīn Ḥasan (d. 754/1353), sometime vizier to Shāh Abū Ishāk Indjū, he was into his poetic stride as a panegyrist before the age of thirty. An oft-cited poem (Brockhaus, no. 579; Kazvīnī-Ḡhanī, 363) mentions nostalgically other Shirāz notables of this period, including the ruler himself. Already by his twenties, in the wake of the disintegration of the Il-Khānid order, Ḥāfiz had

ESSAI D'UNE CHRONOLOGIE DE L'OEUVRE DE HAFIZ

Parmi les nombreuses publications historiques et critiques qui virent le jour en Iran, au cours de ces dernières années, quelques travaux consacrés à Ḥāfiz méritent tout particulièrement de retenir l'attention. Ce sont, par ordre chronologique :

- محمد معین - حافظ شیرین سخن - تهران - ۱۳۱۹ .
- دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی باهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی - تهران ۱۳۲۰ .
- سعید نفیسی - در پیرامون اشعار و احوال حافظ - طهران ۱۳۲۱ .
- دکتر قاسم غنی - بحث در آثار و افکار و احوال حافظ - جلد اول ، تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم - تهران ۱۳۲۱ .

Le premier de ces ouvrages, étude sur la vie de Ḥāfiz, sur sa pensée et sur ses contemporains, renferme beaucoup de pages intéressantes ; malheureusement, un plan très décousu, d'inutiles digressions, et parfois un certain manque d'esprit critique en diminuent beaucoup la valeur. Néanmoins, même à côté du livre du Docteur Ghani, le *Ḥāfiz-i-Chīrīn Sokhan* de M. Mo'ayyan garde une très grande importance.

La belle édition du *Divan*, par M. Qazvinī et Q. Ghani, vient remplacer celle de Khalkhālī, encore défectueuse. Le texte de Ḥāfiz paraît maintenant à peu près établi (1).

(1) Signalons l'existence d'un excellent manuscrit, à la Aḥmadīya d'Alep. Cette copie, conservée sous le n° 1423 de l'inventaire, est datée de 940 H. Elle contient la préface ordinaire (mais sans mention du nom de Moḥammad-i-Golendām), la *qaṣīda* à Chāh Chodjā' (p. فیه de l'éd. QAZVINI), la *qaṣīda* à Qiwām od-Dīn (Qazv. p. فکب), puis les pièces qui portent, dans l'éd. Qazv. les numéros 329, 490, 472, 304,

la *qaṣīda* à Tūrānchāh (KHALKHĀLĪ, annexe, p. 6), enfin, après une lacune, 497 ghazels (le premier est le n° 2 de l'éd. Qazv.), trente *qef'e*, le *mathnavī* qui figure p. 354 de l'éd. QAZVINI, le *Sāqī nāme* ; et douze quatrains (les numéros 19, 11, 1, 21, 34, 12, 13, 6, 35, 2 de l'éd. KHALKHĀLĪ, dans laquelle les deux autres manquent, aussi bien que dans celle de QAZVINI. Ce sont, textuellement recopiés, les suivants :

در پایه دیو و دد غنی باید بود
مغرور بفعل خود غنی باید بود
باشد که فتد بدست بوسی چندم
دندان طمع از لب او بر کندم

با مردم بد بدان غنی باید بود
مقبول معاش خود می باید بود
گفتم که لبی بالب او پیوندم
دیدم بلش نشان دندان کسان

Par sa date, ce manuscrit vient au treizième rang de ceux que cite M. QAZVINI dans la préface de son édition (p. ۴۰). Le petit nombre

des pièces qu'il renferme permet de supposer qu'il a été exécuté d'après un original beaucoup plus ancien. Malheureusement, nous n'avons pu l'examiner que très rapidement.

23 JUN 2016

ترک است. در شعرهای ترکی‌اش از حافظ تأثیر پذیرفته است. حافظ‌خوانی و حافظ‌پژوهی در قلمرو عثمانی روندی منطقی داشته است. تأثیر دیگرگونی‌های کلان سیاسی و فرهنگی بر روند گسترش نفوذ او در قلمرو عثمانی رابطه‌ای مستقیم با جایگاه زبان فارسی، پس از استیلای سیاسی عثمانیان دارد. در امپراتوری عثمانی سه زبان ترکی، عربی و فارسی در شمار زبان‌های رسمی حکومت بودند. به موازات غنی‌تر شدن زبان ترکی، زبان‌های فارسی و عربی رفته‌رفته جایگاه خود را از دست دادند و ویژگی پذیرش عام و توده‌ای خود را به زبان ترکی وانهادند. بدین‌سان، زبان فارسی به جمع فرهیختگانی رانده شد که وظیفه‌شان تفسیر و تحلیل تاریخ ترکان بود. اما چون بخشی از میراث مکتوب ترکان به زبان فارسی بود، این زبان هرگز به تمامی کنار گذاشته نشد. شاعران و نویسندگان ترک در بادی امر، درون‌مایه‌های اصلی آثار خود را از فارسی و عربی می‌گرفتند و در این میان سهم زبان فارسی، به دلیل نزدیکی روح قومی دو ملت، به مراتب بیش‌تر بود. ترکی‌گوی بزرگی چون شیخی، در غزل‌سرایی به شاعران ایرانی، به‌ویژه حافظ و سلمان ساوجی، گرایش داشت و این نشان می‌دهد که شکل‌گیری ادبیات ترکی به مدد زبان فارسی تنها یک فرضیه نیست، بلکه یک واقعیت است. در تاریخ شکل‌گیری ادبیات ترکی، حافظ نقشی محوری دارد. ظهور حافظ همزمان است با نخستین شوک‌های خودآگاهی زبان ترکی. ترکان، پس از برآمدن عثمانیان و به موازات قدرت‌گیری فزاینده این دودمان شاهی، آرام‌آرام به سوی نهادینه کردن زبان ترکی، همچون پیونددهنده و تجلی روح قومی ترک، پیش می‌رفتند. البته سابقه نخستین آفرینش‌های ترکی به چند سده پیش از این می‌رسد، اما برای آن‌که زبانی صلاحیت آن را داشته باشد که در همه شئون اجتماعی و سیاسی کاربرد مسلط داشته باشد، ابتدا باید نیروهای خود را پیرورد؛ بدین معنی که زبان پیش از سیاست می‌بالد و می‌گسترده و قلمرویی که در آن می‌بالد و می‌گسترده نیز فرهنگ است. این است که ما در فضای آفرینش‌های فرهنگی سال‌های آغازین فرمانروایی عثمانیان نقش کلیدی زبان فارسی را به وضوح می‌بینیم. از طرفی نباید از نظر دور داریم که پذیرش زبان ترکی در مقام زبان نخست حکومت، به دستگاه حکومت ترکان در آسیای صغیر و جهان عرب هویتی تازه بخشید. باین‌همه،

ثبات‌الدین، سیواس ۱۳۰۹ - ۱۳۵۷ ق، شاعر کرد عثمانی. از زندگی وی آگاهی چندانی در دست نیست. دانش‌های ادبی و دینی را در شهرهای کردستان ترکیه و عراق به پایان رسانید. وی به فارسی، عربی، کردی و ترکی شعر می‌گفته و دیوان اشعاری از او به جا مانده است. از شعرهای او است: «به هر جا رو کنی یا جلوه‌ات در اهتزاز آری - میان دلبران تنها تویی صد امتیاز آری / کشیدم رنج آزارت چشیدم زهر نازت را - از این پس از تو می‌خواهم که ناز آری، نیاز آری».

منابع: تاریخ مشاهیر کرد، ۲/۲۲۱؛ دائرةالمعارف کردی، ۳۶۲-۳۶۳؛

شاعران کرد پارسی‌گوی، ۲۱۱-۲۱۲.

حمیدیان

حافظ اسکداری (hā.fez-e.os.ko.dā.ri)، پیش از سده دوازدهم هجری، شاعر عثمانی. از زندگانی و تبار او آگاهی چندانی در دست نیست. تنها می‌دانیم در اسکدار به دنیا آمد و خطیب و پیش‌نماز اسکدار بود. وی به فارسی و ترکی شعر می‌سرود. نمونه‌ای از شعرهای او است: «شکفته غنچه غم خوش‌نوا هزار دلم - گشاده باغ محن موسم بهار دلم».

منابع: تذکره عالم، ۲۱۷-۲۱۸؛

Topkapı sarayı müzesi, 1/3400.

سارم

حافظ در آناتولی و بالکان (hā.fez.dar.ā.nā.to.li.va.bāl.kān)، همچون بسیاری از ایرانیان که خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (- ۷۹۱/۷۹۲ ق) را بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای ایران می‌دانند، حافظ‌خوانان و حافظ‌پژوهان قلمرو عثمانی نیز بر این عقیده‌اند که در زبان فارسی کسی بهتر از حافظ غزل نگفته است. تقریباً همه زبان‌های رایج در عثمانی پیشین، از ترکی، کردی، عربی، صربی، کروات، بلغاری و جز آن‌ها، آثاری درباره حافظ پدید آمده است و اگر نه همه شعرهای او، دست‌کم گزیده‌ای از آن‌ها، به زبان‌های عثمانی ترجمه شده است. آوازه حافظ، کم‌تر از نیم سده پس از درگذشت او به عثمانی رسید. نخستین شاعری که نام حافظ را در عثمانی بر سر زبان‌ها انداخت، یوسف سنان‌الدین، متخلص به شیخی (- ۸۳۵ ق)، بود که در تأثیر گرفتن او از حافظ تردید نیست. او نام‌دارترین شاعر کلاسیک

HĀFIZ

songs. It consists of two sections: the first, and much more comprehensive one, is a collection of seventy-seven poems in rhymed couplets (plus a prose piece and seven songs); the second, slimmer one is a collection of 128 songs without melodies (plus two poems in rhymed couplets and four *Priameln*, short gnomic poems). Since the majority of the poems are discourses on love (*Minnereden*) and most of the songs are love songs, it would be more appropriate to call the entire collection a book on love. As such it covers an interesting variety of very different approaches to this highly popular theme. Most of the authors remain anonymous, as is usual in those centuries and literary genres. But the *Liederbuch* also contains texts by a number of well-known authors from the thirteenth to the fifteenth centuries, including Freidank, Konrad von Würzburg, Heinrich der Teichner, Peter Suchenwirt, Oswald von Wolkenstein, and Hans Rosenplüt.

It is unclear whether Hätzlerin only copied the *Liederbuch* manuscript or whether she was also involved in the collection and arrangement of texts. In any case, the *Liederbuch* is one of the important documents for literary life and interests in late-medieval German towns and cities.

BIBLIOGRAPHY

The edition is *Liederbuch der Clara Hätzlerin*, Carl F. Haltaus, ed. (1940), repr. with an appendix by Hanns Fischer (1966). See also Karl A. Geuther, *Studien zum Liederbuch der Klara Hätzlerin* (1899); Ingeborg Glier, *Artes amandi* (1971), 369–377, and “Hätzlerin, Klara,” in Kurt Ruh et al., eds., *Die deutsche Literatur des Mittelalters: Verfasserlexikon*, III (1981).

INGEBORG GLIER

HĀFIZ (SHAMS AL-DĪN MUḤAMMAD) (d. 1389/1390). Shams al-Dīn Muḥammad—whose pen name, Hāfiz, is often combined with the honorific *khwāja* (lord), or the name of his native city, Shīrāz (*khwāja Hāfiz* or *Hāfiz-i Shīrāzī*)—is, by common consent, the greatest master of the Persian *ghazal*, or short lyric, in the history of the language. In his work, those characteristics most admired in the *ghazal*—lyricism, mystical depth, richness and subtlety of allusion, and emotional intensity—achieve their finest realization. The shadow of his genius falls heavily on later generations: at best their works seem like sedulous imitations of the Hafizian style. At worst, when they try to exceed his standard, they are

HĀFIZ

marred by rhetorical extravagance, obscurity, and bombast.

Although Hāfiz is of such importance in the literary history of his nation, little is known with certainty of his life. He is presumed to have been born roughly seventy years prior to his death—the one secure date in his biography—into a family of no great means. He spent the whole of his life in and around Shīrāz, journeying no farther afield than to the neighboring cities of Yazd and Isfahan. His poetry reveals that he was well schooled in the Islamic sciences and Persian literature, but neither the names of his teachers nor at what school he acquired his learning is known. His pen name means “preserver” and is a title given to one who has “preserved” the Koran by memorizing it. That much can be said with reasonable confidence; however, the great fame of his poetry has been a stimulus to the manufacture of a fund of pleasing and more or less probable anecdotes that fill out traditional biographies.

It is not known how Hāfiz earned a living, but his poems mention a number of patrons by name—“The heavens stable the horses of Shāh Nuṣrat al-Dīn. / Come see how an angel holds his stirrup”—and it seems likely that Hāfiz, like many other Persian poets, depended heavily on court patronage. Fortunately, although the fourteenth century was a turbulent one—beginning in continuous strife between the successor states of the first Mongol dynasty, the Ilkhanids, and ending with the establishment of the empire of Tīmūr Leng (Tamerlane) throughout the region—during his lifetime there were two periods of relative calm in Shīrāz when there was scope for his talent to flourish. The first of these was the ten-year reign of Abū Ishāq Īnjū (1342/1343–1352/1353), who gave Hāfiz continuing and substantial patronage; the second was the long reign of Shah Shujā^c (1358–1384). The attitude of Shah Shujā^c toward Hāfiz, and toward court poetry generally, is problematic. He seems at times to have been a true patron, and at others to have denied Hāfiz access to the court. In any case, Hāfiz enjoyed sufficient reputation by this time to be able to find patrons among the notables of the court, and even to receive occasional gifts from the rulers of neighboring cities.

What distinguishes Hāfiz as a court poet is the very small measure of praise he offered his patrons for their support. All previous court poets had employed the panegyric ode (*qaṣīda-yi madīha*), a very long poem, some two-thirds of which is given over to praise of the patron. Hāfiz preferred the *ghazal*, and seems to have satisfied his patrons by grafting a

Iran D 1965

NEW MATERIAL FOR THE TEXT OF ḤĀFĪZ

By R. M. Rehder

The most recent, comprehensive and reliable surveys of Ḥāfīz are: H. Ritter, "Ḥāfīz", *ISLĀM ANSĪKLOPEDISĪ*, v. 5 (1950); H. Roemer, "Probleme der Hafizforschung und der Stand ihrer Lösung", *Akademie der Wissenschaften und der Literatur*, Wiesbaden (1951); A. J. Arberry, *Fifty Poems of Hafiz* ("Reprinted with corrections 1953, Reprinted 1962"); and J. Rypka, *Iranische Literaturgeschichte* (p. 256-65), (1959). None of them contains either a full discussion of the problems of an edition or a complete inventory of the oldest manuscripts; but they all touch the problem of the text of Ḥāfīz and they are the most up-to-date sources for its problems. Since their publication, however, new material has appeared which represents an important advance in our knowledge of the text of Ḥāfīz:

1. Elisabeth Boelke, *Zum Text des Ḥāfīz*, Photostelle der Universität zu Köln, 1958. Dr. Boelke has collated three manuscripts and the Qazvīnī-Ghanī edition of Ḥāfīz against the text in the Bulāq edition (1250/1834) of Sūdī's commentary. The manuscripts she has used are: (a) Aya Sofya 3945, the very old and important MS. which Prof. Ritter described in "Philologica XI", *Der Islam*, v. 26 (1942), and of which he writes: "Dieser älteste, nur 22 Jahre nach des Dichters Tode in seiner Vaterstadt für den damaligen Herrscher dieser Stadt geschriebene Textzeuge darf sicherlich die höchste Autorität beanspruchen" (p. 241). The MS. is dated 813/14 and contains 458 *ghazals*. (b) British Museum Or. 3247 (number 268 in Rieu's *Supplement*, p. 177) which is dated 907 and contains 182 *ghazals*. This is known not to be a copy, but a recension made in Harāt for Prince Farīdūn Ḥusayn Khān, a son of Sulṭān Ḥusayn Bayqarā, and it is said many MSS. were collected and used for this work. The preface to the recension and details may be found in Roemer's *Staatsschreiben der Timuridenzeit* (1952). (c) A MS. dated 911 containing 346 *ghazals*, which belongs to the Max Freiherr von Oppenheim Foundation.

The choice of the Bulāq edition of Sūdī as the base for the collations is unfortunate as copies of it are very rare, and neither Sūdī nor the Oppenheim MS. and the interesting British Museum MS. can be considered as authorities in establishing the text of Ḥāfīz (unless it can be demonstrated that they represent an old MS. tradition which in these cases is dubious). This is particularly true now when one may count thirteen and perhaps fifteen MSS. older than the Khalkhālī MS., dated 827/1424, which is the base for the Qazvīnī-Ghanī edition and which was once considered the oldest MS. of Ḥāfīz. Nevertheless, the ordinary reader may make use of most of Dr. Boelke's variants using her book and the Qazvīnī-Ghanī edition, and her collation of Aya Sofya 3945 is enough to make her book valuable.¹

2. Parvīz Khānlārī, *Ghazalhā-i Khvājeh Ḥāfīz-i Shirāzī*, Tehrān, Sukhan, 1337-1959. In this book Dr. Khānlārī has published a MS. of Ḥāfīz's poems copied in 813 and 814 which forms part of a *majmu'* in the British Museum (number 261/27; described in Rieu's *Catalogue*, v. 2, p. 868). The copy, containing 152 *ghazals*, was made for the Amīr Jalāl al-Dīn Iskandar, who ruled in Fārs for his uncle Shāhrukh. He was killed in a rebellion in 817. Therefore, his name on the MS. is additional evidence for its age. This copy, like Aya Sofya 3945, was made in Fārs where Ḥāfīz lived and where one may assume there was the best chance of finding reliable copies of his poems (although MSS. were commonly moved as booty). Moreover, one may assume that whatever oral tradition there was would be there stronger and more reliable.

Dr. Khānlārī explains in his introduction that he has "corrected" the 813-14 MS. after comparing it with the Qazvīnī-Ghanī text and two other MSS. This "corrected" text is the one he has published; however, all the original readings happily are printed in the notes at the end of the book. The two

¹ I thank Dr. Boelke for her special kindness in sending me a copy of her book.

گزیده کتابشناسی
پژوهشی حافظ

محمدعلی رونق

تهیه و تنظیم کتابشناسی جامع حافظ که باید شامل تمام نسخه‌های خطی، چاپی، تحقیقات، شرحها و ترجمه‌ها باشد، کاری است بسیار دشوار؛ کتابشناسی حاضر گزیده‌ای است که از بین یادداشت‌هایی که درباره حافظ داشته‌ام - با تأکید بر تحقیقات ایرانیان معاصر - فراهم آورده‌ام. مبنای این کتابشناسی دیوانهای تصحیح شده از سال ۱۳۰۶ تاکنون و کتابها و مقاله‌های تحقیقی طی چند دهه اخیر می‌باشد. هرچند که بحر وجود حافظ در این کوزه تنگ نمی‌گنجد اما تا زمان تدوین و چاپ کتابشناسی جامع حافظ، شاید این کتابشناسی بتواند علاقمندان حافظ و پژوهشگران را تا اندازه‌ای راهگشا و مفید باشد. این کتابشناسی در سه بخش تنظیم شده است: الف) دیوانهای تحقیقی و انتقادی؛ ب) کتابهای پژوهشی؛ ج) مقاله‌ها و بررسیها. تقریباً همه دیوانهای انتقادی و کتابهای پژوهشی را معرفی کرده‌ام و در انتخاب مقاله‌ها، اعتبار نشریه، نویسنده و محتوای مقاله را در نظر داشته‌ام.

نشر دانش

مقدمه

سال ششم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵، شماره ۱

- Hafiz - Sirazi

الف) دیوانهای تحقیقی و انتقادی

- ۱) حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. حافظ شیراز. به روایت احمد شاملو. تهران: مروارید، ۱۳۵۴. ۵۶+۶۴۸ ص.
- ۲) حافظ. گردآوری: سلیم نیساری. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۵۳. ۴۲۶ ص.
- ۳) دیوان حافظ، از روی چاپ قدسی. مقدمه به قلم علی‌اصغر حکمت. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۳. ۱۶+۴۹۵+۳۱ ص.
- ۴) دیوان حافظ. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: ۱۳۲۰. چاپ اول. ۴۳۲ ص.
- ۵) دیوان حافظ. با تصحیح و مقدمه به قلم مجید یکتائی. تهران: علی‌اکبر علمی، ۱۳۶۳. چاپ دوم. ۲۲۰+۴۹۵ ص.
- ۶) دیوان حافظ. به اهتمام هاشم رضی. تهران: کاوه، ۱۳۴۱. ۱۳۲+۲۹۹ ص.
- ۷) دیوان حافظ. به خط کیخسرو و خروش. تهران: انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۲. ۴۲۳ ص.
- ۸) دیوان حافظ. (براساس سه نسخه کامل کهن مورخ سالهای ۸۱۳ و ۸۲۲ و ۸۲۵ هجری قمری) به تصحیح اکبر بهروز - رشید عبوسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳. کب + بیست و هفت + ۵۷۲ ص.
- ۹) دیوان حافظ. به تصحیح عبدالرحیم خلخالی. از روی نسخه قدیمی ۸۲۷ هجری. تهران: کاوه، ۱۳۰۶. ۷۴+۲۷۵ ص.
- ۱۰) دیوان حافظ. به تصحیح مسعود فرزاد. به کوشش علی حصوری. تهران: همگام، ۱۳۶۲. ۴۹۶ ص.
- ۱۱) دیوان حافظ. خواجه شمس‌الدین محمد. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲. ۲ جلد. [مندرجات جلد اول: غزلیات. مندرجات جلد دوم: ملحقات غزلیات، قصاید، مثنویات، قطعات و رباعیات]

- ۱۲) دیوان خواجه حافظ شیرازی. با تصحیح و سه مقدمه و حواشی و تکمله و کشف الایات و کشف اللغات. به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: جاویدان، ۱۳۶۳. ۱۶۲+۳۰۶+۸۳+۲۲۸ ص.
- ۱۳) دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ. به انضمام شرح حال و شرح عبارات صوفیه و فهرست اعلام. ادیبی تهرانی. تهران: نوین، ۱۳۶۲. ۳۹۶ ص.
- ۱۴) دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، براساس نسخه مورخ ۸۱۲-۸۱۷ هجری و نسخه مورخ ذی‌الحجه سال ۸۲۴ هجری قمری. به اهتمام محمدرضا جلالی‌نائینی و نذیر احمد. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳. سی و چهار + ۷۸۳ ص.
- ۱۵) دیوان غزلیات مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر اوزان و بحر غزلها و برخی نکته‌های دستوری و ادبی و امثال و حکم. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۳. سی و یک + ۷۲۴ ص.
- ۱۶) دیوان کهنه حافظ، از روی نسخه خطی نزدیک به زمان شاعر. بکوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹. ۴۹۲ ص.
- ۱۷) دیوان مولانا شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی. به اهتمام یحیی قریب. چاپ دوم با تجدیدنظر کامل. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۱. ۹+۶۳۷+۲۶ ص.
- ۱۸) زبده دیوان خواجه حافظ. به انتخاب محمدعلی فروغی. تهران: [ابن‌سینا، بی‌تا] ۲۱۸ ص.
- ۱۹) سفینه حافظ. به سعی و اهتمام مسعود جنتی عطائی. تهران: ۱۳۶۴. ۶۸۸ ص. مصور. [مندرجات: مقدمه، سرگذشت حافظ، خاک مصلی یا حافظیه، علامات و قراردادهای مقدمه محمد گلندام، فالهای حافظ و طرز فال، داستانهای حافظ، اصلاحات و تعالیق، تاریخ قرن حافظ، اشعار]

جهان‌نדיده و کارافتاده است فراموش نمی‌کند که آزادمرد وقتی می‌تواند در میان گروه به حرمت زندگی کند که از خلق بی‌نیاز باشد و کسی که محتاج خلق باشد قدری ندارد. از این روست که زر را تا آنجا که اسباب شادکامی از اوست مایه خرمی می‌شناسد، لیکن چون رزق مقسوم است برای آن اندوه خوردن را فایده‌یی نمی‌بیند و هیچ چیز را از قناعت و خرسندی بهتر نمی‌شناسد. با این همه سعی و جهد را لازم می‌داند و برای نیل به مقاصد عالی تحمل خطر را واجب می‌بیند. در حقیقت آنچه مطلوب اوست نه جاه و مال حریصان است نه فقر و نیاز درویشان، مطلوب او آسایش باطنی است که وصول بدان سعی و عمل می‌خواهد و بی‌سعی و عمل نیل بدان دست نمی‌دهد. در عین حال شاعر از تجربه زندگی و از تزلزل روزگار درس حزم و بدبینی آموخته است. مردم‌گریزی او از همین حزم و بدبینی او ناشی است از این روست که مردم جهان را سه فرقه می‌خواند: جمعی مثل طعام‌اند که انسان از آنها گزیری ندارد؛ فرقه‌یی مثل دارو هستند که دست کم گه‌گاه بدانها حاجت هست؛ باقی مردم مثل دردند که باید از آنها پرهیز کرد و نگذاشت که آینه دل از دم آنها تیرگی بیابد. با این همه صحبت دوست، دوست یکدل و یک‌رنگ، را نعمت می‌شمرد و سر و زر را نیز در راه دوست قدری نمی‌نهد. اما اندیشه زوال و فناى جهان هیچ نعمتی را در نظر وی شایسته دل‌بستگی نمی‌گذارد. مثل خیام، اما با بیان یک روستایی ساده خوش‌باور، می‌گوید:

ز دیوانه‌یی کرد روزی سؤال	سلیمان مرسل علیه السلام
که چون بینی این سلطنت کز پدر	مرا مانند با این همه احتشام
چه خوش داد دیوانه وی را جواب	که چون نیست این مملکت مستدام
پدرمدتی آهن سرد کوفت	تو در باد پی‌موندنی صبح و شام

MART 1997

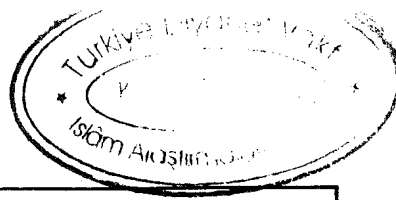
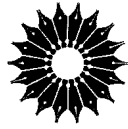
عبد الحسین زرین کوب، با کاروان حله : مجموعه نقد ادبی ،
تهران ۱۳۷۴، ص. ۲۷۵-۲۸۵. DIA 41851.

Dipnotlar için bkz. s. 424-425

حافظ

خواجه رندان

با اینکه دیوان حافظ سراسر سرود عشق و مستی است باز این رند جهانسوز حقیقت حال خود را چنان از هر کس پنهان می‌دارد که از سخن او بدرست نمی‌توان دانست که آیا مقصود او از این عشق و شراب در واقع عشق مجازی و شراب شیرازی است یا آن عشقی که صوفیان از آن سخن می‌گویند و آن شرابی که کنشایه از جذبه و فنایش می‌شمارند. شاید هر دو باشد اما کیست که بتواند یقین بداند که در هر جا مقصود چیست؟ این ابهام رندانه از سوی ریا خالی نیست، اما در روزگار وی که می‌توانست نقاب ریای خویش را بدر و چهره واقعی خود را نشان دهد؟ روزگار وی روزگار فساد، روزگار دروغ، و روزگار ریا بود. روزگاری بود که احوال عامه روی به فساد داشت و اخلاق اشراف، مثل زمان ما، از «مذهب منسوخ» به سوی «مذهب مختار» می‌گرایید [۱]. وحشت و بدگمانی بر همه چیز چیره گشته بود و بیداد و خشونت در هیچ‌جا ایمنی باقی نگذاشته بود. در چنین محیطی هر روح حساس که بود دایم بین ریا و رندی سرگردان می‌شد، از این رو بود که حافظ با همه نارضایی که از زاهدان ریاکار داشت خود گه‌گاه رندانه ریا می‌کرد و با سخنان دوپهلوسعی می‌کرد از قال و مقال عوام بگریزد و از همین



برگزیدهٔ مقاله‌های نشر دانش (۲)

دربارهٔ حافظ

زیر نظر
نصرالله پورجوادی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Depozit No	41895
	291.5
	1 BAR. H

(/1370)

16 MART 1997

گزیده کتابشناسی پژوهشی حافظ

محمدعلی رونق

تهیه و تنظیم کتابشناسی جامع حافظ که باید شامل تمام نسخه‌های خطی، چاپی، تحقیقات، شرحها و ترجمه‌ها باشد، کاری است بسیار دشوار؛ کتابشناسی حاضر گزیده‌ای است که از بین یادداشتهایی که دربارهٔ حافظ داشته‌ام - با تأکید بر تحقیقات ایرانیان معاصر - فراهم آورده‌ام. مبنای این کتابشناسی دیوانهای تصحیح شده از سال ۱۳۰۶ تاکنون و کتابها و مقاله‌های تحقیقی طی چند دههٔ اخیر می‌باشد. هر چند که بحر وجود حافظ در این کوزهٔ تنگ نمی‌گنجد اما تا زمان تدوین و چاپ کتابشناسی جامع حافظ، شاید این کتابشناسی بتواند علاقمندان حافظ و پژوهشگران را تا اندازه‌ای راهگشا و مفید باشد.

این کتابشناسی در سه بخش تنظیم شده است: الف) دیوانهای تحقیقی و انتقادی؛ ب) کتابهای پژوهشی؛ ج) مقاله‌ها و بررسیها. تقریباً همهٔ دیوانهای انتقادی و کتابهای پژوهشی را معرفی کرده‌ام و در انتخاب مقاله‌ها، اعتبار نشریه، نویسنده و محتوای مقاله را در نظر داشته‌ام.

الف) دیوانهای تحقیقی و انتقادی

(۱) حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. حافظ شیراز. به روایت احمد شاملو. تهران: مروارید، ۱۳۵۴. ۵۶+۶۴۸ ص.

(۲) ——. حافظ. گردآوری: سلیم نیساری. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۵۳. ۴۲۶ ص.

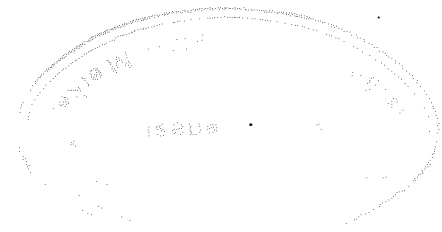
(۳) ——. دیوان حافظ، از روی چاپ قدسی. مقدمه به قلم علی اصغر حکمت. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۳. ۱۶+۴۹۵+۳۱ ص.

Nasrullah Porcevadi

der Bare-i Hafiz

(11370) DN: 41895

S. 325-343



14 MART 1997



قرن لر و عصر لر فریادی



ترکی حافظ

حافظین غزل لریسین برگی آری و نیستی

چو پرن: اکبر بدیس شو

عبدالرحیم خلجی نسخه سندن

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	42045
Tasnif No:	891.5 H A F. D

MAYIS 1997
MADDE YATIRILMADIKTAN
SONRA GELEBİLİR

«To dig for gold» و «Paul Storey در چاپ اوتوب به» «To prospect for gold» و «چنانچه باز به» «لشبک الذهب» و «مشایخی به» «بقصد ذوب طلا» ترجمه کرده اند.

مترجم ما در اینجا گویا پیروی از ترجمه های انگلیسی «بقصد کشف سرزمین طلائی» آورده است با اینکه استوری در حاشیه ای مینویسد که «ترجمه لفظی این عبارت «To smelt ore» است و این عبارت مثل است و با يك قصه مبهمی آنرا توجیه کرده اند. باکو در حاشیه مینویسد که «این عبارت در یونانی مثل است برای کسیکه وظیفه خویش را کنار بگذارد و بکاری بیهوده فریبا پردازد». خباز در حاشیه مینویسد: «اجمع شراح افلاطون علی ان المراد بهذه العبارة هو: هل حضرا لنفشل فی ما ننقده» پس روشن شد که از عبارت یونانی «کداختن زر» خواسته شده است و اگر هم «کداختن» را کنایه ای از «کاویدن» یا «یافتن» بدانیم دیگر «سرزمین طلائی» از کجا پیدا شده و چرا بهمان «زر» بس نگردید.

27 MAYIS 1996

د. 391
484 استاد

Türkiye Diyanet Vakfı
İslâm Araştırmaları Merkezi
Kütüphanesi
Prof. Dr. Nihad M. ÇETİN Bölümü

Hafiz Sirazi

منوچهر مرتضوی

یادداشتی درباره

نثر خواجه حافظ از داستان شیخ صنعان

بدون کترین تردیدی یکی از بهترین و دلکش ترین داستانهای ادبیات فارسی و شاید عمیق ترین و نتیجه بخشترین آنها داستان شیخ صنعان و دختر ترساست. داستان شیخ صنعان را نباید با داستانهای مشهور ادبی دیگر نظیر «لیلی و مجنون» و «خسرو شیرین» و «یوسف و زلیخا» و «وامق و عذرا» و «ویس و رامین» در یک ترازو نهاد زیرا این داستانها جنبه عاشقانه و شاعرانه صرف دارد در حالیکه داستان شیخ صنعان با وجود بهره کافی که از لطف شاعرانه و ادبی دارد متضمن نکات فراوان فلسفی و عرفانی است و اصولاً يك داستان «عرفانی» محسوب میشود نه يك «افسانه شعری»، و شاید همین جنبه عرفانی و عمیق است که از تداول و اشتهار عامیانه آن مانع آمده است در حالیکه داستانهای دیگر بمناسبت سادگی و بی پیرایگی و جنبه شاعرانه و ادبی محض شهرت و تداول کامل یافته اند. چون بحث و تحقیق در داستان شیخ صنعان از موضوع بحث ما که «نثر خواجه شیراز از این داستان» است بیرون میباشد از توجه بجنبه های گوناگون این داستان که هر يك درخور رسالتی جداگانه و مفصل است خود داری میکنیم و فقط بتذکر نکته ای چند در این باره اکتفا میورزیم:

۱- درباره اصل و ریشه این داستان اطلاع کافی در دست نیست و فقط حدس زده میشود يك واقعه ساده تاریخی در قرن ششم هجری هسته مرکزی این داستان پرشور عشقی و عرفانی باشد (۱)

۲- استاد محترم آقای سعید نفیسی در «جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری» در این باره چنین نوشته اند:
«نکته دیگر اینست که جامی در نفحات الانس گوید بعضی گفته اند اویسی است و مؤلف خزینه الاسفیا مینویسد که صاحب کتاب مناصب غوثیه شیخ محمد صادق شهبانی میفرماید که شیخ فریدالدین عطار مرید ساجت شیخ صنعان بسود چون شیخ صنعان بسبب ظهور کلمات

22 TEM 2008

حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۱۵-)
(میزگرد و مصاحبه شونده)

۶۲۴- «رویکرد حافظ به قرآن»

گلستان قرآن، پیاپی ۱۸۴، ص ۵-۸ فارسی.
کد پارسا: A۸۸۹۷۳
Hafiz Shirazi
دیوان حافظ - تلمیحات قرآنی دیوان

حافظ؛ تأثیر قرآن در ادبیات فارسی (قرآن و علوم قرآنی)

این مقاله به بحث درباره ارتباط خاص حافظ با قرآن کریم و نحوه استفاده از آن در اشعار خویش می‌پردازد. گوینده نخست به عصر حافظ و فضای فرهنگی حاکم بر آن اشاره دارد و سپس ساز و کارهایی را که حافظ به وسیله آنها بین اشعار خویش و مفاهیم قرآنی پیوند زده است، معرفی می‌کند. وی همچنین ضمن تأکید بر اهمیت استفاده از بیان ادبی در طرح مباحث قرآنی، ارزش اشعار حافظ را در تبیین معارف قرآنی ذکر کرده و معتقد است در قالب ادبیات می‌توان مفاهیم قرآنی را زیباتر القا نمود.

حجازی، بهجت‌السادات

«دین و اسطوره در اندیشه

فردوسی». (شماره ۳۴۳۵)

شاهنامه - بررسی‌های موضوعی شاهنامه

حجازی، حمیده

رحمت و غضب در مثنوی معنوی.

(شماره ۷۷۹۴)

مثنوی معنوی - موضوعات مثنوی معنوی

برزگر خالقی، محمد رضا
 ۸۰۴- شاخ نبات حافظ، شرح
 غزل‌ها همراه با مقدمه، تلفظ وازگان
 دشوار، درست خوانی ابیات و فرهنگ
 اصطلاحات عرفانی، تهران: زوار، چاپ اول،
 ۱۳۸۲ / ۳۳۰۰ نسخه، بیست+۱۱۴۵ ص، فارسی، وزیری
 (گالینگور)، بها: ۸۰۰۰ ریال، منابع: ۱۱۴۱-۱۱۴۵.

شابک: ۵-۱۶۳-۴۰۱-۹۶۴

کنگره: PIR۵۴۳۵/B۳۷۵SH۲

کد پارسا: BV۰۱۱۱

شرح‌های دیوان حافظ

شرح مختصر و گویای غزلیات دیوان حافظ
 شیرازی است. شارح تلاش کرده است با عباراتی
 کوتاه و مفید جنبه‌های دشوار و کلمات مبهم و نادر
 غزلیات را توضیح و شرح دهد. وی پس از ذکر چند
 بیت از ابتدای هر غزل، ابتدا وزن و بحر آن را آورده و
 آنگاه کلمات دشوار و سپس محتوا و پیام کلی غزل را
 یادآور شده است. نویسنده در مقدمه‌ای به بررسی
 اوضاع و احوال عصر حافظ پرداخته و با شرح ۴۹۵
 غزل از دیوان، در انتهای فرهنگنامه اصطلاحات
 عرفانی برای کتاب تهیه کرده است. وی در شرح
 اصطلاحات عرفانی به اشعار و غزلیات متعدد حافظ
 استناد می‌کند و ابعاد مختلف هر اصطلاح را توضیح
 می‌دهد. او در شرح غزلیات و کلمات، کمتر به اقوال
 دیگر شارحان استناد کرده است.

عربعلی، فاطمه

۷۵۵- بررسی مضامین مشترک در

غزلیات حافظ شیرازی، سلمان ساوجی

و خواجوی کرمانی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه:

آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و

علوم انسانی، ۴۶۴ص، فارسی، استاد راهنما: سید

ابوطالب میرعابدینی؛ استاد مشاور: علی اصغر حلبی،

تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: P۲۱۹۲۳

بررسی غزلیات حافظ

نویسنده پس از بررسی اوضاع سیاسی و

اجتماعی ایران در دوره مغول و سلسله‌های حاکم در

این دوران با مطالعه ۹۳۱ غزل خواجوی کرمانی که

شامل تمام غزل‌های وی متشکل از سه بخش

حضریات و سفریات و شوقیات دیوان اوست و ۳۹۲

غزل سلمان و نیز ۴۸۶ غزل حافظ، مهم‌ترین و

برجسته‌ترین مضامین مشترک غزلیات آنان را که

غالب آنها مضامین عرفانی و عاشقانه است، با ذکر

شماره غزل و بیت بررسی کرده است. وی در بررسی

مضامین مشترک، برای هر مضمون ۵ بیت به عنوان

شاهد ذکر شده است. در ادامه بحور و اوزان رایج

مشترک، رایج غیر مشترک و اوزان کم کاربرد

غزل‌های این سه شاعر مشخص گردیده است. سبک

عراقی و مختصات آن، سبک شعر خواجوی کرمانی،

شرح حال خواجو، سلمان ساوجی و حافظ

موضوعات دیگری است که به آنها پرداخته شده است.

به نظر نویسنده، حافظ تحت تأثیر خواجو و سلمان

سعد ساوجی بوده است و در این باب تردیدی نیست.

egitim amaci cogaltin

27 ŞUBAT 2009

پوز نامداریان، تقی (۱۳۲۰ -)

۷۳۳-گمشده لب دریا: تاملی در

معنی و صورت شعر حافظ، تهران: سخن،

چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۳۳۰۰ نسخه، ۵۱۴ ص، فارسی،

وزیری (کالینگور)، بها: ۴۵۰۰۰ ریال، منابع: ۴۹۵-۴۵۷.

شابک: ۹۶۴-۳۷۲-۰۴۳-۸

کنگه: PIR۵۴۳۵/P۹۵G۸

Hafiz Sinafi

دیویی: ۳۲/۸

کد پارسا: BY۰۰۶۶

سبک شعری حافظ

27 SUBAT 2008

۱ تاملاتی است در زمینه صورت و معنای شعر

حافظ. به اعتقاد نویسنده، شعر حافظ بیانگر سلوک

اجتماعی او نیست. از طریق شعر حافظ نمی‌توان به

واقعیات و اوضاع زندگی و زمانه وی پی برد؛ شعر

حافظ انعکاس غیر مستقیم زندگی و تجربه در حیات

روحي و نفسانی یعنی اندیشه‌ها، خیالها، وسوسه‌ها و

رویدادها و حوادثی است که در ذهن او در مقام انسان

اتفاق افتاده است. وی معتقد است با این ذهنیت باید

به شرح و تأویل اشعار حافظ پرداخت. به نظر نویسنده،

شرح و توضیح لغات و اصطلاحات و اشعار حافظ

بهره‌ای کم حاصل دارد. با مدد گرفتن از نظریه‌های

زبان‌شناسی و تأویل متن و رابطه متن و گوینده، در

صدد است به شناخت ذهنیات و روحیات حافظ نائل

آید. او می‌کوشد دنیای شعر حافظ را با اشعار دیگران

مقایسه و با بررسی تطبیقی برخی غزلیات حافظ،

مقاصد کلی و ماهیت شعری حافظ را کشف کند.

عناوین کلی کتاب عبارت‌اند از: معنا و زمینه‌های آن

در جهان شعر حافظ، صورت و ظرایف آن در شعر

حافظ، ساختار، پیوند معنایی، تأویل، شعر کلاسیک و

شعر حافظ، گفتگو با متن و تأویل، تفسیر و تأویل

نخستین غزل دیوان.

غنی، قاسم

۳۱۶۲- تاریخ عصر حافظ: بحث

در آثار و افکار و احوال حافظ، جلد اول،

تهران: زوار، چاپ هشتم، ۱۳۸۰ / ۴۴۰۰ نسخه، ۴۸۷ ص،

فارسی، وزیری (کالینگور)، بها: ۸۰۰۰ ریال، قهارس:

اعلام، اماکن، قبایل، کتب. شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۰۱۹-۱

کنگره: PIR۵۴۳۵/GH۹B۳

کد پارسا: B۷۰۲۱۰

27 SUBAT 2009

تاریخ فارس؛ بررسی عصر حافظ (ادبیات)؛ آل مظفر

۱ بررسی و تحقیق درباره اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی فارس در عصر حافظ در سده هشتم هجری است. سه خاندان چوپانیان، آل اینجو و آل مظفر از خاندانهای هستند که در سده ششم تا نهم بر فارس و ایالتهای مجاور حکمرانی کرده‌اند. نویسنده با بهره‌گیری از منابع و اسناد معتبر تاریخی، به شرح وقایع حکومت‌های این خاندانها و نیز اوضاع و احوال ایالت‌های مجاور فارس پرداخته است. وی می‌کوشد با تشریح اوضاع عصر حافظ به شناخت اندیشه‌های حافظ و مقاصد غزلیات او دست یابد. به نظر نویسنده، اوضاع سیاسی و اجتماعی هر عصر و مکان مؤثر در اندیشه‌های متفکران و در عین حال متأثر از آن است. وی به تفصیل روابط حافظ و اشاره‌های غزلیات وی را درباره امیران و شخصیت‌های سیاسی از قبیل امیر مبارزالدین محمد، شاه شجاع، و شاه یحیی تحلیل کرده است. در مقدمه محمد قزوینی بر کتاب، شیوه تحقیقی و علمی نویسنده بررسی و نقد شده است.

474. HĀFEZ. *Dīvān*. Bar asās-e taṣḥīḥ-e šādravānān Qazvīnī-Ġanī va moqābele bā nosḥe-hā-ye Hānlarī, Jalālī Nā'inī, Nūrānī Vešāl, Neysārī, 'Eyvādī, Behrūz, Ḥalḥālī. Qerā'at-gozīnī-e enteḡādī be kūšeš-e Hāšem Jāvid va Bahā' al-Dīn Ḥorramšāhī. Tehrān, Našr va paṣūheš-e Farzān-e Rūz, 1378/1999, XLVI-662 p.

Le but de cette nouvelle édition est que le lecteur et le chercheur trouvent en un seul volume ce que, sur la base du travail de Qazvīnī-Ġanī, six grands éditeurs du *Dīvān* ont réalisé ensuite. Aux pp. V-XII, on trouvera un bref historique des éditions de plus en plus critiques du *Dīvān* de Hāfez, avec éloge spécial pour celles de Qazvīnī-Ġanī, de Hānlarī, Neysārī et Sāye (Hūšang Ebtehāj). L'édition de ce dernier est considérée par les éditeurs comme la meilleure. Sauf à découvrir de nouveaux manuscrits. On travaille actuellement sur un ms. daté de 803/1400, et sur un autre, en Inde, daté de 791/1388, tout proche donc du décès de Hāfez. Il n'a pas semblé nécessaire de relever toutes les variantes de lecture (p. XIII, mention des plus célèbres). Divers ouvrages existent qui tentent d'éclairer le sens des plus importants points du *Dīvān*, ainsi l'ouvrage de Zaryāb Ḥo'i, *Āyene-ye Jām*. Celui que recommandent les éditeurs est celui de Maḥmūd Rokn, *Loṭf-e soḡan-e Hāfez* (Fū'ād, 1375/1996). Aux pp. XIV sq. sont données les règles que se sont fixées les éditeurs dans leur travail, la principale étant de s'en tenir à ce qui est le plus communément admis, mais sans raideur. P. XIX, deux points où les éditeurs n'ont pas préféré la lecture de Qazvīnī-Ġanī. Pp. XXIII-XLVI, double indexation du *maṭla'* de chaque *ḡazal*. Pp. 1-632 sont donnés les 495 *ḡazal*-s, chaque *ḡazal* étant sur une page, suivi des choix différents faits dans leur lecture des six éditeurs principaux du *Dīvān* depuis Qazvīnī. Pp. 635-640, édition de l'introduction de Golandām. Pp. 641-662, édition des *qaṣīda*-s et autres pièces attribuées par les manuscrits à Hāfez. Un ouvrage pratique, muni de quelques commentaires des points les plus discutés du *Dīvān*, réalisé par de bons connaisseurs actuels du texte de Hāfez. Mais le livre n'a pas été bien reçu. Voir la critique de Jamšīd Sorūšyār, « Besūht dīde ze heyrat. Naqd-i be taṣḥīḥ-e jadīd-i az 'Dīvān-e Hāfez' », *Našr-e Dāneš*, 16, 4 (1378/1999), pp. 55-71. L'auteur s'en prend à l'intention des éditeurs du *Dīvān* de vouloir concentrer en un texte tous les travaux d'édition réalisés jusqu'ici. Le résultat est un texte réducteur de toutes les questions restées en suspens et une simplification des commentaires à la limite du dérisoire. Ce qui est montré par de nombreux exemples.

C.F.

✓ Häfig - Sirazi
- Sirazi Müstihadatin Must

ديوان حافظ

(شمس الدين محمد الشيرازي المتوفى سنة ٧٩١هـ).

المولى دودي البسنوي المتوفى نحو سنة ١٠٠٠هـ

(كشف الظنون: ٧٨٣)

— شرح ديوان حافظ

حسين بن رستم الكفوي الرومي الحنفي . تولى

قضاء مكة المكرمة وتوفى سنة ١٠١٠هـ (هدية

العارفين ١: ٣٢١).

— شرح ديوان حافظ.

✓ مصطفى بن شعبان المعروف بسروري المتوفى

٩٦٩هـ (كشف الظنون: ٧٨٣)

— شرح ديوان حافظ

المولى شمعى المتوفى نحو سنة ١٠٠٠ (كشف

الظنون: ٧٨٣)

— شرح ديوان حافظ

24 ARA 2006

MADE IN ISLAM
SONKA (K) ON 10

475. HĀFEZ. *Dīvān*. Tadvīn-e doktor Salīm Neysārī. Enteshārāt-e Sīnānegār, 1377/1998, 622 p.

Le texte du *Dīvān* est précédé d'une introduction et de l'édition de la célèbre introduction attribuée à Golandām. Un deuxième volume est annoncé. Salīm Neysārī reprend ici ce qu'il a déjà publié : 1) Hāfez. *Ġazal-hā-ye Hāfez*, bar asās-e čhel-o se noshe-ye ḥaṭṭī-e sade-ye nohom. Tadvīn-e doktor Salīm Neysārī. Tehrān, 1371/1992, XXX-434 p. ; 2) Neysārī, Salīm. *Daftar-e digarsānī-hā dar ġazal-hā-ye Hāfez*. Bar-gerefte az čhel-o se noshe-ye ḥaṭṭī-e sade-ye nohom. Vol. 1. Moštamel bar digarsānī-hā-ye ġazal-hā-ye radīf-e ḥorūf : alef, bā, tā. Tehrān, Sorūš, 1373/1994, 306 p. ; 3) Neysārī, Salīm. *Moqaddame-ī bar tadvīn-e ġazal-hā-ye Hāfez*. Tehrān, 'Elmī, 1367/1988, X-237 p. Voir *Abs. Ir.*, 17-19, c.r. n° 710 et le présent volume, sur l'édition du *Dīvān* de Hāfez par Hāšem Jāvīd va Bahā' al-Dīn Ḥorramšāhī.

C.F.

Hafez, Sinā

18.10.99
87000

03 MART 2004

490. MOJTABĀ'Ī, Faṭḥollāh. « Bar ḥavāšī-e *Dīvān-e Ḥāfeẓ* », in : Moḥsen Bāqerzāde, éd., *Arj-nāme-ye Īraj*. Tehrān, vol. 1, 1377/1998, pp. 321-8.

Intéressant commentaire de quelques expressions hāféziennes et d'autres choses, à savoir : *lesān al-ḡeyb*, *asrār-e 'elm-e ḡeyb*, *qeṣṣe-ye parvāne va šam'*, *e'tebār*, *ḡūše-ye mo'ayyan-e čašm*, *kešeš va kūšeš*, *dowlat-e bī-ḥūn-e del*, *šāḥ-e nabāt*, *sābeqe-ye loṭf-e azal*, *qimat va hemmat*, *golgašt-e mošallā*. Sur le recueil *Arj-nāme-ye Īraj*, cf. *Abs. Ir.*, 20-21, c.r. n° 37.

C.F.

MADD2 YETERLİ DOKÜMAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

02 12 2000 2000

Hafiz-i Shirazi

496. NOWŠĀHĪ, 'Āref. « Majmū'e-ye *Laṭāyef* va *Safīne-ye Zārāyef*, manba'-i kohan dar še'r-e fārsī va ṣanāye'-e adabī ». *Ma'āref*, 16, 1 (1378/1999), pp. 51-65.

Cette *majmū'e* est l'œuvre de Seyf Jām Heravī, qui fut un contemporain de Ḥāfez. Or cette *majmū'e* contient une *qaṣīda* et 126 *ghazal-s* de Ḥāfez, que Naḍīr Aḥmad a publiés à Dehli en 1991 sous le titre de *Ghazal-hā-ye Ḥāfez bar asās-e majmū'e-ye Laṭāyef va safīne-ye zārāyef* (...), 200 p. C'était l'aboutissement de la recherche de Naḍīr Aḥmad, commencée avec son célèbre article paru dans *Indo-Iranica*, Calcutta, 1966, pp. 35-47 : « A very old source of Hafiz's Ghazals ». Seyf Jām avait composé sa *majmū'e* entre 762-3/1361-2 et 804/1401. Il la retoucha ensuite encore. Utilisant les deux manuscrits, de Kaboul et de Londres, le Prof. 'Ābedī a publié ce qu'on trouve d'autres poètes dans la *majmū'e*, dans *Bayāḍ*, 5 (1985), 1-20. Mais un manuscrit de Kaboul a échoué récemment à 'Alīgar (description p. 55), et c'est celui qu'utilise l'auteur. Aux pp. 56-58, liste des figures poétiques qui font l'objet du livre. Aux pp. 59-64, liste des auteurs auxquels le compositeur du livre a emprunté ses exemples de figures. Ainsi cet ouvrage des *Laṭāyef* est la troisième anthologie importante, après les *Lobāb al-albāb* de 'Owfi (vers 618/1221) et le *Mūnes al-aḥrār*, de Jāarmī (en 741/1340). Il est précieux en particulier à cause de son témoignage sur les poètes de son temps, dont bien sûr Ḥāfez.

C.F.

503. QEYŞARĪ, Ebrāhīm. « Yāddāšt-hā-ye Ġanī darbāre-ye Ḥāfeẓ », in : Moḥsen Bāqerzāde, éd., *Arj-nāme-ye Īraj*. Tehrān, vol. 1, 1377/1998, pp. 277-302.

Qāsem Ġanī (1316/1898-1370/1950), le savant collaborateur de Moḥammad Qazvīnī à l'édition critique du *Dīvān* de Ḥāfeẓ, a laissé de nombreuses notes personnelles, où l'on voit combien sa réflexion journalière était imprégnée des mots de Ḥāfeẓ. En exemple, l'auteur donne ses réflexions à la lecture d'Anatole France. C'est l'occasion de signaler ici la réédition des deux célèbres volumes de Ġanī : *Baḥt dar āṭār va afkār va aḥvāl-e Ḥāfeẓ*. Vol. I. *Tārīḥ-e 'aṣr-e Ḥāfeẓ*. Vol. II. *Tārīḥ-e taṣavvof dar eslām*. Entešārāt-e Zavvār, 1375/1996, LXVIII-490 + VIII-694 + 87 p., index. Sur le recueil *Arj-nāme-ye Īraj*, cf. *Abs. Ir.*, 20-21, c.r. n° 37.

C.F.

507. ŞADEQİ, 'Ali-Aşraf. « Bād-e šorṭe ». *Naşr-e Dāneš*, 16, 1 (1378/1999), pp. 48-55.

Ce syntagme, que l'on traduit habituellement par « vent propice », est bien connu par le célèbre *gazal* de Ḥāfeẓ (*Dīvān*, éd. Ḥānlārī, 5, 2). Un article de Qazvīnī qui fit date, repris par tous les commentateurs du poème, paru en 1326/1947, avait indiqué l'origine du mot *šorṭe*, un terme de marins qui naviguaient entre Golfe Persique et Océan Indien. L'auteur du présent article a pu amasser assez de témoignages pour montrer que le terme en question existait sûrement à l'époque sassanide, repris dans des textes arabes du 4^e h./10^e s., existant encore récemment dans des dialectes proches du *lārī*, le *komzārī* spécialement. Il est attesté là sous la forme *šartag*, où l'on reconnaît une dérivation du moyen-perse *šartag*, qui donne en persan *šartah* (où [ah] n'est représenté graphiquement que par *hā-ye āhar*). Parmi certains des textes arabes les plus anciens, le mot est écrit *šartā*, ce qui s'explique par la position finale de l'accent, qui entraîne l'allongement de la voyelle de la syllabe finale. L'auteur donne des exemples de faits semblables dans des mots moyen-perse passés en arabe, comme *Ā'in-nāmāh*. *Šartā* dérive donc de *šartah*; en poésie persane, on trouve cet allongement final quand le mètre l'exige, ainsi chez Sa'dī encore. Les dictionnaires anciens ont toujours vocalisé en /a/ la voyelle de la première syllabe, *šartah*. D'où vient la prononciation plus récente en *šorṭa*? Et d'où vient l'écriture avec la lettre *ṭā* au lieu de *te*? De l'Inde pour la première? De l'assimilation au mot arabe bien connu pour l'autre? Si, en dialecte, le mot a pu prendre le sens d'ouragan, l'ensemble des occurrences montrent que le sens courant est celui d'un vent modérément soutenu, voire calmé après l'ouragan.

C.F.

334. HÂFEZ. *Canzoniere*. A cura di Stefano Pellò e Gianroberto Scarcia, Milano, Ariele, lo scaffale di Mecenate, 2005, xxxii + 732 p. [italien-persan]

Deux événements remarquables viennent de bouleverser, à un an d'intervalle, la réception de Hâfez en Occident. Deux traductions intégrales du *Divân* paraissent presque simultanément, l'une en italien, l'autre en français. L'une et l'autre sont sans précédent dans leur langue respective, et renouvellent profondément l'approche du poète et de son œuvre. De la superbe traduction commentée de Charles-Henri de Fouchécour (Hâfez de Chiraz, *Le Divân. Œuvre lyrique d'un spirituel en Perse au XIV^e siècle*, Lagrasse, Verdier/poche), parue en 2006, le prochain numéro d'*Abs. Ir.* fournira un compte-rendu spécifique. Signalons toutefois qu'en dépit d'approches sensiblement différentes, les deux versions, française et italienne, partagent plus d'un point commun. En particulier, toutes deux se fondent sur l'édition du *Divân* par Parvîz Nâtel Hânlarî.

La traduction italienne à quatre mains de Stefano Pellò et Gianroberto Scarcia est, pour sa part, tout à fait exemplaire. La lecture du texte de Hâfez qu'elle illustre, justifiée

dans le paratexte, se fonde sur des prises de position nettes dans les grands débats que suscite son interprétation, tant en Iran que parmi les orientalistes. D'une part, les AA. se refusent à toute interprétation biographique de l'imagerie poétique : amour terrestre ou amour divin, il n'y a pas à choisir. Le texte présente avant tout une fiction littéraire qu'on chercherait en vain à réduire à une figure historique de l'auteur, pas plus libertin qu'il ne fut un « mystique » (les traducteurs, comme d'ailleurs Charles-Henri de Fouchécour, ne recourent à ce terme qu'avec la plus grande prudence, et entre parenthèses). Le trope de prédilection de Hâfez est justement l'amphibologie, ambivalence constitutive du texte qui désamorce les velléités de littéralisme. Le choix d'une approche strictement littéraire, qui voit dans les motifs du poème non pas un référent, mais un intertexte, permet de conclure sur ce point que « le mysticisme peut être considéré comme une fonction stylistique fondamentale du *ghazal* hafezien ». Grands connaisseurs de la poétique persane, les traducteurs insistent en revanche sur l'inscription de Hâfez dans la tradition poétique qui le précède et sur le contexte curial de sa production. D'autre part, la « question hafezienne » de l'unité des *ghazal* soulevée par la réception orientaliste depuis Sir William Jones est clairement tranchée : les traducteurs sont les tenants d'une cohérence interne du texte poétique, qu'ils veulent rendre sensible dans leur traduction. Le texte italien, en vers libres, vise la lisibilité. Les collaborateurs ont opté pour une langue italienne vivante, rétive aux contorsions imposées par tout asservissement littéraliste au texte persan. Ils s'efforcent en outre de préserver le potentiel évocateur du texte, et d'en élucider le « symbolisme chiffré » sans l'alourdir de paraphrase.

Un texte aéré, un appareil critique clair et explicatif sans prolixité (préface de G. Scarcia ; notes, glossaire des motifs récurrents, et introduction en trois temps portant sur la biographie et la transmission du texte, la tradition du *ghazal* persan, puis le soufisme et le sens du *Divân* par S. Pellò), font de cette édition bilingue un outil de référence tant pour le grand public que pour l'étudiant ou le chercheur, et facilite l'accès du public italien au texte du contemporain persan de Pétrarque. Une parution à saluer pour son audace et sa qualité.

J.L.

ABSTRACTA IRANICA: Supplement a la Revue Studia Iranica,

vol..XXVIII, 2005 TAHRAN. pp. 198-199 .

05 KASIM 2009

323. JAVADI, Hasan. *Persian Literary Influence on English Literature: With Special Reference to the Nineteenth Century*. Costa Mesa, Mazda Publishers, 2005, xiii + 254 p. (Bibliotheca Iranica, Literature Series, 8)

This work, begun as a Cambridge dissertation under A. J. Arberry, surveys the English encounter and literary adaptation of Persia and Persian literature through the 19th century, highlighting the specifically Persianate contribution to orientalism in Europe. This 2nd edition, with new preface (first published Calcutta, Iran Society, 1983), makes the work accessible to a wider audience, and fills a needed gap by drawing together in one place information that had been scattered in several solid, but now dated works of scholarship (Conant, *The Oriental Tale in England*, 1908; Chew, *The Crescent and the Rose*, 1937; Gail, *Persia and the Victorians*, 1951). Javadi adds some discoveries of his own gleaned from manuscript works (Persian and English) held by the British Museum, and punctuates his narrative with judiciously chosen quotations that illustrate the style and tenor of the works under discussion. Chapter one (pp. 1-47) recovers the early image of Persia in England up to the last quarter of the 18th century, drawing upon travel narratives, Elizabethan drama, poems and scholarship. The focus of Chapter two (pp. 48-71) is the impact of William Jones and other scholars of the late 18th/early 19th century on the Romantic movement. The rediscovery of the neglected role of Dr. John Leyden (1775-1811) is a particularly important contribution to the survey (pp. 59-63). Chapters three (pp. 72-107) and four (pp. 108-36) cover the Romantic writers and poets and 19th century travelers, with a special focus on James Morier. Chapter five (pp. 137-208) considers the poetic translations and imitations of Ferdowsi, the Sufi poets, Ḥayyām, Sa'di and Ḥāfez. A selection of black and white illustrations precedes the bibliography and index. Various individuals or aspects of this study have been treated elsewhere at greater length (D. Metlitzki on Islamica in medieval England; Sir D. Ross on Anglo-Persian interchanges; J. Yohannan on literary influences in the 20th century, and H. Johnston on James Morier), but Javadi's excellent overview of the topic will serve as a useful reference for scholars of Persian, English, and Comparative Literature, as well as the general reader.

R.L.

Ömer Hayyâm
-Sadiq-i Shirazi
-Ömer Hayyâm
-Firdowsi
-Hafiz-i Shirazi

MADE YATIMLANDIRICI
SOMPA CRI PR

ساساکی، آیانو

۱۳۹۵-۸۲ سیمای جامعه و نقد اجتماعی

در شعر حافظ، مقطع دکتری، دانشگاه: تهران،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۳۵۹ص، فارسی،

منابع: ۳۸۶-۳۹۵ و به صورت زیرنویس، استاد راهنما:

محسن ابوالقاسمی؛ استاد مشاور: تقی پورنامداریان؛

محمدرضا شفیعی کدکنی، تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: P۱۳۵۷۷ Hefz, Smgr

نقد اجتماعی؛ بررسی عصر حافظ (ادبیات)

۹ کوششی برای روشن سازی جنبه‌های حیات اجتماعی در عصر حافظ و تبیین دیدگاه‌های جامعه‌شناختی این شاعر در ضمن سروده‌ها و غزلیات اوست. نویسنده ابتدا زندگانی مردم در عصر حافظ را می‌کاود و خلاصه‌ای از تاریخ ادبیات مربوط به حافظ و جریان صوفی‌گری در آن عصر را تشریح می‌کند. آنگاه به اوضاع ادبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر حافظ و هم‌عصران وی - از متفکران زمان تیموریان - می‌پردازد و نمادهای مختلف اجتماعی آن روزگار مانند آداب و رسوم زندگی از قبیل ادوات صرف غذا، ظروف، البسه، آلات موسیقی و بازی و همچنین واژه خرابات را مورد مطالعه تاریخی قرار می‌دهد. نگارنده بر این باور است که قضاوت نهایی در مورد افکار جامعه‌شناختی حافظ مشکل است زیرا وی در زمانی می‌زیسته که عوام‌فریبی و ریاکاری بر جامعه حاکم بوده است. از این رو حافظ بر اثر فشارهای وارد از سوی اجتماع خویش علی‌رغم بی‌زاری از این امور، نتوانسته است تصویری واضح از جامعه خود ارائه دهد ولی رندانه به بعضی از آنها اشاره می‌کند که با فهم دقیق می‌توان به آنها پی برد.

MASTAN KUTUB KHANAH
SONOMA KUTUB KHANAH

22 EKIM 2008

موسایی باغستانی

۶۶۸ - سنتهای ادبی در شعر سعدی و

حافظ و مقایسه آن با سنتهای ادبی سبک

خراسان، مقطع دکتری، دانشگاه: تهران، دانشکده

ادبیات و علوم انسانی، ع + هشت + ۴۲۳ ص، فارسی،

منابع: ۴۲۲-۴۲۳، استاد راهنما: اسماعیل حاکمی؛

استاد مشاور: جلیل تجلیل؛ مظاهر مصفا. - ۵۰۱۲۰ -

کد پارسا: P10318 - ۱۳۹۲ - ۱ - ۱۱۴۱۲ -

سنتهای ادبی؛ سبکهای ادبی

۱ یکی از سنتهای ادبی فارسی، سنگدلی

معشوق، بی‌وفایی و بی‌اعتنایی او به عاشق و وفاداری،

جانبازی و خاکساری عاشق است. در این رساله

سنتهای مذکور در هفت فصل و با ارائه شواهدی از

حافظ و سعدی بیان شده است. نویسنده در آغاز هر

فصل خلاصه‌ای از مطالب آن را ذکر کرده و میان

سبک عراقی و سبک خراسانی به مقایسه

پرداخته است.

جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۷۸)
۳۶۷- «دشواری تحقیق در طرز تفکر
حافظ». سه شاعر (سعدی، حافظ،

نظامی) (شماره ۳۶۸)، ص ۴۵-۸۹
کد پارسا: ۱۳۸۲۶ G
Hafiz - Sayyid Gharib
حافظ - مبانی فکری

۱ عوامل دشواری فهم اندیشه‌های حافظ را
بیان کرده است. به نظر مؤلف، زیبایی بی حد بیان
حافظ چنان در آثارش جلوه‌گری می‌شود که افکار وی
را می‌پوشاند. بینش گسترده حافظ و جهان بینی لایه
لایه او باعث می‌شود احاطه بر آرا نهایی وی میسر
نگردد. مؤلف در نهایت سعی در معرفی حافظ به وسیله
اشعارش نموده است و نمونه‌هایی از تناقضات ظاهری
در گفتار وی را بیان کرده و توجیه می‌نماید.

جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۷۸)
۳۶۸- سه شاعر (سعدی، حافظ،

نظامی)، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه
جعفری، چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، ۳۰۸ ص، فارسی،
وزیری (شمیز)، بها: ۹۳۰۰ ریال، فهرس: آیات،
احادیث، منابع: ۳۰۷-۳۰۸.

شابک: ۹۶۴-۹۰۶۴۲-۷-۳

کنگره: PIR۳۵۴۴/JVS۹

کد پارسا: ۵۴۰۳۳۰

مقالات این مجموعه: تلاقی حکمت و ادب در آثار
سعدی، ۱۱-۴۳: دشواری تحقیق در طرز تفکر حافظ،
۴۵-۸۹: حکمت، عرفان و اخلاق در شعر نظامی-
گنجوی، ۹۱-۲۹۶

نظامی گنجوی - دیدگاه‌ها - بررسی‌ها؛

حافظ - دیدگاه‌ها؛ سعدی، شیخ مصلح الدین -

دیدگاه‌ها - بررسی‌ها

جنتی فر، محمد

فراکزلو، محمد(۱۳۳۸ -)

۴۰۵- شصوهی شهر آشوبی: ده رساله
عرفانی، فلسفی و سیاسی در شناخت منش
و کنش شعر، اندیشه و زندگی حافظ

شیرازی، تهران: ایران جام، چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه،

ز ۲۸۰+ ص، فارسی، رقی (شمیز)، بها: ۱۸۰۰۰ ریال،

کتابنامه: ۲۳۰-۲۵۸، قهارس: اعلام، منابع: ۲۶۰-۲۶۶.

شابک: ۹۶۴-۹۱۴۴۹-۹-۴

کنگره: PIR۵۴۳۵/GH۳۷SH۹

کد پارسا: ۴۴۵-۵۴
عنوان به لاتین:

Shivi-yi Shahr Āshūbī

مقالات این مجموعه: یک فروغ رخ ساقی، شرح اندیشه

وحدت وجود در بیتی از حافظ، ۶۹-۹۲؛ پیر، در شعر و

اندیشه حافظ و اکابر عرفان اسلامی، ۹۳-۱۲۶؛ آینه

جام، شرح عرفانی غزلی از سلمان ساوجی به شهادت

غزلی همسان و همنواز از حافظ شیرازی، ۱۵۹-۱۸۰

حافظ - میانی فکری؛ حافظ - زندگی نامه

ده مقاله عرفانی، فلسفی و سیاسی پیرامون منش

و کنش، شعر، اندیشه و زندگی حافظ و تطبیق مفاهیم

سیاسی و اجتماعی روز با اشعار و آرای وی است.

نویسنده در مقدمه، حافظ را شاعری سیاسی می داند

که اعتقاد عمیقی به عدالت اجتماعی و تساهل و

تسامح دارد. نویسنده هر چند حافظ را در حوزه کلام،

اشعری می داند اما وی را مرید و دوستدار اهل بیت

(ع)، به ویژه علی (ع) معرفی می نماید. اهم موضوعات

کتاب عبارت انداز: زیبا شناسی طنز حافظ، مشکلات

امنیتی حافظ، وحدت وجود در شعر حافظ، حافظ و

پیر طریقت، از گنج تا شیراز، آینه جام، ارتباط

حافظ با عطار، عراقی و عبید.

بجای، قاهره، ۱۳۸۰/ق/۱۹۶۰م؛ ابن عبدالحکم، عبدالرحمان، فتوح مصر و اخبارها، به کوشش توری، لیدن، ۱۹۲۰م؛ ابن فرضی، عبدالله، تاریخ علماء الاندلس، به کوشش ابراهیم ایباری، بیروت/قاهره، ۱۹۸۹/ق/۱۴۱۰م؛ ابن قانع، عبدالباقی، معجم الصحابة، به کوشش صلاح مصراتی، مدینه، ۱۴۱۸/ق؛ ابن قتیبہ، عبدالله، المعارف، به کوشش ثروت عکاشہ، قاهره، ۱۹۶۹م؛ ابن هشام، عبدالملک، سيرة النبی (ص)، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، المكتبة التجارية؛ ابوزرعہ دمشقی، عبدالرحمان، تاریخ، به کوشش شکرالله قوجانی، دمشق، ۱۹۸۰/ق/۱۴۰۰م؛ ابوعبید قاسم بن سلام، الامثال، به کوشش عبدالحمید قطامش، دمشق/بیروت، ۱۹۸۰/ق/۱۴۰۰م؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، قاهره، دارالکتب المصریہ؛ ابونعیم اصفهانی، احمد، معرفة الصحابة، به کوشش محمد حسن اسماعیل و عبدالحمید سعدنی، بیروت، ۱۴۲۲/ق/۲۰۰۲م؛ ابوهلال عسکری، حسن، الاوائل، به کوشش محمد سید وکیل، طنطا، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۷م؛ همو، جمهرة الامثال، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم و عبدالحمید قطامش، بیروت، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م؛ احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (ص)، تهران، ۱۴۱۹/ق؛ بخاری، محمد، التاريخ الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیہ؛ همو، صحیح، استانبول، دارالطباعة العامرة؛ بسوی، یعقوب، المعرفة و التاريخ، به کوشش اکرم ضیاء عمری، بغداد، ۱۹۷۶/ق/۱۳۹۶م؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش محمد حمیدالله، قاهره، ۱۹۵۹م؛ جاحظ، عمرو، البيان و التبيين، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۱/ق/۱۹۶۱م؛ حمیدی، محمد، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء الاندلس، به کوشش ابراهیم ایباری، بیروت/قاهره، ۱۴۱۰/ق/۱۹۸۹م؛ خلیفة بن خیاط، تاریخ، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۰م؛ ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعيب ارزووط، بیروت، ۱۴۰۲/ق/۱۹۸۲م؛ سدوسی، مؤرخ، حذف من نسب قریش، به کوشش صلاح الدین منجد، بیروت، ۱۳۹۶/ق/۱۹۷۶م؛ صالحی، محمد، سبل الهدی و الرشاد، به کوشش فهیم محمد شلتوت و جوده عبدالرحمان هلال، قاهره، ۱۴۰۴/ق/۱۹۸۳م؛ صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، به کوشش حبيب الرحمن اعظمی، بیروت، ۱۴۰۳/ق/۱۹۸۳م؛ طبری، تاریخ؛ همو، تفسیر؛ طوسی، محمد، الامالی، قم، ۱۴۱۴/ق؛ همو، التبيان، به کوشش احمد حبيب قصير عاملي، قم، ۱۴۰۹/ق؛ عروة بن زبیر، معازی رسول الله (ص)، به کوشش محمد مصطفى اعظمی، ریاض، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۷م؛ قرآن کریم؛ قلفشندی، احمد، صبح الاغنى، قاهره، المؤسسة المصرية العامة؛ کلی، هشام، نسب معد واليمن الكبير، به کوشش ناجی حسن، بیروت، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸م؛ مزی، یوسف، تهذيب الكمال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۱۳/ق/۱۹۹۲م؛ مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، بیروت، مؤسسة عزالدین؛ مفید، محمد، الارشاد، قم، ۱۴۱۳/ق؛ موسی بن عقبه، المغازی، به کوشش محمد باقشیش ابومالک، ریاض، ۱۹۹۴م؛ میدانی، احمد، مجمع الامثال، بیروت، ۱۴۱۵/ق/۱۹۹۵م؛ واقدی، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جوتز، لندن، ۱۹۶۶م؛ نیز:

Caetani, L., *Annali dell'Islam*, Milano, 1907; Watt, W. M., *Muhammad at Medina*, Oxford, 1956.
علی بهرامیان

حافظ، نک: حفظ.

حافظ، یکی از بزرگترین شاعران زبان پارسی که شاید بتوان او را بزرگترین غزلسرای این زبان دانست. غزل فارسی در سده های ۶-۷/ق-۱۲-۱۳م با شاعرانی چون عطار، مولوی و سعدی، با مضامین عارفانه و عاشقانه به کمال خود رسید، ولی غزلهای حافظ دارای خاصیت و کیفیت دیگری است، و همچون آیینهای است که هر پارسی زبان آرزوها و امیدها و غمها و شادیهای خود را در آن می بیند، و از همین رو ست که تنها و تنها با دیوان او از دیرباز دوستاران شعر او فال می گرفته اند و حتی

ثروتی کلان اندوخت (ابن سعد، ۱۱۴/۳-۱۱۵؛ ابن قتیبہ، ۳۱۸؛ ذهبی، ۴۳/۲، ۴۵؛ نیز نک: صنعانی، ۲۰۷/۸؛ درباره غلام او، نک: واقدی، ۱۰۵/۱)، چنان که مهارت و بصیرت او در تجارت ضرب المثل شده بود (نک: ابوعبید، ۲۶۷؛ ابوهلال، جمهرة ...، ۵۷۷/۱-۵۷۸؛ میدانی، ۵۴۷/۱). همچنین گفته اند او نخستین کسی بود که برای مکه دروازه های ساخت (ابوهلال، الاوائل، ۵۶؛ قلفشندی، ۴۲۶/۱).
حاطب در ۶۵ یا ۷۰ سالگی درگذشت و خلیفه عثمان بر جنازه او نماز گزارد (خلیفه، ۱۷۱/۱، ۱۷۵؛ ابن سعد، ۱۱۴/۳؛ بلاذری، ۲۰۲/۱؛ ابونعیم، ۳۲/۲؛ ابن حجر، ۱۶۸/۲).

فرزند حاطب، به نام عبدالرحمان، نیز مشهور است که از پدرش روایت می کرد (ابن قتیبہ، همانجا؛ ابن ابی حاتم، ۳۰۳/۲)؛ ابن حجر، همانجا. او در زمان پیامبر (ص) به دنیا آمد (ابن سعد، ۶۴/۵؛ ذهبی، ۴۵/۲) و در ایام محاصره خانه عثمان، از همراهان وی بود (ابن شیبہ، ۱۲۸/۴؛ درباره نامه همسر عثمان از طریق عبدالرحمان به معاویه، نک: ابوالفرج، ۳۲۵/۱۶). گرچه در روایتی، او را در شمار کشتگان واقعه حرّه که در ۶۳ ق روی داد (نک: ه د، حره) آورده اند (نک: بسوی، ۳۲۹/۳)، اما بنابر روایات دیگر، مرگ عبدالرحمان بن حاطب در ۶۸ ق اتفاق افتاد (ابن سعد، ابن قتیبہ، همانجاها؛ نیز نک: مزی، ۴۶/۱۷، ۴۷)، بنابراین، به احتمال بسیار میان او و شخصیت دیگری خلط شده است.

عبدالرحمان فرزندی به نام یحیی (د ۱۰۴ ق) داشت که از طریق پدرش از حاطب، و عبدالله بن زبیر و ... روایت می کرد (بخاری، التاريخ ...، ۲۸۹/۲)؛ ابوزرعہ، همانجا؛ ابن قانع، ۱۵۵/۲، ۱۶۰؛ در خصوص او، نک: مزی، ۴۳۷-۴۳۵/۳۱؛ برای روایتی منقول از فرزند دیگر عبدالرحمان، نک: طوسی، الامالی، ۱۲۷).

در برخی مآخذ، از فرزند دیگر حاطب به نام محمد، نام برده اند (نک: ابوالفرج، ۱۲۵/۱۸؛ مزی، ۲۴۲/۱۰، ۴۶/۱۷)، اما نباید او را با محمد بن حاطب، فرزند یکی دیگر از اصحاب (ابن حبيب، المنق، ۳۸۵؛ ابوزرعہ، ۵۷۷/۱) اشتباه کرد. حاطب در مدینه بازماندگان دیگری نیز داشت (ابن سعد، ۱۱۵/۳؛ ابن قتیبہ، همانجا) و گویا خانواده بزرگی محسوب می شدند (جاحظ، ۹۱/۴)؛ چندان که می توان سراغ برخی از ایشان را در اندلس گرفت (نک: ابن فرضی، ۲۷۹/۱؛ حمیدی، ۳۵۸/۱؛ نیز نک: ابن حزم، ۴۲۳).

مآخذ: ابن ابی حاتم، عبدالرحمان، الجرح و التعديل، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۱/ق/۱۹۵۲م؛ ابن اثیر، علی، اسد الغابة، به کوشش محمد ابراهیم بنا و دیگران، قاهره، ۱۹۷۰م؛ ابن حبيب، محمد، المسحیر، به کوشش ایلزه لیشتن اشتر، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۱/ق/۱۹۴۲م؛ همو، المنق، به کوشش خورشید احمد فاروق، بیروت، ۱۴۰۵/ق/۱۹۸۵م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذيب التهذيب، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۵/ق/۱۹۰۷م؛ ابن حزم، علی، جمهرة انساب العرب، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲/ق/۱۹۶۲م؛ ابن زنجویه، حمید، الاموال، به کوشش شاکر ذیب فیاض، ریاض، ۱۴۰۶/ق/۱۹۸۶م؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر؛ ابن شیبہ، عمر، تاریخ المدینة المنورة، به کوشش فهیم محمد شلتوت، بیروت، ۱۴۱۰/ق/۱۹۹۰م؛ ابن عبدالبر، یوسف، الاستيعاب، به کوشش علی محمد

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد نوزدهم، تهران، ۱۳۹۰

- 2355 SEDARAT, Roger & [HĀFIZ, Shams al-Dīn Muḥammad]. Four poems. *World Literature Today*, 84 v (2010) pp.22-23. [Two ghazals by Hafiz translated into English, & two poems by Sedarat inspired by them.]

- 2784 LOEWEN, Arley. Longing for home, but how to get there? The poet Hafiz and the 'problem of the heart'. *Images of Afghanistan: exploring Afghan culture through art and literature*. Ed. Arley Loewen and Josette McMichael. Oxford & New York: Oxford University Press, 2010, pp.182-190.

- 2781 KIA, Ali Asghar & SAGHE'I, Saeed. The communicative roles of Saba the Wind in Hafez's poetry. *Middle East Media Educator*, 1 (2011) pp.92-100.

The Divan of Hafiz

by. Walir Ahmadi

Hafiz Shirazi 080192



Shams al-Din Muhammad Hafiz (nickname: Khwaja, or nobleman; surname: Hafiz, or the one who has memorized the Holy Quran) was born in the city of Shiraz (in the present-day province of Fars in Iran), probably in 1326 or 1327. He died there in 1389 or 1390. In his youth, the future poet received specialized training from the leading teachers and scholars of the city. A superb student, he concentrated on Quranic studies and theology, philosophy, music, the natural sciences, and poetics. Hafiz won the support of powerful characters at successive local courts in Shiraz and wrote a number of panegyrics in praise of regional rulers. In his *divan*, or collected poems, (spelled with a v for Persian pronunciation) are a number of allusions and references to historical figures and incidents. An acknowledged master of the intricacies of the Persian language, Hafiz produced harmonic melodies that demonstrate the subtlety and sophistication of his thoughts and sensibilities and that have few, if any, rivals in the entire tradition of Persian poetry. His poetry also shows that Hafiz had a strong predilection for philosophy. He was well informed about the intellectual trends of his day, and his own ideas challenge the contours of conventional thought about the essence of love, life, society, justice, and the purpose of human existence. Hafiz mainly wrote *ghazals* (sonnet-like poems of between five and fifteen couplets, in which each couplet is composed of two lines with a rhyme pattern *aa*, *ba*, *ca*, and so forth). It has been argued that each individual verse in a *ghazal* should convey a complete thought, and that just as the string of pearls on a thread makes a neck-

THE LITERARY WORK

The collected poems of Hafiz of Shiraz compiled in the alphabetical order of the final letters of the various end-rhymes; composed in fourteenth-century Persia; published in English in 1891.

SYNOPSIS

A collection of numerous multilayered poems, the *Divan* consists primarily of sonnet-like verses (*ghazals*), quatrains (*rubais*), and a few miscellaneous odes (*qasidas*) and fragments (*qit'as*). Strong mystical themes abound, along with social criticism and philosophical and intellectual insights.

lace, the combination of independent verses produces a *ghazal*. Conventionally, as in Hafiz's poems, the poet mentions his penname (*takhallus*) in the final verse (*maqta*). Many individual couplets of Hafiz's *ghazals* have become notable aphorisms over time, leading to the contention that Hafiz's *ghazals* possess some disparate couplets with independent meaning and thus lack coherence and overall thematic unity. A closer look at his *divan* indicates some truth to this assertion, yet often there is also a loose thematic unity that binds the individual couplets of each of Hafiz's *ghazals*. We know almost nothing of his life outside his poetry, which has given rise to the tendency to extract biographical information from his *ghazals*.

as the practical side has so far been blurred in many countries. Malaysia had to intervene politically and took away the jurisdiction of the High Court when *Shari'ah* issues were referred to some court cases and placed it in the hands of the *Shari'ah* Advisory Council of the Bank Negara. This shows that the problem is not only regulatory, but also to do with implementing Islamic finance via the court. The question is whether Australia will adopt a new approach if it wants to play a major role in that emerging region?

Chapter nine lays down a good foundation for analysing the dichotomy between Australian law and the *Shari'ah*. The author also provides some solutions to resolve differences so that the products are implementable. Then in chapter ten the author shifts the debate to the UK regulatory framework. As the book was published in 2009, it is to be noted that the FSA has now been dismantled and replaced by the FCA and the PRA. This is known as the Two-Peak system introduced in 6 April 2013. The chapter inclines towards some taxation issues and does not engage fully with the other problems that still need to be resolved in UK. There are many barriers that need to be overcome in UK other than the question of taxation.

The book is well-structured and is highly recommended for newcomers to Islamic finance as it provides insightful approaches to Islamic finance within the Australian jurisdiction. However, there are still many aspects of Islamic finance that need to be considered in exploring its applicability and enforceability in a given jurisdiction.

Markfield Institute of Higher Education

Faizal Ahmad Manjoo

03 May 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Sufism and Philosophy

Hafiz-i Shirazi
080132

HAFIZ AND THE RELIGION OF LOVE IN CLASSICAL PERSIAN POETRY. Edited by Leonard Lewisohn. London; New York, I.B. Tauris in association with Iran Heritage Foundation. 2010. (International Library of Iranian Studies; 25). ISBN: 9781848852242.

rev. Muhammad Isa Waley

Admired by anyone who knows the Persian language, and cherished – and quoted daily – by millions, Shams al-Dīn Muḥammad Ḥāfiz, poetic genius of Shiraz, remains a source of contention. We know so very little about his personal life. Is this master of lyricism and ambiguity an ultra-cultivated voice of Sufi doctrines in which the intoxication of wine symbolises mystical cognition of the One Reality? Or is he the poet laureate of sophisticated, non-figurative, wine-drinking combined with a reprobate's "devil may care" strain of mysticism?

Both views are represented with eloquence and erudition in *Hafiz and the Religion of Love*, which is based on the proceedings of a conference held at Exeter University. The main theme is enunciated in the title. Some contributors contend that the *Divān* (collected verse) of Ḥāfiz represents the literary culmination of a tradition within Islam known as the *madhhab-i 'ishq* or "school of love". According to Iran's distinguished scholar and broadcaster Husayn Ilahi-Ghomshei, this line of Sufis can be traced back to the controversial figure of al-Ḥallāj, by way of such luminaries as Ibn al-'Arabī and Ibn al-Fāriḍ in the Arab world and 'Ayn al-Qudāt, Sanā'ī, 'Attār – and even Niẓāmī – in the Persianate domain (and Aḥmad Ghazālī and 'Irāqī surely also belong in this company).

In an elegant introduction, the last product of a lifetime devoted to the study of Muslim-era Iran and its culture, the late Peter Avery blends personal reminiscences with reflections on a number of salient qualities of Ḥāfiz's poems, including besides the often multiple layers of significance, a recurrence of themes and images recalling analogous to arabesques, and 'the still loveliness of the miniature, translated into the movement and rhythms of poetry.' This is followed by a helpful overview, by the editor, Leonard Lewisohn, of the contents of the volume, which is divided into four parts.

Part I, "Hafiz in the Socio-Historical, Literary and Mystical Milieu of Medieval Persia," comprises two impressively wide-ranging "prolegomena" or overviews by the editor. The first situates our poet in historical and social

- 3493 GONZALO CARBÓ, Antoni. El ojo, el velo y el espejo en la poesía mística de Hāfez. *Boletín de la Sociedad Española de Iranología (SEI)*, 1 (2010) pp.101-114.

Hafiz-i Shirazi
080132

- 3487 ANUSHIRAVANI, Alireza & ATASHI, Laleh. Cultural translation: a critical analysis of William Jones's translation of Hafez. *Persian Literary Studies Journal*, 1 i (2012) pp.41-58. [Freely available online.]

Hafiz-i Shirazi

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

15653 GONZALO CARBÓ, Antoni. El ojo, el velo y el espejo
Hafiz-i Shirazi en la poesía mística de Hāfez. *Boletín de la Sociedad
080132 Española de Iranología (SEI)*, 1 (2010) pp.101-114.
15654 GONZALO CARBÓ, Antoni. El ojo, el velo y el espejo

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

15639 ANUSHIRAVANI, Alireza & ATASHI, Laleh. Hafiz-i Shirazi
Cultural translation: a critical analysis of William
Jones's translation of Hafez. *Persian Literary Studies*
Journal, 1 i (2012) pp.41-58. [Freely available
080132 online.]

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

28 Aralık 2014

080192 HÂFİZ-ı ŞÎRÂZÎ

İSMET VERÇİN, *Hafız divanında yer alan ilk
gazel üzerinde bir açıklama Hermeneutiği
uygulaması*, Ankara Üniversitesi, Yüksek Lisans,
2006

5107 4230 / 1

ADDE YAYIMLANDIKTAN
MIRA GELEN DOKÜMAN

- 2837 FERDOWSI, Ali. The "emblem of the manifestation of the Iranian spirit": Hafiz and the rise of the national cult of Persian poetry. *Iranian Studies*, 41 v (2008) pp.667-691. (This sacralization began with E.G. Browne in 1902 but reached its definitive formulation in Abd al-Hosein Hazhir's monograph *Hafiz-tashrih* in 1928.)

080192
Hafiz
(iran)

-
- ¹ MEHMET TAHA AYAR, Hâfız-ı Şîrâzî'nin bazı gazellerine şerh tekniği açısından Sûdî ve Konevî'nin yaklaşım tarzları, İstanbul Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2007

1850. GLASSEN, Erika. The reception of Hafiz: textual transmission in a historical perspective. *Literatur und Gesellschaft: kleine Schriften von Erika Glassen zur türkischen Literaturgeschichte und zum Kulturwandel in der modernen Türkei*. Hrsg. Jens Peter Laut unter mitarbeit von Barbara Pusch. Würzburg: Ergon Verlag Würzburg in Kommission, 2014, (Istanbuler Texte und Studien, 31), pp. 99-107. Originally published as: Glassen, Erika 1991. "The reception of Hafiz: textual transmission in a historical perspective". In: *Intoxication, earthly and heavenly. Seven studies on the poet Hafiz of Shiraz*, ed. Michael Glünz und J. Christoph Bürgel, Bern, Frankfurt a.M., New York, Paris: Peter Lang Verlag (Schweizer Asiatische Studien/Studienhefte, 12), 41-52.

Hafiz-i Shirazi
080132

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 4519 MOSAZADEH-SAYADMAHALEH, Fatemeh,
ESMAEILZADEH-ESTAKHRBIJAR, Yusef & Hafiz-r S maps
BIBALANI, Ghassem Habibi. Roles of cypress in
poems by Hafez. *International Journal of Academic Research (IJAR)*, 3 i (2011) pp. 322-327. 080182

28 Temmuz 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN

SINIF 99/01/2006/11/11

- 4517 MOSAZADEH-SAYADMAHALEH, Fatemeh,
ESMAELZADEH-ESTAKHRBIJAR, Yusef &
BIBALANI, Ghassem Habibi. Application of Judas
tree (*Cercis siliquastrum*) in poems by Hafez.
International Journal of Academic Research (IJAR),
3 i (2011) pp. 1000-1005.

Hafiz-i
080192

28 Temmuz 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 4521 MOSAZADEH-SAYADMAHALEH, Fatemeh,
ESMAEILZADEH-ESTAKHRBIJAR, Yusef &
BIBALANI, Ghassem Habibi. Simile and metaphor
of daffodil (Narcissus spp.) in poems by Hafez .
International Journal of Academic Research (IJAR),
3 i (2011) pp. 672-678.

Hafiz-1 Sıray
080192

- 4522 MOSAZADEH-SAYADMAHALEH, Fatemeh,
ESMAEILZADEH-ESTAKHRBIJAR, Yusef &
BIBALANI, Ghassem Habibi. Study on application
of Viola odorata in poems by Hafez. *International
Journal of Academic Research (IJAR)*, 3 i (2011)
pp. 994-999.

7 8 Temmuz 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 4219 CHAMLOU, Laurence. La présentation de Hâfez par Michael Hillmann. *Figures pionnières de l'orientalisme: convergences européennes. Monde anglophone, Europe centrale et orientale*. Ed. Isabelle Gadoin, Ziva Vesel. Bures-sur-Yvette: Groupe d'Études pour la Civilisation du Moyen-Orient, 2011, (Res Orientales, 20), pp. 45-53. Focuses on Hillmann's *Unity in the ghazals of Hâfez* (Minneapolis, 1976). Abstract(s): English.

Hafiz
080132

21 Ocak 2016